

جان بیور

تلی شیطون

زندگی تو آزادی

ا تله کشنده

رنجش و لغزش

بالای شیش میلیون دونه ی کتاب تو سرتاسر جهون

دوستون عزیز

این پیغوم به احتمال زیاد مهمترین رودرویین که تو طول عمر خوتون با حقیقت توهن. مشا با اطمینون اگم، نه بی ای که بی اینان امنوشتن، بی چه که محض موضوع داره اگوم. ای پیغوم آ آسمون؛ مو شخصا باور امهن بی ای نوم مو رو کتابن ، که مو اولین خوانندش بوم. مساله رنجش که موضوع اصلی کتاب تلی شیطونن، خیلی وختون یکی آ سختترین موانعون و گول زنکترین تله انین که باد باش رودرو ابیم و برش پیروز ابیم.

ده سال آ نشر ای کتاب اگزری و بالای شیش میلیون دون ا ای کتاب تو سراسر جهون به فروش رن. تالان قسمون بی شماری آ کنج و ماکنج جهون موهن که چطو ای پیغومه تو زندگیون لمس شکین، بی مردم آ اسیری آزاد اشکه و بی افراد نیرو اشبخشی تا پنگون دشمن دفع اکونن و به طری بخترینونی که خدا برشون اشخاستن، آزدونه اشن.

الان خدا با صراحت تو قلبم اشنهان که باد پی رهبرون قدیمی و جدید تو سراسر دنیا ایم و بی نشونه، آ رو محبتم برشون، ی دونی آ ای کتاب سوغات شادوم تا اوناام اتونن به دگرون کمک اکونن تا اپا بن و زنجیرون اسیری بپوکونن.

دوستون، موقعی خدا ای پیغومه بی مُ اشبخشی، زندگیم اساسی آ ای رو ب آ رو گه. دعا اکنم موقعی که حقیقتونی که تو ای کتابن جست جار اکونین، زندگیتون آ ای رو به آ رو ابو. شوق امن اشنوم ای پیغوم چیطو بی زندگیتون و افرادونی که برشون خزمت اکنین، اثر اشهشتن.



جان بیور

JohnBevere@ymail.com


MessengerX



 **Messenger**
INTERNATIONAL

جان بیور

تلی شیطون

زندگی تو آزادی

ا تله کشنده

رنجش و لغزش

The Bait of Satan by John Bevere, Achomi

© 2025 Messenger International

MessengerInternational.org

Originally published in English as The Bait of Satan

Additional resources in Ashami by John and Lisa Bevere are

available for free download and video streaming at:

MessengerX.com and on the **MessengerX** App.

To contact the author: JohnBevere@ymail.com

This book is a gift from Messenger International and is NOT FOR SALE

تله شیطان، نوشته جان بیور، نسخه (اشمی)

© 2025 Messenger International

MessengerInternational.org

The Bait of Satan عنوان به زیون انگلیسی:

منابع دگه‌ای ا جان و لیزا بیور اتونین به زیون (اشمی) و بطو مفت ا طری اپلیکیشن

و همیطو آدرس زیر دانلود یا ابینین: **MessengerX**

MessengerX.com

رای ارتباطی با نویسندہ ا طری ایمیل زیر:

Johnbevere@ymail.com



ای کتاب هدیه ای ا طری موسسه جهونی مسنجرن و نیبو افروشی.

عمیقترین سپاسونوم تقدیم ٲی:

ضیفم «لیزا»، کسی که بعدِ خدا، عزیزترین دوستومِن. تو واقعا ضیفی پارسا و با فضیلتی! تا ته عمرم خدای شکر اگنم که بی مُ و تو زناشو بی هم پیوند اژدا. بی کمکن بی دریغت توکار چاپ ای کتابم تشکر اگنم. بی چهارتا پُسم، «آدیسون»، «آستین»، «الکساندر» و «آردن» که آ وخت بیشتری که باد برشُن امنا بو، گذشت شُکین تا ای کار کامل ابو. شما پُسن، شادی قلب مُیین.

تشکر خاصی اُمهه بی «جان میسون» که بی ای پیغم باور اژیو و بی چاپ بی مُ تشویق اِشکه؛ به «دبورا پولالیون»، بی ذوق و توون و حمایتونش توچاپ ای کتاب، و بی همی کارگنن «کاریزما هاوس»، که همپای ما تو ای پروژه زحمت اشکشین. و مهمتر آ همشون، قدردنی خالصنه اُمهه بی پدر آسمنی بی عطای چیزونی که نیبو توصیف شُکئی، بی خدامن عیسیای مسیح بی فیض، راستی و محبتُنش و بی روح القدس، بی هدایتُن کاملی که اِشکه تو این کار.

فهرست

عمیقترین سپاسونوم تقدیم بی:	۳
پیش گفتار.....	۵
مقدمه	۹
۱. مُ لغزش؟!.....	۱۳
۲. لغزش گت.....	۲۱
۳. چیطو ایطو چی برم اتفاق افتا؟.....	۳۳
۴. ای بای مُ!	۴۳
۵. آواره هان روحانی چیطو بوجود ایآن؟.....	۵۵
۶. پنهن گشته آ واقیت	۶۷
۷. بنیان محکم	۷۷
۸. همی آنچه اتونه تکون اخاتن، تکون اخاره.....	۸۹
۹. صخره لغزش	۱۰۵
۱۰. نکنه باعث لغزش اییم	۱۲۱
۱۱. نیدی - نی یابی	۱۳۱
۱۲. تلی انتقوم	۱۴۳
۱۳. تلی فرار	۱۵۵
۱۴. هدف: صلح و آشتی	۱۶۵
پایون: عمل آکنین	۱۷۵

پیش گفتار

کتابی که تو دِستِن، یکی اَ مهمترین حقایقنن که امکان اِشن تو عمرتَن باش روبه رو اِیین. مُ مشا با اطمینن برتون اَگم، نه محض اِیکه خُم امنوشتن، بی محض موضوبی که اِشن. لغزش - اِستک اصلی کتاب تِلی شیطن - خِیلَه وَختن مشگلُ ترین سَدین که کِسُن باد باش رو در رو ابن و برش برنده اِین. شاگردن مسیح، معجزه‌هان گُت و قابل توجهی شُدین. اونان با تعجب کامل شادی که کورُن بینا و مُرده اُن زنده اِین. اونان فرمُن عیسا بی طوفُن ششنوو و شُدی که طوفُن آرم اَگه. اونان با چِیشُن خُشُن شُدی که چیطو با برکت دادن بی چن تا اُن و مایی، بی هزارن نفر خوراک شادا. تعداد معجزه‌هان مسیح قدی بو که کل جِهَندمم جا بی نوشتنشن کم ایاره. آدم پیشترن ازلا، ایطو گُت و بلند و خاص بی معجزان خدا اِشندیبو. شاگردن تِلی شیطن هنگ و حیرن بودستن، ولی ای معجزان نبو که بی اونان تا لبی شک و تردید اشکشی ؛ بلکه چالشن بعدی، آخرون خزمت زمینی عیسا معلوم اَگه. عیسا بی شاگردش یادارذابو: «اَگه گُکات گناه اِگن، توبیخ شِکُن و اَگه توبَشِکِه، شَبخش. اَگه هفت دُفه در روز بی تو داخل گناشکه ، و هفت دُفه اِیا پهلوت و

اگو: «توبه اکُنم»، شَبخَش. رسولُن بی خدا شُگو: «ایمُنْمون اِضاف اِکن!» (لوقا ۱۷: ۳-۵) معجزه‌آنانی مننه ای که بی مرده‌آنانی که زنده اشکه یا بی دریای طوفانی که آرم اشکه، داد فریادی بی ایمنِ بیشتر نبو، بلکه بی اِضاف کردن ایمن بو، بی فرْمَن ساده بی بخشیدن بو؛ او هم بی کَسنی که بی ما ظلم شوکین یا خَطی شُکیبو. عیسا اِشفرمود: «اَلغزْشَن فراری نی...» (لوقا ۱۷: ۱) حقیقت تلخی تو ای کلومن؛ اگه نِگم همه، ولی خیلون لغزش اِخارن و گیر افتن.

ده سال آ چاپ اول ای کتاب اگذری. تو ای مدت، خيله نامه هون و خيله قسْمُن اِکسُون مختلف آ خُنواده اهون و خادمُن مُگن، که آ رای حقیقتنی که تو کِلوم خدان که تو ای کتابم بیان گن، شفا پیدا شُکن و تغیر شُکین. بی نمونه و بی تشویقتون مُین، که بی همی ای کارون خوشالیم و جلالِ بی خدا اِدیمن.

یکی آ رهبرُن، مطلبی با مُ در مِین اِشهشت: «کلیسامون میونه ی انشعاب گسترده قرار اژگیبو و امیدی وجود اشنبو. مُ کتاب «تلی شیطن» بی همی رهبرُن امدان. انشقاق تمون گه و الان ما یکیم!»

خیلی ازدواجُن نجات پیدا شُکین. چن وخت پیشن تو نبراسکا، بعدِ موعظه، زناشویی اومدن سمت مُ و زنکه شروشکه بی اعتراف: «ده سال پیش، محض خاطر رهبرُن ای کلیسا لغزش اَمخان. هرچه شُگذشت، تلخ تر و مشکوک تر اگشتُم و یه گتک آ حُم و وضعیْتُم دفاع مَکه. زناشوییْمُن اِصبانیتُم لطمه اَشخابو و مُ و شوم داره ارفتیم که طلاق ایگیریم، ا نجات یافته نبو و کاری آم به کار کلیسا شنبو. یکی آ رفیقْم کتابْتُن بی مُشدا. مُ آم امخوند و زود باعث گه آ تلخی و لغزشی که گرفتار گه بوْدُم، آزاد اِیم. زَمونی که شوم ای تغیر تو مُ اژدی، زندگیش تسلیم خدای عیسا ی مسیح اشکه و جلو طلاق اژگه.» شوش کنارش ویستا بو و لبخند شزه. زَمونی که زنو قسمش تَمون اشکه، مردو حرفُن ضیفش تاییداشکه و اژگو که تغیری شگرف تو حَینه زندگیْشون افتا.

یکی آ قسمونی که بی قَلبِم سخت تَگن اژدا، تو فلوریدا - زَمونی که ره بوْدُم خزمت اِکُنم اتفاق افتا. قشنگ قبل آ موعظه، مرد مُسن و هیکی جلو جماعت ویستا و همیطو که گریخ شکه، داستان غمناکش تعریف اشکه:

«کل عمرم حس مکه بین مُ و خدا دیوارن. تو جلسه انی که حضور خدا دیده اگه، حاضر اگشتُم و گوشه گیر و بی ا حساس بوم، به دیگرون نگا مَکه؛ حتا وختی

دعا مکه، هیچ حضور و نشونه ای نبو. تا ای که چن هفته جیلوتر، کتاب «تِلِی شیطن» رسی دُسم. مُم آنم که سی شیش سال قبل بی مُم ولشکیبو، متنفر بودُم. با خوندن ای کتاب، امفهمی که باد بی ننم ابخشم. برش زنگ اُمزه، ای زنگ دومی مُم بو تو ای سألن که برش مزه. همیطو که گریخ مکه، امگو: «ننه، سالون زیادی محض این که بی مُم ترک اتکه، تمنبخشی.» ننم شروشکه بی گریخ و اژگو: «پُسم، مُم آخُم که سی شیش سال پیش بی تو ترک امکن، متنفرُم!» مردو ادامه اژدا: «شمبخشی و او آم بی خوش اشبخشی. الان دگه با هم آشتی گشتستیم». بعدش دگه بی جاهان جالب ماجرا رسی: «الان دگه خدا او من و هستن و او دیوار جدایی آمیون رن.» ننم همیطو که گریخ شکه جملش با ای کلماتون، تمون اشکه: «الان مُم جیلو خدا، مته بجهان گریخ اگنم».

مُم قدرت و واقعیت «اسیری» درک اکنم؛ چونکه خيله سالون اسیر شکنجه ای بی حسی تو راز و نیازونوم با خدا بودستُم. ای کتاب، ی تئوری نن. ای کتاب، پُر حقیقتنین که خوم شخصا تو ای مسیر رفتستُم و ایْمون امن بی شمام تقویت اکن. همیطو که داره ای کتاب اُخنین، آخدا اخاین ایْمونتن زیاد اگن! وختی که تو ایمنتون رشد اکنین، او جلال پیدا اکن و شمام پر آشادی ابین.

ایبو که خدا برتون برکت اده.

— جان بیور

مقدمه

کسی که بی حیوونون تله اشهستن، خوش ادونه که موفقیتِ تله، بی دو چی بستگیشن: اولی ایکه تله باد پنهون اِبو؛ بلکه حیوونی افته توش و گیر اِگن، و دومی اَم ایکه باد طعمه بلی تا حیوُن گول اِخا و بَطیری چنگگن کشندی تله اِشوتن. شیطون، همی دشمنون جونیمون، وختی تله آن گول زنک و کشندی خوش پهن اِگن، اَدو تا چی سود اَبره. تله اَنش، هم پنهونن و همم طعمه اِشن. شیطون کنار هم قَطارُنش، اوطو که بقیه فکر اکونن، پیدا و علنی نَن. او تو گول دادن، نکته سنجن و تو عملیات نظامی خوش، زرنک، مکار و مودین. فراموش مکنین که او ششا چهرش تغییر آده و بی خوش شکل پیامآور نور اِگن. اَگه ما با کلوم خدا با روشون درست تربیت نبیم، خوب و بد تشخیص آدیم، نیتونیم اِفهمیم تله اَنش بی ما چن.

یکی آ غافلگیر کننده و گول زنکترین نوعون طعمه که هر مسیحی باش رودرو گن، لغزشن. تو واقعیت لغزش تا وختی که محض طعمه تو تله اِبو، خوش بی خوش

کشنده نَن؛ ولی اگه طعمه اُخاریم و تو دل اُگنیم، اُموقن که مُلغزین. افرادونیکه لغزش شوخان، آخرش رنج، اعصاب خوردی، خشنی، حسودی، تنفر، کش و ماکش، تلخی، انزجار و غبطه به بار آیارن. بعضی عاقبتون لغزش اِبو: دشنوم، حمله، جراحت، دودسته ای، جدایی، رابطه هون اِشکسته، خیانت و پُسرفت . خيله کسونی که لغزش اِخارن، حتا نیفهمن که تو تله افتاستن. اونان آ شرایط خوشن خبرشونی؛ چون همی حواسشون جمع شُکین بی اشتباهونی که دگزن درحقشون انجام شُداستی. پ چه، داره انکار اِکونن. مؤثرترین روش بی ای که دشمن اِتون چیشنمون کور اِگن، این که بی ما وادار اِکن تا همی حواسنمون فقه جمع خُمون اِبو. ای کتاب، شا بی ای تلی کشنده نشن آده و معین اِگن که چیطو آسش فرار اُکونیم و آسش آزاد اِمنیم. آزادی اِ لغزشون بی هر مسیحی، کار واجبین؛ چون عیسا اژگو تو زندگی، لغزش فرار اِشنی (لوقا ۱۷: ۱).

وختی که ای پیغم تو کل کلیسان امریکا و ملتون دگه موعظه گن، بالای ۵۰ درصد مردم اومدن جُلو ممبر و توبه شُکین؛ باشه که حالا ای حرکتی که شُزن حرکت بزرگین، ولی هنو بی همی مردم دربر اشنگن. غرور مانع اُبو که بعضی مردم حرکتی دِن. خيله باژن اُمدین وختی مردم آ ای تله رها اِین شفا اِبینن، آزاد اِبن، آ روح القدس پر اِبن و جواب دعاوُنشن اگیرن. اونان اکثر وختون اِگن که زمونی که آ اسیری ای تله آزاد گشتیم چیزی که خيله سالون ماگشت دمالش، تو آنی گیرومون اومه. آخرون سده بیستم، علم خيله خيله تو کلیسا زیاد گه؛ ولی با ایطو زیادی علمی ام، معلومن که ما تفرقه بیشتری بی نا بین ایمانداژن، رهبرُن و جماعت تجربه مِکِن. دلیلش، لغزش بی کمبود محبت واقعین. «دانش مایه تکبرن، با ای حالی که محبت درست اُگن.» (اول قرننیا ۸: ۱). خيله کسون تو ای تله افتاستن که شیوه ی زندگیشُن، عادی بو. با همی اینان، قبل ای که مسیح براگرده، ایمانداژن حقیقی خلاف قبلترُون متحد مقدمه اِبن. ایْمون اُمن که اِمرو اُم خيله مردُن و زُنن زیادی که نیبو اشماری آ تلی لغزش رها اِبن. بی ایمانن بی عیسا محض محبت ما به همدگه، اِبینن؛ جایی که پیشترُون، بی عیسا شُنیدی. مُ بی ای کتاب امنوشتن که فقط ی کتابی اِنیوسُم؛ بلکه خدا ای پیغم تو دَلَم شنداخت و باور اُمن که اِیمَرش باقی اِمنه. یکی آ سالارُن بعد نشتنی که ای پیغم توش موعظه گن، بی مُ اژگو: «هرگز اُمدنیدن تو ی نشتن، ای همه افراد آزاد اِبن!» خدا با قَلْبم حرف اِشزن که ای فقه ی شروون، خيله کسون وختی بی ای کتاب اِخونن و آ باد نبادون روح اطاعت اُگن، آزاد اِبن،

شفا یابن و بر اگردن. مُم ایْمون امه وختی داره کلمه هون تو صفحه هون آخونین، اُ معلم و مشاور روح القدس، بی اینان داخل زندگیْتُن به کار آبره. وختی ای کار انجوم آده، ای کلوم مکشوف، آزادی گُتی تو زندگی و خزمیتُن، دمبالش برتون ایاره. بی موقی شرو با همدگه دعا اکنیم:

«پدر، در نوم عیسا اَسِت درخواست اکنُم، تو حالی که داره ای کتاب آخونُم، اَ طریق روح خوت، کلومت بی مُم مَعین اکن و موردون پنهون دل مُم که مانع گشتن تا بی تو بهتر اشناسُم و مؤثرتر خزمت اکنُم، فاش اکنی. بی روح اعتماد اکنُم و فیضت موا تا چیزی که اُم توا، به انجوم ارسُنم. مُم موا وختی محض خوندن ای کتاب صدات اشنووم، دوستونه تر تشناسُم.»

واکنش‌مون بی دونه لغزش، آیندمون تعیین اِگن.

کتاب «تلی شیطان»، زندگی و خزمت‌مون تغییر اشکه. فیلم ویدیوش دسکم، بیست دُفه نگامکه و کتابم خيله دُفه آن مُخند. تو گروهن خزمتی خُمون، کتاب و ویدیو یاد مُدان تا هموطو که زندگی خيله کسون آای طریق تغییر اشکه، زندگی مام خيله تغییر اِگن. ای کتاب، پیغمی قدرتمند و بوختن. — اس. کیو. (کانکتیکات)

مُ لغزش؟!

«آ لغزشن نیبو فرار اُگنی، ولی وای بی کسی که باعث
اِبو».

– لوقا ۱۷: ۱

آ وختی بی انجُم خزمت، داره به کل ایالات متحده سفر اِکُنم، مشا بی یکی آ
کشنده ترین و گول زننده ترین تله آن دشمن اِبینم که بی مسیحین بیشماری زندنی
اشکن، روابطن خورداشکن و اِشکفتن بین ایمانداژن گت اشکین. نُوم اُتله، لغزشن.
خیلیون محض زخمون و آسیبونی که لغزشن تو زندگیشن ایجاد اشکن، شنیشا
عین دعوت خُشن شایسته عمل اِکُنن. ای عِلتن، جیلو شکوفایی و تحقق کامل
استعدادن و ظرفیتنشون اِگی. خيله وختن یکی آ ایمانداژن برشون آسیب اشزن. ای
کار، باعث لغزشن اِبو؛ طوری که احساس خیانت اِکُنن.

داوود تو زمزمور ۵۵: ۱۲ - ۱۴ حیف و تیف اواره: «چونکه دشمن م که بی م طعنه آرن، وگرنه تاب میو؛ و بدخام نی که جیلوم قد علم اکن، وگرنه آ دِسش بی خُم پنهن مکه. بلکه توی! مرد همتای م، یار خالص و رفیق نیکم، که ی روزگاری با همدگه رفاقتن شیرینی مبون، او وختن که با ای همه جمعیت، تو خنی خدا قدم مازه». اوان کسونین که پهلومون نشستن و سرود اُخن یا شادم کسونین که موعظه اکن. ما با ای افراد تعطیلات اگزونیم، تو فعالیتن اجتماعی شرکت اکنیم و عزل نصبن با اوان شریکیم و یا شادم ارتباط نیکتری مباحشه، با اوان بزرگ ابیم، رازنمون بی اوان اگویم و کنارشن اخابیم.

هر چی ارتباطن نیک تر ابو، رنجشن شدیدترن. شما عمیقترین نفرتن تو کسونی ایابین که روزی به همدگه نیک بودستین. کلا، بی رحمانه ترین موردن، تو دادگاهان طلاق دیده ابو. رسانه ان گروهی آمریکا، ی کله ا قتل تو زنن که اعضای خونواده مستأصل و درموندن، خبر آدن. خنه، ینی پناگایی بی حافظت، تدارک و رشدن، که توش یاداگیریم محبت اکنیم و برمن محبت اکن و ی وختنی همی چیژن، ریشه دردمن. تاریخ نشن آده که خونین ترین جنگن، جنگن داخلی: کوکا روبرو کوکا، پُس روبرو باش، یا باش روبرو پُس!

احتمال رنجش بی ایکه پیچیدن یا ساده، به قد فهرست رابطه ان تمومی اشنی. ای حقیقت به قوت خوش باقین: فقط کسونی که بی اوان اهمیت ادين، شاشا بی شما آسیب ارسنن. شما بیشتر آ اوان انتظار نهستن؛ چونکه برشن بیشتر از خوئن مایه نهشتین. هرچی که انتظارن بالاتر ابو، سقوطم گت ترن! خودخایی تو جامعه مون حکمرنی اکن. مردن و زنن حالایی به قیمت ندید گتن و آسیب رسنی بی دوربریون خوشون، آ قوم و خویششنن محافظت اکنن. ما نباد با ای کار نباد تعجب اکنیم. کتاب مقدس نماین اگو تو روزن آخر مردم «خودپرست» ابن دوم تیموتائوس ۳: ۲. ما ای چیژن آ بی ایمانن انتظار موهن. در حالی که رو صحبت پولس با افرادن بیژن کلیسا نن. آ داره دریاره کسونی که تو کلیسان صحبت اکنن. خيله آنشون زخمی، آسیب دیده و تلخن. اوان لغزش شُخان و در حالی که درک نیکنن که تو تلی شیطون افتاستن.

تخصیر مان؟ عیسا خيله خب و واضح اژگو که غیرممکن تو ای دنیا زندگی اکنیم و آگزندن لغزشن در امان ابیم؛ ولی بیشتر ایمندارن وختی این اتفاق افتی، شگفت زده و متحیر ابن. ما اعتقاد موهن تنها کسونیم که مورد بدی و برخورد یا قضاوت نادرست

واقع گشتستیم. ای واکنش، بی ما نزبت به تلخی آسیب پذیر اسازه. بی همی، باد در مقابل لغزشن آماده و تجهیز ابیم؛ چونکه واکنشمون، تعیین کننده آینده مون.

تله گول زنک

حرف یونانی بری «لغزش» در لوقا ۱۷: ۱ (skandalon) ابو.

ای حرف در اصل بی قسمی آتله اشاره اُگن که طعمه برش وصل ابو. بی همی، ای حرف بی قرار گیتن تله تو مسیر شخص دلالت اُگن. در عهد نو، ای حرف بیشتر گولین که دشمن داره بکار آبره. لغزش وسیلی ابلیسن تا بی مردم بی اسیری اِکشنی. پولس به تیموتائوس جوون یاد اژدا:

«الان که دِ، خادم خدا نباد جنگ اُگن، بلکه باد با همه مهرین ابو واتن یاد آده و صبور ابو. باد بی مخالفن نرم آرم ارشاد اکن، با همی امیدن که خدا برشون توبه عطا اُگن تا بی شناخت حقیقت اِرسن و بی خوشن ایان و آتلی ابلیس که برشن بی انجم کاری که خوش شوا اسیر اشکن، آزاد اُگن.»

— دوم تیموتائوس ۲: ۴۲-۲۶

هر کی که تو اِکش اِکشن و مخالفن، تو تله افتن و زندونی این تا اراده ابلیس انجم آدن؛ حتا هشدار دهنده تر؛ اوانان نزبت بی اسیری خُشون نادونن! مئه پُسی که گم گن باد با دانایی نزبت به جای حقیقی خُشون، بی خُشون ایان. اوانان نیدونن که جای اوو خالص، اوون تلخ آ خُشون در اِدن (اشاره بی چشمی اوو شور و شیرین) وختی نفری گول آخاره، ایمان اِشن که تو مسیر درستن؛ حتا اگه ایطو نبو. ما بی توجه بی ای که قصه چن، ماشا کسونی که لغزش شخان بی دو گروه گت نصف اِگنیم: الف کسونی که بی ناحقی با اوانان برخورد گن، یا ب کسنی که اعتقاد شهن که با اوانان به ناحق برخورد گن. افراد گروه دوم با همه ی وجودشن باور شهن که نزبت بی اوانان اشتباه گن. یه وختی نتیجه گیریشن آ اطلاقی که دُرس نن بوجود ایا، یام ایکه اطلاتشن درستن؛ ولی نتیجه گیریشن منحرف گشتستن. تو هر دو حالت، اوانان آسیب اِبینن و درکشن تیره و تار ابو. اوانان با تصور و شایعه و آرو ظاهر بی قاضی اِشن.

موقیت حقیقی دل

یکی آراهوونی که دشمن، بی فردی تو موقیت لغزش خورده نگه اِکُن، این که بی لغزشن مخفی اِکن و با غرور اِپوشنه. غرور نیله که شما موقیت حقیقی خوئون اِپذیرین. ی رو خيله شدید آ ی زناشو خادم آمرنجی. یه مُشتی شاگو: «باور نیکن اوانان ای کار با تو شگن. اِترنجی؟» زودی جواب اُمد: «نه، حُبم، آمرنجی». مدونست که لغزش خوردن کار اشتباهین، بی همی، انکار امکه و سرکوبش امکه. بی حُم متقاعد امکه آزرده نیسْتُم؛ با ایکه واقعیت، چیز دگه بو. غرور، بی موقیت حقیقی دل مُ اشپوشندبو. غرور نیله شما با حقیقت روبرو اِبین. اِیطو تفکری منحرفتون اکن. شما هیچ وخت تغییر نیکنین؛ چون فکر اِکنین که همه چی حُوبن. غرور، دل سنگتن اِکن و چیشون درکتون تیره تار اکن غرور نیله دلتون تغیر یا توبه اکن که باعث آزادیتون ابو، ابوتن دوم تیموتائوس ۲: ۲۴ تا ۲۶.

غرور باعث ابو که بی خوئون تو نقش یک قربانی اِبینین و دیدتون اِیطو در اِیا: «مُ مورد بیحرمتی و قضاوت نادرس قرار امگن؛ پ رفتاؤم موجهن!». چون اعتقاد تُهن گناهی تُنی و اشتباهی اتهام شُزن و شِماتتون شُکین. پ، جیلو بخشش اِگیرین. گرچه موقیت حقیقی دلتون آ شما پنهن، ولی آ خدا پنهن نن. درستن که برتون بیحرمتی شُکین، ولی اجازه تُنی به لغزش ادامه آدین. دو کار اشتباه، باعث ی کار درست نیبو!

درمون

عیسا تو کتاب مکاشفه، بی کلیسای لائودیکیه اول با ای سخن، خطاب قرار اده که اوانان چیطو بی خوُشن غنی و دولتمند شادنست که هیچ نیازی شُنی و بعدش موقیت حقیقیش بر ملا اسازه: «تیره بخت، تاسف انگیز، مستمند، کور و لُخت» مکاشفه ۳: ۱۴ تا ۲۰. اوانان قوت مالیشن با قوت روحانیشون اشتباه شُگیبو. غرور، موقیت حقیقیش پنهن اِشکیبو.

امروزه خيله کِسُون اِیطورین. اوانان بی موقیت حقیقی دَلَنَشَن نیبین؛ همیطوکه م امنیشاستی تنفری که نزیت بی خادمُن اُمو، اِبیئُم. بی حُوم متقاعد اُمکیبو که هیچ رنجشی اُمنی. عیسا به لائودیکیان اژگو که چیطو آ گول خوُشن بیرون اِیان: زر ناب مال خدا اِخرن و موقعیت حقیقی خوُشن اِبین.

طلای خدا اِخرین!

تعلیم نخست عیسا بی رهایی اِکلک ای بو: «زر ناب گذشته آتِش اُم اِخرین»
مکاشفه ۳: ۱۸ .

زر ناب، نرم و انعطاف پذیر و مبران اَقلب یا موادُن دگن. وختی طلا با فلزُن دگه قاطی ابو، (مته مس، آهن، نیکل و غیره) سفت گن، انعطافش کم و سایدگیش بیشتر ابو. ای قاطی، آلیاژ شِگُن. هرچه درصد فلزُن دگه توش بالاتر ابو، طلا سفت تر ابو. برعکس، هرچه درصد آلیاژش کمتر ابو، نرمی و انعطاف پذیریش بالاتر. ما بلافاصله متوجه شباهت ابیم: قلب خالص، مته طلای خالصن؛ نرم، حساس و انعطاف پذیر. تو عبرانیون ۳: ۳ اگو که دلُون با نیرنگ گناه سخت ابو. اگه بای لغزش برخورد منبو، اَلغزش گناهُن بیشتری تولید ابو: مته تلخی، عصبانیت و تنفر. ای ماده اَصْفی، دلْنَمَن سخت اکن؛ دُرُس همیطوکه آلیاژن بی طلا سخت اکن. لغزش با بی احساسی، بی مهربنی کم اکن یا دور اکن و نیله ما صدای خدا اشنوویم. دقتمُون بی دیدن، تیره و تار ابو و دگه ای جای خُبی ابو بی گول و کلک. قدم اول بی طلای ناب این که برش مته پودر در شیاری و با ماده هان به نام گدازآور قاطی شکن. بعد که قاطی شکن، تو تنور قرار اگی و با حرارت شدید اوو ابو. آلیاژن و ناخالصین اچسبه بی گدازآور و ایا رو. طلا (که سنگینترن) پایین امونه. ناخالصین (امس، آهن، روی به گدازآور ملحق) خارج ابن و فلزی خالص تر درست ابو.

حالا اُنچه که خدا اگو، ابینین:

«الان بی تو قال امهشتن ولی نه مته نقره و بی تو تو کوره ی مصیبت امتحُن امکن».

— اشعیا ۴۸: ۱۰

و آ دوواره :

«و تو ای خيله شادمنین، باشه که حالا مدت کمی ام بی ضرورت تو امتحانُن مختلف غمگین گشتستین، تا اصالت ایمونَتُون توبته ی امتحُن ثبت ابو و موقی ظهور عیسا ی مسیح بی تقدیر و تشکر و اکرام ابو، هُموایمون که خيله با ارزشتر اطلان که هر چند فانین، با وسیله نَش امتحُن ابو».

— اول پطرس ۱: ۶ تا ۷

خدا با سختیون، امتحُن، مصیبتن تصفیه اکن. اینان حرارتین که ناخالصیونی مته نبخشیدن، کش و واکش، تلخی، عصبانیت، حسادت و غیره آویژگیون الاهی تو زندگی ما جدا اِساژن. گناه به آسونی تو جایی که هیچ شور و حال امتحُن و مصیبتی وجود اشنی، پنهن ابو. موقی سعادت و موفقیت، حتی ای فرد پلید، مهرئون و بخشنده به نظر ارسه. با ای حال، تو گرما و حرارت آزمایشون، ناخالصیون ظاهر ابن و رو ایان. دوره انی تو زندگیما بو که آمیون آزمایشون سخت عبور مکه؛ طوریکه هرگز قبلند باش روبرو نگه بودم. با نزیکترین کسون خوم، گستاخ و خشن گه بودم. خونواده و دوستونم کم کم اُم دوری شاکه. پهلو خدا استغاثه امکه: «ای همه عصبانیت آکا ایا؟ قبلند نبو!»

خدا جواب اژدا: «پُس، الان وختشن که طلا تو تیش اوو ابو و ناخالصیونش معین ابو.» او بعد سوالی اشپرسی که زندگیما آ ای رو به او رو اشکه: «قبل ای که طلا تو تیش پهلن، تیشا ناخالصیونش اِبینی؟»
جواب اُمد: «نه!»

اژگو: «ولی ای معنیش ای نَن که اُ ناخالصیون، قبلند وجود اشنبو. وختی تش ای امتحانن الهی برتون برخورد اکو، ای ناخالصیون ایان بالا. ناخالصیون همیشه بی م قابل دیدنن؛ گرچه بی شما پنهنون. بی همی، انتخابی اتهه که بی آینده ات معین اکن؛ تشا عصبانی امونی و ضیفت، دوستت، سالار و کسونی که با اونان کار اکنی، شمات اکنی، یا تشا ای ناخالصی گناه اِبینی که مال چن، و توبه اکنی و تبخشن، و م با محبت خوم ای ناخالصیون آ زندگیما اواگزم.»

موقیت حقیقی خوتون اِبینین

عیسا اژگو توانایمون بی درست دیدن، کلید دگه این بی آزادی اِکلین. خپله وختن وختی لغرش اِخاریم، بی خومون مته قربانی اِبینیم و بی کسونی که بی ما آسیب شزن شمات اِکنیم. تلخی، نبخشیدن، عصبانیت، حسودی و تنفر وختی که بالا ایان و رو ایان، توجیه اِکنیم. گای وختون حتا آ کسونی متنفر اِبینیم که بی افرادی که به ما آسیب شزن، به یادمون ایارن. محض همی عیسا

ایطو پند اژدا: «... و مرهم، تا رو چیشون خوت بهلی و بینا اِبی.»
مکاشفه ۱۸:۳

تا چه ببینیم؟ موقیت حقیقی خومون! همیطو که عیسا تو جمله بعدی امر اگن: «پ با غیرت بیا و توبه اکن!» . ما تنها زُمونی توبه آکونیم که دس آ سرزنش دگرون واگیریم.

زُمونی که بی دگرون سرزنش اکونیم و آ موقعیت خومون دفاع اکنیم، درواقع کوریم. ما تلاش اکنیم تا بی خار آ چیش کوکامن ایاریم لرد؛ تو حالی که چوغی تو چیشون خومون موهن. مکاشفه حقیقت، آزادی برمون به ارمغون آیارهه .وختی روح خدا بی گناهنمون داره نشون اده، همیشه ای کار طوری انجُوم اده که هنگاری که گناه مال چیزی آ ما جدان و ای امر پی ما نذبت به گناه متقاعد اگن نه محکوم! دعای مُ این که وختی بی ای کتاب داره اخونین، کلوم خدا چیشون ادراکتون باز اگن تا موقعیت حقیقی خوتون ببینین و آ هر لغزشی که تو سرتونن، آزاد ابین . اجازه ندی غرور، مهله ابینین و توبه اکونین.

ی مسیحی لغزش خورده، کسین که تو زندگی مغبون ابو، ولی محض خوف، نیتون آزاد ابو.

شوم ده سال پیش، بعدِ بیست سال زندگی زناشویی بی مُ ترک اشکه؛ چون «دِ خوشال نبو.» کلن نابود گشتم. مدتون طولانی تلاش اُمکه تا آ ای آسیب، احساس تنهایی و طردشدگی که رفتنش باعث گه بو، آپسش برِایام. آ خدا امخاست تا کماکم اکن تا شبخشم و حقیقتا فکر مکه مشا ای کار انجوم آدوم؛ ولی هنو تو دلوم رنجش اُمبو و اُمنیتونست برش غلبه اکنم. وختونی که باد برش مدی، برم خيله دردناک بو. بعدِ خوندن کتاب «تلی شیطون»، روح القدس به مُ یاداور گه که با شو سابقم گپ دُم و اسش اِخواهم بی مُ محض ای لغزش اِبخشه. بعدِ ده سال ما بی اولین بار با همدگه حرف مُزن. الان دگه ایمون امهن که دگه شفا اژدین و آزاد گشتم. خدا شگر اُگنوم که بی مُ اِیوغ ای اسارتی که زمونن طولانی بی مُ به بندگی اشکشیبو، آزاد اشکه.

— (دی. بی. نیویورک)

لغزش گت

«تو اون روزن خیلیون آ ایْمون خوشون برگشتن، بی همدگه خیانت اگن و آ همدگه متنفر این. پیامزن دروغین زیادی بلند گشتن، بی خیلیون گمراه اگن. در نتیجه خيله شرارتن، محبتن بسیاری سرد بو . ولی هر که تا آخر پایدار اْمونه، نجات پیدا اگن».

— متی ۲۴: ۱۰ - ۱۳

تو ای باب آ متا، عیسا نشونه هون تمومی ای عصر اگو و نشون اده. شاگردش اسش شپرسی: «نشون اومدنت چن؟»

خیلیون موافقن که ما تو موسمیم که داره براگرده. تلاش بی ای که روز برگشتش معین اگن امری بی فایدن؛ چون فقط پدر ادونه. ولی عیسا ازگو که ما موسمش

إِ دُونِیْم وَا، هَمِی الْاَنْن. هِیچ مَوْقه قِبْلَتْرُون، مَا اِیْطُو تَحْقُق نَبُوْتی تَو کَلِیْسَا، تَو اِسْرَائِیْل، و تَو طَبِیْعَت مُنْدِیْبُو. بِی هَمِی، مَاشَا بَا اِطْمِیْنُون اِکْوِیْم تَو دَوْرَه اِی قَرَار مَوْگَن کِه عِیْسَا تَو مَتَا ۲۴ دِرْبَارِش اَرْگَوْبُو.

بِه یِکِی اَنَشَانِه اَنْ بَرِگِشْت نَزِیْکِش تَوْجِه اُکْنِیْن: «خِیْلَه لَغْزِش اِشْخَان»، ... اِی اَیَه نَشُون اَدِه کِه نِه عَدِه کَمِی، نِه تَعْدَادِی، بَلْکِه خِیْلِیُون لَغْزِش اِخَارْن! اَوَّل بَاد اِپْرِسیْم: «اِی لَغْزِش خَوْرُون کِه هَنْ؟ اَوْنَان مَسِیْحِیُونَنْ یَا دِر کَل، مَنْظُور اِجْتِمَان؟» جَوَاب وَخْتِ بِه مَطَالَعِه اِدَامَه اَدِیْم، اِیَابِیْم: «و مَحْض زِیَادِی گَنَاه، مَحَبَّت خِیْلَه کَسُون سَرْد اَبُو». مَعَادِل یُونَانِی وَارْه «مَحَبَّت» دِر اِیْن اَیَه، «اَگَپَه» اِسْت.

دِر عَهْد جَدِید، چَنْد وَارْه یُونَانِی بِی مَحَبَّت وَجُود اِشْن؛ وِلِی دُو نَمُونَه اَعْمُومِی تَرِیْن اَوْنَان، «اَگَپَه» و «فِیْلُون». فِیْلُو، بِیَانْگَر مَحَبَّتِیْن کِه بِیْن دُوسْتُن پِیْدَا اَبُو کِه ی مَحَبَّت دُوسْتُونَه شَرَطِیْن. فِیْلُو اِگُو: «تَو پِشْت مْ اَخَارُونِی و مْ هَم پِشْت تَو اَخَارُونْم»، یَا «تَو بَا مَهْرَبُونِی بَا مْ رِفْتَار اُکْنِی و مْ هَم بَا تَو هَمِی رِفْتَار اُکْنِم». اَطْرِی دِ، اَگَپَه مَحَبَّتِیْن کِه خُدا تَو دَل بَچَانِش اَرِیْزَه. اِی هَمِی مَحَبَّتِیْن کِه عِیْسَا مَفْتِی بِی مَا اَبْخِشَه و شَرَطِی نَنْ. اِی مَحَبَّت مَحْض اَنْجُوم کَارِی یَا حَتَا بِی جَبْرَان اَو کَارَنْ، بَلْکِه مَحَبَّتِیْن کِه حَتَا مَوْقِی وَلْت اُکْن و مَحَلْت نِیْدَنْم وَجُود اِشْن. مَا بِی خُدا، فَقْط اَتُونِیْم مَحَبَّتِی خُود خَا هُونَه مُبَاشَه؛ یِنِی مَحَبَّتِی کِه اِگِه نِیْگِی و قَابِل جَبْرَان نَبُو، نِیْتُون اَدِه. اِی دِر حَالِیْن کِه اَگَپَه، بِی تَوْجِه بِی جَوَاب، مَحَبَّت اُکْن. اِی اَگَپَه مَحَبَّتِیْن کِه عِیْسَا بِی صَلِیْب کِه بُو بَا بَخْشِش گَنَاهُون مَا، نَشُون اَزْدَا. بِی هَمِی، وَارْه «بَسِیَارِی» کِه عِیْسَا بَرِش اِشَارَه اِکْن، مَسِیْحِیُونِیْن کِه اَگَپَه شُون رُو بِه سَرْدِی رَنْ. زَمُونِی هَر کَارِی کِه مَتُونِسْت اَنْجُوم اِمْدَا تَا مَحَبَّت خُوم بِی فَرْد خَاصِی نَشُون اَدُوم، وِلِی بِه نَظَر شَرِسی کِه هَر چِه بَیْشْتَر مَحَبَّت اُکْنِم، اَطْرَف بَا اَنْتَقَاد و رِفْتَار خِشْن خُوش بِی مْ پَس شَرَه. اِیْن اَوْضَاع چَنْ مَاهِی اِدَامَه اِزِیَو تَا ی رُو، دِ خِسْتَه گِشْتُم و اِدِ خُدا شِکَاَت اُمْکِه: «مْ کَار خُوم اُمْکِیْن، اَلَنْ تَو بَاد رَا جَع بِه اِی مَاجِرَا بِی مْ اِگُوبِی. هَر وَخْت مَحَبَّتِی بِی اِی طَرَف نَشْن اَدُم، مَتَوْجِه عَصْبَانِیْتِی اَبُم کِه تَو رُوم نَشْتَنْ».

خدا با مُم شروشکه بگپ: «تو باد ایْمون بی محبت خدا پرورش آدی.» امپرسی: «منظورت چن؟» توضیح اژدا: «کسی که بی نفس خوش اکاره، آنفسش تباھی درو اکن؛ ولی کسی که بی روح اکاره، آ روح حیات جاویدن درو اکن. بی همی آنجوم کار نیک خسته نبیم، چون اگه دس آکار نیک نواگیریم، تو زْمون مناسب محصول درو اگنیم.» (غلاطیون ۶: ۸ تا ۹)

شما باد ادونین که وختی بی محبت خدا اکارین، محبتش درو اگنین. باد ایْمون بی ای قانون روحانی تو خومون پرورش ادیم؛ باشه که شادم آ مزرعه ای که توکاشتن، یا با همو سرعتی که دوس توهن، درو مکنین. خدا ادامه اژدا: «تو مهمترین زْمونی که نیازمند بوم، نزیکترین دوستونم بی مُم ول شوکه. یهودا بی مُم خیانت اشکه و پطرس بی مُم انکار و بقیه هم محض زندگیشن فرارشکه. فقط یوحنا آ دور دمبالم شکه. مُم بالای سه سال آ اینان مراقبت اُمکیبو، بی اونان خوراک و تعلیم امدابو. ولی وختی بی گناهن دنیا مُردم، بی اونان امبخشی. بی همشون آزاد امکه، آ دوستونم که بی مُم ول شکیبو تا سپاه رومی که بی مُم بی صلیب اشکشیبو. اونان طلب بخشش شُیکه، بلکه مُم با رضایت خاطر انجُم امد؛ چون بی محبت پدر ایْمون اُمبو. مُم مدونست چون محبت امکاشتن، محبت آ خيله دختون و پُسون تو ملکوت درو اگنوم. محض قربانی محبت آمیز خوم، اونان بی مُم محبت اکن.» «ولی مُم برتون اگم بی دشمن خوتون محبت اگنین و بی اونانی که برتون آزار ارسون، دعای خیر اگنین، تا فرزندون پدر خوتون که تو آسْمونن این. چون آ آفتو خوش بی بدُون و خُون آتابُونه و بارُون خوش بی پارسایون و بدکارون ابارونه. اگه فقط بی اونان محبت اکنین که برتون محبت اکن، چه پاداشی توهن؟ آیا حتا خراج گیرون ایطو نیکن؟ و اگه تنها بی کوکاونتون سلام اگوین، چه برتری بی دگرون توهن؟ مگه حتا قومون بت پرست ایطو نیکن؟» (متی ۵: ۴۴ تا ۴۷)

گت انتظارون

مُم امدونست محبتونی که نشون مدا تو روح کاشته گبو و عاقبت دونه ان محبت درو اگنوم، مدونست حصاد ایا، ولی امیندونست آکا ایا. دگه آطری کسی که برش محبت امکیبو بی مُم بر نیگشت، احساس شکست اُمیکه، ای حرفون بی مُم آزادشکه که حتی بیشتر برش محبت اگنوم.

اگه خيله مسیحیون ای مسئله شافهمی ناامید نیگشتن و لغزش شُنیخا. معمولاً

ما ایطو محبت نیکنیم. ما محبتی خودخا هونه موهن که وختی انتظارونمون برآورده نیبو، زود ناامید ابیم. اگه مُم آکسون خاصی انتظار امهن پ اوانان شاشا بی مُم ناامید اکنن. اوانان در حدی بی مُم ناامید اکنن که تو رفع انتظارون مُم کوتایي اکنن. ولی اگه مُم آکسی انتظوری امنبو هر چه که بی مُم داده ابو برکتن و هیچ منتی ام امنی. وختی ما نزبت به کسونی که با اوانان ارتباط موهن، رفتار خاصی انتظار اکشیم، بی خومون مستعد لغزش اکنیم. هر چه که انتظارونمون بالاتر ابو احتمال لغزشمونم بالاترن.

دیوارونی بی محافظت

«کوکای که رنجش اشخان، آ شهری دورش حصارن هم تسخیرناپذیر
ترن؛ مجادله مته پُش بندون دروازه ی بسته دژن.»

– امثال ۱۸: ۱۹

کوکا ددای لغزش خورده، آ شهری که خيله محکمن هم محکمترن. شهزُون قوی، دیوارونی دورشون شُبون. ای دیوارون بی شهر آ لحاظ محافظت خاطرجم شکه. اوانان بی ساکنون و مهاجمون ناخاسته لرد نگه شاکه. همی تازه واردون بازرسی اگشتن. کسونی که مالیات بدهکار بودستن تا پرداخت شونیکه اجازه ورود شنبو. بی کسونی که بی بهداشت و سلامتی و امنیت تهدید بودستن بیرون نگه شاکه.

ما بی دیوارون وختی تورنجیم اسازیم تا آ دلونمون محافظت اکنیم و آ هر زخمی تو آینده قرارن افته جیلوش ایگیریم. ما درون ورودی بی همی کسونی که اترسیم برمون اسیب ارسونن ابندیم و ورودشون انتخُبی اکنیم. بی هر که که فک اکونیم بی ما چیزی بدهکارن از صافی رد شکنیم و نیلیم ورود اکن، تا زمونی که بدهیش کامل پرداخت اکن. ما زندگیمون رو کسونی وا اکنیم که باور موهن طرف مان. ولی نیدونیم بیشتر ای کسونی که طرف مانم خوشون جز لغزش دهندونن. بی همی، جای کماک، سنگون اضافی رو دیوارون موجود جمع اکنیم. وختی ایطو اتفاق بی آگاهی افته، ای دیوارون محافظ تبدیل به زندون ابن. تو ای آن، نه تنها نزبت بی کسونی که وارد ابن، محتاطیم، بلکه تو وحشت خومونم مُنیشا بیرون آ دیوارونی که خومون مساختن خطر اکونیمن.

تمرکز مسیحیون آزرده، درونی یا یطو، درون نگرانن. ما آ حقوق و ارتباطن شخصیمون دقیق محافظت اکنیم. انرژی ما صرف ای ابو که مطمئن ابیم تو آینده زیان و اسیی اتفاق نیفته. اگه ما ریسک احتمال آسیب دیدن نپذیریم، نیتونیم محبت غیرشرطی مباحثه. محبت غیرشرطی بی دگرون ای حق اده که بی ما آسیب ارسونن. محبت بی نفع خوش نی، بلکه بی مردمون آسیب دیدن که بیشتر و بیشتر خودخواه و مستقل ابن. تو ایطو شرایطی، محبت خدا رو بی سردی اشو. نمونی طبیعی تو این رابطه، دو دریای موجود تو سرزمین مقدسن :

دریای جلیل که آزدونه آب دریافت اکن و اده لرد. ای دریا فراوونی حیات اشن، انواعون مختلف و تعداد زیاد ماهیون مغذی و زندگی نباتین. آوو دریای جلیل، توسط رود اردن بی دریای مرده اریزه. ولی دریای مرده فقط آوو اگی و لرد نیده. هیچ گیاه زنده یا ماهی ای اوجا وجود اشنی. آوون زندگی دریای جلیل وختی با آوون ذخیری دریای مرده قاطی ابن، آمرن. وختی بی زندگی تی نگه اکنی ای زندگی نیتون ادامه پیدا اکن بلکه زندگی باد سخاوتمندونه داده ابو. بی همی، ی مسیحی که لغزش اشخان، کسین که تو زندگیش گیرندن، ولی محض ای که ترس اشن نیتون بی خوش ازاد اسازه و در نتیجه حتا وختی حیات هم وارد ابو تو دیوار یا زندون لغزش همیطو راکد امونه. عهد جدید بی ای دیوارون «دژ» توصیف اکن:

«بی چه که اسلحه جنگمون دنیایی نن، بلکه نیروی الاهی که ششا بی دژون منهدم اکن. ما بی هر نیروی تکبرآمیزی که جلو شناخت خدا در بیاتن ویرون اکنیم و بی هر اندیشه ای بی اطاعت آ مسیح اسیر سازیم.»

— دوم قرنیتان ۱۰: ۴ - ۵

ای قلعه هان الگوهون استدلالی به وجود ایارن که همی اطلاعات ورودی آ ای طریق، بررسی ابو. باشه که اساسا اونان بی محافظت دژس گن، ولی منبع عذاب و انحرافمون ابن؛ چونکه در برابر شناخت و معرفت خدا اجنگن. وختی ما بی همه چی آ طری آسیبون، پردشدگیون و تجربه هان گذشته صافی اکنیم، بی ایْمون بی خدا غیر ممکن ایابیم. نیتونیم برش ایْمون مباحثه؛ ینی بی هر چی که اگو. ما بی نیکویی و وفاداریش شک اکنیم؛ چون تو زندگیمون برش با معیارون انسانی

قضاوت اکنیم. ولی خدا انسان نن! او نیتون دروغ اگو (عددون ۲۳: ۱۹) راهون و فکرونش مئه ما نن (اشعیا ۵۵: ۸ تا ۹). اشخاص لغزشخورده اتونن آیه هانی آ کتاب مقدس پیداکنن که بی موقعیت خوشون بر اگرده، ولی ای دید درستی آکوم خدا نن. شناخت کوم خدا بی محبت، نیروی مخربین؛ چون بی ما با غرور و قانون گرای باد اکن.

«... ادونیم که هممون آدمون داناییم. ولی دانش مایه تکبرن، حال آ که محبت، بنا اکن. کسی که گمون اکن چیزی ادونه، هنو ایطو که باد ادونه نیدونه. ولی کسی که بی خدا دوست اشن، ایش شناخته شدن.»
- اول قرننیا ۸: ۱ تا ۳

ای باعث ابو که ما جای ای که آ بخشش نکردن توبه اکنیم، بی خمون توجیه اکنیم. ای مسأله فضایی ایجاد اکن که اتونیم گول اхарیم؛ چون شناخت بی محبت خدا منجر بی گول خوردن ابو.

عیسا بعد آ جمله «خیله آ لغزش خوردگان»، بلافاصله در مورد انبیای دروغین هشدار اده: «پیامبرون دروغین زیادی پا ابن، بی خیلیون گمراه اکنن». (متی ۲۴: ۱۱) خیله کسون که گمراه ابن، کی ین؟ جواب: «در نتیجه فزونی شرارت، محبت خیله کسون رو بی سردی اشو.»
- متی ۲۴: ۱۲

انبیای کذبه

عیسا بی انبیای دروغی «گرگون تو لباس میشون» شگن (متی ۷: ۱۵). اوانان افراد خودخواهین که ظاهر مسیحی شوهن، ولی طبیعت درونیشون مئه گرگن. گرگون دوست شوهن دور گله اچرخن. اتونیم بی اوانان تو جمع عبادت کنون و پشت منبرون پیدا اکنیم. دشمن بی اوانان افرسته تا رخنه اکن و گول آده. بی اوانان باد از ثمره شون شناسی، نه تعلیماتون و نبوتونشون. تعلیاتونشون اتون بیشتر ظاهری ابو در حالیکه ثمره ی زندگی و خزمتونشون نه!

ی فرد خادم یا مسیحی، چیزین که داره زندگی اکن نه ایکه موعظه اکن. گرگون

همیشه دمبال گوسفندون جوون و زخمی اگردن، نه سالمون و قویون. ای گرگون هر چی که مردم شاشا اشنوون، برشون اگن نه چیزی که لازمن. ای افراد به ظاهر تعلیم شنووا، اوانان بی کسی شاوا که گوشونشون اхарونی. یی بی چی که پولس درباره روزون آخر اگو، نگویی اندازیم:

«ولی آگاه ابه که تو روزون آخر، زمانون سخت پیش ایاتن. مردمون خودپرست، پولدوست، لافزن، متکبر، ... و خودپسندن ... باشه که صورت ظاهر دینداری شوهن، منکر قدرت ابن. آ ایطو کسون دور به ... چون زمونی ایا که مردم بی تعلیم صحیح گوش نیدن، بلکه بنا ب میل خوشون، خيله معلمون گرد ایارن تا آنچه که گوشونشون طالب شنیدن، آ اوانان اشنوون».

— دوم تیموتائوس ۳: ۱ تا ۵ و ۴: ۳ تا ۴

توجه اکین که اوانان دارای صورت دینداری یا «مسیحیتن»، ولی بی قدرتشون انکار اکنن. ای کار چیطو انجوم ادن؟ اوانان انکار اکنن که مسیحیت اتون بی اوانان آکینه و عدم بخشش آزاد اسازه تا اتونن ابخشن. اوانان بی خوشون ابالن که پیرو عیسان و تجربه «تولد تازه» خوشون اعلام اکنن. ولی چیزی که اوانان بی داشتنش ابالن، فرصت پیدا شونکین تا بی قلبشون رسوخ اکن و باعث ابو که شخصیت مسیح یطو نیرومند تو وجودشون رشد اکن.

نسل اطلاعون

پولس به واسطه نبوت اشتونست ابینه که ای زنون و مردون گول خورده بی شناخت و آگاهی مشتاقن، ولی تغییر نیکنن، چون هیچ موقع اوانان بکار نیبرن. بی اوانان ایطو توصیف اشکه: «با ای که همیشه تعلیم اگیرن، هرگز بی شناخت حقیقت نیتونن ارسن.» (دوم تیموتائوس ۳: ۷) اگه پولس هُمر و زنده بو، تأسف شخا بی آنچه پیشگویی اشکیبو، در عمل شُدی. اُ بی خيله مردون و زنونی شُدی که جلسه ان سمینارون و خزمتون کلسیا حاضر ابن و دانش کتاب مقدس یاد اگیرن. شُدی که اوانان دمبال «مکاشفه تازن» تا زندگی موفقتر و خودخواهونه تری شُباشه. اُ بی خادمونی شُدی که بی دلیلون مذهبی بی همدگه دادگاهی شاکه.

او انتشارون و برنامه هون رادیویی مسیحی شدی که بی زنون و مردون خدا با نومشون حمله اکئن. کریزماتیکونی شدی که محض فرار آ لغزش، آ کلیسئی بی کلیسای دگه شاره و همشون بی الوهیت عیسا اعتراف اکئن؛ در حالی که نیتونن ابخشن. پولس فریاد اشره: «توبه اکنین و آگول خوتون آزاد ابین، ای نسل خودخواه ریاکار!» مهم نن که چه قد مکاشفات تازه آسمینارون و کلاسون تعلیمی و الاهیونی که داخلشون شرکت توکن، توفهمین، یا چن تا کتاب توخوندن یا حتا چن ساعت دعا و مطالعه اکنین. اگه لغزش تخان و تو عدم بخشش بی سر ابرین، بی شناخت حقیقت نایل نیبین. شما گول توخان و بی دگرون با شیوه زندگی ریاکارونه خوتون گیج اکنین. مهم نن چه مکاشفه ای توهن، میوه تون داستان دگه آگو. شما چشمه انین که اوو تلخ ازتون اجوشه که دمبال خوتون گول تویون نه بی حقیقت.

خیانت

«تو آ روزون خيله کسون آ ایمونشون براگردن و بی هم خیانت اکئن و آ همدگه متنفر ابن.»

– متی ۲۴: ۱۰

بی بی ای آیه بررسی اکنیم، اگه دقیق نگا اکنیم اتونیم ی حرکت پشستاپشت ابینیم. ی لغزش، منجر ب خیانت و خیانت منجیر ب نفرت ابو. همیطو که قبلن امگبو، کسونی که لغزش شوخان، دیوارونی بی محافظت آ خوشون درست اکئن. ما ایطو، بی حفظ موجودیت خومون متمرکز ابیم. هنگاری که باد هر طورن ب هر قیمتی محافظت شده و سالم باقی امونیم و ای کار، بی ما مستعد خیانت اسازه. وختی خیانت اکنیم، در واقع بی بهای کس دگه ای دمبال نفع یا محافظت آ خومونیم و معمولنم ای کار در ارتباط با شخصین که باش رابطه موهن. پ بی ای صورت، خیانت تو ملکوت خدا وختی پیش ایاتن که ی ایموندار بی بهای ایموندار دگه، دمبال نفع یا محافظت از خوش ابو. هر قد ارتباط نزدیکتر ابو، شدت خیانتیم بیشترن.

خیانت بی کسی، اوج ترک پیمونن. وختی خیانت اتفاق افته، روابط قابل استرداد نن؛ مگه ای که توبه واقعی رخ آده.

پ خیانت منجر ابو بی نفرت با عواقب جدی. کتاب مقدس رُک اگو هر که آ
کوکاش متنفرن، قاتلن و هیچ قاتلی تو خوش حیات جاودونه اشنی. (اول یوحنا ۳:
۱۵) چه قد تأسف بارن که اتونیم شاهد نمونه هان پاپی آ لغزش، خیانت و نفرت
میون ایْمُندارون حالایی ابیم. ای مشکل، ای قد تو خونه هون و کلیسانمون شایع
گن که د عادی گن. وختی ابینیم خادمی بی خادم دگه اکشونی بی دادگاه و ناراحتی
نیبیم، نشونه بی تفاوتی مونن. وختی زناشوون مسیحی بی همدگه محض طلاق
بی دادگا اکشونن، دگه متاثر نیبیم. و همیطو ام دو دستگیوون کلیسای رایجن
و قابل پیش بینین. سازمانون خزمتی هم رفتستن سمت سیاست بازی و بی
ای رفتارونشون زیر پوشش اشتیاقشون بری ملکوت خدا و کلیسا پنهون اکئن.
«مسیحیون» آ حقوقشون حمایت اکئن و اطمینان شُهن که مورد بدرفتاری یا
سواستفاده مسیحیون دگه قرار نیگیرن. آیا ما بی توصیه عهد جدید آ یاد مَبُن؟ بی
چه بیشتر مظلوم نیبیم و بی چه بیشتر مغبون نیبیم؟

«ازلا وجود ایطو مرافعه هانی بینتون، خوش شکست گتی بی شمان. بی
چه ترجیح نیدین مظلوم واقع ابین؟ بی چه حاضر نیبیم زیان ابینین؟»
— اول قرنئیان ۶: ۷

آیا بی گفته ان عیسا آ یاد تُبن؟

«ولی مُ برتون اگم که بی دشمنون خوتون محبت اُکنین و بی اوانان که
برتون آزار ارسونن، دعای خیر اُکنین.»

— متی ۵: ۴۴

امر خدا آ یاد توکن؟

«هیچ کاری بی جاه طلبی یا تکبر مکنین، بلکه با فروتنی بی دگرون آ
خوتون بخترا دونین.»

— فیلیپیان ۲: ۳

بی چه ما با قانونن محبت زندگی نیکنیم؟ بی چه تا ای حد تو خیانت، سرعت

عمل موهن؛ جای ای که بی زندگی خومون حتا به قیمت مغبون شدن فدا اسازیم؟ دلیل: محبتونمون سرد گشتن و در نتیجه، ما هنو پی محافظت آ خومونیم. ما دگه منیشا وختی که داره تلاش اکنیم تا بی خومون توجه اکنیم، با اطمینون توجه خومون تسلیم خدا اکنیم. زمونی که عیسا مورد بدی قرار اژگه، بدی اشنکه؛ بلکه جونش تسلیم خداشکه که جای حق داوری اکن. بی ما نصیحت شکن که قدمون زیر واگیریم:

«چه، بی همی فراخونده گشتین، چون مسیح محض شما رنج اشکشی و سرمشقی اشهشت تا بی آثار قدمونش پا بلین. مسیح هیچ گناهی اشنکه و فریی تو لووش پیدانگه. چون دشنومش شدان، دشنوم پس اشندا و اوموقع که رنج اشکشی، تهدید اشنکه؛ بلکه بی خوش دست داور عادل اژدا».

— اول پطرس ۲: ۲۱ - ۲۳

اُکه به ما قادر اسازه

ما باد بی جایی اِرسیم که بی خدا اعتماد اکنیم نه بی نفس. خيله کسون با لبونشون، بی خدا بی منشا هستی خوشون، اُپرستن، ولی مته یتیمون زندگی اکنن. اونان خوشون حاکمن و بی زندگیشون پیش ابرن؛ در حالی که با لووش اعتراف اکن: «اُ خداوند و خدای مَن». الان دگه شما ابینین که چه قد لغزش، امری جدین. اگه باش برخورد نبو، عاقبت باعث مرگ ابو. ولی وختی داره جیلو لغزش خوردن اگیرین، خدا برتون پیروزی گتی ابخشه.

اگه ابلیس ششاستی هر وخت دلش اشکشی بی ما اگشه، خيله قبلترون، ای کار اشکیبو.

قبل خوندن ای کتاب تو شرایطی بودم که رابطم با خدا قطع گه بو. مُم بی نجات امبو، ولی یه چیزی بین مُم و خدا بو که درست نبو. مدونست که مشگل آطری خدا نن ولی امنیفهمی واقعا مشگل آ کجان. ی رو تو خونی یکی آ دوستونوم بودم که کتاب «تلی شیطان» نوشته «جان بیور» اژیو. کتاب امیوو خونه و شرومکه بی خوندن. امنیتونست کتاب بلوم زمین. کتاب ی قدرتی اژیو که بی روحوم داره قورت شدا. نیمه هان شوو امفهمی که همو چیزی که بین مُم خدا قرار ازگن، روح لغزشن.

— سی. سی. (جورجیا)

چیطو ایتو چی برم اتفاق افتا؟

«یوسف برشون اژگو... شما دربارم بد فک توکین بی
 همی خدا اُ قصد خُب شکه»
 - پیدایش ۵۰: ۱۹ - ۲۰

تو فصل اول ما بی افرادونی که شکست شوخان بی دو گروه گت قسمت مکن:
 الف) کسونی که حقیقتا با اونان بد برخورد گه بو. ب) کسونی که فکر شکاه با اونان
 بد برخورد گن، در حالی که راستش ایتو نبو. تو ای فصل موا مورد الف اگم.
 بیبی با ای سوال شروع اکنیم: اگه واقعا باتون بد برخورد گه بو حق توبو لغزش
 اُخارین؟ اجازه آدین بی زندگی پُس یعقوب نگوپی بندازیم: (پیدایش ۳۷: ۴۸ ایبینین).

رویا بی کابوس تبدیل ابو

یوسف پُرس یازدهم یعقوب بو. کوکاهان گُت ترش، کوچیکش شاکه، چون باش خيله خاطرش شخاست، با لباسی که رنگش فرق شکه جونش اشپوشیبو، آ باقي بچان جدا اشکیبو. خدا بی یوسف دو رویا اژدا: تو اولی، یوسف بافه هانی که بسته گه بو تو مزرعه اژدی. بافه یوسف پا گه و مستقیم ویستا، در حالی که بافه هان مال کوکاهانش پیش یوسف سجده شوکیبو.

تو رویای دوم، اُ بی خورشید، ماه و یازده ستاره اژدی - که نشونگر باش، ننش و کوکاهانش بون- که برش سجده شوکیبو. وختی ای رویاهان بی کوکاهانش تعریف اشکه، اونان تو ذوق شوق کوکاشون شریک نگشتن، بلکه بیشتر آ یوسف متنفر گشتن.

یکم بعد ده کوکای گتش رفتستن تا گلی باشون تو چراگاه غذا آدن. یعقوب بی یوسف اشفرستا تا اونان چیطو کار اکنن. وختی کوکان گتش شُدی که یوسف داره اشو طری اونان، ضدش توطئه شُکی و شُگو: «صاحب خوون ایآ . بیبی شکشیم. بعد اییبینیم خووونش چه ابو. یوسف اگو که بی ما برتری پیدا اکن. بیبی مجبور شکنینم وختی داره امیره، برمون برتری پیدا اکن.» خلاصه همیطو، بی یوسف شُنداخت تو چاه تا امیره. لباسنش درشویو لَط پار شُکه شُزه به خون حیون تا بی باشون نشون آدن و اگون که بی یوسف حیوون وحشی اشخان. اونان بعد ایکه بی یوسف تو چاه شُنداخت، بی کاروون اسماعیلیون شُدی که داره اشو بی مصر. بعدش یهودا اژگو: «ی لحظه صبر اکنین. اگه ما آلیم که تو چاه امیره سودی برمون اشنی، بیبی مئه برده شفورشیم تا پولی گیرمون ایآ. مئه مرده ای ابو که دومرتبه هیچ وخت آزارمون نیده و همی ما آ ای کار، سود اکنینم!». بی همی، شُفروخت بی بیست پاره نقره. یوسف بی اونان لغزش اشدابو؛ طوری که برش خیانت شکه و میراث و خونوادش شُگه. یادتون ابو که ای افرادون کوکاهانش بودن که باش ایطو شکین - باشون یکی بو، ی خون و ی جسم! الان، تو فرهنگ ما ایقه شرایط فرق اکن که خيله مشگن که شدت کاری که کوکاهان یوسف انجوم شدان درک اکنینم. فقط کشتنش بدترین کار بون. تو دوره ان کتاب مقدس پُرس اتبو خيله اهمیت اژبو. پُسون ی مرد، نُموش شاکه و تُمون داراایش بی ارث شابو. کوکاهان یوسف شُنشت که نوم و ارث باش ایگی.

اونان نومش لکه دار شکه و کلا بی یوسف آ هویتش محروم شکه. هر چی که یوسف ششناخت، آ دست ره بو. وختی بی شخصی بی بردگی بی کشورن دیگه فروخته اگه، تا زمون مرگ، برده باقی شمونند. زنی که باش ازدواج شکه، برده بو و همی بچانشم برده اگشتن. برده متولد گشتن خيله سخت بو، ولی بدتر ای که به عنوان وارث ثروت با آینده ای گت، متولد ای، ولی فقط بی ای که آ ارثون محروم ای. اگه یوسف ازلا اشنیدونست که چه شخصیتی ششاستی اژباشه برش بخرت بو. یوسف مته مرد مرده ای بو که زندگی شکه. م باور امن که آ خيله دغه ان وسوسه گه بو که کاشکی کوکاهانش شکست بو. نکته مهم این که کاری که کوکان یوسف انجم شدا، شریزونه و ظالمونه بو.

نگاه آ دوباره ای

شما حدمن توضیح م درباره داستان یوسف، طوری اخونین که قبلش نتیجش تادونست. وختی آخر ای داستان ادونین، خيله دل آدم گرم ابو ولی نه بی یوسف که تجربه شکه. معلوم اگه که او ازلا پدر و یا تحقق رویای خدادادی خوش نییینی. آ برده ای تو سرزمین غریبه ان بو. آ اشنیشاستی بی مصر ترک اکن. آ دارایی مردکی دگی بو. یوسف بی ی مردکی به نوم فوطیفار فروخته گه که یکی آ کارمندون مقام بالای فرعون و فرمندی سپاه بو. یوسف حدود ده سال برش خزمت اشکه. آ ازلا آ خونوادش گپی اشزیه و شدونست که باش باور اشکین که مردن. زندگی اونان بی یوسف شگذشت. یوسف هیچ امیدی بی ایکه باش نجاتش آده اشنبو. هر چه شگذشت، یوسف مورد التفات ارباباش قرار شکه و باش خوش رفتاری اگه. فوطیفار بی یوسف ناظر خونه زندگیش اشکه. ولی همو زمونی که شرایط وفق مراد یوسف پیش شره، کار خيله زشتی آ طری زن اربابونش داره اتفاق افتا. آ چیشن حسرت بی یوسف شنداختبو و شستی باش زنا اکن. هر رو سعی شکه بی یوسف گول آده، ولی آ اشنیهشت. ی رو زن فوطیفار تو خونه با یوسف تنها بو و برش گیر اشیوو و اصرار شکه تا باش اخووی. یوسف اشنشت و دو اشزه لرد و لباسونش تو دستنش ول اژدا. ای کار که انجوم اژدا زن فوطیمار شرمنده گه و جیغ اشزه: «تجاوز!» و فوطیفار بی یوسف شنداخت تو زندن فرعون.

زندون فرعون شباهتی با زندونون ما تو آمریکا اشنبو. م تو چن زندون خزمت امکین و هر قد هم خوشایند نبو، تو مقایسه با سیاه چالی فرعون، باشگاهی ورزشی

محلین. اوجا نه نور خورشید بو و نه جایی بی ورزش! فقط ی اتاق پایین تر آ سطح زمین یا گودی بو دور آنور و گرما. شرایط ازلا شباهتی بی شرایطون انسونی اشنبو. قرار بو زندونیون در حالی که با یکم نون و اوو (اول پادشاهون ۲۲: ۲۷) زندگی اکنن، کم کم اپوسن. قدی برشون غذا داده اگه که فقط زنده اُمَن و اُتونن زجر اِکشن. پاهان یوسف با ای زنجیرون آسیب شدی و برش بی آهَن شُبست بو. اُ تو سیاه چالی مرگ بو. اگه ا مال مصر بو، شتونست شانس بی رهایی اژباشه، ولی ا مته برده ی غریبه بو که متهم به تجاوز گه بو و هیچ امیدی شنبو. هیچ چی اشنیتونست ا ای بدتر ابو؛ ا تا سر حد مرگ پیش ره بو. تاشا فکرونش تو تاریکی نمدار سیاهچاله اشنوین؟ «مُ بی اربابم بالای ده سال با صداقت و درستی خزمت امکن. مُ ا زَنشم برش وفادارتر بوم. مُ بی خدا و اربابُم وفادار مُندم؛ هر رو افساد فرارمکه. پاداش مُ چن؟ سیاهچالن؟!» «ایطو که معلومن هر چی مُ داره بیشتر تلاش اکنم تا چیزی که درستن، انجُم آدم، چی بدتری نصیبمون ابو. خدا چیطو اشتونست اجازی ایطو کاری آده؟ کوکاوونوم شاتونست وعدهانی که خداوند بی مُ اژدابو اژزن؟ بی چه ای خدای عهد، خدای قادر مطلق بی نفع مُ وارد عمل نگه؟ آیا خدای وفادار و پرمحبت ایطو بی خادمُنش توجه اشن؟ بی چه مُ؟ مُ چه کاری امکن که مستحق ایطو چیزی اُیم؟ مُ تنها ایْمون امبو که گپ خدا مشنو!» مُ باور امن که یوسف با ایطو فکرونی دست و پنجه نرم شکه. اُ تو زندگیش آزادی محدودی اژیو. ولی اُ همچُن آزاد بو تا بی واکنش خوش نزبت بی همی چه که برش اتفاق افتا بو، انتخاب اکن. آیا اُ نزبت بی کوکاوونش و درنهایت خدا، لغزش شخا و تلخ گه؟ آیا اُ ا همی امید خوش محض تحقق وعده نامید گه و آخرین انگیزش بی زندگی، اسش شُدزی؟

یعنی خدا بی همی چی کنترل اشن؟

مُ فک اکنم ازلا بی فکر یوسف نومه که همی ای اتفاقن روو خدان تا بی اصولی اماده شسازن. اُ بعدا نزبت بی کوکاوونش که برش خیانت شکبو چیطو ا قدرتش استفادشکه؟ یوسف با رنجی که اشکشی، اطاعت یادازگه. کوکاوونش ماهزونه مته ابزاری تو دس خدا به کار گته گن. آیا یوسف زود بی وعدهش رسی یا پی خدا بو بی نتیجش؟

شاد وختی یوسف رویاهونش اژیو، بی اونان بی گواهی بی زندگی خوبش شدی. او هنو یاد اشنگیو که قدرت بی خزمت داده ابو نه بی ای که بی خوت آدگرون جدا

اَسازی. ما تو ای دوره هان تربیتی همیشه جای تمرکز بی بزرگی خدا، بی دشوار و بعید بودن شرایط من متمرکز ابیم. بی همی، امید ابیم و بی دگرون سرزنش اکنیم. بی همی، پی کسی اگر دیدیم که احساس اکنیم مسئول نامیدی مونن. وختی با ای حقیقت روبرو ابیم که خدا شناسستی نهله ما کلا بهم اریزیم و ای کاراشنکه، معمولاً شماتت شکنیم. ای زنگم تو ذهن یوسف بی صدا درامه: «مُ طی چی که آ خدا اذُنم زندگی امکین، مقررات یا استانداردنش تخطی امنکن. مُ فقط رویایی که خدا بی مُ اژدایو، تکرار مکه و نتیجش چه بو؟ کوکاوونوم بی مُ خیانت شکی و بی مُ بی بردگی شفروخت. بام فکر اکن مُ مردسْتُم و ازلا نیا بی مصر که بی مُ پیدا اکن.»

آنظر ا باعث بانی ماجرا، کوکاوونشن. عامل اصلی اونان بودستن که بی سیاهچال انداخته گه. شاد ا ایطو فگرونی تو سرش بو که اگه ی رو تو قدرت ابو، چه قه مسایل تغییر اکنن، و یا تو رویهاوونشن بی زُمونی شدی که خدا داره برش تو موقعیت قدرت قرار اده. چه قه همی چی متفاوت اگه، اگه کوکانش بی آیندش تباہ شنیکه. هر چن وخ ی دُفه، اشنوویم که ددا کوکانمون تو تلی مئه مقصر دُونستن دگرون افتاستن؟ بی مثال:

«اگ محض زنوم نبو، مُ الان تو خزمت بوم. ا جیلوم اژگه و خيله چیرُنی که رویاش امبو، خراب اشکه.»

«اگه محض ننه بام نبو، ی زندگی طبیعی و عادی امبو. اونان محض موقعیت هنروزی مُ، باد شماتت ابن. چیطور دگرون والدین طبیعی شهن ولی مُ نه؟ اگه ننه بام آ همدگه جدا نیگشتن، مُ تو زندگی زناشویی خوم موفق تر بوم!» «اگه محض شبانم نبو که بی ای عطیه تو مُ سرکوب اشکه، الان آزاد و بی هیچ مانعی بوم. ا مانع تحقق تقدیر و نصیب مُ گن. ا بی افرادون تو کلیسا علیه مُ برشگردوندا!»

«اگ محض خاطر شو سابقم نبو، مُ و بچانم ای همه مشکل مالی منبو»

«اگه محض زنکه تو کلیسا نبو، هنو مُ مورد التفات رهبرن بودستم. محض غیبتونش، همی امیدونم بی ایکه محترم ابم خراب گشتن.»

ای لیست تمومی اشنی. آسونن که بی هر که مشکلوئی که اشن، شماتت اکن و تصور اکن که چه قد بختر بو اگه ایطو افرادی کنارش نبون. اونان ایطو فکر شاکه که یأس و نامیدی و دردشون تقصیر دگرونن. موا بی ای اصل تأکید اکنم: «اڈنین که شیطون یا هیچ مرد، زن یا بچی هرگز نیتون بی شما ا مسیر اراده خدا خارج اکن.

هیشکه جز خدا بی سرنوشت شما تو دس اشنی. کوکان یوسف سخت تلاش شکی که رویایی که خدا برش اژداهو، آ بین ابرن. اونان فکر شاکه که بی رویای یوسف پایان شدن و بی زبون خوشون شگو: «حالا ایبن شکشیم و شندازیم تو یکی ای چاهان... و ابینیم خونش چه ابو!» (پیدایش ۳۷: ۲۰) اونان رفتن لردی تا نابود شیکن. کارشون اتفاقی نبو، بلکه کاملاً حسابشده بو. اونان شاخاست هیچ فرصتی بی موفقیتن آیندش مدن.

حالا شما فکر اکنین که وختی اونان بی یوسف بی بردگی شفروخت، خدا تو آسمون بی پُس و روح القدس نگاه اشکه و اژگو: «حالا چه اکنیم؟ بی چی که کوکانش انجوم شدادی نگاه اکنین. اونان نقشمون دربارہ یوسف خراب شکی. بخرن زود فکری اکنیم! آیا نقشی دگی موهن؟»

خیله آ مسیحیون بی ای موقعیتون بحرانی طوری واکنش نشون دن هنگاری که دقیقا ایطو اتفاقی تو آسمون افته. آیا شما فقط تاشا ابینین پدر بی عیسا ایطو اگو: «عیسا، جیم خیله ناراحتن؛ چون ایمنداری مته خوش دربارش دروغ اژگون. ما چه کار باد اکنیم؟» یا «عیسا، سالی سی وچهار سالن و هنو دوماد نغن، آیا جونی ا پایین آماده برش اتن؟ مُمخواست زنی ایگی که برش بهترین دوست ابو، کی دربارہ سالی غیبت اشکه و نظر مردکی نریت به اُبرشگردوند؟!»

شاد احمقانه ابو، ولی واکنشی که ما نشن ادیم، گاهی کنایه آ این که بی خدا ایطو داره ابینیم. بیی ابینیم که یوسف تو کلیسان امروزیمون چیطور رفتار اکن. اگه مته بیشتر ما بو، ادونین چه شکه؟ نقشه انتقام شکشی و بی خوش با ایطو فکرونی آروم شکه: «اگه دستم برشون ارسی، شاگشم. بی اونان محض کاری که با مُم شکن شاگشم. اونان باد تقاص کارشون آدن!» ولی اگه یوسف حقیقتا ایطو نگرشی اژیو، خدا تو سیاهچال ولش شکه تا اپوسه. بی چه که اگه با ای انگیزه آ زندون اومه بو لرد، بی رهبرن ده قبیله آ دوازده قبیلی اسرائیل شکشت. ای شامل یهودام اگه که خاندان مسیح آ نسل اونان بو. بله کسونی که ایطو شیطنی با یوسف برخورد شکن، بواهون اسرائیل بودستن و خدا بی ابراهیم وعده اژداهو که اونان قومی به وجود ایارن که سرانجوم خدای عیسا آ طری اونان بی جهان شیومه. یوسف آ لغزش آزاد موند و نقشه خدا تو زندگی خوش و کوکانش انجوم گه.

یعنی شتونست آبی بدته ابو

زندون بی یوسف، زُمونی بی تامل و هم ی فرصت بو. دو زندونی با یوسف بودستن که هر دو رویاهان واضح و نگرون کننده ای شبو. یوسف بی هر دو رویاهون با دقتی شگفت انگیز تعبیر اشکه. یکی آ مردون، زنده امونی؛ در حالی که ی نفر د اعدام اگه. یوسف ا کسی که عفو اگه، اشخاست تا وختی دوباره اِدِ فرعون اشوتن، بی آ یادش امونه. آ مرد بی خزمت فرعون برگشت، ولی دو سال بی هیچ گپی آ طری آ سپری گه. ای ام دگه دلخوری دگه ای بی لغزش خوردن یوسف بو.

خدا همواره نقشه ای اشن

زُمونی رسی که فرعون رودرروپی خپله هشدار دهندي اژیو. هیچ کدوم آ مجوسیون و یا مرْدُن حکیمش شُنتونست توضیح شادن. اُموقع بو که خادم عفو شده بی یوسف یادش اومه. برشون اژگو که چیطو یوسف خوو خوش و همبندوش تو زندون تعبیر اشکیبو. بی یوسف شویان اِدِ فرعون و معنی خووش برش اژگو که قحطی داره ایاتن و حکیمنه تعلیمش اژدا که چیطو بی بحران آماده ابو. فرعون بلافاصله بی یوسف اژیو بالا و مقام شخص دوم مصر اژدا. یوسف محض حکمتی که خدا برش اژدabo، بی قحطی سختی که داره اوومه، آماده گه. بعدِ وختی قحطی بی همی قومون شناخته شده رسی، کوکان یوسف باد اوومه بون کماک مصر. اگه یوسف تو دلش آکوکانش کینه اژیو، الان موقش بو که انجُم آده. او شتونست بی اونان اندازی زندون یا شکنجه اکن یا شُکشی و شماتتم نبو؛ چون شخص دوم مملکت تو مصر بو. فرعون بی کوکان یوسف ازلا اهمیتي اشنیدا برش اهمیتي اشنبو. ولی یوسف بدون پول برشون غله اژدا. بعدشم بهترین زمینون مصر اژدا بی خونوادهان اونان و اونان آ فراوونی نعمت زمین شُخا. خلاصه که، بختترین زمینون مصر برشون داده گه. یوسف بی کسونی که برش لعنت شُکیبو، برکت اژدا و بی کسونی که آسش نفرت شُبو، خوپی اشکه (متی ۵: ۴۴ ببینی). خدا کارای که کوکان یوسف انجوم شادا قبل از ایکه انجوم آدن شدونست. درحقیقت، خداوند شدونست که اونان ای کار انجُم ادن، قبل ایکه بی یوسف رویا یا خوو آده یا قبل ایکه هر کدوم آ پَسُن بدنیا ایان. ی قدم اشیم جیلوتر. یوسف وختی دومرتبه رسی اِدِ کوکانش ایطو اژگو:

«و الان د نګرون نبین بی ایکه بی مُ تُفروختن بی خوتون خشم مگیرین، چون بی حفظ خيله جوئُن بو که خدا بی مُ اشفرستا پیش شما. بی چه که الان دو سالن که تو ای سرزمین قحطی حاکمن و پنج سال دګه هم نه شخمی هن نه درو. ولی خدا بی مُ پیشاپیشتن اشفرستا تا برتون باقی بهله روزمین و بی رهایی عظیم جونتون زنده نگه اکن. پ شما بی مُ بی ایجا تُنفرستا بلکه خدا بو. اُبی مُ بای فرعون و سرور همی اهل خونش و فرمانروایون سرتاسر سرزمین مصر اشکه». (پیدایش ۴۵: ۵ - ۸).

بی آنچه زمزورنویس اژګون، نگا اکنین: «أ [خدا] قحطی بی زمین فراخوند و همی ذخیره ی نون آ بین اژیو؛ و بی مردکی پیشاپیش ایشان اشفرستا، بی یوسف، که بی غلامی فروخته ګه.»

— زمزور ۱۰۵: ۱۶ - ۱۷

کی بی یوسف اشفرستا؟ کوکانش یا خدا؟ طبق گفتی دو شاهد آیینیم که خدا اشفرستا. یوسف رُک بی کوکانش اژګو: «شما بی ایجا تنفرستا»، بی آنچه روح اګو ګوش اکنین.

هموطو که قبلا گفته ګه، هیچ بشر یا شریری نیئن نهله نقشه خدا تو زندګیتن اجرا ښو. اګه بی ای حقیقت ویستین، بی شما آزاد اکن. ولی فقط ی نفر ششا برتون آ مسیر اراده خدا لرد اکن اوهم خوتونین! قوم اسراییل تو نظر تون ابو. خدا رهاننده ای با نُوم موسا اشفرستا بو تا بی اونان آ اسیری مصر بیرون ایاره و داخل سرزمین موعود اکن. بعد ایکه ی سال تو بیابون بودستن، راهنماهانی محض جاسوسی شفرستا. اونان با شکایت برگشتن و آ قومون ساکن اُ زمین که آ لحاظ نظامی ګت تر و قوی تر آ اونان بودستن، سُترسی. همی مردم جز یوشع و کالیب با ای راهنماهون موافقت شکه. مردم احساس شاکه خدا برشون بیرون اشیان تا امیرن.

اونان نزیب بی موسی و خدا لغزش. ای جریان بالای ی سال ادامه اژیو. نتیجه ای لغزش، ایطو ګه که نسل اونان هرگز بی سرزمینی که خدا برشون وعده اژدابو شندی. خيله کسون، بی خدا مشتاقونه خزمت اکن، ولی محض رفتارون بد اشخاصون شرور یا میسحیون جمونی داخل موقعیتون دشوار زنگی ابن. حقیقت این که باشون ظالمونه رفتار ګن. ولی تنها کاری که لغزش خوردن اکن، این که بی تحقق هدف دشمن تو ایکه بی اونان آ مسیر اراده خدا خارج اکن کمک اده. اګه آ لغزش فاصله

اگیرین، تو اراده خدا باقی امونین. در صورتی که لغزش اخارین، توسط دشمن بی اسارت گرفته بین تا هدف و اراده ش انجوم آدین. انتخاب با شمان! خيله مفیدترن که آ اسارت لغزش، آزاد اُمنین. باد یامون امونه که هیچی نیتون روبرومون ویسه؛ با ایکه خدا حتا قبل آ اتفاق افتی ادونه. اگه ابلیس شتونست بی خواست خوش بی ما هلاک اکن، ای کار قبلندون انجوم شدا؛ چون خيله شدید ای انسون متنفرن. همیشه ای نصیحت یادتون امونه:

«هیچ آزمایشی بی شما نیا که مناسب بشر نبو. و خدا امینن. آ اجازه نیده بیش ا توانتون آزموده بین، بلکه موقی آزمایش، راه درروپی هم آماده اسازه تا تاب تحملش نُباشه».

— اول قرنیتان ۱۰: ۱۳

توجه اکنین که کوم اگو: «راه فراری»، نیگو: «ی راه فرار». خدا جیلوتر، هر شرایط بدی که باش قرارن روبرو ابیم اژدین. اهمیتی اشنی که آ مسأله چقد کوچکن یا گتن، او راه فراری اسش اشکن و حتا هیجان انگیزتر ای این که چیزونی که به نظر با نقشه خدا منافات شوهن، در واقع تو مسیر تحقق نقشن؛ البته در صورتی که ما مطیع و فارغ آ لغزش باقی اُمنینم. پ یادتون امونه که با دوری آ لغزش تسلیم خدا امنین. در برابر ابلیس مقاومت اکنین و آ شما فرار اکن (یعقوب ۴: ۷). ما در برابر ابلیس، با لغزش نخوردن مقاومت اکنینم. شاد رویا یا خوویطو دگه آ آنچه شما فکر اکنین، اتفاق افته، ولی کوم و وعدهونش شکست نیخارن. ما تنها با ناطاعتی خومون قبل آ تولد رویا، بی اونان سقط اکنینم.

نوع دگه خیانت

عده ای آ رفتاری که کوکان یوسف باش شکه، ناراحت ابن. اگه دشمنونش باش ایطو شاکه، ماجرا ایقه دردناک نبو. ولی اونان کوکانش بودن: آ ی خون و جسم. اونان کسونی بیستن که تصور اگه تشویق و حمایت شیکونن و اسش دفاع و مراقبت اکنن. آیا فیلمنامه ای بتر آ سوء رفتارنی که یوسف متحمل گه، شتونست وجود اژباشه؟

تجربه ی طردشدگی و بدخواهی آطری ددا یا کوکا قابل تحملن، ولی ایطو تجربه ای آطری پدر، امری کاملاً متفاوتن.

مُ معلم دیپرستان و سال سومیونم. اخیراً کتاب «تلی شیطون» مخوند که مکاشفه هان گوناگونی تو زندگیم اژبو. بی فیلم ویدیویی با شاگردنم سهیم گشتم و روح القدس ایقه قدرتمند تو کلاسمون عمل اشکه که همه شروع شکه بی اعتراف درباره لغزشونشون و طلب بخشش سُکن. چن نفر آ بچان شگو که اُرو بخترین روزشون، تو اُسال بون. یکی آ بچهان بعد ایکه بی باش ترک اشکیبو، باش آشتی اشکه. ی نفر دکی بی فرایند شفا آ زخمون عمیقی که نریت به بیبیش اژبو؛ شروع اشکه. حقیقتاً خدا یطو شگفت انگیز بی ای بچان خزمت اشکه. بی ای پیغوم تشکر اکتم.

– آر. اف. (ایندیانا)

ای بای مُ!

«ای بای مُ، نگاکو! ... ادون و دریاب که هیچ شرارت یا
نافرمونی توُم نی. مُ بی تو گناه امنکردن، باشه که تو پی
اشکار جون مُی تا شیگیری».

— اول سموئیل ۱۱:۲۴

تو فصل قبلی مُدی که چیطو کوکان یوسف پی نابودیش بودن و مُدونست که
اُ ای خیانت، چه دردی تجربه اشکه. شاد شمام تو موقعیت مشابهی ایین. شاد
مورد خیانت نزیکترین افرادی که آ اونان انتظار محبت و تشویق اتن، قرار اتگن .
تو این فصل موا بی موقعیتی دردناکتر آ خیانت ی کوکا اِپرداُم. تجربه طردشدگی
و بدخواهی آ طری ی کوکا قابل تحملن، ولی آ طری پدر امری کاملاً متفاوتن. وختی
درباره پدرون گپ ازمن، فقط بی بای بیولوژیکی اشاره امنی، بلکه منظورُم هر رهبرین

که خدا برمون قرار اژدان. ای افراد کسونین که ما فکر ماکه برمون محبت، تربیت، تغذیه و مراقبت اکنن.

رابطه یی آنوع محبت- ییزاری

اجازه ادین بی بررسی مثالی درباری بای خائن، بی ارتباط میون داوود و شائول پادشاه نگایی اندازیم (اول سموئیل ۱۶- ۳۱) زندگیشون پیش آ ایکه بی همدیگه ابینن، بی هم مرتبط بو؛ وختی که سموئیل، بی داوود مسح اشکه تا پادشاه آینده اسراییل ابو. داوود باد با ایطو فکرونی آهیجان زیاد آ پا ادرومه: «ای همو مردین که بی شائول مسح اشکه، پ م واقعا پادشاه ایم!»

برآگردیم قصر. شائول توسط روح شروری آزار شدی؛ چون نذبت بی خدا ناطاعتی اشکیبو. آرامشش فقط زمونی بو که کسی کرنا شزه. خادمُن شائول شروع شکه بی جست جار مرد جوونی که اُتن در حضورش وینی و بی شائول خزمت اکن. یکی آ خادمُن پادشاه، داوود- بی پُس یسا- پیشنهاده اشکه، پ شائول پی داوود اشفرستا و اسش اشخاست تا ایا قصر و برش خزمت اکن. داوود باد ایطو فکری توکلش پرورش شدا: «خدا هم الان وعده ای که آ طری نبی اژدابو، انجوم شدا. مطمئنم مِ اِد پادشاه التفات پیدا اکنم. ای باد راه ورودی مِ بی ای موقعیت ابو».

زموُن سپری گه و بای داوود آسش اشخاست تا خوردنی و نوشیدنی بی کوکان گُت ترش که تو جنگ با فلسطینیون بودستن، ابره. وختی داوود رسی خط مقدم، بی قهرمُن فلسطینی یینی جُلّیات اژدی که بی ارتش خدا مسخره شکه و حالیش گه که ای کار چل رو ادامه شدابو. اُ اشفهمی که پادشاه دختش بی عقد کسی درایاره که بی ای غول شکست آده.

داوود ره حضور پادشاه و اجازه جنگ اژگه. اُ بی جلیات اشکشت و بی دخت شائول بدست اشیا. بعدِ اِد شائول التفات پیدا شکه و شویون بی قصر تا با پادشاه زندگی اکن. یوناتان، گت ترین پُس شائول عهد دوستی جاودونه با داوود اژبست. تو هر کاری که شائول بی داوود شسپرد، دست خدا باش بو و موفقم آگه. پادشاه اشخاست که داوودم سر میزش با پُسُنش غذا اخاره.

داوود هیجونی گه بو. او تو قصر زندگی شکه. سر میز پادشاه نُن شخا. با دخت پادشاه عاروسی اشکیبو. با یوناتان دوست بو و تو همی جنگُنش موفق! اُ حتا

محبوب مردم گه بو. شتونست بی تحقیق نبوت آشکار جیلو چیشونش ابینه. داوود بیشتر آ دگه خادمُن شائول مورد التفاتش بو. شائول باش گه بو. داوود اطمینون اژیو که شائول برش مشاوره اده و برش تربیت اکن و ی رو هم با احترام زیاد بی تخت شنشونی. داوود آ وفاداری و نیکویی خدا شادمون بو. ولی ی رو همی چیژن تغیر اشکه.

وختی شائول و داوود دوشادوش هم آ جنگ برگشتن، زنون کل اسراییل رقص کُن اومدن لرد و شاخُند: «شائول هزارُن بی خوش و داوود ده هزارُن بی خوش اشکشتن». ای جریان بی شائول عصبانی اشکه و بعد آ رو، آ داوود متنفر گه. سعی اشکه دو مرتبّه وختی که داوود برش چنگ ازن، شیکشی.

کتاب مقدس اگو که شائول آ داوود متنفر بو چون شدونست خدا با داوودن و با آ نی. داوود مجبور بو بی حفظ جون خوش فرار اکن. چون هیچ جایی بی رفتن اشنبو بی بیابُن فراراشکه.

داوود تعجب شکه: «چه اتفاقی افتاستن؟ وعده آشکار بو، ولی گُمُوم الان ای مین رن! مردکی که بی مُ مشورت شدا، سعی اشن بی مُ اگشی. چه کاری مشا اکنم؟ شائول خادم مسح شدی خدان. وختی ضد مُن، دگه چه فرصتی اُمن؟ آ پادشان، مرد خدا و سَرور قوم خدان. بی چه خدا اجازه ایطو کاری اده؟»

شائول با سه هزار نفر آ بهترین جنگ جویون اسراییل، آ بیابان بی بیابان و آ غار بی غار پی داوود بو. اونان ی هدف شُبون؛ نابودی داوود!

تو ایطو لحظاتی، وعده فقط ی سایه بو. داوود دگه تو قصر زندگی اشنیکه و سر میز پادشا نون اشنیخا. آ تو غاژن مرطوب ساکن بو و ته موندی خوراک حیونون وحشی سخا. دگه تو رکاب پادشا نبو، بلکه توسط مردانی شکار اگه که روزی کنارش شاجنگی. هیچ رخت خووگرم یا خادمی بی مراقبتش وجود اشنبو. هیچ تعریفی تو دربار سلطنتی برش نبو. عروسش بی شخص دگه ای شدا بو. الان آ تنهایی ی مرد بی سرزمین به خوبی درک شکه.

توجه اکنین که خدا بی داوود تحت مراقبت شائول قرار اژدابو. بی چه خدا نه که اجازه ایطو کاری اژدا، بلکه برنامه ریزی هم اشکه؟ بی چه اول داوود مورد التفات و توجه قرار اژگه ولی ی دفه همی چی اسش گته گه؟ ای اولین فرصت بی داوود بو تا نه فقط درباره شائول، بلکه در رابطه با خدا هم دچار لغزش ابو. همی سوألن بی

جواب، وسوسه شک و تردید در مورد حکمت و نقشه خدا برش زیاد شکه.

شائول قدی مصمم بو که بی مرد جوان بی هر قیمتی اُکُشه که دیوُنْگیش زیاد گه. اُ تبدیل گه بی مردی خشن. کاهُنْ شهر نوب بی داوود پناگ، نون و شمشیر جلیات فراهم شُکه. اونان چیزی درباری فرار داوود آ دِس شائول شنیدُنست و فِک شاکه او مأمور پادشان. اونان آ طری داوود آ خدا مسألت شُکه و تو مسیری که باد شره، بدرقش شُکی.

وختی شائول متوجه ای کار گه، خشمگین گه و هشتاد و پنج نفر آ کاهُنْ بی گنای خداوند اشکشت و بی شهر نوب یطو کامل آ مرد، زن، بچه، طفلُنْ شیرخواره، گوو، خر و گوسفندون آ دُم تیغ شگدروند. اُ علیه اونان قضاوت اشکه. بی گناهنی که گُمَن شکه ضد عمالیقیونن. شائول قاتل بو. خدا چیطو اِشتونست روح خوش بی ایطو مردی قرار آده؟

لحظه ای که شائول اشفهمی، با سه هزار جنگجو دنبال داوود ره. تو طول راه، اونان ویستادن تا تو ورودی غار استراحت اکن و شنیدُنست که داوودم ته همی غار قایوم گن. شائول، ردای بیرونی خوش دراشیو و اشنها گوشه. داوود سریع آ مخفیگاش اومه لرد. تکه ای آ کناره ردا اشبری و بدون ایکه توجه کسی جلب اکن، آهسته ره جلو.

بعد آ ایکه شائول آ غار اومه لرد، داوود سُجده اشکه و گریخ اشکه: «ای بای مُ، نگا اکن! ... ادون و افهم که هیچ شرارت یا نافرמוنی تو مُ نی. مُ بی تو گناه امنکردن، با ایکه تو پی شکار جون مُیی تا شیگیری». (اول سموئیل ۲۴: ۱۱)

گریخ داوود در حضور شائول ایی بو: «بام، بام!» آسونتر اگم که ایطو گریخ شکه: «بی دل مُ ایبن، بی مُ بام ابه! مُ ی رهبر نیاز امن تا بی مُ تربیت اکن، نه ایکه بی مُ هلاک اکن!». حتا در حالی که شائول سعی اژیو بی داوود اکشی، ولی دلش همچونُنْ با امید شسُخت.

بواونمون کجان؟

مُ شاهد ایطو گریخونی تو خيله زنن و مردُنْ تو بدن مسیح بودستم. خیلهونشون جوُون، و دارای دعوت و خواندگی مهمی تو زندگی خوشون بودن. اونان بی ی پدر گریخ شاکه؛ کسی که بی اونان تربیت، محبت، حمایت و تشویق اکن. محض همی

بو که خدا اژگو: «دل پدَرُن [رهبرُن] بی طری بچان [مردم] و دل بچان بی طری پدَرُن براگردونین، مبادا بیامن و ای سرزمین بی لعنت نابودی کامل دُم». (ملاکی ۴: ۶) ملت مَن بواونش (پدَرُن، رهبرُن یا خادَمُن) تو ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ آ دِس اژدا و همرو شرایطَمُن پر دردترن. خيله آ رهبرُن تو خونه هان، مؤسسان و کلیساهانمون بی شباهت بی شائول نیستن که بیشتر نگرُون هَدْفُون خوشونن تا بچانْشُون.

محض ایطو نگرشی، اوانان (رهبرُن)، بی قوم خدا مئه منابعی ابینن تا بی رویای اوانان خزمت اکتن، جای ایکه باد ایطو رویایی شوباشه که خوشون ابزاری بی خزمت بی مردمن. بی اوانان موفقیت رویانشون، بهای زندگیون زخم خورده و بی انسانون درهم ورهم توجیه اکن. انصاف، رحمت، صداقت و محبت محض موفقیت زیر پا گذاشته ابو. تصمیمُن بی پول، تعداد و نتایجی که حاصل گن گته ابو و ای شیوه، دری به طری رفتارُنی مئه آنچه با داوود انجوم گه، باز اکن. خلاصه، شائول پادشاهی اژبو که باد حفظ اگه. ایطو رفتارُن تو اذهان رهبرُن قابل قبولن؛ چون اوانان بی پیشبرد انجیلن.

چن نفر آ رهبرُن، پای افرادُن زیر دسشون قطع سُکین؛ محض تردیدی که بی اوانان شبو؟ بی چه ای رهبرُن بدگمُن؟ چون اوانان بی خدا خزمت نیکن. اوانان خادم رویای خوشن. اوانان مئه شائول، تو دعوت خوشون احساس ناامنی اکتن و ای، بی حسودی و غرور برانگیخته اکن. اوانان ویژگیونی تو افراد تشخیص ادن که ادونن روحانی و خدایسندُنن، و تا اوجا که برشون نفع اژباشه، آ ایطو افرادن استفاده اکتن. شائول آ موفقیت داوود لذت شبو؛ تا ایکه بی اُ تهدیدی بی خوش شدی. بعد بی مقام داوود پایین اشیا و پی دلیلی شگشت تا نابود شیکن.

مُ با خيله زنا مردُن گپ امزن که بی تعهد، مسئولیت فریاد شزن و گریخ شیکن. اوانان شاوا تسلیم رهبرُنی ابن که بی اوانان تربیت اکن. اوانان احساس انزوا و تنهایی اکتن و پی کسین که برشُن پدري اکن، ولی خدا اجازه اژدان تا اُ مئن طردشدگی عبور اکتن؛ چون قصد اژبو آنچه که تو داوود انجوم اژدابو، تو اوانانم انجوم اده. بی آنچه روح داره اگو، با دقت گوش ادین.

داوود نگران ای بو که شائول فکر شکه فرد یاغی و شرورین. شاد با گفتن ایطو جملانی، دل خوش تفتیش اشیکن: «اشتباى مُ کجا بون؟ چیطو دل شائول ای قد سریع علیه مُ براگشت؟!». اُ محض ای گریخ شکه: «کسی بی مُ ترغیب

اشکه تا بی تو اکشم، ولی مُ امگو نه! مُ فقط گوشه ردای تو امبری تا اتونی افهمی و ابینی که بدی و خیانت تو دِس مُ نی.» اول سموئیل ۲۴: ۱۱ ببینین. داوود فکر شکه اگه شتونست محبتش بی شائول ثابت اکن، دومرتبه إد وی التفات ایابه و نبوت تحقق پیدا اکن. افرادونی که توسط پدری یا رهبری طرد گه یین، گرایش شهن همی تقصیرن متوجه خوشن اکن. اونان توسط فکرون عذاب آوری مئه: «مُ چه کار امکن؟» و یا «آیا دل مُ پاک نبو؟» زندونی ابن. بعضی وختن آ خوشون اپرسن: «چه کسی دل رهبر مُ ضد مُ برشگردوند؟»، بعد مدام تلاش اکن تا بی گنایی خوشون بی رهبرنشن ثابت اکن. اونان فکر اکن در صورتی که فقط اتونن صداقت و ارزش خوشون نشن ادن، پذیرفته ابن. متأسفانه هر چه بیشتر تلاش اکن، بیشتر احساس رونده شدن اکن.

کی اُم انتقام اگی؟

شائول وختی اژدی که داوود شتونست شکشه ولی ای کار اشکه متوجه نیکویش گه. پ د ا و مردنش اُجا ترک شکی. الان داوود باد ایطو فکر اشکیبو: «الان پادشاه دومرتبه بی مُ براگردونه. الان نبوت قریب الوقوعن. اطمینون امه اُ بی دل مُ ابینه و اُ ای ب بعد، بهتر رفتار اکن!»

داوود نباد ای قد زود قضاوت شکه. تنها یکم بعد، مردون شائول برش گزارش شدا که داوود تو تپه هان هکیلان. شائول دومرتبه با همو سه هزار سرباز ره پی ش. مُ باور امن ای کار بی داوود متحیر اشکه. اُ اشفهمی که کار شائول ی سوتفاهم نبو بلکه شائول بی قصد و بدون هیچ تحریکی پی کشتنش بو. چقد باد داوود احساس طردشدگی اشکیبو. شائول دلش شدنست و با این حال، جیلوش جبهه اژگیبو.

داوود با ابیشای یواشکو وارد اردوگاه شائول گه. هیچ کدوم آنهین بی اونان شندی؛ چون خدا بی همشون خوو عمیقی شنداخت بو. ای دو تا مرد، پنهنی آ میون سپاه رد گشتن و رسیدن بی جایی که شائول خوبی بو. ابیشای بی داوود اژگو: «همرو خدا بی دشمنت با دس تو تسلیم اشکه. الان ی رخصتی آده تا با نیزه ضربه ای اژدومن و شدوزوم بی زمین طوری که د نیازی بی ضربه دوم نبو.» (اول سموئیل ۲۶: ۸) ابیشای دلیل خيله خوبی اژبو بی ایکه فک شکه داوود باد اجازه آده تا بی شائول اُگشه. اول ایکه شائول بی هشتادوینج کاهن بی گناه و خانواده ون اونان با خونسردی اشکشتبو.

دوم، او با ی سپاه سه هزار نفره آماده بو تا بی داوود و پیروانش اکشه. ابیشای دلیل اشیوو که اگه شما اول بی دشمن مکشین، اُ مطمئنا بی شما اکشه. در واقع ای دفاع شخصین. هر دادگایی اجازه ای کار اده. سوم، خدا با سموئیل، بی داوود بی پادشاه بعدی اسرائیل مسح اشکیبو. اگه داوود اشنیوا بی تحقق نبوت، بی مردی مرده تبدیل ابو، پ باد میراث خوش اخاتن. چهارم، خدا بی همی سپاه بی خوو عمیق شنداخت تا داوود و ابیشای اتنن مستقیم اشن سراغ شائول. بی چه خدا دوبارته ای کار انجوم اژدا؟ آ نظر ابیشای، داوود دیگه ازلا ایطو فرصتی گیرش نیوومه. همی ای دلیلی ب نظر درست امه. اونان ایطو احساس شاکه و داوود آ کوکای گوتوش دلگرمی شگه. پ د، اگه داوود ی ذره لغزش اشخابو، کاملا توجیه اگه و بی ابیشای اجازه شدا تا نیزه بی شائول ازن. بی جواب داوود گوش آدین: «هلاکش مکن، چونکه کین که دِس خوش بی مسیح خدا دراز اکن و بی گناه اُمنه؟ بی حیات خدا قسم که خدا خوش شزن، یا اجلش رسین، امیره، و یا بی جنگ اشو، اوجا هلاک ابو. خدا اُ مُ دور اکن که دُسم بی مسیح اُ درا اکنم.» (اول سموئیل ۲۶: ۹-۱۱) داوود بی شائول نیکشی، باشه که شائول بی مردم بی گناه اشکشتبو و شخاست بی داوودم اکشه. داوود خوش انتقام نی گی؛ ولی شسپری بی خدا. البته آسون تر بو که دُرس هموجا بی ماجرا تمون شکه. ای کار، بری داوود و مردم اسرائیل راحتتر بو. اُ شُدُنست که ای قوم مئه گلی گوسفند بی سالارن. شُدُنست که گرگی بی اونان محض خودخواهی خوش شدزی. سختش بو که آ خوش دفاع اکن، ولی احتمالا سختترش بو که بی مردمونی که دوست اژیو، آ دِس ی پادشای دیوُنه ول اکن! داوود ای تصمیم اژگه؛ گر چه شُدُنست که تنها آرامش شائول، فکر نابودیش بو. داوود پاکی دلش بار اولی که آ کشتن شائول گذشت اشکیبو، نشون اژدابو. ولی حتا وختی بی بار دوم شتونست بی شائول اکشی برش دس اشنزه. شائول مسح شدی خدا بو و داوود، داوریش واگذار اشکه بی خدا. همرو چن نفر دلی مئه دل داوود شوهن؟ ما دِ با شمشیرن فیزیکی نیکشیم، بلکه بی همدگه با ی سلاح دِ - ینی زبُون - نابود اکنیم. «مرگ و زندگی توقدرت زبُون.» (امثال ۱۸: ۲۱)

بین کلیساهان تفرقه افتی، خونوادهون آ هم جدا ابن، زندگیون زناشویی آ هم اپاشه، محبت امیری و اونان با حمله بی اُمن حرفن منتشرکننده رنجش و ناامیدی، سرکوب ابن. وختی محض دوست، خونواده و رهبرن لغزش اخاریم، بی گپنی توجه اکنیم که با تلخی و عصبانیت تیز گن. گر چه اطلاعاتون شاد راستیبو، ولی انگیزه

ون ناپاکن. امثال ۶: ۱۶ - ۱۹ اگو که خدا تنفر اشن آکسی که بین کوکانش اختلاف یا جدایی اندازه. وختی بی مسأله ای محض جدایی یا آسیب بی ارتباطاتن یا حیثیت افراد، تکرار اکنیم؛ گر چه آکار دُرستم ابو، توهین بی خدا تلقی ابو.

آیا خدا اُم استفاده اکن تا گناهن رهبرنم لو آده؟

قبل ایکه خدا بی مُ ضیفم بی خزمت الانیمون فرا اخونی، هفت سال تو کار سالاری جوُنو و کماک بی اونان خزمت مکه. در حین ایکه سالار جوُنو بودستم، مردی بو که بی مُ یا پیغمی که موعظه مکه، دوست اشنبو. این کار ولی بی مُ آزار اشنیدا؛ ولی ای مردکه بی مُ اقتدار اژیو. مُ باور امبو که پیغمی قوی در رابطه با پاکی و جسارت آ خدا پیدا امکن تا بری جوُنو ایازم و پُیسش تو گروه مُ بو. الزام و محکومیتی شدید تو دل ای مرد جوُن جنبش امه بو. ی رو با گریخ اِد مُ امه. نگرون بو؛ چون احساس شکه شیوی که خونوادش داره زندگی شکه، آچی که مُ بی خوش و بی بقیه جوُن چالش امکشی بو تا بر اساسش زندگی اکن، پُیینترن. ای حادثه و دگ اختلافن شخصی، یطو بی باش وادارشکه که بی مو لرد اکن. ا اِد مسئل سالارن شره تا بی اونان علیه م با اتهامن دروغ اشورونه، بعد اومه پیش مُ و شگو که چیطو سالار ارشد ضد تو بو مُ محض خاطر تو جلوش ویستاستم. یادداشتن انتقاد آمیزی مال کارکنان بو که تو هیچ کدوم نُوم مُ نومه بو، ولی به طورون مختلف معین بو که منظورشن با مُن. ا ظاهری بی مُ لوخند شره، ولی هدفش ایبو که بی مُ نابود اکن. چن نفر آ گروه جوُنو شگو که ششنو مُ باد اخراج اِیم. کسی که ای خبرون پخش شکه پُس ای مَرکه بو؛ البته نه یطو مغرضنه، بلکه فقط چیزنی که تو خُنه ششنوی، تکرار شکه. مُ عصبانی و گیج بوم. اِد مَرکه رفتم و اقرار اشکه که ای گپون اژگن، ولی شگو که فقط گپون سالار ارشد تکرار اشکن. ماهون رد گه ره و به نظر نیرسی موقیت آروم گه بو. ا حتا همی ارتباطاتن مُ و سالار قطع اشکیبو. ای قضیه مختص مُ نبو، بلکه در مورد همی سالارونی بو که دلخواهش نبودن هم درست بو. خونوادم دائوم زیر فشار بودستن و ازلا شنیدونست که تو کلیسا امونیم یا اشیم. ما خونه ای موخربو. ضیفم آووس بو جای بی رفتن منبو. امنیخاست سابقی کاریم بی بخش لردی افرستم. ایمن امبو خدا بی مُ بی کلیساشیابو و مُام بی هیچ برنامهی دگی اوجا ائمم. ضیفم بیماری عصبی اژگیبو. «عزیزم، مُ ادونم که اونان شا بی تو اخراج اکنن همه بی مُ اگن که اونان ایطو منظوری شهن». مُ بش امگو:

«اونان بی م سرکار شنبون و نیتونن بی تاییدیه خدا بی م اخراج اکن.» اُ فک شکه م بی شرایط انکار اکنم و آ م اشخاست تا خزمت مکمن ول اکنم. بالاخره خبرون رسی که تصمیم بی اخراج م گته گن. سالار بی کلیسا اعلام اشکه که تو گروهمون تغیراتی داره انجوم اگی. م هنو باش دربارہ اختلافی که با ای رهبرامبو، گپ امزه بو که با م قرار اشهشت. م برنامه امرخت که بی ا و مردکه روز بعد شُبینم. خدا یطو خیلی خاص تأکید اشکه که آ خوم دفاع مکمن. وختی روز بعد با سالارم ملاقات امکه، تعجب امکه که تو دفتر خوش تنهایی نشبو. نگامشکه و اژگو: «جان! خدا بی توشفرستا تو ای کلیسا. م اجازت نیدم اشی!». م راحت گشتم. خدا تو لحظه آخر آ م محافظت اشکیبو. آ اُ مشپرسی: «بی چه ای مردکه با تو مشکل اشن؟ لطف کن اشو و رابطت باش درست اکن!» مدت کوتای بعد جلسه، نوشته ای برم امه که معین بو اون رهبر در رابطه با حوزه کاری م تصمیمی اژگیبو و توش انگیزی واقعیش معین اشکه. م آماده گشتم شبروم اِد سالار ارشد شدم. اُ رو تو اتاق راه مره و چل و پنج دقه دعا مکه. سعی مکی بی احساس نا آرومیم غلبه اکنم. مگو: «خدایا ای مردکه ناراست و شرور بون. اُ باد رسوا ابو. اُ بی ای خزمت، نیرویی خرابکارین، م باد بی سالار اگم که ای واقعا چیطو شخصین». بعد شروع امکه بی توجیه هدفون خوم بی رسواییش: «هر چی که گزارش آدُم، حقیقی و مستندن نه احساسی! اگه جیلوش گته نبو، شرارتونش تو کل ای کلیسا نفوذ اکن.» آخرش، با درمُندگی و بی مقدمه امگو: «خدایا تو اتنیوا رسواش اکنم همیطو نن؟!» وختی ای گپون مگو، آرامش خدا درونم اژکه. سُرُم با تعجب تگن امداد. مدونست خدا اشنیوا کاری اکنم، بی همی، مدرکون پرت امکه لرد. بعد وختی امتنست بی ای صحنه واقع بیئنه تر ایینم، متوجه گشتم انگیزه م بیشتر آ ایکه آ شخصی محافظت اکنم، جنبه انتقام شخصی اژبو. م بی خوم دلیل امیابو که چون ایمون امهن انگیزانوم خودخاهونه نن. باشه که اطلاتم دُرُس بو، ولی انگیزه انم خالصنه نبو. زمون سپری گه و ی رو پیش آ ساعت اداری، لرد کلیسا دعا مکه که مردکه امه داخل کلیسا. خدا پافشاری اشکه که برو ایش و فروتن ابه. بلافاصله حالت تدافعی امکه: «نه، خدا، او باد اِد م بیاتن. اُ باعث همی ای مشکلاتن!» بی دعا اُدمه امداد، ولی دوبارته خدا پافشاری اشکه. مدُنست که خدا ای آ م شی. آ دفترم برش زنگ امزه و رقتم داش. اگه خدا با م مواجه نگه بو، آنچه که امگفتن و نحوه گپ زدنم باش، خيله متفاوت تر آ چیزی بو که باد انجوم امدابو. با خلوص نیت اسش طلب بخشش امکه و اعتراف

امکه: «مُ نزبت بی تو حالت عیب جویونه و داوری امبو»، او بلافاصله نرم گه و ی ساعت با هم گپ مُزه. اُ رو بی بعد، حمله انش نذبت بی مُ قطع گه؛ باشه که حالا ای مشکل بین اُ و دگه سالارن همچُنن ادامه اژیو. شیش ماه بعد تو خارج آکشور داره خزمت مکه، همی کارون ناراستی که ای مردکه انجُوم اژدابو، اِد سالار ارشد لوره. اُ بی خوم کاری اشنکه، ولی در مورد بقیه زمینه هان خزمتی بله. اُنچه اُنجُم شدا، خيله بدتر اُ ای بو که مُ مدونست. اُ بلافاصله اخراج گه. داوریش اومه بو، ولی نه توسط مُ. همو کاری سعی اژیو بی مُ انجوم آده بی خوش اتفاق افتا. گرچه، وختی ای اتفاق برش افتا، مُ خوشال نگشتم. بی خوش و خونوادش متاسف گشتم. دردش مفهمی؛ بی چه که با خوش این مسیر طی امکیبو.

چون شش ماه پیش امبخشیبو، الان دِ دوستش امبو و ایطو آرزویی برش امنیکه. اگه ی سال پیش وختی که اسش عصبانی بودُم، اخراج اگه، خوشال مبو. اُ لحظه بو که امفهمی اُ لغزشی که تو سرم بو، حقیقتا آزاد گشتم. فروتنی و امتناع اُ انتقام، کلیدن آزادی مُ اُ زدن لغزش بو. سال بعد تو فرودگاه شمدي. با محبت خدا اُ پا دراومه بوم، بطری جایی که ویستابو، دوو امکه و شمگه تو بغل. بی ایکه شگو همی چی خوب پیش اشو واقعا خوشال گشتم. اگه چن ماه پیش، بی دفتر کارش نره بودوم و بی خوم فروتن امنساخت بو، اُ رو تو فرودگاه امنیتونست تو چیسنش نگاه اکنم. چن سال اُ آخرین باری که برش امدی، شگذشت؛ ولی فقط در اراده خدا احساس محبت و اشتیاق واقعی بی دیدنش امن.

داوود آدم حکیمی بو که انتخاب اشکه بی خدا اجازه آده بی شائول داوری اکن. شما اُپرسین: «خدا اُ کی استفاده اشکه تا بی شائول و خزمتکارونش داوری اکن؟» فلسطینیُن. شائول در کنار پُشنش تو جنگ با اونان فوت اشکه. وختی ای خبُرُن بی داوود رسی، جشن اشنگه، بلکه عزاداری اشکه. مردی با فخر بی داوود ارگو که بی شائول امکشتن. اُ امیدوار بو که با ای خبر اِد داوود التفات ایگی؛ ولی تأثیر معکوس اژیو. داوود اسش اُپرسی: «چیطو اتنرسی که دِست بالا ادگه که، بی مسیح خداوند هلاک اتکن؟» و دستور اژدا بی مردکه اُگشن. (دوم سموئیل ۱: ۱۴-۱۵ ابیینین)

بعدِ داوود، سرودی بی مردم یهودیه اشساخت که بی احترام شائول و پُشنش اخونن). اُ مردم اشخواست تا بی ای موضوع تو خیابُنن شهزُن فلسطین اعلام مکن، مبادا دشمن خوشال ابو. اعلام اشکه جایی که شائول کشته گه، باران

نیباری یا محصول به بار نیاتن. اُ اُهمی اسرائیلیئن اشخاست که بی شائول عزاداری اکئن. ای دل ی مرد لغزش خورده نن. ی مرد لغزش خورده، تو ای موقعیت اگو: «آنچه حقش، سریش اُمه!» داوود حتا پاش فراتر اشهشت. بی ته موندهان طایفی شائول اشنکشت، در عوض برشون مهربنی اشکه و زمین و غذا برشون اژدا و قبول اشکه که یکی آبچانش سرمیز پادشاه وینی. آنظر شما آیا اُمته ی مرد لغزش خوردن؟ گرچه داوود توسط کسی که باد برش پدری شکه، رونده گه، ولی حتا بعدِ مرگ شائولم برش وفادار مُند. آسونن نذبت بی رهبر یا پدری که دوست تون اشه، وفادار ابین؛ ولی درباره کسی که قزد کشتتن اشه، چیطو؟ آیا تاوا کسی ابین که پی خشنودی و انجُوم اراده خدان یا تاوا دمبال انتقُم شخصی ابین؟!

عادلونن که خدا انتقوُم خادمُنش ایگی، ولی ناعادلونن که خادمُن خدا خوشن انتقوُم ایگیرن.

آی بیور، مُ بی کتاب «تلی شیْطون» همرو امخوند و امنیشستی اژیْهلم
زمین. شک مکن ای یکی آ بهترین کتابنن که تا الان امخوندن.

— پی. ای. (۰ میسوری)

آواره هان روحانی چیطو بوجود ایان؟

«أبی مردُن خوش اژگو: حاشا أُم که بی سرورُم مسیح
 خدا ایطو اکنم، دِسِ خوم برش درا اُکنم، چونکه اُ مسیح
 خدان. بعدِ داوود با ای گپون بی مردُن خوش متقاعد
 اشکه، بی آونان اُ حمله بی شائول منصرف اشکه. و ولی
 شائول بلندگه و آغار امه لرد، رای خوش ره».

— اول سموئیل ۲۴: ۶-۷

تو فصل قبلی مُدی که چیطو مردکی که فک شکه باشن برش بدرفتاری اشکه.
 داوود سعی اشکه افهمه کجای کارش اشتبا بون. چه اشکن که دل شائول گن
 ضدش و چه اتن اکن که دوبارته ابو مئه اول. اُ بی ایکه بیخیال کشتن شائول گه
 بو حتا وختی تو حالت تهاجمی بو، با ای کار وفاداریش ثابتشکه. اُ در حالی که بی

شائول سجدشکیو گریخ اشکه و اژگو: «ابین که بدی و خیانت تو دس مُ نی و بی تو گناه امنکن.» وختی داوود اشفهمی که وفاداری خوش بی رهبرش ثابت اشکن، فکرش آرام گه. بعدِ خبَرُن کوبنده تری ششنو؛ شائول هِنو میل اژیو که نابود شکن؛ ولی داوود آ دس درازی بی کسی که پی کشتنش بو، دوری اشکه. گرچه خدا بی سپاه خوو شنداخت بو و برش ی همراهی اژدابو که التماس شکه تا داوود اجازه آده که بی شائول اُکشه. داوود بی دلیلی نامعین احساس شکه که ای سپاه تو خوو در ارتباط با هدف دگه ای فعالیت اکن که در واقع آزمایشی بی همو قلب خالص بو. خدا شخاست ابینی که آیا داوود بی شائول اُکشه تا بعدش پادشاهی خوش برقرار اسازه یا اجازه اده خدا تختش تا ابد در عدالت برقرار اکن.

«ای عزیزُن، انتقُوم مگیرین، بلکه بی غضب خدا واگذار اکنین. چونکه نوشته گن که خدا اگو: انتقُوم مال مُن؛ مُم که سزا اُدمُن.»

– رومیان ۱۲: ۱۹

عادلونن که خدا انتقُوم خادمُنش ایگی، ولی ناعادلونن که خادمُن خدا خوشُن انتقُوم ایگیرن. شائول مردی بو که انتقُوم خوش شگه. اُ چهارده سال پی داوود – همو مرد محترم – بو و بی کاهُن و خونواده هانُنش اشکشت. وختی داوود بالای سر شائول که خوو بود ویستا، با ی آزمایش مهْم روبرو گه. ای نمایون اکن که آیا داوود هِنو قلب شریف ی سالار اژیو یا قلب شکاک شائول؟ آیا مردی مُند که پی خشنودی خدا بو؟ همیشه اول خيله آسُونترن که بی مسائل خوْمُن دس ایگیریم تا ای که منتظر خدای عادل امونیم. خدا بی خادمُنش با اطاعت آزمایش اکن. اُ آگاهونه بی ما تو موقعیتی قرار اده که معیارن مذهبی و اجتماعی ظاهر ابن تا بی اعمالن توجیه اکن. اُ بی دگَرُن ویژه نزیکنُن اجازه اده تا تشویقمون اکن آخومون محافظت اکنیم.

شاد حتا فکر اکنیم که با انتقُوم گتن، افراد شریف و بزرگواری ابیم و ایطو، ماشا آ دگَرُنم محافظت اکنیم. ولی ای راه و روش خدا نن. ای طریق حکمت دنیا و روش زمینی و نفسانین. وختی فرصتی یادُم ایا که مشاستی کاژن اُ رهبر لو آدم، با ایطو فکری تو کشمکش بوم که شاد اُ در صورتی لو مده، بی دیگَرُنم آسیب ارسنه. ایطو فکر مکه که مُ فقط داره بی حقیقت گزارش ادمن. اگه ای کار انجُوم نَدُم، ای

ماجرا چیطو تْمَن ابو؟ و دگَرَنَم تشویقم شاکه که کارونش لو آدوم. ای در حالین که همرو اڈَنَم خدا ای اطلاعاتون بی ی دلیل بی مُ اژدان؛ تا بی مُ ؟ازمایش اکن! آیا باد مته مردی مبو که پی نابودیم بو؟ یا باد اجازه داوری بی خدا اُمدادی تا شاد اُ مرد توبه اکن؟!

چیطو خدا اتون آ رهبرون فاسد استفاده اکن؟

خیله آ مردم اُپرسن: «بی چه خدا بی افراد، زیر دس رهبرنی اهله که اشباهون جدی اکنن و حتا بعضیونشون ظلم اکنن؟» به طفولیت سموئیل نگایی اندازیم (اول سموئیل ۲-۵ اخونین).

خدا و نه شیطان، کسی بو که بی ای مرد جوون زیر اختیار کاهن فاسدی با نَوم عیلی و دو پُس ظالمش حفنی و فنیحاس - که اوانام کاهن بودن- قرار اژدا. اوانان خیله ظالم بودستن؛ و زور و گول هدیه شاکه و با زُننی که تو خیمه جمع گه بودن بی خزمت کاری، زنا شاکه. تاشا تصور اکننن که بی خادمی خزمت اکننن که ای زندگیشن؟ خادمی که ایقه نَزبت بی مسایل روحانی بیتفاوت بو که اشنیتونست بی زنی در حال دعا تشخیص آده و برش بی مستی متهم شکه. ایقه جسمانی بو که بی اندازه چاق بو. اُقد سازشکار بو که تو رابطه با پُسنش که بی رهبرون بی اوانان منصوب اشکیبو و تو خیمه اجتماع مرتکب زنا اگشتن، هیچ کاری انجُوم اشنیدا. ای روزون خیله مسیحین لغزش اخارن و پی کلیسای دگه ایین و بی دگرون اگن که محض شیوه زندگی ظالمنه شبان یا رهبرن قبلی خوشن بی اُجا ترک شکن. مُ تو بحبوحه ایطو فساد، بی گزارش کار سموئیل جوون دوست امن: «اُ پُس، سموئیل، زیر نظر عیلی، بی خدا خزمت شکه.» (اول سموئیل ۳: ۱)

ولی فساد تلفات خوش اژبو: «کلام خدا تو اُ روژن نادر بو و رویا غیرمعمول.» (اول سموئیل ۳: ۱)

به نظر اومه که خدا آ کل اجتماع عبرانین دورن. چراغ خدا تو معبد خداوند داره خاموش اگه. ولی آیا سموئیل پی مکان دگه ای بی پرستش بو؟ آیا اُد بزرگن ره تا شرارت عیلی و پُسنش افشا اکن؟ آیا اُ کميته هانی تشکیل اژدا تا عیلی و بی پُسنش آ شُبنی خلع اکن؟ نه، اُ بی خدا خزمت شکه. خدا بی سموئیل اُجا قرار اژدا بو و اُ مسئول رفتار عیلی و پُسنش نبو. اُ زیر دس اوانان قرار داده گه نه بی ایکه

بی اوانان داوری اکن، بلکه تا بی اوانان خزمت اکن. اُشدنست عیلی خادم خدا بو، نه خادم اُ. اُشدنست که خدا کاملاً ششا با خادمُن خوش برخورد اکن. بچان، بی پدرُن اصلاح نیکنن، بلکه وظیفه پدرُنن که بی بچان تربیت و اصلاح اکنن. ما باد با کسُونی که خدا بی ما اُربخشین تا بی اوانان تربیت اکنیم، برخورد اکنیم و روبرو ابیم. ای مسئولیت مان. ما باد در سطح خوْمُن - در مقام ددا کوکا - بی اوانان تشویق اکنیم. ولی مُ تو این فصل مئه ی الگو با مسئولیت خوم جلو کسُونی که بی مُ اختیار و اقتدار شُهن، مواجه اُئم. سموئیل بی خزمت مقرر خدا یطو بختین شکی که شتونست، انجُوم اژدا؛ بدون ایکه زیر فشار ابن تا بی عیلی داوری اکنن یا برش اصلاح اکن. فقط وختی که سموئیل گپ اصلاحی اژگو، زمانی بو که عیلی اد سموئیل اُمه و اسش نبوتی که دوشنه شوو برش اژدابو، اشپرسی. ولی حتا اُ موقع هم، اُگپون اصلاحی، اُطری سموئیل نبو بلکه اُطری خدا بو. اگه افراد ای حقیقت رعایت شاکه، ای روزون کلیساهان ما وضعیت متفاوتی شبو.

کلیسا، کافی شاپ نن

تو دنیای همرو، زُنن و مردُنن اگه اشتباهی تو رهبری ابینن، راحت بی کلیسا ترک اکنن. اُ اشتباه شاد روو هدیه جمع کردن شبان ابو یا روو خرج کردن پول. اگه اوانان اُ آنچه شبان موعظه اکن، خوششُن نیاتن، ول اکنن اشن. اُ یا خوش برخورد نی یا خيله صمیمین. ای فهرست همی نشدن. اوانان جای ایکه با مشکلون مواجه و امیدوار ابن، به طری جایی اِدوون که ظاهراً هیچ اختلافی شنی. بیبی ای نکته فراموش مکنیم: فقط عیسا شبان کاملن!

پ بی چه ما تو آمریکا جای ایکه با مشکلون مواجه ابیم و بی حلشُن تلاش اکنیم، اسشُن گریزْنیم؟ وختی با ای اختلافُن مستقیم برخورد نیکنیم، معمولاً لغزش اخوریم. بعضی وختن اگوییم اُ خزمت نبوتیمون دُرُس استقبال نکن و بعد، اُ اُ کلیسا بی کلیسای د اشیم و پی رهبر بی عیب و نقص اگردیم.

در حالی ای کتاب انیوسُم که طی چهارده سال اخیر، فقط عضو دو کلیسا تو دو ایالت مختلف بودسُئم. خيله بارن فرصتن مختلفی بی لغزش خوردن اُطری رهبری کلیسا امبو (البته باد اُگم که خيله موقعان، ای مشکلات اُ عدم بلوغ یا اشتباهن خوم ناشی اگه). گایی شرایطی پیش اُمه که نزبت بی رهبری، حالتی منتقدونه یا قضاوت گزونه امبو، ولی ایکه بی اُوجا ترک اکنی، جواب مناسبی نبو.

یه رو تو بحبوحه شرایط خيله آزاردهنده ای، خدا آطری ای آیه آ کتاب مقدس با م گپ اشره و ازگو: «موا شما ایطو کلیسان ترک اکنین: چونکه شما با شادمنی اشین لرد و با سلامتی هدایت ایین».

— اشعیا ۵۵: ۱۲

خيله افرادن، بی کلیسا ایطو ترک نیکنن؛ چون فکر اکین کلیسا مته کافه تریان و اونان شاشا آنچه دوست شوئن، واگیرن یا انتخاب اکین. تا موقی که هیچ مشکلی وجود اشنی، احساس آزادی اکین تا آجا امنن. ای در حالین که ایطو روشی ازلا مطابق آنچه کتاب مقدس تعلیم اده، نن. شما کسی نیستین که انتخاب اکنین بی کدوم کلیسا اشین، بلکه خدان. کتاب مقدس نیگو: «خدا بی اعضا اوطو که خوشن شاخاست، تو بدن قرار اژدا»، بلکه ازگو: «خدا بی اعضا اوطو که خوش شخاست، یگ به یگ تو بدن قرار اژدا.» (اول قرنن ۱۲: ۱۸)

یادتون ابو اگه جایین که خدا شوا، پ ابلیس تلاش اکن بی شما لغزش اده تا آجا اشین لرد. شوا ریشه بی مردن و زنن آجایی که خدا بی اونان اشکاشتن، ایاره لرد. اگه اتن بی شما لرد ایاره، پ موفق گن. اگه شما تو بدترین شرایط و گت ترین اختلافن، تغییر موضع مدین، نقشه انش تباہ تاکن.

گول انتقادی

ی چن سال تو کلیسایي بودم که شبانش یکی آخترین واعظن امریکا بو. وختی بار اول تو جلسه کلیسا شرکت امکه، با دهنی که محض تعلیم کتاب مقدس مردکه آحیرت واگه بو، نش بودم.

همو طو که زمان داره اره، در رابطه با محض موقعیتی که نزبت بی خزمت شبان امبو، ایقه نزیکش بودم که عیبش ایینم. در رابطه با بعضی تصمیمن خزمتیش تردید امبو. انتقاد و قضاوت، کم کم باعث لغزش خوردنم اگه. امو عظه شکه و م هیچ روح و مسیحی احساس امنیکه. موعظش دگه باعث بنای م نبو.

به نظر اومه زناشو دگی که دوستن ما و کارمند اوجا بودنم ای نکته تشخیص شدا بو. خدا بی اونان آکلیسا لرد اشفرستا و اونان خزمت خوشون شروع شکه. آما شخاست که باشون اشیم. اونان شافهمی که ما تو کشمکشیم و بی ما تشویق شکه تا تو دعوتی که تو زندگیمن موهن، پیشرفت اکنینم. اونان همی ای مسائل درباره

شبان، همسرش و شیوه رهبریش که اشتباه عمل شکه، بی ما شگو و هممون با هم تاسف مخا و ناامید گشتیم.

به نظر شرسی اونان صادفته نگرُون سعادت مان. ولی ای بحث فقط بی تش نارضایتی و لغزش ما، سوخت شرسند. هموطو که امثال ۲۶: ۲۰ آشکارا اگو: «بی هیزم، تش خاموش ابو؛ بی سخن چینی، دعوا تمون ابو.» چیزی که اونان شاگو، شاد اطلاعات درستی بو، ولی آ دید خدا کار اشتباهی بو؛ چون بی تش لغزش تو اونان و ما، هیزم اضاف شکه.

اونان بی مُ شوگو: «ما اذنینم تو مرد خدایی؛ بی همی ایجا بی مشکل براخواری.» ای گفته به نظر درس شرسی. مُ و ضیفم بی هم موگو: «اونان درس اگون. ما وضعیت بدی موهن و باد آ ایجا اشیم. ای شبان و ضیفش بی ما دوس شوهه، اونان بی ما شبانی اکتن. افراد کلیساشون بی ما اپذیرن و ای خزمتین که خدا بی ما اژدان.»

ما کلیسای خومون ترک مکه و تو جلسان کلیسای ای زناشو شرکت مکه. ولی ای اتفاق چن ماهی طول اشکشی. گرچه ما فک ماکه آ مشکلاتمون فرار مکنیم، ولی متوجه گشتیم که هنو کشمکشی درونمون وجود اشه. روح ما خوشال نبو. ما درگیر ترس آ تبدیل گشتن بی چی بودیم که محضش ترک کلیسا مکیبو. به نظر اومه هر کاری که انجُوم ادیم، آ رو اجبارن و غیرطبیعی. امنیشتی هماهنگ با جریان روح قرار ایگیریم. تو ای شرایط، حتا روابطمون با شبان جدید و ضیفشم ضعیف گه بو. بالاخره موفهمی که باد براگردیم بی کلیسای اولی خومون. وختی ای کار مکه، یدفه متوجه گشتیم که با اراده خدا بر مگشتن؛ گرچه به نظر اومه جای دگه، محبوب تر و پذیرفته تر گه بودیم.

بعد خدا بی مُ ی تگون اژدا: «جان! مُ هرگز بی تو امنگو بی ای کلیسا ترک اکنی. تو محض لغزش ای کار اتکه!»

کاری که ما انجُوم مداء، تقصیر شبان و ضیفش نبو، بلکه تقصیر خومون بو. اونان بی درماندگیمون درک شکیبو و تلاش شبو تا بی مسائل اوطو که تودل خوشون بو، حل اکتن. وختی شما خارج آ اراده خدایین، بی هیچ کلیسای برکت یا کمک نیبین. وختی خارج آ اراده خدایین، حتا روابط خوب هم ضعیف ابو و ما خارج آ اراده خدا بودستیم. اشخاص لغزش خورده نذبت بی موقعیتن، واکنش و عکس العمل نشنن ادن و کاژنی انجُوم ادن که ظاهرا، درس به نظر ایا؛ هرچن الهام گته آ طری خدا

نیستن. بی ما دعوت شنکین تا «عکس العمل» نشون ادیمن، بلکه تا «عمل» اکنیم. اگه ما مطیع خدا و پی خداییم و او گپی نیگو، ادنین ا لحظه جواب چن؟ ا احتمالا اگو: «جایی که قرار اتن، استوار امون و بی چیزی تغییر مده!»

اغلب وختی احساس فشار اکنیم، منتظری کلمه ا طری خداییم تا برمون تسکین اده. ولی خدا بی ما توای کوره هان حوادث سخت قرار اده تا بالغ، تصفیه و قوی ابیم. ا اشنیوا بی ما نابود اکن.

م فرصت امبو تا در طولی ماه، با شبان اولی خوم ملاقات امباشه. م ا عیب جویی و سرکشی خوم توبه امکه. ا با مهربانی بی م اشبخشی و ارتباط ما قوی گه. شادی بی قلبم برگشت. زودی ا پشت منبر، بی خزمت شبانی دعوت گشتم و بی خيله سالن تو ا کلیسا مندم.

شکفتن گیاه کاشته شده

کتاب مقدس در مزمور ۹۲: ۱۳ اگو: «اونان که تو خونه خدا غرس گشتن، تو صحنه ای خدامون اشکفه». توجه اکنین کسونی اشکفن که تو خونه خدا «کاشته ابن.» بی ی درخت چه اتفاقی قرارن افته، وختی هر سه هفته پیوند اژدین؟ بیشتر ما اذنینم که ساختار ریشش ضعیف ابو و شکوفه نیده یا پرثمر نیبو. اگه شما بی پیوند ادامه ادین، گیاه شوک برش وارده ابو، امیره.

خيله افرادن آ ی کلیسا بی کلیسای دگه، آ ی گروه خزمتی بی گروهی دگه اشن و سعی اکنن خزمتشون گسترش آدن. اگه خدا بی اونان تو جایی قرار اده که شناخته و تشویق نبن، راحت لغزش اخارن. اگه با روشی که انجوم اگی موافق نبن، لغزش اخارن و بعد اجا ترک اکنن و تقصیر بی گردن رهبری اندازن. اونان نزت به اشتباهن شخصیتی خوشن نابینان و درک نیکنن که خدا شا بی اونان ا طری فشاری که روشونن، تصفیه اکن و بالغ اسازه.

بیی آ نمونه انی که خدا در مورد گیاهن و درختن ارائه اده، یاد ایگیریم. وختی ی درخت میوه تو زمین اکارن، باد با بارونن تند، خورشید داغ و باد مواجه ابو. اگه ی درخت جوُن شتونست گپ ده، شاد شگو: «لطفای م ا ایجا ابرین لرد و تو جایی بلین که هیچ گرمای بی تاب کننده یا طوفن تندی نبو!» اگه باغبُن گپ درخت گوش شکه، حتما برش آسیب شرسی. درختن بافرستادن ریشه انشون تو عمق زمین، در مقابل

خورشید سوژن، بارشت و توفن مقاومت اکنن. ناملایماتونی که اونان باش مواجه ابن، عاقبت منبع استحکام گتی ابو. سختی عوامل دور برشو باعث ابو که اونان پی منبع دگه بی زندگی ابن. اونان ی رو به جایی ارسن که حتا بزرگترین توفونن ام نیتون تو تواناییشون بی ثمرآوری تأثیری اهلله. چن سال پیش تو فلوریدا زندگی مکه که مرکز مرکباتن. فلوریداییون اذنن که هرچه زمسئن بی درختن سردتر ابو، پرتقالن شیرین ترن. اگه ما ایقه زوداً مقاومت روحانی فرار منیکه، ساختار ریشه ای ما فرصت اژیو تا قویتر و عمیقتر ابو و ثمره ما تو نظر خدا ازیادتر، شیرینتر و بی قوماش دلپذیرتر ابو. ما تبدیل بی درختن بالغی اگشتیم که خدا آونان لذت شبو؛ تا ای که درختنی ابیم که محض نبود میوه، آریشه دریبینم (لوقا ۱۳: ۶-۹). ازلا نباد جیلوو چیزی که خدا افرسته تا بی ما بالغ اسازه، مقاومت اگنیم. داوود زمورنویس با الهام آ روح القدس، ارتباط نیرومندی میون لغزش، شریعت خدا و رشد روحانیمون ایجاد اشکه. او در زمور ۱ اشنوشت:

«خوشا بی حال کسی که... رغبتنش تو شریعت خدا ابو و شبنده روز تو شریعتش تأمل اکن».

— زمور ۱: ۱ - ۲

بعد تو زمور ۱۹: ۱۶۵ بینش بیشتری نذبت بی کسونی که شریعت خدا دوس شوهن، اده.

«دوستدارن شریعت بی تو سلامتی بسیارن [اسش خيله لذت ابرن] و هیچ چی سبب لغزش اونان نیبو». در نهایت زمور ۱: ۳ بی سرنوشت ایطو شخصی اگه: «او مئه درختین که کنار جویبار شوکاشتن، که میوه خوش تو موسمش بار ایاره، و برگنشم پژمرده نیبو، و تو هر کاری که اکن، کام یاب ابو».

بی عبارت دگه، ایمنداری که انتخاب اکن تو ناملایمن آکلام خدا لذت ابره، مانع لغزش خوردن ابو. ای شخص مئه درختین که ریشه انش بی اعماق جست جار اکن؛ جایی که روح، غذا و قوت فراهم اکن. آ عمق چاه خدا، بی روحش تغذیه اکن. ای کار، بالغش اسازه و بی جایی ارسی که ناملایمن، وسیله ای بی ثمر دهی ابو. هلولویا! بیبی بی تفسیر عیسا آ حکایت کاشتن بیشتر بررسی اگنیم:

«دیگرن، مئه بذرون کاشته شده تو سنگلاخونن؛ اونان بی کلوم اشنون و زودی با شادی اپذیرن، ولی چون تو خوشون ریشه شنی، فقط زمن کمی دؤم ایآرن. أ موقع که محض کلوم، سختی یا آزاری بروز اکن، دردم شافهمی».

— مرقس ۴: ۱۶-۱۷

وختی شما بی جایی ترک اکنین که خدا بی شما برگزیده اشکن، رشد ساختار ریشه شما کم ابو. دُفی بعد، سریعتر آ ناملایمن در اشین؛ چون دقت تنکه تا بی ریشه انتون عمیق اکنین. سرانجؤم بی جایی ارسین که یا قدرت کم و یا ازلا قوتی ئنی تا سختی یا آزار و اذیت تحمل اکنین. پ د، تبدیل بی ی آواره روحانی گشتین و سرگردن، آ جایی بی جایی اشین و مظنون و ترسین که مبادا دگرن برتون بدرفتاری اکن و ائمردهی حقیقی روحانی ناتؤن ایبن. بی همی، با ی زندگی خودمحوژنه دس پنجه نرم اکنین و باقی مئده ثمره دگرون اخارین.

بی قائن و هابیل، نخستین پسن آدم نگاه اکنین. قائن آ عمل خوش — ینی ثمره تاکستئنش بی خدا هدیه اشیو. أ محصول با خيله زحمت دس امه بو. أ باد سنگن و کنده هان و زیاله هان آ تو زمین پاک شکه. باد زمین شخم شزه و کشت شکه. باد شکاشت. اوو و کود شدا و أ محصول محافظت شکه. أ تو خزمتش نذبت بی خدا خيله تلاش شکه. ولی جای اطاعت آ روش خدا، بی قربنیش اهمیت شدا. ای کار، ئشونی پرستش خدا توسط قوت و توانایی شخصی جای تکیه بی فیض خدان. أ طری دگه هابیل هدیه ای نشأت گته آ اطاعت — ینی نخست زاده ای آگله که پروار ترین اونان بو، اشیو. أ مئه قائن بی آوردنش سختی زیادی اشنکشی؛ درحالی که أ هدیه بی خوش عزیز بو. دو تا پس ششنو بو که چیتو ننه بواشون سعی شکیبو جون و بر لختیشون با برگون انجیر اپوشونن که ای امر، نشونی کار دس خوشون بو بی لاپوشونی گناهنشون. ولی خدا بی قربنی قابل قبول با پوشندن آدم و حوا با پوست ی حیؤن بی گناه نشن اژدا. آدم و حوا نذبت بی ای پوشش غیرقابل قبول گناهنشون نادون بودستن، ولی بعد نمایش طریق راه خدا، دگه نه خوشن و نه بچانشون آ ای موضوع ناآگاه نبودستن.

قائن تلاش اشکیبو مقبولیت در خدا بدون توجه بی خواستش به دست ایاره خدا ایطو واکنش نشن اژدا که قربنی مال کسی اشیدیرفت که با معیارن فیضش ادش اومه (قربنی هابیل) و آنچه که تو حوزه «معرفت نیک و بد» (اعمال مذهبی

قائن) تلاش گه بو، رد اشکه. اُ بعد بی قائن تعلیم اژدا که اگه نیکویی شکه، پذیرفته اگه؛ ولی اگه بی حیات انتخاب نکن، گناه برش تسلط پیدا اکن.

قائن نریت بی خداوند لغزش اشخا. جای توبه و انجُوم چیزی که درس بو، اجازه اژدا اُ موقعیت برش تسلط ایابه و عصبانیتش سر هابیل خالی اشکه و نریت بی خدا لغزش اشخا. او بی هابیل بی قتل اشرسند. خدا بی قائن اژگو:

«الان تو ملعونی آزمینی که دهن خوش واشکه تا خون کوکات اُ دس تو دریافت اکن. چون بی زمین کِشت اُکنی، دگه قوت خوش بی تو نیده. و تو رو زمین آواره و سرگردن ابی.»

- پیدایش ۴: ۱۱-۱۲

تنها چی که قائن بیشتین ترس اسش اژیو، طرد گشتن توسط خدا بو. اُ داوری بی خوش اشیا بو. همو وسیلی که اُ طرش سعی اشکه تا تأیید خدا به دست ایاره، الان با دس خوش نفرین گه بو. خون رخته الان نفرین دمبال خوش اشیو. زمین، دگه قوت خوش برش اشندا و ثمره زمین فقط اُ طریق تلاش خيله زياد حاصل اگه.

مسیحین لغزش خورده هم، استطاعت خوشون تو تولید ثمره اُ دس ادن. عیسا تو حکایت کارنده، دل با خاک مقایسه اکن. درس هموطو که مزرعه هون قائن بایر بودستن، خاک دل ی لغزش خورده هم بایر و توسط تلخی مسموم ابو. شاد افراد لغزش خورده، همچن شاهد معجزان، کلوم حکمت، موعظ هان قوی و شفا تو زندگی خوشون ابن، ولی اینان عطایای روح نه ثمره روح. ما محض ثمران داوری ابیم، نه عطایا. عطیه داده ابو، ولی ثمره پرورش ایابه.

توجه اکنین که خدا بی قائن اژگو در نتیجه اعمالش پریشن و آواره ابو. امروزه تو کلیساهان ما افراد پریشن و آواره خيله هن که عطای سرود، موعظه، نبوت و غیره اونان توسط رهبری کلیسای پیشینشون پذیرفته نگشتن؛ بی همی، اُجا بریده ابن و اشن. اونان بی هدف ادوون، در حالی که لغزش با خوشون حمل اکن. اونان پی کلیسای کاملین که عطایاشون دریافت اکن و زخمونشن شفا اده. اونان احساس درد و رنج و سردرگمی اکن. احساس اکن ارمیای عصر حاضرین. اونان تعلیم ناپذیر ابن و دیدگاهی پیدا اکن که مُ شگم مشقت بغرنج: «همه پی گتن مُن!» ای افراد بی

خوشو ایطو آرم اکئن که فقط مقدس زجر اشکشین و یا نبی خدان؛ و در نتیجه، بی همه مظلنون. ای دیقا همو اتفاقین که بی قائن رخ اژدا. بی آنچه اگو، گوش ادیم:

«آواره و سرگردان ایم و هر که بی م پیدا اکن، بی م اگشه».

— پیدایش ۱۴:۴

توجه اکنین که قائن مشقت بغرنج اژبو؛ همه پی گتنش بودستن. هُمر و هم همیطوئن. افراد لغزش خورده اعتقاد شوهه که همه پی گتنشُن. با ایطو نگرشی دشوارن که بی مواردی تو زندگی خوتون ابینین که نیازمند تغیرن. اونان بی خوشون منزوی اکن و یطو با خوشون رفتار اکن که آزار فرا اخون.

«شخص انزوا طلب، پی اهداف خودخواهونه خوشن؛ اُ با هر قضاوت دُرُس جنگ اکن».

— امثال ۱۸: ۱

خدا هرگز بی ما آفریده اشکنه تا جداگنه و بی وابستگی بی همدگه زندگی اکنیم. اُ دوست اشن بچانش اُ همدگه مراقبت و بی همدگه تغذیه اکن. اُ دلسرد ابو وختی ما محزون ابیم و بی خوُمُن احساس تأسف اکنیم و بی کس دگه مسئوَل شادی خومون اَدُنیم. اُ شا ما اعضای فعال خونواده ابیم. اُ شا ما حیات خومون اُ ایگیریم. شخص منزوی، تنها پی تمایلن خوشن نه تمایلن خدا. اُ هیچ مشورتی دریافت نیکن و بی خوش در معرض فریب قرار اده. مُ درباری موقعانی گپ نیزنم که خدا بی افرادون اخاهه تا جدا ابن و بی خوشُن تجهیز و احیا اکن. مُ بی افرادی توصیف اکنم که بی خوشُن حبس اکن. اونان اُ کلیسای بی کلیسای دگه و اُ ارتباطی بی ارتباط دگه سرگردنن و بی خوشُن تو دنیاخون منزوی اسازن. اونان فکر اکن که همی کسونی که باشون موافق نیستن، تو اشتباهن و علیه اونانن. اونان بی خوشُن بین انزوا ی خوشُن محافظت اکن و تو محیط کنترول شده ای که بی خوشُن بنا شکین، احساس امنیت اکن و دگه لازم نن با اشکالُن شخصیتی خوشُن روبرو ابن. اونان جای روبرو گشتن با مشکُن، سعی اکن اُ آزمایش فرار اکن. رشد شخصیتی که فقط موقع چالشُن و درگیریون رخ اده، اوموقع که چرخه ی لغزش دوبارته شروع ابو، گم اگه.

افتادن تو تله ی لغزش، مانع ابو بی اشکالن شخصیتی خو من ایینیم؛ چونکه تقصیر اندازیم گردون کس دگه.

ما بی مثال ی زوج بی سالیون دراز، بی بخششی و رنجشی اِد خو من حفظ
مکیبو. ما داخل مرحله ای گشتیم که رفیقن خيله کمی مُبو و مُ با ایکه
وفادارنه تو ی کلیسای عالی شرکت مکه، احساس تنهایی و بی مهری مکه.
تا ایکه کتاب «تله ی شیطان» مال شما امخوند و همه چی تغییر اشکه. با
لغزشن و بی بخششی خوم روبرو گشتم و با کماک خدا آ اونان آزاد گشتم.
- سی. جی. (بلفسات، ایرلند)

پنهن گشته آ واقيت

«با ايکه هميشه تعليم اگيرن، هرگز بي شناخت حقيقت
نيئن اِرسن».

– دئوم تيموتاؤس ۳: ۷

اغلب آ مُ اِرسن: «کي باد بي کليسا يا ي گروه خزمتي ترک اکنيم؟ خرابي تا چه حد باد ابو؟» و مُ جواب اِدم: «کي بي شما بي کليسا ي اشفرستا که الان عضوشين؟» اوانان خيله اوقائن اُگن: «خدا!» مُ جواب اِدم: «اگه خدا بي شما اشفرستان، اوجا ول مکنين تا زمّني که خدا بي شما آزاد اهله. اگه خدا سکوت اکن، خيله وختن اگو: «هيچ چي تغيير مده! اوجا ول مکن. تو جاپي که قرار ت امدان، اِمن!» وختي خدا برت دستور اده که اوجا ترک اکني، او وخت بدون توجه به شرايط خزمتي با آرامش بيرون ابي.

«چونکه شما با شادمانی بیرون اشین، و بی سلامتی هدایت ابین».

— اشعیا ۵۵: ۱۲

بی ای ترتیب رفتنتون بر اساس اعمال یا رفتاژن دگزن نن، بلکه بر اساس هدایت روحن! پ ابطو، ترک خزمت، بر اساس اندازه ی بدی مسایل دور و برمون نن. ترک کلیسا یا خزمت با ی روحی که لغزش اشخان و عیبجون، نقشه خدا نن. ای کار، معنیش واکنش نذبت بی شرایطن؛ جای عمل کردن بر اساس هدایت او. رومیان ۸: ۱۴ اگن: «چون اوانانیکه آ روح خدا هدایت ابن، پُسنِ خدان».

تقریباً هر وخت واژه «پُس» تو عهد نو به کار اشو، آ دو واژه یونانی ایا:

«تکنون» و «هیوپس». تعریف مناسب بی واژه «تکنون» ابطون: «کسی که صرفاً محض خاطر تولد، پُسن». وختی پُس اولیم، آدیسون، دنیا امه، اُپس جان بیور بو؛ صرفاً محض ایکه اُم و ضیفم به وجود امه. وختی اُتو اتاق نوزاژن و بین اوانان بو، شما تنیتونست توسط شخصیتش تشخیص ادین که پُس مَن. وختی خونواده و دوستن بی عبادت اُمستن، شنیتونست شناسایی شیکن؛ مگه توسط اسمش که بالای تختش نوشته گه بو. اُ چیزی دمالش نبو که آدگزن متمایز شکن. آدیسون، تکنون لیزا و جان بیور در نظر گته ابو.

پ متوجه ابیم که «تکنون» در رومیان ۸: ۱۵-۱۶ به کار رن. اوجا گفته ابو که چون ما روح فرزندخوندگی یافتم، «و روح، خوش با روح ما شهادت اده که ما بچان[تکنون] خداییم». وختی شخصی بی عیسای مسیح بی عنوان خداوند قبول اکن، بوسیله ی حقیقت تجربه تولد تازه، فرزند خدا ابو. (بی یوحنا ۱: ۲۱ ابینین) واژه یونانی دگی که تو عهد نو، پُسن ترجمه گن، «هیویسن». خيله اوقاتن ای واژه تو عهد جدید به کار اشو تا بی شخصی توصیف اکن که «ششا پُس شناخته ابو؛ چون ویژگیون ننه بواش نمایون اسازه».

وختی پُسم آدیسون بزرگ اگه، بی مُ نگاه شکه و رفتاژنش منه مُ بو. وختی شیش ساله بو، مُ و لیزا رفتیم مسافرت و بی اُ منها تنها پهلوننه بوام. ننم بی ضیفم شگو که آدیسون تقریباً کپی باشن. شخصیتش شبیه مُ بو؛ وختی هم سند و سالش بوم. الان که گت تر گن، شباهتنش بی مُ بیشتر و بیشتر ابو. الان اُتن پُس جان بیور شناخته ابو؛ نه صرفاً بی دلیل حقیقت تولدش، بلکه محض خاطر ویژگیون و شخصیتی که منه باشن. پ ساده تر اگویم: واژه یونانی «تکنون»، ینی «بچان یا

پسن نابالغ» و واژه «هیویس»، اغلب بی «پسن بالغ» توصیف اکن.

دوبارته رومیان ۸: ۱۴ ایبنیم: «چونکه اونان که آ روح خدا هدایت ابن، پسن خدان.» اتونیم ایجا آشکارا ایبنیم که منظور، پسن بالغین که توسط روح خدا هدایت ابن. مسیحیون نابالغ، کم تر احتمال اشه که آ هدایت روح خدا پیروی اکن. اونان اغلب در مواجهه با شرایط، با احساسن یا با عقل خوشن واکنش نشن اذن. اونان هنو یاد شننگن که مطابق با هدایت روح خدا عمل اکن. هموطو که ادیسون رشد اکن، شخصیتشم پرورش پیدا اکن. هرچه بالغتر ابو، مشا مسئولیت بیشتی بش آدم. ایکه نابالغ امنی، امری نادرستن؛ اراده خدا هم بی ای نن که ما در طفولیت باقی امنیم. یکی آ راهونی که شخصیت پسم ادیسون رشد اشکه، مواجهه با موقعیتن دشوار بو. وختی ره مدرسه، با بعضی «بچان زورگو» روبه روگه. وختی بعضی آ رفتاری که ای بچان با پسم شبو یا حرفنی که برش شزه بود مشنو، قصدمبو قدمی واگیرم و در موردش اقدامی اکنم. ولی زودی امفهمی که ای کار نادرستین؛ چونکه مداخله م، مانع رشد ادیسون اگه. بی همی م و ضیفم تو خونه برش مشورت مادا و آماده ماکه تا اتون درست با آزار و اذیت تو مدرسه روبه رو ابو. شخصیتش توسط اطاعت آ مشورتمن تو بحبوحه رنجنش رشد شکه. ای مشابه همو کارین که خدا با ما انجام اده. کتاب مقدس اگو: «هرچن [عیسا] پس [هیویس] بو، با رنجی که اشکشی، اطاعت یاد اژگه.» (عبرانیان ۵: ۸)

رشد جسمیمون، کار زمانن. هرگز قد بچی دوساله، یدوفه ۱۸۰ سانت نیبو. رشد عقلنی هم آ طریق یادگیرین. بی همی ترتیب، رشد روحانی هم، نه کار زمئن و نه کار یادگیرین، بلکه کار اطاعتن. الان بی آنچه پطرس اگو، توجه اکنیم:

«پ چون مسیح تو عرصه جسم رنج اشکشی، شمام بی همی عزم مسلح ایبن، چونکه کسیکه تو عرصه جسم رنج اشکشین، دگه با گناه کاری اشنی.»

— اول پطرس ۴: ۱

شخصی که آ گناه دس اشکشین، کاملند فرزند مطیع خدان. آ فرد بالغین. آ بی روشن خدا انتخاب اکن نه بی روشون خوش. وختی که تو چالشون و سختیون آ کلام خدا اطاعت اکنیم که توسط روح القدس گفته گن، بالغ ایبن. شناختمن آ

کتاب مقدس کلید اصلی نن، بلکه اطاعت آ اُ کلیدن. الان متوجه یکی آ دلایلون ابیم که چرا افرادی که خيله سالنن ایماندارن و بی کلیسا ایان، شاشا آ آیه هون کتاب مقدس نقل قول اکتن، موعظه هان بسیاری ششونتون و بی فراوونی کتاب شخوندن، همچنون پوشک روحانی ابندن. اونان هر وخت با موقعیتُن مشگل مواجه ابن، جای ایکه توسط روح خدا کار اکتن، پی محافظت آ خوشُن به شیوه خوشُنن. اونان «با ایکه همیشه تعلیم اگیرن، هرگز بی شناخت حقیقت نیتونن ارسن» (دوم تیموتائوس ۳: ۷) اونان بی معرفت راستی نیرسن، چون بی آ به کار نینندن.

اگه قصد موهه رشد اکنیم و بالغ ابیم، باد بی حقیقت و راستی اجازه ادیم تا بی روش خوش تو زندگیتُن عمل اکن. کافی نن که آ نظر منطقی باش موافق ابیم، ولی اطاعت مکنیم. حتا اگه همچنون تعلیم ایابیم، بی دلیل ناطاعتی، هرگز بالغ نیبیم.

محافظت آ خود

لغزش، بونه ای عادی محض **محافظت آ خود**، بی ناطاعتین. ی احساس کاذبِ محافظت آ خود، تو پناه بردن بی لغزش وجود اشن که مانع ابو اشتباهون شخصیتی خومون ایینیم؛ بی چه که تقصیر بی گردن کس دگه اندازیم. ما با نقش خومون، نابالغی خومون، یا گناهمون روبه رو نیبیم؛ چونکه تنها بی اشتباهن لغزش دهنده ایینیم. بنابراین محض ایطو مقاومتی، تلاش خدا بی رشد شخصیتُن متوقف ابو. شخص لغزش خورده، آ منبع لغزش دوری اکن و فرار اکن و سرانجوم، بی ی آواره روحانی تبدیل ابو.

اخیرا بانویی درباره یکی آ دوستونش ایطو تعریف اشکه که اُ کلیسا ترک اشکه و بی کلیسای دگی رن. اُ بی شبان جدیدش بی شام دعوت اشکه. میون گپ و گفتشون، شبان اسش اشپرسی که بی چه کلیسای خوت ترک اتکن و اُ راجع بی همی مشکلی که تو رهبری کلیسای قبلیش بو، حرف اشره .

شبان گوش اشکه و برش آرام اشکه. آ نظر تجربه ادونوم که بی اُ شبان، عملی حکیمونه بو که برش توسط کلوم خدا تشویق اکن تا با رنجش و نگرش انتقادآمیز خوش برخورد اکن. اگه لازم ابو، شبان باد پیشنهاد شکه تا فرد بی کلیسای خوش بر اگرده تا زمونی که خدا برش اُ کلیسا ایاره لرد.

وختی خدا بی شما تو آرامش بیرون اشیورد، دگه زیر فشار نیستین تا بی رفتن خوتون بی دگرون توجیه اکنین یا زیر فشار نیستین تا داوری اکنین یا منتقدونه مشگلن کلیسای قبلی خوتون برملا اسازین. مُ مدونست که ای فرد بعد مدتی، نریت بی شبان جدید خوش و رهبریش مئه شبان قبلندیش، واکنش نشون اده. وختی لغزشتی تو دل خومون نگه اکنیم، باش بی همه چی صافی اکنیم. حکایتی قدیمی هن که مناسب ای وضعیتن و مربوط بی روزونی ابو که مهاجرون بی غرب شاره. مرد حکیمی بیرون یکی آ شهرن جدید غربی روی تپه ای ویستا بو. وختی مهاجرون آ شرق داره اومدن، مرد حکیم اولین کسی بو که اونان پیش آ ایکه وارد اجتماع ابن ملاقات شاکه. اونان مشتاقونه شاپرسی که مردمون شهر چطورن؟ آ با ی سوال بی اونان جواب شدا: «مردم شهری که بی آوجا ترک توکه، چیطو بوستن؟» عده ای شوگو: «شهری که آ آوجا اُمستیم، شهر شر و شوری بو. مردم یطو وقیحونه ای غیبت شاکه و آ افراد بی گناه، سوءاستفاده شاکه. آوجا پر دزد و دروغگو بو!»

مرد حکیم جواب اژدا: «ای شهر مئه همو شهرین که آوجا ترک تکین.»

اونان آ مرد تشکر شوکه که بی اونان آ مشکلی که دقیقاً اسش بیرون اُمه بودن، نجات اژدان و بعد بطری غرب دورتر حرکت شوکه. بعد گروه مهاجرون دگی رسی و همی سوال اشپرسی: «ای شهر چیطوئن؟» مرد حکیم دوباره اشپرسی: «شهری که آ آوجا بیرون اُمستین، چیطو بو؟»

اونان جواب شدا: «آوجا عالی بو! ما دوستون عزیزی مُبو. هر که مورد محبت دگرن بو. ازلا هیچ کمبودی نبو؛ چون همه مراقب همدگه بودستن. اگه کسی برنامی بزرگیژبو، همی اجتماع بی کماک جمع اگشتن. ترک آوجا بی ما تصمیم سختی بو، وله ما احساس مکه ناچاریم بی نسل آینده خومون فکر اکنیم؛ بی همی، بی عنوان پیشگامون بی غرب اُمدستیم.» مرد حکیم دقیقاً بی اونان چیزی اژگو که بی گروه دگه اژکوبو: «ای شهر مئه همو شهرین که بی آوجا ترک تکین.» ای اشخاص خوشال جواب شدا: «بیای ایجا ساکن ابیم!». نگرششون نریت بی ارتباطون گذشته شون، میدونی بی ارتباطون آینده شون بو. شیوه ای که ما بی ی کلیسا یا ارتباطی ترک اکنیم، همو طوئن که وارد کلیسا یا ارتباطی دگه ابیم. عیسا در یوحنا: ۲۰: ۲۳ اژگو : «اگه گناهون کسی ابخشین، برشون بخشیده ابو؛ و اگه گناهون کسی نیبخشین بلین، نابخشوده امونی.» وختی لغزش اخاریم و نفرت تو دل پنهن اکنیم، در حقیقت، گناهون کسون دگه داره حفظ اکنیم. اگه کلیسا بی رابطه ای با تلخی و

نفرت ترک اکنیم، با همی نگرش وارد کلیسای بعدی و یا ارتباط بعدی ابیم. تو ایطو شرایط زمونی که مشکلن بلندابن، ترک ارتباط بعدی برمون راحتتر ابو. بی همی، نه فقط با آسیبونی که تو روابط جدیدمون اتفاق افتی، روبرو ابیم بلکه آسیبون پیشترون هم برشون اضافه ابو. آمار نشون اده ۶۰ تا ۶۵ درصد افراد طلاق گته، بعد آ ازدواج مجدد، دوبارته جدا این. روشی که فرد ازدواج اولی خوش ترک اکن، مسیر ازدواج دومش تعیین اکن. عدم بخششی که مقابل همسر اول وجود اشن، مانع بخشش نریت بی همسر دوم ابو. ایطو افرادی، صرفا بی طرف مقابل سرزنش اکنن و نریت بی نقش خوش و ویژگیون نادرست خوشون کورابن. بی همی، مسائل برشون سخت تر و حادثر ابو و ترس مضاعف آ آسیبی دگه هم برشون تحمیل ابو. ای اصل، صرفا بی ازدواج و جدایی محدود نیبو، بلکه اتونه تو همی روابط کاربرد اژباشه. مردی که تو گذشته بی خادم دگی کار اشکیبو، ادمون اومه تا بی گروه خزمتی ماکار اکن. آ رهبر قبلندیش رنجیده گه بو و مدتی آ ماجرا شگذشت. احساس مکه خدا بی مُ داره هدایت اکن تا اسش اخام بامون همکاری اکن. ایمون امبو آ تو روش غلبه بی رنجش خوش قرار اشن.

بی مدیر سابقش زنگ امزه و برنامه و نوم ام درباری کماک بی ای فرد و همکاریش با تیم خزمتیمون در میون امهشت. تشویقم اشکه و فکر اشکه ای کار خوین؛ چون مُ بی دوتاشون توجه امکیبو. آ اعتقاد اژبو روند شفا یابی، اتون همیطو که داره با ما کار اکن کامل ابو. مُ بی هر دوتاشون امگو دعام این که روابط اونان شفا پیدا اکن و مئه قبلندو ابو.

وختی آ مرد بی گروه خزمتیمون ملحق گه، تقریبا بلافاصله مشکلو بی وجود اومه. مُ فقط بی تسکین دیدن موقت بی ای موضوع امپرداخت بو. به نظر اومه آ نیتون فراتر آ ارتباط قبلندی خوش اشو. آ ارتباط ذهنش اشغال اشکیبو؛ تا جایی که حتا بی مُ متهم اشکه که همو کارون رهبر قبلندیش داره انجوم ادم. مُ نگران بودم؛ چون خوشبختی ای مرد برم مهمتر چیزی بو که شتونست بی عنوان ی کارمند برم انجوم اده. برش استثنائاتی قایل گه بودوم که بی کارمندون دگه ایطو نبو؛ چون مخاست شفاش ایینم. آ بعد دو ماه استعفا اژدا؛ چون فک شکه مئه قبلندو تو همو موقیت گیر افتان. آ موقی رفتن اژگو: «جان، مُ دِ بی هیچ خادمی کار نیکنم!»

موقی رفتن، برکنش امدا. ما، بی خوش و ضیفش دوست موهن. حقیقت تلخ این که خواندگی و دعوتی قوی تو زندگیش وجود اشن؛ تو همو قسمتی که آ ترک

اشکن؛ البته ای معنیش ای نن که اُ تو زمینه هان دگه موفق نیبو. بعد رفتنش، نگرون گشتم؛ طوریکه اد خدا فریاد امزه: «بی چه ایقه زود بی ما ترک اشکه؛ در حالی که دوتامون احساس ماکه، ای کار درستن؟»

چن هفته بعد، خدا آ شبان حکیمی که دوست من، استفاده اشکه تا بی ای سوال جواب اده.اژگو: «خیله وختون خدا اجازه اده افراد آ موقیتونی فرار اکئن که تو قلب خوشون آ اونان فرار اکئن؛ در حالی که اُ دوست اشه اونان با اون شرایط روبرو ابن».بعدِ داستان ایلیا که آ دست ایزابل فرار شکه، تعریف اشکه (اول پادشاهون ۱۸ تا ۱۹ ابینین). ایلیا قبلن بی انبیای بعل و اشیره اشکشت بو. اونان مردونی بودستن که بی قوم بی بت پرستی شکشوندبو و سر میز ایزابل غذا سخاوبو. وختی ایزابل ای موضوع ششنو، تهدید اشکه که تو بیسچارساعت بی ایلیا اکشه.

خواست خدا ای بو که ایلیا باش روبه رو ابو، ولی ایلیا فرار اشکه. اُ بی اندازی ناامید گه بو که دعا شکه امیره. اُ تو شرایطی نبو که مأموریت بی انجوم ارسونه. خدا فرشته هونی اشفرستا تا برش دو تا قرص نون غذا شادن و برش اجازه اژدا تا بی چهل شبنده روز بی کوه حوریب اگریزه. وختی ایلیا رسی، اولین چیزی که خدا ازش اشپرسی ای بو: «ایلیا ایجا چه اکئی؟» ای سوال به نظر عجیب اومه. خداوند بی سفر برش غذا و بعدِ اجازه اژدا تا اشو؛ آیا فقط بی ای که وختی رسی ازش اُپرسه: «ای جا چه اکئی؟»؟! خدا شدونست که ایلیا مجبورن آ ای موقیت مشگل فرار اکن. بی همی اجازه ای کار برش اژدا؛ گر چه آ سوالش معینن که اُ نقشه اصلیش نبو.

بعدِ بی ایلیا اژگو: «روونه ابه و بی راهی که اومدستی، براگرد، بی بیابون دمشق اشو. تا اترسی، ... یکو بی پُس نِمشی بری پادشاهی اسرائیل مسح اکن. الیشع پُس شافاط، آ اوو لِمحوْلَه هم مسح اکن تا جای تو نبی باشه(اول پادشاهان: ۱۹: ۱۵ - ۱۶) ای

ماموریت با ایلیا انجوم نگه، بلکه با جانشینونش که خدا برش اژگو تا جای خوش بی اُ مسح اکن.

شبان بی مُ اژگو: «اگه ما درون خومون وادار اییم با شرایط مشگل روبرو نبیم خدا در حقیقت بی ما آزاد اکن، گر چه که اراده ی کاملش ایطونن!» بعدنو اتفاق دگه ی تو کتاب اعداد ۲۲ یادوم اومه که ای نکته روشن اکن. بلام سخاست

بی اسرائیل نفرین اکن؛ چونکه شخصا برش پاداش گتی اژیو. اُ اولین دوفه آ خدا اشپرسی که ششا اشوتن، و خدا برش نشون اژدا که ارادش بی بلعام این که نشو. وختی شاهزادی موآب با احترام و خيله پول ایش برگشت، بلعام دوبارته اِد خدا ره. احمقونن که فک اکنیم ای دوفه هم محض احترام و پول بیشتری که بی بلعام اژیو، نظر خدا تغییر اشکیبو.

ولی ای دفه خدا بَش اژگو، اشو. حالا بی چه خدا نظرش تغییر اژدابو؟ جواب این که نظر خدا تغییر اشنکه؛ بلکه چون بلعام تو دل خوش وادار که که اشوتن، بی همی، خدام برش اجازه اژدا، و ابینیم که وختی بلعام ره، خشم خدا ضدش برانگیخته گه.

ما ماشا درمورد آنچه که خدا قبلندون ارادش بی ما نشون اژدابو به ستوهش بیوریمن. اُ وخت خدا بی ما اجازه اده هرچی ماوا، انجوم ایدیم؛ حتا زمونی که خلاف نقشه و اراده اصلیشن و برمون بهترین نن.

معمولا نقشی خدا بی ما وادار اکن تا با اسیبون و برخوردونی روبرو ابیم که دوس مونی. هِنو ما آ همو چیزی داره فرار اکنیم که بی زندگیمون استحکام ابخشه. جلوگیری آ روبرو گشتن با لغزش، بی ما آ مشکل آزاد نیکن، بلکه فقط بی ما تسکین موقتی اده و ریشه هان مشکل همیطو دس نخورده باقی امونه.

تجربی مُ با ای مرد جوونی که ی چن مدت با ما همکاریشکه هم در مورد لغزشون و روابطون بی مو اژدا. غیرممکن ابو با کسی که رابطش با تلخی و لغزش ترک اشکن رابطی سالمی برقرار ابو. شفا باد اتفاق افته. گرچه شگو بی رهبر قبلندیش اژیخشین، ولی واقعا ایطو نبو.

محبت، بی اشتباهون فراموش اکن؛ چون که بی آینده امید هن. اگه ما واقعا بی لغزش غلبه مکین، صمیمونه پی ایجاد صلحیم. شاد بلافاصله زمونش فراهم نبو، ولی ما تو دل خومون پی فرصتی بی شفا و احیای رابطه ایم. بعد ی دوست حکیم ایطو اژگو: «ی ضرب المثل قدیمین که اگو وختی سگی با اوو جوش سوزونده ابو، حتا دگه آ اوو سردم ترس اشن.» هُمر و چن نفر آ ما، آ اوو سردی که نشاط و زندگی شیوو، محض ایکه بیار شوزوندن برمون و منیشا ابخشیم، اترسیم؟!

عیسا مشتاقن که بی زخمونمون شفا اده؛ چونکه ای راه، راه آسونی بی تصمیم گتن نن. ولی باد ادونیم که راه فروتنی و انکار نفسن که باعث شفا و بلوغ روحونی

ابو. ای ی تصمیمین که بی خوشی دگرون مهمتر آ خوشی خومون قرار ادیم؛ اُهم زمونی که اُطرف زخم سنگینی برمون اشن.

غرور نیتون ای راه طی اکن؛ بلکه فقط کسونی شاشا ای مسیر مشکل طی اکنن که تو خطر رونده شدن، دوس شوهه صلح اکنن. اُکوره راهین که باعث خواری و فروتنی ابو و جاده این که باعث حیات ابو.

آنچه در حضور خدا یاد بگیریم، نیتونیم إِدِ آدَمون یاد ایگیریم!

کتاب «تلی شیطون» امخوندن. آُر و بر بعد، دیدگام نذبت بی کلوم خدا
تغییر اشکن. مُ با مسألان خيله دردناک دست به گریبون بودوم و اگه ای
کتاب امنیخوند، ممکن بو تا ابد تو تله افتم.

– اف. ان. (مالزی)

بنیان محکم

«پ خداوندگار یهوه ایطو اگو: الانه تو صهیون سنگ
بنیادی الوم، سنگ آزموده شدن، و سنگ زاویه
ارزشمند محض پی محکم؛ اُ که توکل اکن، هراسون
نیبو».

— اشعیا ۲۸:۱۶

«اونی که توکل اکن، ترسوک نیبوتن». کسی که عجله اکن، شخص پایداری نن؛
چون کارونش اساس مناسبی اشنی. ایطو کسی راحت با توفونون آزار و امتحون
دچار نرسون ابو و جنبش اخاتن. بی نمونه، ابینیم بی شمعون پطرس چه اتفاقی افتا.
عیسا وارد قیصریه فیلیپی گه و آ شاگردونش اشپرسی: «مردم اگن، پُس انسان
کین؟» (متا ۱۶: ۱۳) چن تا شاگرد با اشتیاق، نظر مردم درباره ی ماهیت عیسا در

میون شوهشت. عیسا ویستا تا اوانان حرفونشون تمون شوکه، بعدِ نگاشون اشکه و صریحا اشپرسی: «شما چه داره اگوین؟ به نظر شما مُ کیُم.» (آیه ۱۵)

مُ مطمعمونم که تو چهرهی خیلَه شاگردون حالت ترس و گیجی قرار اژگه؛ طوریکه بدون ایکه حرفی دن رفتن تو فکر. یه دوفه مردونی که ایقد مشتاق بودستن تا گپ دن و نظر دگرون اگون، ساکت گشتن. شاد اوانان ازلا جدی ای سوال آ خوشون شنپرسی بو و با توجه به موضوع، شوفهمی که هیچ جوابی شونی.

عیسا کاری که خیلَه خوب انجوم شدا، برشون اجراشکه. اُ بی موقعیت قلبشون با ی سوال معین اشکه و درکی واقعی آ چیزی که شادونست و شنیدونست، بی اوانان اژبخشی. اوانان کنار تصورون دگرون زندگی شاکه؛ جای ایکه تو دل خوشون ثبت اکونن که واقعا عیسا کیین. اوانان با خوشون روبو نگه بودن.

شمعون که توسط عیسا به پطرس اسمش عوضش اشکیبو، بین شاگردون تنها کسی بو که اشتونست جواب آده. اُ بی مقدمه اژگو: «تویی مسیح، پُسی خدای زنده!» (متا ۱۶: ۱۶)

بعدِ عیسا ایطو جوابش اژدا: «خوشا به حال تو، ای شمعون، پُسی یونا! چون بی ای حقیقت، جسم و خون برت آشکار اشکنه، بلکه بای مُ که تو آسمونن.» (آیه ۱۷)

عیسا منبع ای مکاشفه بی شمعون پطرس توضیح اژدا. شمعون پطرس بی ای شناخت آطری شنیدن نظرون دگرون یا چیزی که یاد اژگیبو، به دست اشنیو، بلکه خدا برش آشکار اشکیبو.

شمعون پطرس بی درک مسائل روحانی والاهی، خیلَه اشتیاق اژیو. بیشترین سوالونه اُ شپرسی. اُ کسی بوکه روآوراه ره؛ درحالی که یازده تایی شاگرد دگه تماشا شاکه. اُ مردی بو که محض نظر شخصی دگرون، اوجانموندبو. اُ شخاست مستقیم آدهن خدا اشنوو.

ای شناختی که کشف گه بو در مورد عیسا توسط درکش حاصل نگه بو، بلکه عطایی بو که در جواب به گشنگیوونش تو دلش روشن گه. دگرونم اُنچه که شمعون پطرس اژدی و شهادت اژدا، شدیبو و شهادت شدا بو، ولی اوانان عطشی مته پطروس بی شناخت ارادی خدا شُنبو.

اول یوحنا ۲: ۲۷ اگو: «ولیدربارتون باد اگوم که اُ مسحی که یاد توگن، تو شما امونی نیازی نن کسی برتون یاد آده. اُ مسح حقیقین، نه دروغی. پ هموطو که تعلیمتون شداستن، هموطو امونین.»

ای مسح، بی شمعون پطرس تعلیم شدا. اُهر چی دگرون شاگو، ششنو و بعدش بی هر چی که خدا معین اشکیو، نگاشکه. وختی ما شناختی کشف شده اُطری خدا به دس ایوریم، دگه هیچ که نیتون بی ما تگون اده. وختی خدا چیزی برمون معین اکن، دگه مهم نن که همی دنیا چه اگون. اونان شونیشا دلمون تغیر ادن.

بعد عیسا بی شمعون پطرس و بقیه شاگردون اژگو: «مُ هم اگم پطرس تویی، و بی ای صخره، کلیسام درست اکنم و قدرت مرگ برش استیلا پیدا نیکن».

(متا ۱۶: ۱۸) بی همی، آشکارا اینیم که اساس محکمی تو کلوم کشف گشته خدا هن. تو ای زمینه پطرس اشفهمی که عیسا پُس خدان.

کلوم روشن گشته

همیشه بی جماعت و افرادون امگن که وختی داره موعظه اکنم، بی صدای خدا درون صدای مُ اشنووین. خيله وختون ما ایقه مشغول یادداشتیم که فقط هر چی که گفته ابو، ضبط اکنیم. ای باعث درک ذهنی آ کتاب مقدس و تفسیرش ابو که برش اگون شناخت عقلی.

وختی ما تنهایی بی شناخت عقلی ارسیم، دوتا چی ممکن اتفاق افته: الف) راحت تو معرض هیاهو یا احساس گرایی قرار اگیریم یا ب) بی نیروی عقلونی خومون محدود ابیم. ولی ای اساس محکمی نن که عیسا بی کلیساش روش بنا اکن. اُژگو که کلیساش رو کلوم کشف گشته خدا استوار ابو نه آیه هان حفظی!

وختی ما گپون ی خادم مسح گشته اشنویم یا ایکه کتابی اخونیم، باد پی حرفون یا عبارتون ابیم که تو روحمون فورون اکن. اُکلوم خدان که بی ما آشکار ابو و نور و درک روحانی منتقل اکن. هموطو که مزمور نویس اگو: «کشف کلوم تو، نور ابخشه و بی ساده دلون فهیم اکن.» (مزمور ۱۱۹: ۱۳۰) کشف کلومش تو دلون مون و نه تو ذهنونمون که باعث روشنایی و کشف کردن ابو.

معمولا ممکن خادی درباره موضوعی خاص گپ ازن، ولی خدان که چیزی کاملا متفاوت تو دلم روشن اسازه؛ یا ممکن خدا کلمانی تو دهن خادم قرار اده و کلمان تو مُ پی ی مکاشفه ختم ابو. تو هر دو روش، کلوم خدا بی مُ مکشوف ابو. بی همی، ما آ سادگی و بی تجربگی (فاقد درک) بی بالغ گشتن (دملو آ درک) تغیر اکنیم. ای کلوم روشن گشته تو دلونمون همو اساسین که عیسا اژگو برش کلیساش استوار اسازه.

عیسا کلوم کشف گشته خوش مثال صخره اشکه. صخره آ قدرت و استحکام اگو. ما حکایت دو خونه یاد اکونیم که یکی بی صخره و یکی بی شن ساخته گه بو. وختی ناملایماتونی مئه آزار، غم و رنج ارسن، توفان بی هر دو تا خونه هجوم اشیوورد و اونی که رو شن ساخته گه، ویرون بو؛ در حالی که اونیکه رو صخره ساخته گن، استوار امونی.

گاهی موردونی که نیاز موهن آ خدا اشنویم، نیتونیم تو کتاب مقدس پیدا اکنیم. بی مثال با کی باد ازدواج اکنیم؟ کجا باد کار اکنیم؟ بی کدوم کلیسای ملحق ابیم؟ و ای فهرست همیطو ادامه اشن. ما باد کلوم مکشوف خدا بی ای تصمیمون هم مبابشه. بدون اینان، تصمیمونمون رو زمینی که محکم نن ساخته ابو.

آنچی که خدا بواسطی روحش معین اکن، نیتون ازمون گته ابو. ای باد پایه و اساس کارونمون ابو. بدون اینان ما راحت با امتحان و مصیبتونی که کورمون اکن، لغزش اхарیم. دوبارته اونی خاطرمون ایاریم که عیسا درباره کلوم اژگو که با هیجان اشنویم و دریافت اکونیم، ولی تو دلونمون ریشه نیدوونی.

«دگرون مئه بذرونین که رو سنگلاخون شوکاشتن؛ اونان کلوم اشنون و زود با شادی اپذیرن، ولی چون توشون ریشه اشنی، فقط کمی دووم ایارن. اوموقع که محض کلوم، سختی و یا آزاری بروز اکن، تو لحظه پیدا شاکه».

— مرقس ۴: ۱۶-۱۷

ما راحت اتونیم جای واژه هون ریشه و اساس جابجا اکونیم، چون دوتاشون دلالت شوهه بی عنصری پایدار، سازنده و منبع قوت بی ی گیاه یا ساختمون شوهه. کسیکه با کلوم مکشوف خدا پایدار و استوار نیبو، اولین گزینه این که با توفان لغزش تکون اخاتن.

چن تا افراد هستن که دقیقا مئه شاگردونن که عیسا با اونان روبرو گه؟ اونان عین چیزی که دگرون شوگون و موعظه شکین زندگی اکنن. نظرون و عبارتون دگرون بی عنوان حقیقت پذیرفته ابو؛ بدون ایکه دمبال مشورت و شهادت روح ابن. ما فقط ماشا زندگی اکنیم و چیزی که بوسیله خدا برمون معین گن، اعلام اکنیم. ای همو چیزین که عیسا کلیساش روش بنا اکن.

زموئی مُ ی منشی مجرد امبو که با خوشالی با ی مردکه جوونی قرار شهشت که اوهم بی کلیسا کار شکه. اونان روز به روز بهمدگه نزدیکتر اگشتن. همه شاتونست افهمن که ای ارتباط بی ازدواج ختم ابو. اونان قبلند بطور جدی باهم گپ شزه بو. یکی آشوون یکشنبه شبان ارشد دعوتشون اشکه و ازگو: «خداوند ایطو ازگو که شما دونفر باهم ازدواج اکنین».

صبح بعد منشیم در حالی که رو ابرون داره راه شره، اومه دفتر مُ. خيله هیجون اژیو، اُم اشخواست که عقد شاکنم و مُ هم امگو که باعث افتخار مُن. وختی معین امکه بی مشاوره باشون. ولی درونوم آروم نبو.

وقتی اونان وارد دفتروم گشتن، روحوم نگران گه. بی منشیم نگابی امکه و امپرسی که ادون ای مردکه جوون کین که خدا برگزیده اشکن برش؟ اُ با ذوق و شوق جواب قاطعونه و مثبت اژدا.

بعد به مردکه نگویی امکه و امپرسی: «آیا ایمون اتهن که اراده خدان که با ای دخت ازدواج اکنی؟» اُ ی لحظه با دهن نصفه وا بی مُ نگاشکه، بعد سرش شنداخت پایین و ازگو: «نه، مطمئن نیستم!»

مُ بی هر دو شون نگامکه و بی مرکی جوون امگو: «مُ عقدتون نیکونوم و اهمیتیش نی که کی برتون نبوتشکن و چه ازگون. برم مهم نن که چن نفر شگن که شما زوج دوس داشتی این. اگه خدا بی ارادش تو دلتون معین اشکن، اجازه تونی زندگی زناشویی شروع اکنین.» و ادامه امدا: «اگه بدون ایکه خدا بی اُ به عنوان ارادهی کاملش برتون معین اکن ازدواج اکنین، وختی طوفونون ارسی – که حتما ارسی، تردید اکونین و اگوین: «اگه با دخت دگه ای ازدواج امکیبو، چه اگه؟ آیا ای مشکون امبو؟ مُ باد مطمئن اگشتم که ای اراده خدان. احساس اکونوم گرفتار گشتم.» بعد دلتون خسته و نامید ابو و نیتونین مقابل ناملایماتونی که سمت زندگیتون ایا، مقاومت اکنین. شما شخص دو دلی این که تو همی رفتارونتون پایداری تونی.

مُ بی اونان همراهی امکه و امگو که هیچ دلیلی نی که دوبارته جلس ای موباشه. پُس آسوده گه، در حالی که دختکه خيله نگران بو. هفتی بعد، هفتی خيله نا آرومی تو دفتروم بو. ولی مدونست که حقیقت امگون. بی منشیم زمون امتحون بو. اگه خدا حیقته باش گپ اشزبو که ای مردکه شوشن، اُ باد بی خداوند اعتماد شکه تا بی اُ بی مردکه آشکار اکن و آ لغزش نذبت بی مُ و هم بی خدا آزاد امونه. بی

منشیم امگه اسش فاصله اگی و بل فرصت اژباشه تا آ خدا اشنووی. ای کار انجوم اژدا. سه هفته گه و اونان یه جلسی دگه درخواست شوکه و مُم بلافاصله احساس خوشالی امکه. ایدوفه وختی اونان وارد دفتر گشتن، مردکه با چیشونی که برق شره، بی مُم نگایی اشکه و اژگو: «الان ادونوم و شکی هم امنی که اُ زنین که خدا بی ازدواج بی مُم اژبخشین.» و اونان هفت ماه بعد ازدواج شُکی.

وختی ادونین خدا بی شما تو کلیسا یا رابطی قرار اژدان، دشمن خيله سخت تر ششا بی شما آ اوجا بیرون اکن. چونکه شما اساس خوتون بی کلوم کشف گشته خدا قرار ادین و میون تزدادون و بکش بکشون کار اکونین؛ حتا وختی که شرایط بی ادامه غیر ممکن بنظر ایا.

هیچ انتخاب دگی نن

پنج سال اول زندگی زناشویمون بی مُم ضیفم خيله مشکل بو. ما ایقه سخت آ همدگه ناراحت گه بودیم که بنظر غیر ممکن شرسی اُ رابطی محبتونه ای که اولون بینمون بو، حفظ ابو. فقط ی چی بی ما باهم حفظ اشکه: دوتامون مادونست که خدا زندگی زناشویمون تعیین اشکن. بی همی، بی طلاق و جدایی بی انتخاب درنظر مونگه. تنها اتخابمون ای بو که ایمون موباشه اُ بی ما شفا اده و تغیرمون اده. دوتامون بی توجه بی دردناکی ایطو موقیتی، بی خومون نذبت به ای راه متعهد مساخت. وختی فکرون نامید کننده تو کلم شچرخي، وعده آنی که خدا بی زندگی زناشویمون اژدابو، یادُم میو. حاضر نبودوم اونچه که خدا بی اتحادمون با همدگه درست اشکن و مقدر اشکن، باطل شکونوم. یکی آ وعده آنی که خدا بریمون اژدابو ای بو که مُم با ضیفم با همدگه خزمت اکنیم. زمی که ای وعده اژدا، فک مکه راحت مشا بدس شیوروم و برکتش بی خزمت دوتامون قرار اشن.

میون طوفانون زندگی زناشوپی، دگه امنیتونست بی وعده به وضوح ابینیم، ولی اجاز امندا اُ وعده ناپدید ابو. محض غرور و درگیری که وارد رابطی زناشویمون گه بو، امید انسانیمون آ دست ره بو. ولی هنو یه بذر ماورای طبیعی تو دلوم بو؛ اُ وعده تکیه گاه یا اساسی بو که بش نیاز امبو.

وختی اُ امید نمایون گه، نه فقط روابطمون شفا اژدا خدا بلکه اُ قبلدونم قویتر اشکه. ما آ راه اختلافونمون و با بخشش همدگه و درس گتن آ اون اختلافون، رشد

موکن. الان با همدگه خزمت اکونیم. مُ نه تنها بی ضیفم معشوق و بختین دوست خوم ادونوم، بلکه هیطو اُ خادمین که بیشترین اعتماد بش اومن.

بعد اُرد گشتن اُ اُ پنج سال مشگل، امفهمی که خدا عیبون زندگی دوتامون اژدی و ارتباطمون بی ای عیبون زیر نور برملاشکه. مُ مات و مبهوت یکی گشتنمون بی زناشویی بودُم. قبل ایکه بی لیزا ابینُم، مرتب بی زنی که قرار بو باش ازدواج اوکونوم، دعا مکه. ای دومین تصمیم زندگیم بعد ایمانم بو؛ چون دعا مکه و منتظر بودوم خدا بی شریک زندگیم انتخاب اکن. فک مکه مشکلی که دگرون تو زندگی شوبو مُ امنی. چقد اشتباه فک مکه.

خدا همسری برم انتخاب اشکه که تمایل قلبیم بو، ولی اونم نابالغی با خودخواهی که تو مُ مخفی گه بو، برملاشکه؛ البته چیزون بیشتری هم بو. فرار اُ عیبون باگزینه ی طلاق و سرزش لیزا. فقط نابالغی بی مُ زیر لایه دگی اُ محافظت دروغی بی نوم لغزش دفن شکه.

شناخت کلوم خدا دیراری ازدواج بی مُ اُرها کردن حفظ اشکه. بعضیتون که ای مطلبون اخونین، شاد فک کنین وختی مُ ازدواج امکی، نجات امنبو.

خدا برتون اگو: « حکم مُ بی متاهلون این - نه حکم مُ، بلکه حکم خداوند- که زن نباد اُ شوش جدا ابو. ولی اگه ایطو اشکه، دگه نباد شو ایگی و یا ایکه باد با شوش آشتی ابو. مرد هم نباد بی زن خوش طلاق آده... پ بی همی ای کوکائونوم، هرکی تو هر وضعی که خونده گن، تو همو وضع تو حضور خدا باقی امونی.» (اول قرننیا ۷: ۱۰-۱۱، ۲۴)

اجازه ادین ای کلوم عهد ازدواج تو دلتون قرار ایگی تا با تلی لغزش مجنبی. بعد پ خداوند بی کشف کلومش تو زندگی زناشویتون ابین. برخیتون شاد حتا بی ایموندار با اراده خدا ازدواج تنکین.

بی ورد بی برکت خدا تو زندگی زناشویتون، باد اُ ای عهد که قبل ازدواج باش مشورت تنکین، توبه اکنین و اُ برتون ابخشه. اشکستن عهد محض لغزش.

صخره استوار

کلوم کشف گشته خدا صخره استوارین که باد زندگی و خزمتون خومون روش سازیم. افراد جورواجوری اکلیسان یا گروهون خزمتی مختلف بی مُ شُگن که فقط

بخشیش تو زمون کمی بکار شوبون و تو مسیرش قدم شوواگن. قلبم غمگین ابو وختی ابینوم که اونان چیطو با امتحانون و نه هدایت خدا بی حرکت درایان. اونان مدام شکات شوهن که چقه مسائلون بد پیش رن یا تا چه حد با اونان بدرفتاری گن. اونان احساس اکونن تو تصمیماتی که شوگن حق باشونن، ولی دلیل اونان فقط ی لایه ی فریب دگن که نیله لغزش و مشکلون شخصیتیشون ابینن.

اونان ارتباطون الانی خوشون با خزمتون و کلیسان طوری اگون که الان موقتا بخشی آ اونانن یا ایکه اگن: « ایجا الان جایین که خدا برم درنظر اشن.» حتا مشنو مردکی شگو: « م امانتی تو ای کلیسام!» اونان ای گپون ازنن تا موقی مشکل پیش اومه راه فراری شوباشه. اونان هیچ بنیان و اساسی شنی که وختی بی جای تازه ای اشن، برش استوار ویسن، توفونون راحت شاشا تا بندر بعدی بشون اوزی.

ما کجا مشاستی اشیم؟

تو بازیبنی که عیسا آ شاگردوش اپرسی که دگرون بی اکی ادونن، ما شاهد ثباتیم که وقتی اراده کشف گشته خدا برمون معین ابو، بوجود ایا. بی شمعون پطرس نگوهی اکنین: « بعد ایکه شمعون اونچه باش تو قلبش نمایون اشکه اژگو، عیسا اژگو: م هم اگم که تویی پطروس، و بی ای صخره کلیسای خوم بنا اکنم و قدرت مرگ برش استیلا پیدا نیکن.» (متا ۱۶: ۱۸)

عیسا نوم شمعون بی پطرس تغییر اژدا. ای نکته، اهمیت اشن؛ چونکه نوم شمعون معنیش «شنفتن» و نوم پطرس معنیش «سنگ یا صخرن». نتیجی اشنوتن کلوم کشف گشته خدا تو دل پطرس ای بو که ا تبدیل بی سنگ گه بو. خونه ای که آ سنگ و بی شالوده محکم ی صخره بنا ابو، مقابل توفونونی که برش ضربه ازن مقاومت اکن. واژه صخره تو ای آیه، آ واژه یونانی «پترا» ایاتن بی ای معنی (ی صخره گت) هَن. (petra)

عیسا بی شمعون پطرس شگو که ا الان آ ماده ای ساخته گن که خونه روش قرار اگی. بعدنو پطرس تو اول پطرس ۲: ۵ اشنوشت: « شمام مته سنگون زنده بی شکل عمارتی روحانی بنا ابین تا کاهنونی مقدس ابین و بی واسطی عیسای مسیح، قربونیون روحانی قابل قبول خدا اگذرونین.»

سنگ، تکه ای کوچیک آ صخری گتین. قوت، استحکام و قدرت تو صخره

کلو م کشف گشته ی خدان و تو زندگی کسی که برش دریافت اکن، ثمر ایاره. ا شخص توسط قوت کسی که کلو م زنده خدان، ا معین ابو و ما بنا ابیم.

ا یوحنا ۵: ۱۶ ادونیم که تو طول روزون آخری که عیسا رو زمین بو، زندگی بی گروه خزمتمیش مشگل تر گه بو. یهودیون و رهبرون مذهبی بی عیسا اذیت شکیبو و پی کشتنش بون. وختی وضع بخرکه و مردم شخواست که زورکایی پادشاه شکونن قبول اشنکه و دور گه (یوحنا ۶: ۱۵ را ابینین).

شاگردونش تعجب شوکه: «بی چه ایطو کاریشکه، ای فرصت خوبی بی ما و خوش بو!» اونان نگرین بودستن و توفانون سخت شوزی.

ما خونواده و کارمون ول موکن تا آ ای مرد پیروی اوکونیم. ما بی چوغه مرگ خيله نزيکیم. ما ایمون موهن ا هموکسین که ایاتن. به هر حال، هم یحیا تعمیم دهنده بی ا صحیح اشدونست و هم ا شمعون پطروش مشنوو که تو قیصریه فیلیپی ای اژگو. ولی بی چه ا بی رهبرون موجود تحریک اکن؟ بی چه ا با دس خوش، گور خوش اکنی؟ بی چه ا ایطو حرفون سختی مته «ای قوم بی ایمون ومنحرف! تا کی باد باتون ابوم؟» بی ما، بی شاگردون خوش، اگو؟

لغزش تا حدودی بین مردونی که بی همی چی ترک شوکین تا آ عیسا پیروی اوکونن، شروع گه بو. بعد نقطه اوج، اتفاق افتا. عیسا بی مسئلی بی اونان موعظه اشکه که بنظر بدعت گتی اومه: «عیسا برشون اژگو: آمین آمین برتون اگوم، که تا تن پس ادم نخواری و خونش ننوشی، تو خوتون زندگی تونی.» (یوحنا ۶: ۵۳) اونان حیرون گشتن: «ا چه موعظی اکن؟ ای امر بعیدی بی مان!» نه فقط، بلکه ا ایطو گپنی رودرو رهبرون تو کنیسه کفرناحوم اژگو. از نظر شاگردون ای کاهی بو پشت شتر ششکه.

«اوموقع خيله آ شاگردونش چون ای ششنو شوگو: ای تعلیم سختن، کی ششا اپذیره؟»

– یوحنا ۶: ۶۰

بی جواب عیسا توجه اکین:

«آیا باعث لغزشتون ابو؟»

– یوحنا ۶: ۶۱

اینان شاگردون خوشن. اُ بی حقیقت رد نیکن، بلکه جاش با ای مردون روبرو ابو. اُ ادون که عده ای زندگیشون بنیادش اشتباهی بون، اُ ای اساس برملا اکن و برشون فرصت اده تا دلونشون ابینن ولی اونان مئه شمعون پطرس یا دگه شاگردون نبون که توشنه حقیقت ابن. بی واکنششون نگاه اوکونین:

«اُ ای بی بعد خيله آ شاگردون بر شگشت و دگه همراهیش شونکه.»

— یوحنا ۶: ۶۶

توجه اکنین که گفته نگن «عده کمی» بلکه اگو «خيله»! تعدادی بی تردید، همو کسونی بودن که تو قیصریه فیلیپی درموردش نظر شدا: «برخی اگن یحیای تعمید دهندن. برخی دگه اگون الیاس و عده ای هم اگن ارمیا یا یکی آپيومبرونن.» (متا ۱۶: ۱۴) اساس اونان بی کلوم کشف گشتی خدا نبو.

لغزش بی جایی رسی که اونان کاری که ای روزون خيله وون انجوم ادن، انجوم شدا و ولس شکه. اونان فک شکه که گول شخان و اسشون سو استفاده گن، در حالی که ایطو نبو. اونان بی حقیقت شنیدی؛ چون چیشونشون بی چیزونی که خوشون دوس شبو تمرکز اژیو. حال بی اتفاقی که بی شمعون پطرس افتا، نگاهی اندازیم؛ وختی که عیسا با دوازده شاگردون خوش روبرو گه:

«پ عیسا بی اُ دوازده نفر اژگو: آیا شمام تا ایشین؟ شمعون پطروس

جواب اژدا: سرورمون، اِدِ کی اشیم؟ سخنون حیات جاودونه اِدِ تون.

ما ایمون مویون و مودونستن که اُ قدوس خدا تویی.»

— یوحنا ۶: ۶۷-۶۹

عیسا بی اونان التماس اشنکه: «لطفاً بی مُ ول مکنی، مُ خيله کارکنونوم اُ دس امد. چیطو بی شما اشوم؟» خیر، بلکه با اونان روبرو گه: «آیا شمام تی ایشین؟» بی جوابی که پطرس اده خوب دقت اکنین؛ گرچه که اوهم مئه دگرون، تو کشاکش با همو موقیت لغزش بو: «خداوندا اِدِ کی اشیم؟»

مطمعنا چیزی که ششنو، باد باعث سردرگمیش گه بو، ولی شناختی درش وجود اژیو که دگرون شنبو. تو قیصریه، پطرس مکاشفه ای خاص آ عیسا اژیو، اُ

شدونست که عیسا کین : « پُس خدای زنده » (متا ۱۶ : ۱۶) الان تو نقطه اوج ای امتحون اُ چیزی گپ اشره که تو قلبش ریشه اشدووندبو : « ما ایمون مویون و ادونیم تویی مسیح پُس خدای حی . » ای گپین که بی مقدمه در اثر مکاشفه تو قیصریه ازگو. اُ سَنگی بو که بی صخره محکم کلوم زنده خدا قرار اژیو. اُ لغزش اشنا.

واکنش زیر فشار

معمولا ایطو باور شوهه که هر آزمایش یا امتحونی، بی موقیت فرد تعیین اکن. یطو دِ، امتحون باعث ابو جایگاه روحانیمون مشخص ابو. ای آزمایشون وضعیت حقیقی دلمون معین اکونن. وختی زیر فشار واکنش نشون ادیم، ای واکنش حقیقیمونن.

شما تاشا خونه ی توباشه که رو شن ساخته ابو: پنج طبق، خوشگل، با بختترین مصالح و تزین شده یطو استادونه! تا وختی خورشید ادرخشی، اُ خونه مئه حصاری قوی و خوشگلن.

نزیک اُ خونه ی خوشگل، اتونین خونه ای ساده و ی طبقه توباشه که تقریبا تو مقایسه با عمارت نزیکتون، جذابیتی اشناشاه و جلب توجهی نکن. ولی اُ خونه رو بنیونی ساخته گن که نیتونین شبینین؛ ینی صخره !

تا وختی هیچ توفونی حمله نکن، ساختمون پنج طبقه عالین؛ ولی وختی با ی توفون شدید روبرو ابو، رو هم افته و ویرون ابو. اُ خونه شاد در مقابل توفونون خيله جزئی دووم بیاری، ولی در مقابل توفون شدید نه! ای در حالین که ساختمون ی طبقه ساده، سالم امونی. هرچی خونه گُت تر ابو، تخریبش بیشتر و تو چیش ترن.

بعضی آ افرادون تو کلیسا مئه شاگردونن که خيله زود تو قیصریه فیلیپی نظر ادن، ولی بعدنو حقیقت کار فاش ابو. شاد اونان مسیحیون پنج طبقه ابن؛ تصویری آ قوت، استحکام و خوشگلی! ممکن اونان آ توفونون کوچیک و متوسط جون سالم ب در ابرن، ولی وختی توفونی سهمگین شرو بی وزیدن اوکون، آ جاشون جابجا ابن.

اطمینون توباشه که زندگیتون بر کلوم مکشوف خدا اسازین نه بی اونچه دگرون اگن. پی خداوند ابین و بی دل خوتون گوش اکنین. کاری انجوم مدین و گپی مزین ؛ به صرف ایکه کس دکه ای اگو یا انجوم اده. پیش ابین و بی اُنچه بی دلتون مکشوف گشتن، استوار امونین.

وختی دشمن بی لرزه در ایاری، قصد تخریب اشن؛ ولی هدف خدا متفاوتن.

آ خداوند بی پیغوم خوب کتاب « تلی شیطون » خيله مچکروم. مُ بی موضوع خاصی تو دعا و روزه بوم. خداوند از طریق ای پیغوم، بی مُ هدایت اشکه و تحوی گتی تو زندگیم ایجاد اشکه. همی رهبرون، باد ای کتاب اخونن.

— سی . پی . (نیوزلند)

همی آنچه اتونه تګون اخاتن، تګون اخاره

«تو او زمون صداسې ېې زمین شلرزوند، ولی الان وعده
اژدان ی دوفی د نه فقط زمین بکه ېې آسمونم الرزونوم.
عبارت ی دوفی د ېې واگفتن چیزونی اشاره اشن که الرزن
– یی چیزونی که آفریده گن – تا اونچه که ضد لرزشن،
باقی امونه.»

– عبرانیان ۱۲ : ۲۶-۲۷

تو فصل قبلندی مودی که کلام کشف گشته خدا اساسین که عیسا کلیساش
روش بناشکه. مادی که شمعون پطرس حتا زمونی که سایر شاگردون لغزش
شوخان راسخ باقی امونی؛ حتی وختی که عیسا ېې شمعون پطروس فرصت اژدا تا
ېې ا ترک اکن. ا اونچه که تو قلبش ثبت گه بو و برش یقین اژبو ېې زبون اشیو.

الان یی بی امتحون دگه شمعون پطروس نگاهی اندازیم، ینی شوی که بی عیسا خیانت گه.

عیسا با دوازده شاگرد نیشه بو شکرگزاری شکه و خزمت اشیای ربانی شکه که ی حرف تکون دهنده اژگو:

«ولی دس کسی قصد تسلیم مُ اشن، با دس مُ تو سفره ان. پس ادم اوطو که مقدر گن اشو، ولی وای بی کسی که بی اُ تسلیم دشمن اکن.» (لوقا ۲۲: ۲۱-۲۲) چه اعلون عجیبی! بی گفته ی همروزی عیسا با اُگپون بمبی پرت اشکیبو! گرچه عیسا هم اول شدونست که برس خیانت ابو، ولی اولین بار بو که شاگردونش ای گپ شاشنوو. آیا اتونین احساس وحشتناکی که تو افاق بو، تجسم اکنین؛ اُ موقع که عیسا اژگو یکی اُاونان که با اُ غذا شروشکین، یکی اُاعشا و همکارون نزیک، قصد اشن برش خیانت اکن؟

در واکنش بی ای گپ اُ موقع بی سوال اُ همدگه شروع شوکه که کدومشون ایطو اکن. (آیه ۲۳) اونان با ای شک شاشکه که یکی اُاونان شتونست ایطو کار وحشتناکی انجوم اده. ولی انگیزشون بی ای تحقیق پاک نبو. ما از نحوه پایون گفتگوشون بی ای حقیقت پی ابریم. دلیل اونان بی رسیدگی بی ای کار خودخواهی و غرور کامل بو. بی آیه بعدی نگاه اکنین:

«جدلی بینشون افتا که در مورد ای موضوع که کدومشون گت ترن.»

– لوقا ۲۲: ۲۴

تصور اکونین که عیسا بی اونان اژگو که امدن تا بی کاهن گت واگذار ابوتن، بی مرگ محکوم ابو و بی رومیون تحویل داده ابو تا مسخرش شیکونن، شلاقش دن و شکوشن. کسی که باعث ای کار بو، باش سر میز نیشه بو. شاگردون سوال شوکه که اُکین و ای سوال باعث جر گه که کدومشون اُبقیه گت ترن؟ کار شرم آوری بو، تقریباً مئه بچان که بی ارث جر اکنن. اونان ازلا نگرونی در مورد عیسا شنو، بلکه محض قدرت و موقیت بی خوشون بی هر دری شازه. چه خودخواهی غیر قابل تصویری بو!

اگه مُ جای عیسا بودستوم شاد سوال مکه آیا گپونوم شاشنوو یا حتا برش توجه هم شنکین. ما اُ ای اتفاق الگو اگیریم که چیطو استاد با صبر و محبت رفتار

همی آنچه اتونه تګون اخاتن، تګون اخاره

شکه. معمولا ما اګه جای عیسا بودستیم ایطو ماګو: همتون ګم ابین؟ مُم تو لحظه اوج نیازموم شما فکر خوتونین! ای زمون، فرصت مناسبی بی لغزش خوردن بو.

همی چیزی که اتونه جنبانیده ابو، جُنْبنده ابو.

ما ماشا تقریبا حدث دیم که کی ای جر بین شاگردون شروعشکه؛ شمعون پطروس، چون اُ بانفوذ ترین آدم گروه بو و معمولا یکی اُ کسونی بو که اول آ همه ګپ شره.

احتمالا اُ زودی بی دګرون اژګو که تنها کسی بو که رو اوو راه شره یا شادم ایکه اُ اولین مکاشفه در مورد ماهیت وجودی عیسا اژیو. بعد اُ تجربش در باره ی کوه تبدیل هیئت با عیسا، موسی و ایلیا با اونان مطرح اشکه.

پطروس تا اندازه ای مطمئن بو که ګت ترین تو دوازده شاگرد بو. ولی ای اطمینون تو محبت ریشه ای اشنبو بلکه بی غرور استوار ګه بو.

عیسا بی همشون نگاشکه و اژګو که صرفا انسونی کار اکتن و نه مته بچان ملکوت. عیسا برشون اژګو: «پادشاهون دګه قومون بی اونان سروری اکتن؛ و حاکمون اوشونو ولی نعمت خونده ابن. ولی شما ایطو نبین. ګت ترین بین شماهان باد کوچکتین ابوتن و حاکم باد مته خادمون ابو. چون کودومشون ګت ترن، اُونکه سر سفره نیگی وینی و یا اُنکه خزمت اکن؟ آیا نه اُنکه سر سفره نیگی وینی؟ ولی مُم بینتون مته خادمونوم.»

– لوقا ۲۲: ۲۵-۲۷

نیت آغربالګری

ګرچه شمعون پطروس مکاشفون فراوونی آ ماهیت وجودی عیسا اژګیبو، ولی هنو مته شخصیت و فروتنی مسیح رفتار اشنیکه. اُ بی زندگی و خزمتش بر پایه پیروزیون قبلندی و غرور شساخت. پولس در اول قرنیتیان ۳: ۱۰ بی ما نصیحت اشکه که دقت اوکونیم چیطو بی بنیاد خومون تو مسیح ساختمون بنا اکونیم.

شمعون پطروس با موادون لازم بی ملکوت خدا بنا اشنساخت، بلکه با لوازمونی مته اراده قوی و اعتماد شخصی بنا اشکه. اُ ګر چه نا اګاهونه منتظر دګرګونی

شخصیتش بو. مرجعش آ غرور بی زندگی نشات شگه. (اول یوحنا ۱۶: ۲) غرور ازلا بقدر کافی قوی نبو که برش آماده اکن تا سرنوشت خوش تو مسیح به انجوم ارسونی. اگه ای غرور رفع نیگه عاقبت موجب هلاکتش اگه. ما تو حزقیال ۲۸: ۱۱-۱۹ ایبنیم که غرور همو ویژگی اشتباهین که تو لوسیفر، کروبی مسح گشته خدا پیدا اگه که باعث سقوطش بو.

حالا هرچه که عیسا بی شمعون پطروس اگو ایبنیم: «ای شمعون، ای شمعون، شیطون اجازه اژگه بی شما مته گندوم الکتون اکن.» لوقا ۲۲: ۳۱

غرور، در بی دشمن و اشکه تا داخل ابو و بی شمعون پطروس الک اکن. واژه غربال آ واژه یونانی (سینیزو) که معنیش غربالگرین، تگون دادن تو ی الک، با ایجاد آشفته‌گی درونین بی ایمون شخصی امتحون شاکه تا بی لبه سقوط شبرن ابو.

حالا اگه عیسا ایطو فک شکه که خيله کسون تو کلیسا شوهن، شگو: بچان یی دعا اکنیم و ای حمله ابلیس ابندیم. ما نلیم شیطون ای کار با شمعون عزیزمون انجوم آده! ولی بی اونچه داره اگو نگاه اکنیم:

ولی مُ بی تو دعامکه تا ایمونت تلف نبو. پ چون وختی برتگشت بی کوکانت استوار اکن.

– لوقا ۲۲: ۳۲

عیسا دعاشکه که شمعون پطروس آ ای تگون سخت طری سقوط فرار اکن. آ دعاشکه که که ایمونش تو ای کار تلف نبو، بی چه که شدونست طبق ای امتحون ی شخصیت جدید نمایون ابو، یی شمعون پطروس باد شخصیت خوش محقق اکن و بی کوکانش استوار اسازه.

شیطون اجازشگیبو تا بی شمعون بی حدی الغزونی که ایمونش آ دس آده. هدف دشمن ای بو که بی ای مرد که نیروی بلقوه بالایی بو و مکاشفاتون خيله زیادی دریافت اشکیبو هلاک اکن. ولی خدا هدف متفاوتی آ جونبوننش اژیو؛ خدا همواره آشیطون جیلوترن. آ بی دشمن ای اجازه اژدا تا هرچی که لازم بو تو شمعون بطرون جونبونده ابو، اجونبونی.

خدا بی ضیفم لیژا پنج هدف بی جونبوندن ی شیئ نشون اژدا:

۱. بی اساسش نژیک تر اګن.
 ۲. اُونچه مردن دور اګن.
 ۳. برداشت اُنچه رسین.
 ۴. بیدار کردن.
 ۵. با همدګه متحد یا اقدام کردن طوری که دِ قابل جدا ګشتن نبو.
- هر فرایند فکری یا نګرش قلبی که تو خودخواهی یا تو غرور ریشه اشن، تصفیه ابو. نتیجه ای تګون ترسناک ای بو که همی اعتماد به نفس شمعون پطروس آ دس ره و هر چه که موند اساس مطمئنی بی خوش ګه. اُنزبت بی موقیت حقیقی خوش بیدار ګه. مرده دور ګه و میوه ای که رسی بو درو ګه و اُ بر اساس همی چی که اتون جونبونده ابوتن، جونبونده ابو.
- حقیقتی خوش نژیکتر ګه. اُ دګه تنهایی عمل اشنکه بلکه تو وابستگی کامل بی خداوند قدم شواګه.
- پطروس جسورونه بی ګفته ان عیسا جواب اژدا: ای خداوند حاضر و با تو اشوم حتا تو زندون و تو موت. ای عبارت نشأت ګته آ روح نبو بلکه آ اعتماد به نفس خوش سرچشمه شګه. اُ اشنیتونست هیچ نشونه ی آ ای جونبوندن ابینی.

یهودا جلو شمعون

عده ای فک اګن که پطروس شخص ترسویی بو که ګپون ګتی شزه. ولی تو باغ وختی نگهبانون هیکل اومدن تا بی عیسا دسګیر اګن پطروس بی شمشیرش آ غلاف بیرون اشیو و بی خادم کاهن اعظم حمله اشکه گوش راستش اژیبری. (یوحنا ۱۸: ۱۰)

معمولا اشخاص ترسو وختی که تعداد سربازون دشمن آ اوانان بیشترین حمله نیکونن. پ اُ قوی بو ولی قوش تحت کنترول شخصیت خوش بو نه فروتنی خدا، چون هنو غربالگری شروع نګه بو. درست هموطو که عیسا پیشګویی شکه، اتفاق افتا. همو شمعون پطروس قوی و نترس اومه بو بی عیسا امیری و سلاحش تو باغ پر سرباز بکار اژګه با ی کنیز کوچیک روبرو ګه و اسش اشترسی و حتا آشنایی با عیسام انکار اشکه.

عده ای فکر اګن که مسائلون ګت باعث ابو مردون بی خطا اشن. ولی معمولا

مسائل کوچیکن که بی ما بی بیشترین طو اجونبونی. ای مسئله بی بیهوده بودن اعتماد به نفس نشون اده. بعد پطروس، بی عیسا دو دوفه د انکار اشکه. بلافاصله خروس شروعهش که بی خوندن و پطروس بی اوجا ترک اشکه و با ناراحتی گریخ اشکه. ا ا همی اعتماد بنفسی که اژیو جونبونده گه و باور اشکه که دوربارته نیتون بی قوه ی خوش آ جاش پا ابو. اونه که ا ترک اشکیبو، گرچه نریت بش اگاهیش نبو همو چیزی بو که توسط برش معین گه بو. شمعون پطروس و یهودا آ خيله چیزون مئه همدگه بودستن آ ای که هردوتاشون بی عیسا تو روزون اخر زندگیش ترک شکین. ولی ای دو مرد ی تفوت اساسی شبو.

یهودا ازلا علاقشنبو بی عیسا شناسی طوریکه شمعون دوست اژیو، یهودا بنیادی تو ا اشنبو، مشخص بو که ا بی عیسا دوست اژیو چون بی همی چی ترک اشکیبو تا ا پیروی اکن. در مصاحبت دائمی با ا سفرشکه و حتا زیر گرمای ازاردنده باش موند. بی دیوون اخراجشکه، بی مریضون شفا ازدا و بی انجیل موعظع اشکه (یادتون ابو که عیسا بی دوازده نفر بی موعظه، شفا و آزاد کردن بیرون اشفرستا نه بی یازده نفر!)

ولی قربانیونش بر اساس محبت بی عیسا یا ای مکاشفه که او کین، نبو. یهودا آ همو اول دستورالعملون خوش اژیو. ا ازلا هیچ موقع از انگیزه ی خودخواهونه ی خوش تویه اشکه. شخصیتش توسط ایطو عبارتونی برملا اگه. بی م چن ادین تا ... (متا ۲۶:۱۴) ا گول اشزه و ثقلب اشکه تا بی سودی ارسی. (متا ۲۶:۲۵) ا آ خزینه خزمت عیسا بی استفاده شخصی استفاده شکه. (یوحنا ۱۲: ۴-۶) و جریون همچنون ادامه اژیو. ا ازلا بی خداوند اششناخت گرچه سه سال و نیم تو گروهش بو.

هر دوتا مرد ا آنچه انجوم شدا بو متاسف گشتن. ولی یهودا اساسی که پروس اژیو، اشنبو. چون ا هرگز گشنه تشنه ی شناختن عیسا نبو، عیسا برش آشکار نگه. اگه یهودا مکاشفه ای آ عیسا اژیو هرگز اشنیتونست برش خیانت اکن. زمونی که ی طوفون قوی بی زندگیش حمله اشکه، همی چی جونبونده و تکونده گه! ا نچه که اتفاق افتا ابینین: «چون یهودا، تسلیم کنندش، ازدی که بی عیسا محکوم شکین، آ کرده ی خوش پشیمون گه و سی تا سکه ی نقره بی سرون کاهنون و مشایخ پس ازدا و اژگو:

ګناه امکین و باعث رختن خون بی ګناهی ګشتم. ولی اونان جواب شدا:
ب ما چه؟ خوت ادونی! اوموقع یهودا سکه هان اشخت رو زمین.ره
لرد و بی خوش دار اشره.»

— متا ۲۷: ۳-۵

اُپشیمون بو شدونست که ګناه اشکین. ولی بی مسیح اشنیشناخت. اُهیچ
درکی از بزرگی شخصی که برش خیانت اشکیبو، ناشنبو و فقط ازگو: خون بیګناهی
تحویل امد. اګه اُمته شمعون پطروس بی مسیح ششناخت با شناخت نیکویی
خدا ایش بر شگشت و توبه شکه. خودکشی کردن کار دګه ای اُزندګی جداګونه اُ
فیض خدان. جونبونیدن معلوم اشکه که یهودا هیچ اساسی اشنبو حتا بعد ایکه
سه سال اُاستاد پیروی شکه.

خیله نو ایمونون دعای توبه ګناهکار شوخوندن، بی کلیسا اشن، فعالیت اکنن
و کتاب مقدشون اخونن. با ای همه اګه همی اینان بی مکاشفه اُماهیت حقیقی
عیسا ابو اوموقع فقط بی اُبا دهنشون اقرار اکنن. وختی شکست ګتی رخ اده
اونان نریت بی خدا لغزش اخارن و همی چی که اتون جنبونده ابو، جونبونیده ابو.
دګه کاری باش شنی.

مشنو که اونان اګون: خدا هرگز کاری بی مُ انجوم اشندان. مُ تو زمینه ی
مسیحیت تلاش امکه ولی تو زندګی فقط بدبخت تر ګشتم. یا من دعامکه و
تقاضامکه خدا ای کارون انجوم اده و اُای کارون انجوم اشندا. اونان هرگز بی
زندګیشون زیر پای عیسا قرار شندا بلکه بی نفع خوشون بی خوشون همرو اُقرار
شدان. اونان برش خزمت شکه تا اوچی که شاتونست، اسش بدست بیارن. اونان
بی اسونی لغزش شخا. عیسا بی اونان ایطو توصیف اکن:

دګرون مته بذرون کاشته ګشته تو سنگلاخونن؛ اونان بی کلام اشنون
و بی درنگ با شادی اپذیرن، ولی چون تو خوشون ریشه شنی فقط
زمون کمی دووم ایارن. اوموقع که بی دلیل سختی و یا آزاری بروز اکن،
تو تله افتن.

— مرقس ۴: ۱۶-۱۷

حواستون ابو که اژگو، اونان زود لغزش اخارن چون پایه اساسی شنی. ما تو چی باد ریشه آدیم؟ جواب تو افسسیان ۳: ۱۶ - ۱۸ ایابیم: ما باد تو محبت ریشه آدیم و استوار اییم. محبتمون نذبت بی خدا اساس و پایمون.

عیسا اژگو: کسی آ ای محبت گت تر اشنی که جون خوش بی دوستوش اده. (یوحنا ۱۵: ۱۳) ما نیتونیم زندگی خومون زیر پای کسی بلیم که برش ازلا اعتمادی مونی. ما نیتونیم زندگیمون زیر پای خدا بلیم مگه ایکه برش ایقد خوب شنناسیم که برش اعتماد اکنیم. ما باد ذات و شخصیت خدا ادونیم و افهمیم. ما باد اطمینون موباشه که اهرگز کاری نیکن که بی ما آسیبی ارسه.

أ همیشه مراقب چیزین که ادون بیشترین دل بستگیمون. اُنچه که بی ما بنظر شکست تلقی ابو، همیشه بی خیریتمون براگرده، بشرطی که بی ایمونمون آ دست ندیم. خدا محبتن: هیچ خودخواهی یا شرارتی توش نی. شیطونن که دوست اشن بی ما هلاک اکن.

ما معمولا بی موقیتون زندگیمون با عینک نزدیکیین ایینیم؛ ای کار بی تصویر حقیقی طور د نشون اده. خدا بی بُعد جاودونی اونچه ما طی اکنیم نگاه اکن. اگه ما فقط بی موقیتون آ دیدگاه محدود خومون نگاه اکنیم، دو اتفاق ممکن افی.

اول، میون فرایند تصفیة خدا بی اسونی طعمه لغزش اییم، چه تو رابطه با خدا یا یکی آ خادمونش. دوم، ما آسون اتونیم فریب دشمن گول اخاریم. شیطون آ چیزی که تو أ لحظه بنظر درست ایا استفاده اکن ولی نقشه ی نهاییش این که آ وسیله بی تباهی یا مرگمون استفاده اکن. وختی تو اعتماد بی خدا ساکن اییم، بذبت بی توجه بواون نیجنبیم. ما تسلیم وسوسه توجه نذبت بی خومون نیبیم.

اعتماد بی شخصیت خدا

یکی آراهونی که دشمن بی ما وسوسه اکن تا آ اعتماد بی خدا دور اییم این که بینشمون نذبت بی شخصیت خدا بی انحراف اکشونی. اُتو باغ با حوا ای کار انجوم اژدا زمونی که اسش اشپرسی: آیا خدا واقعا اژگوبو که آهمی درختون باغ مخوری؟ (پیدایش ۳: ۱) آمر خدا وارونه اشکه تابی شخصیتش حمله اکن و برش طور د جلوه اده.

خدا اژگوبو: آهمی درختون باغ بی ممانعت اخا، ولی آ درخت معرفت نیک و بدزنهار مخا، چونکه روزی که اسش اخاری زودی امیری (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷)

خلاصه مار بی حوا اژگو: خدا هر چه خبن استون دریغ اکن. ولی تاکید خدا ای بو: ازادین اخارین جز ... خدا بی همی باغ در اختیار انسون قرار اژدابو تا لذت ابرن و آهمی میوه انش اخارن جز یکی مار با ای گپ شیوه نگاه زن بی خدا وارونه اشکه: خدا واقعن برتون توجه اشنی: چه چیز خوبی استون دریغ اکن؟ وختی شما ایطو فکر اکنین خدا نباد بی شما دوست اژباشه! اُنباد هم خدای خوبی ابو! اُگول اشخا و بی دروغ در مورد شخصیت خدا باور اشکه. اوموقع تمایل نزبت بی گناه بلند گه چون دگه کلوم خدا زندکی اشنیکه، بلکه شریعت بو که حکمرونی شکه و نیروی گناه شریعتن. (۱۵:۵۶)

دشمن همیطو بی ای روش عمل اکن، اُ بی شخصیت خدای پدر تو چیش بچانش وارونه نشون اده. هممون سایه ونی اُ اقتدار رو سرمون مبون؛ مته: بو اوون، معلمون، رئیسون یا حاکمونی که خودخواه و دوس داشتنی بودستن. اُ او جایی که ای افراد نماد اقتدار و قدرتین، بی همی، آسونن که بی طبیعتشون بی شخصیت خدا نزبت ادیم؛ بی چه که قدرت خدا قدرت نهاییین.

دشمن استادونه بی شخصیت پدر توسط وارونه نشون دادن برمون نزبت بی پدرون زمینیمون تحریف اشکن. خدا اگو که قبل ایکه عیسا براگرده، دل پدرون سمت بچان براگرده. (ملاکی ۴:۶) شخصیت طبیعتش تو رهبرونش دیده ابو و اُ صافی بی شفا ابو.

همی چی که اتون جنبونده ابو جنبونیده ابو.

وختی ادونین که خدا هرگز کاری نیکن که برتون صدمه ازن و نابودتون اکن و هرچه که تو زندگیتون انجوم اده یا نیده بی نفعتون، اوموقع آزادونه همی اختیارتون ادین برش. شما با خوشالی بی زندگیتون زیر پای استاد الین.

اگه شما بی خوتون کاملا بی عیسا تودان و نزبت بی توجه اش متعهد گشتین، نیتونین لغزش اخارین چون دگه بی خوتون تعلق تنی. کسونی که آسیب ابینن و نامید ابن، کسونین که بی ماهیت وجودیش بلکه بی اُون چیزی که عیسا اتون انجوم اده برشون ایان اِدش.

وختی ما ایطو نگرشی موهن آسون مایوس ابیم. خودمحوری باعث کوته بینی ابو. ما منیسا که شرایط اضطرابیمون با چیش ایمون ابینیم. وختی حقیقتا زندگیمون تو عیسا گم ابو، شخصیتش شناسیم و تو خوشیش سهیم ابیم. دگه

نیجنیم و تباہ نیبیم. وختی با شرایط و محیط طبیعیمون قضاوت اکنیم، لغزش خوردن آسون ابو. تو ای روش توسط چیشون روح به قضیه ان نگاه نیکنیم. تو شرایط و زمونوی که احساس اکونوم کاملند لازمن، معمولا خدا بی مُ جواب نیده. ولی وختی تو هر موردی به عقب براگردوم متوجه اِیم و اتونوم حکمتش ابینوم.

گاهی بچانمون روشونمون یا منطق پشتش درک نیکنن. ما سعی اکنیم بی بچان گت تر توضیحونی ادیم تا اتونن آ حکمت بهرمند ابن. ولی ی موقعانی شاد محض عدم بلوغشون درک مکنن و میذیرن. بعدون تو زندگی افهمن. یا شاد دلیل امتحون، اطاعت، محبت و بلوغشون. در مورد بُوای آسمونیمونم همیطورن. تو ایطو موقیتونی ایمون اگو: مُ بی تو اعتماد امه گرچه که درک هم نکنوم.

ما در عبرانیان ۱۱: ۳۵-۳۹ گزارشی آکسونی ابینیم که تحقق وعده ونشون ا طری خدا شنیدن ولی دگه هم تردید شنکه: لیکن دگرون معضب گشتن و بی رهایی قبول شونکه تا بی قیامت نیکوتر ارسن. و دگرون آ استحضاهون و تازیونه ون بلکه آ بند و زندون آزموده گشتن. سنگسار گشتن و با اره دوپَرک گشتن. تجربه کرده گشتن و با شمشیر کشته گشتن. تو پوستون گوسفندون و بُزون محتاج و مظلوم و ذلیل و آواره گشتن. اونانی که جهون لایقشون نبو، تو صحراوون و کوهون و مغارون و شکافون زمین پراکنده گشتن، بعدِ همشون با ایکه آ ایمون شهادت شدان، بی وعده پیدا شنکه.

اونان تصمیم شگیبو بی توجه بی بهاش بی خدا تو راس همی چیزون قرار آدن . اونان برش ایمون شبو حتا زمونی که مردستن بی ای که وعده وون محقق شده ابینن. بی اونان شنیشستی لغزش شادن.

ما وختی ریشه ادیم و استوار ابیم که آ ای محبت عمیق و اعتماد بی خدا برخوردار ابیم. هیچ توفونی بی توجه بی شدتش، نیتون هیچموقه بی ما تگون آده و ای با اراده یا شخصیت قوی نتیجه نیده. ای عطا ی فیض بی کسونین که اطمینون خوشون تو خدا قرار آدن و اطمینون بی خوشون دور اندازن. ولی بی ای که بی خوتون کامل ترک امکنین باد بی کسی که زنگیتون تو دسشن، شناسین.

فیض به افراد افتاده داده ابو

شمعون پطروس دگه شنیشاستی بی گتیش ابالی. ا اطمینون طبیعیش آ

دس اژدابو. اُ خيله شفاف ېې بيفايده بودن ارادش اژدی. اُ فروتن ګه بو. اُ الان مورد مناسبې ېې فيض خدايو. خدا ېې فيض خوش ېې فروتون اده. فروتنی امری ضرورين. ای درسی بو که تو ووژدون پطروس مشتعل ګه طوری که تو نامه اش اشنوشت: ای جوونون شمام تسليم مشايخ ابين. همتون تو رفتارتون با همدګه ېې فروتنی ېې کمرتون ابدین، چونکه، خدا جيلو متکبرون اويسته ولی ېې فروتونن فيض ابخشه. (اول پطروس ۵:۵)

پطروس تا لبه ياءس جونبونده ګه بو. ما ېې ای آپیغوم فرشته خداوند افهميم که تو قبر ېې مریم مجدلیه اژدا: الان اشین و ېې شاګردونش و پطروس اګوپین که اُ قیل شما ېې جلیل اشو؛ اُجا شبینین، هموطو که قبلندو برتون اژګوبو. (مرقس ۷:۱۶) فرشته رو پطروس انگشت اشهشت بو. پطروس تو نقطه تباهی بو ولی خدا هنو اساسی توش اشهشت بو. اُ اساس با جُنبنیده ګشتن آ بین نیره بلکه قویر اګه. عیسا نه فقط ېې پطروس اژبخشی بلکه احیاشم اشکه الان اُکه جنبش اشخابو، آماده بو تا ېې یکی آستونون مرکزی کلیسا تبدیل ابو. اُ با شجاعت ېې رستاخیز مسیح در حضور همو اشخاصون مسئول مصلوب عیسا اعلام اشکه. اُ نه با ی کنیز بلکه با ی شورا روبرو ګه. اُ با قدرت و جسارت زیاد روبروشون ویستا.

تاریخ ګزارش اده که پطروس بعد خيله سالون خزمت وفادارونه وارونه مصلوب ګه. اُ پافشاری اشکه که شایسته ای نن که مته خدای امیره، ېې همی برش وارونه آویزون شوکه. اُ دګه اشنیتړسی. اُ سنگی بو که ېې اساس محکم صخره بنا ګه بو. همی چی که اتون جونبونده ابو جنبونیده ابو.

امتحانون تو ای زندگی اُنچه تو دلتونن برملا اکن، چه لغزش ېې خدا توباشه یا ېې دګرون. امتحانون یا ېې شما و نزبت ېې خدا و همقطارونتن لغزش اده و یا برتون قویر اکن. اګه شما آ ای آزمایش رد ابین ریشه انتون ېې عمق اشو و ېې خوتون آینده تون تثبیت اکنین. اګه شکست اخارین لغزش اخارین که اتون برتون ېې تلخی اکشونی.

خدایا مُ ېې تو خزمت امکین، پ ېې چه ...؟

وختی مُ شبان بودستوم ی پُس چارده ساله باهوش مشناخت که رهبرون و دوستونوش تو ګروه جوونون احترامش شاګه. اُ دانش اموز خوب و ورزشکار تربیت شده ای بو. مرد جوون با ثوق و شوق ېې امور خدا، وفادارونه ېې خدا خزمت شکه

و تو هر برنومه ای داوطلب اگه. اُ با ما بی سفر بشارتی اومه و تقریباً بی هر که شرسی شهادت شدا.

یکی اُ ویژگیون زندگیش ای بو که تور روز چار ساعت دعا شکه. اُ چیزون زیادی اُ خدا ششنی و با دگرون در میون شهشت. همیشه حرفونش برکت اژیو. اُ دعوت خوش بی خزمت تشخیص اژدا و اشخواست که قبل بیست ساله ای کشیش ابو. اُ مئه صخره تزلزل ناپذیر ب نظر اومه. مُ بی ای مرد جوون دوست امبو و دعوت خدا تو زندگیش تشخیص مدا و روش سرمایه گذاری مکه. مُ فقط ی نگرونی امبو: بنظر اومه بی خوش خيله مطمئن بو. چن بار سعی امکه در ای مورد باش گپ دوم ولی موقیتی بی ای کار پیدا امنیکه. مدونست که تغییری رخ اده. اُ با بعضی توفونون سخت روبرو گه ولی محکم و قوی موند. بعضی موقان بی بینش خوم شک مکه وختی مدی اُ بی آزمایشون سخت تحمل اکن.

چن سال سپری گه. اُ جابجا گه و مُ شروع امکه بی رفتن مسافرتون تموم وقت. ولی تماس خوم باش حفظ امکه. مدونست که بی ای فرایند بحرانی طی اکن. چون ایطوکاری اجتناب ناپذیر بو؛ مُ هیچ نظری درباره آنچه رخ شدا ام نبو ولی مدونست بی تحقق سرنوشتش برش لازمن. ای مئه فرایند غربال شمعون پطروسن.

وختی ای مرد جوون هیجده ساله بو، باش سرطون لاعلاج اژگه. مرد جوون و ننش روزه شگیبو و دعا شاکه. اُ ایمون اژیو که باش شفا پیدا اکن. دگرونم بی اوانان ملحق گشتن. فقط چن ماه قبلش باش زندگیش بی خداوند عیسا تسلیم اشکیبو. شرایط باش بدتر اگه. مُ تو شهر دگه ای تو آلاباما خزمت مکی که ضیفم زنگ اشزه و درخواست اشکه که بی مرد جوون تلفن دُم. مُ باش تماس امگه و امفهمی که بی کسی که دلگرمی شاده احتیاج اشن. کل اُ شوو رانندگی امکه و ساعت چار صبح امرسی دم خونش. موقیت باش قدی بد بو که دگترون برش چن رو قول زنده موندن شدا بو؛ اُ اشنیتونست حتا ارتباط برقرار اکن.

مرد جوون مطمئن بو که باش شفا پیدا اکن و پا ابو. مُ بی اُ خونواده خزمت امکه و چن ساعت بعد بی اوجا ترک امکه. صبح بعد تلفنی مبو که بیماری بدتر گه بو.

مُ و لیزا سریع دعا مُکه. خدا بی ضیفم رویای اژدا که عیسا کنار ای مرد ویستا بو و آماده بو که برش اُ خونوادش ایگی. سی دقه بعد مرد جوون زنگ اشزه و اژگو که

باش مردن. بنظر اومه که اُهمو شخص قوی باشه. ولی فقط اولون کار ایطو بو. اوشووی بعضی دوستون نیکش زنگ اشره تا اګو که باش مردن، وختی اونان ګوشی شاواګه در حال ګریخ بودستن که اُتعجب اشکیو که اونان چیطو ای اخبار شاشنون. ولی اونان ای خبر شنشنی بو. اشکشون محض یکی اُبخترین دوستون مرد جوون بو که تو ی حادثه کشته ګه بو. اُتو ی رو بی باش و دوست خيله خوبش اُ دس اژدایو. جنبوندن شرو ګه بو. اُدرمونده، ګیچ و حیرون بو. بنظر اومه حضور خدا اسش فرار اشکن. ی ماه بعد در حال رانندی بطری خونه بی تصادفی رسی. اُ آموزش کمکون اولیه اژدی بو و ویستا. ادمون تو ماشین اُدوستون نیکش بودستن و هردوتاشون تو بغلش فوت شکه در حالی که سعی شکه بی اونان کماک اکن. دوست جوون مُ اخر خط رسی بو. اُسه ساعت تو جنگل تو حالت دعا تزرع نزد خدا بو. تو کای؟ توتګو که تسلی دهنده و آرامش مُ ابی در حالی که مُ ازلا آرامش امی.

هونګاری که خدا پشتش اشکیو برش. ولی حیقته ای اول باری بو که بی خوش با توانایی ونش تنها اشهشت بو.

اُ اُ دس خدا عصبانی ګه. بی چه اجازه ایطو کاری اژدایو؟ اُ نذبت بی شبان، خونواده یا مُ عصبانی نبو. لغزشش نذبت بی خدا بو. اُ با ناکامی داره نابود اګه، خدا برش تو اوج زمون نیازش تنها اشهشت بو. همی چی اتون جنبونده ابو جنبونیده ابو اُدعاشکه : خدایا مُ بی تو خزمت امکی و بی خيله چیزون امهشتن زیر پا تا بی تو اطاعت اکونوم. الان تو بی مُ ترک اتکن! اُ باور اژبو خدا بی همی چیزی که محض خزمت بی خدا ول اشکیو مدیونش بو.

بیشتر مردم آسیبون و شکستونی تجربه شکین؛ خيله اُ اونان نذبت بی خدا لغزش اخارن. اونان اعتقاد شهه که خدا باد بی هر چی که برش انجوم شدان، توجه اکن. اونان بی اُ با انگیزه اشتباه خزمت اکن. ما نباد بی خدا محض اونچه اتون انجوم اده خزمت اکنیم، بلکه بی ماهیت وجودیش، و اونچه تا الان برمون انجوم اژدان. کسونی که لغزش اخارن کامل درک نیکنن که چقه بی چیزی که خدا محض آزادیشون پرداخت اشکن، زیر دینن. اونان فراموش شکن که اُ طریق موت رها گشتن. اونان جای ایکه با نگاه جاودونگی ایبنن با نگاه معمولی ایبنن. ای مرد جوون دس اُکلیسا رفتن اشکشی و با اشخاص ناجور بی جاهون مختلف و معمولاً

بی مشروف فروشین و مهمونیون شره. اُ تو نامیدی و درموندگی اشنیخواست کاری بی کار خدا اژیاشه. اُ شخواست آهر نوع تماسی با خدا دوری اکن.

اُ اشنیتونست ای رفتار زندگی بالای دو هفته تحمل اکن چون عمیقا تو دلش ملزم اگه. ولی بازم بی شیش ما نژیک خدا نره. آسمون بسته بو و حضور خدا هیچه جا پیدا نیگه. بالای ی سال گه. اُ طریق چن اتفاق اژدی که خدا تو زندگیش داره کار اکن. اُ بی خدا نژیک گه ولی یطو متفاوت. اُ با فروتنی اومه. بعد ایکه ای آزمایش سپری گه، خدا نشونش اژدا که ازلا برش ترکش اشنکن. وختی راه رفتن با روح القدس احیا گه اُ یاد اژگه که اعتماد خوش بی فیض خدا قرار آده نه قوت شخصیش. اُ باش در تماس بودوم. ی سال نیم بعد بی اُ اژگو که تو خوش چیزونی اژدین که ازلا اشنیدونست که ای چیزون اشن.

مرد بی هویتی و تو همی ارتباطونوم سطحی بودوم. اُ توسط بام ایطو گت گه بوم که ظاهرا قوی مرد خودساخته ای ایم. اُ ازلا اشنیتونست طوری که خدا اُ اُ اشخواستن رشد اکنم. اُ اُ خدا مچکروم که بی اُ تو اُ موقیت ول اشنکه.

ولی چیزی که بی اُ ناراحت اشکه بیش از همه رفتن تو مشروب فروشین نبو بلکه ای بوکه اُ بی روح اقدس پشت امکه. اُ بی اُ دوست امه. شراکت اُ باش هیچ موقع به شیرینی الان نبوستن. جنبشون زیادی تو زندگیش اتفاق افتابو. اعتماد بنفسش محو گه. ولی ای مرد جوون اساس شمعون بطروس اژبو و اُ اساس از بین رفتنی نبو. اُ جای ایکه زندگی و خزمتش با غرور اسازه، با فیض خدا بناشکه.

لغزشون نقاط ضعف و بحران تو زندگیتون معین اکن. معمولا جای که فکر اکنیم قویم، مکان پنهون ضعف مان. ای ضعف مخفی امونه تا توفونی قوی ایا و بی اُون پوشش کنار ازن. پولس رسول نوشت: چونکه ختنه شدگون واقعی موبیم که در روح خدا عبادت اکنیم، و فخرمون بی مسیح عیسان و بی افتخارون انسونیمون تکیه مونی. (فیلیپیان ۳:۳)

ما منیشا کاری درباری ارزش جادونگی استطاعت خومون انجوم ادیمن. گفتنش اسونن ولی داشتن ای حیقت طوری که تو وجودمون ریشه اشدوین، مطلبی دگن.

عیسا محض ایکه نهله مردم لغزش اخارن، آ حقیقت منحرف نگه.

کتاب «تلی شیطون» حقیقتا چیشونم باز اشکه. مُم و شوم دوتایمون خزمت اکنیم. برداشت مُم ای بو که همی چی نذبت بی خدا جاش درستن. کتاب «تلی شیطون» بی مُم نشون اژدا که پونزه سال نذبت بی عمم، کینه امبو که که برم گرون بو. ما بی عنون مسیحیون، همیشه یاد موگن که بی همدگه ابخشیم، ولی مُم ازلن بی ای بخشش وارد قلبم امنکی بو تا ایکه پیغومتون بی مُم با ای زخمی که آ قدیمون امبو، روبرو اشکه.

– آ.رام (تنسی)

صخره لغزش

«چونکه تو کتاب مقدس اومن که: الان تو صهیون
 سنگی الوم، سنگ زیربنایی برگزیده و ارزشمند؛ اوکه
 برش توکل اکن، سرافکنده نیبو. ای سنگ بی شما که
 ایمون تو یون، ارزشمندن ولی اونانی که ایمون شونیو،
 همو سنگی که معمارون رد شکین، سنگ اصلی بنا گشتن
 و هم سنگی که باعث لغزش ابو و صخره ای که باعث
 سقوط ابو. اینان الغزن چون بی کلوم فرمون نیبرن، که
 ای بی ایشونو مقدر گشتستن.»

– اول پطروس ۲: ۶-۸

ایروزون مفهوم کلمه ایمون تضعیف گن. تو نگاه بیشتر افراد، ایمون تصدیق
 صرف ی حیقت خاص گشتستن و ربطی به اطلاعات اشنی. ولی تو قسمت بالا

واژگون ایمون و نا اطاعتی خلاف همدگه بکار رن.

کتاب مقدس تشویق اکن هرکه برش ایمون بیاره هلاک نبو، بلکه حیات جاودونه ای پیدا اکن. (یوحنا ۳: ۱۶)

در نتیجه ما معمولاً ایطو بی کلمه ایمون نگاه اکنیم و فکر اکنیم همی اونچه لازم، این که ایمون موباشه عیسا وجود اژیون و تو جلجتا فوت اشکه و اخرشم منزلت خاصی بی خدا قائل ابیم. اگه تنها لازمه ایمون ای بو، دیوون هم منزلت خاصی برش قائلن. کتاب مقدس ایطو آگو: ایمون اتن که خدا یکین؟ نیکو اکنی! شیطونن هم ایمون شوهه و الرزن. (یعقوب ۲: ۱۹) ولی هیچ نجاتی برشون وجود اشنی. واژه ایمون تو کتاب مقدس مفهومی بالاتر آ تصدیق وجوی چیز یا موافقت ذهنی نذبت بی ی حقیقتن. آ حقیقت موجود تو متن آیه بالا اتونیم آگوویم که عنصر اصلی ایمون، اطاعتن. ما ماشاستی بی آ ایطو اخونیم: پ شما که اطاعت اکنین، کار ارزشمندی اکنین، بلکه اونانی که مطیع نیستن آ سنگی که معمارون رد شوکین، سر زاویه گه و سنگ لغزش دهنده و صخره مصادم.

شما پذیرین اطاعت، وختی شخصیت و محبت کسی شناسین مشکل نن. محبت نتیجه ارتباطمون با خدان، البته منظور محبت بی ضوابط و یا تعالیم نن بلکه محبت نذبت بی شخص عیسا ی مسیح. اگه ای محبت سر جای خوس محکم نن ما مستعد لغزش و صدمه دیدنیم.

اسرایلیون که خدا دعوت اشکه سازندهون ابن، عیسا - سنگ سر زاویه خدا را رد شکین. اونان تعالیم عهد عتیق خوشون دوست شبو. اونان با تفسیرون خوشون راضی اگشتن چون شاتونست اسش سود ابرن و بی دگرون تحت کنترل خوشون ابرن. آطری د، عیسا همی قانون گرایی که اونان تا ای اندازه برش ارزش قائل بودستن بی مبارزه اشطلبی. آ اونان اشخواست: شما کتاب مقدس را اکوین چونکه فکر اکنین بواسطش زندگی جاودونه تهن، حالا که ای کتابن بی م شهادت اذن. (یوحنا ۵: ۳۹)

اونان شنیتونست بی عمق ای باور دست ایابن که آ اولم خواسته خدا ای بوکه با پسون و دختونش ارتباط اژیاشه. اونان حکمرانی و سلطنت شاخاست. تو نگاه اونان شریعت بالاتر آ ارتباط گه بو و اونچه مفتی برشون شدابو رد شوکه. اونان ترجیح شادا روش گذشتی خوشون دمبال اکتن، بی همی هدیه مفتی خدا، عیسا

مسیح، امید زندگی و نجاتسون سنگ لغزش دهنده و صخره مصادمشون گه. وختی شمون، بی عیسی بنوزاد میون بازووش بالا اژیو، نبوت اشکه که تقدیرن که ای بچه باعث افتادن و برخاستن خيله اقوامون اسرائیل ابو. (لوقا ۲: ۳۴) بی واژه افتادن و بلند گشتن توجه اکنین. کسی که داده گه تا صلح بی دنیا ایاره و جای رسی که بی شمشیر تفرقه بی کسونی که برش فرستاده گه، بهمراه ایاره (متا ۱۰: ۳۴) و زندگی ابخشه بی کسونی که قربونی سازنده وون (خادمون اُروز) بودستن.

عیسا و لغزشخوردھون

عیسا معمولا تو جلسه ان یکشنبہ، نقش شبانی که بره گمشدش رو شونونش داره حمل اکن و اد گله براگردونه، معرفی ابو، یاشادم نقش کسی که بی بچان کوچکو تو بغل اگی و همیطو که برکتشون شدا با لبخند شگو: «عاشقتونوم.» همی ای تعریفون، حقیقت اشن، ولی بی همی تصویر نشون نید ای همو عیسا یین که بی فریسیون پارسایای که بی خوشون قائل بودستن، بی باد انتقاد شگه: (ای مارون، ای افعی زده وون! چیطو ا مجازاتون جهنم فرار اکنین؟) (متا ۲۳: ۳۳) اُ بی میزون صرافون تو معبد چپشکه و پرتشکه لرد (یوحنا ۲: ۱۳-۲۲) اُ بی مردی شخواست اول بی باش دفن اکن و بعد آ عیسا پیروی اکن، اژگو: «بل مرده وون، بی مرده وونشون خاک اکن؛ تو برو و بی پادشاهی خدا موعظه اکن.» (لوقا ۹: ۵۹-۶۰) آ نگاه نزدیک بی خزمت عیسا، بی مردی نشون اده که تو حالی که خزمت شکه، بی خيله مردم لغزش شدا. بی چن نمونه تو ایطو موردونی، نگاه اکنیم.

عیسا بی فریسیٰ لغزش اژدا

تو خيله مواردون عیسا با رهبرون فریسی برخورد شکه و باعث لغزششون اگه، اونانم بی لغزششون، برش سر صلیب شوکه. اونان آ عیسا متنفر بودستن. ولی عیسا ایقه برشون دوست اژیو که بی حقیقت اژگو: «ای کلک بازون! اشعیا در موردتون چه خوب پیش بینی اشکه، اوموقع کع اژگو: ای قوم با لوونشون بی حرمت اکن، ولی دلشون اُم دورن. اونان بیهوده بی مُ عبادت اکن، و تعلیمونشون چیزی جز فرایض بشری نن.» (متا ۱۵: ۷-۹) ای عبارت بی اونان لغزش اژدا. بی اونچه شاگردون عیسا بلافاصله بعد اُ اسش شپرسی، توجه اکنین:

«اوموقع شاگردوش امدن ادش و شگو: ادونی ای گپون تو فریسیون
پسند شنکین؟»

– متا ۱۵:۱۲ بی جوابش توجه اکنین:

«عیسا جواب اژدا: هر هنالی که بای آسمونی مُ اشنکاشتن، ریشه کن
ابو. بی حال خوشون ول شکنین. اونان راهنماوونی کورن.»

– متا ۱۵:۱۳-۱۴

عیسا بی اُ لغزش خورده هو نشون اژدا که کسونی که حیقتن توسط پدر
شنکاشتن، پاکسازی ابن. شاید خيله کسون بی کلیساوون و یا گروهون خزمتی
ملحق ابن، ولی بوسیله خدا فرستاده نگشتن یا مال خدا نبن. وختی حیقت موعظه
ابو، لغزشی که ایا، انگیزه ان حیقی اینان معین اکن و باعث ابو اونان خوشون آریشه
کنده ابن.

تو خيله کلیساوون، خيله موردون امدین که شبانون محض کسونی که بی کلیسا
ترک شکین – خواه آ بین کارمندون یا جماعتون – متاسف ابن. تو خيله واردون،
ای ادمون نگرئون حیقتیین که موعظه ابو و با شیوه زندگیش مقابله اکن. بعدِ ،
نزبت بی هر جنبه کلیسا ایراد اگیرن و اوجا ترک اکن.

شبانونی که شاوا بی همی افرادی که وارد کلیساشون ابن نگه اکن، اخرش باد
آ حقیقت عدول اکن. مُ بی ایطو افرادونی امگن: «اگه بی حیقت موعظه اکنین،
بی مردم لغزش ادین و اونان آریشه کنده ابن و بی کلیسا ترک اکن. برشون ناراحت
نین، بلکه ادامه ادین و بی کسونی تغذیه اکنین که خدا برتون اشفرستان»

بعضی رهبرون، آ روبرو گشتن با افراد دوری اکن و اترسن بی اونان آ دس آدن.
برخی یطو خاص دچار تردید ابن؛ چون افرادونی که باد باشون روبرو ابن، یا آ هدیه
دهنده وون گتن یا تو کلیسا یا تو جامعه، افراد با نفوذیین.

بعضیو هم آ آسیب دیدن احساسون اشخاصونی اترسن که بعضی وختون
مدت طولونی باشون بودستن. ای کار، باعث ابو شبانون، اُ اقتدار خدادادی که بی
مواظبت و غذا دادن بی گله ای که دسشون شدان، آ دس آدن.

وختی بار اول وارد موقیت شبانی گشتم، مرد حکیمی برم هشدار اژدا: «تو

اقتدار خوت امون، غیر ای صورت، کس دگه ای است اگی و بر علیه خوت اسش استفاده اکن!»

سموئیل مرد خدا بو؛ کسی آ حقیقت بی هیچکه - حتا پادشا - رد نگه. وختی شائول آ خدا نا اطاعتی اشکه، خدا بی سموئیل اژ باش روبرو ابو و ای کار اشکه. متاسفونه شائول بی کلام خدا با توبه حیقی جواب اشندا.

آ بیتر نگرون ای بو که تو نظر دگرون چیطو بنظر ایا. وختی سموئیل پا که تا ترک شکن، آ بی لباسش چسبی و ی گوشش پاره که. سموئیل برش با ای گپون متحیرشکه:

«همرو خدا بی پادشاهی اسرائیل آ تو پاره اشکه...»

- اول سموئیل ۱۵:۲۸

ای آ چیزی نبو که سموئیل بی شائول شخاست. سموئیل برش ناراحت بو. آ بی شائول بی عنوان پادشا مسح اشکیبو و بی حکومت تربیت اشکیبو و تاجگذاری برش انج.م اژدابو. ارفیق خصوصی شائول بو. ولی گوش اکنین خدا چیطو نذبت بی غصه سموئیل بی شائول، واکنش نشون اژدا: «تا کی بی شائول ماتم اگیری؛ الان که مُم آ پادشاهی اسرائیل رد امکین برش؟ روغندون خوت اض روغن راکن و اشو؛ بی تو ... افرستم...» (اول سموئیل ۱۶:۱) خدا بی سموئیل سفارش اشکه که با روغن تازه یا مسح اده اده. اُ باد درک شکه که محبت و داوری خدا کاملن. اگه سموئیل اِد شائول بر شگشت، وختی خدا ردش اشکیبو، اُ دگه روغن تازه اشنبو. اگه بی ماتم خوش ادامه شدا، هیچ جا نیره.

شبانونی که بی کسونی که بی کلیسا ترک اکن، تاسف اخارن و غمگین ابن، یا کسونی که آ روبرو گشتن دوری اکن؛ در حالی که دگرون بی آسونی سرمشق اگیرن تا زنده امون. اونان نا آگاهونه بی ارتباط با مردم بالاتر آ ارتباط با خدا قرار ادن.

کتاب مقدس گزارش نیده که عیسا نذبت بی هیچکه آ مردونی که برش ترک سُکین، واکنش نشون اژدان. تنها خوشالیش ای بو که اراده پدر بی سرانجوم اشرسوندبو. با انجوم ای کار، اُ بی خيله وون آ خوش اشکه.

هرگز بی زمونی که تو کلیسای پر روح موعظه مکه، فراموش نیکنوم. ما حدود

ی سال تو جاده ان رفتارمده ماکه. اولین صبح یکشنبه، پیغوم ساده ای درباری توبه و برگشت بی «محبت نخستین» موعظه امکه. باشه که مقاومتی هم احساس مکه، ولی باورمبو ا پیغومی بو باد میو.

بعد مراسم، شبان اژگو: «خدا بی چیزی که همرو صبحی موعظه اتکه، بی مُ نشون اژدا. ولی فک نیکونوم جماعت کلیسای مُ بی ای کار امدان!»

ضیفم، تحت تاثیر روح القدس اسش امپرسی: «کی شبون کلیسان، تو یا عیسا؟»

شبان سرش شنداخت پایین و برمون اژگو: یک سوم کلیساش آکسونی تشکیل گن که شنیاو تغییری تو ترتیب مراسم، موسیقی یا موعظه داده ابو و ادامه اژدا: «ای دقیقن همو چیزین که حدود ی ماه پیش خدا برم اژگو و اشاره اشکه که افهمه ای افراد بی چه چیزونی شاشا کنترل اکن.» ما تشویقش موکه که قوی ابو و آ خدا اطاعت اکن.

ما چارنا مراسم کلیسای دگه انجوم مدا یکی آ یکی مشکتر. وختی بی شهر ترک ماکه، احساس مکه ی گونی شن پشتم سنگینی اکن و ای غیر قابل تصوریو. معمولا وختی بی کلیسای ترک اکنم، قلبوم پر خوشی ابو. امنیدونست مشکل کار کجا بو نهایتن وختی با خدا خلوت امکه، امپرسی: «کجای کار اشتباه امکه؟ بی چه ای بار سنگین توروح خوم احساس اکونوم؟ آیا مُ بی اقتدار شبون اسش انگن؟» او راحت جواب اژدا: «خاک پاهونتون اتکونین.» (لوقا ۵:۹) ابینین

مُ آ اشفتن ای ای کلوم تکون امخا. بی دعا ادامدا و دبارته اسش امپرسی و ا دوبارته ایطو اژگو: «خاک پاهونتون اتکونین.»

بلاخره اطاعت امکه و سنگینی رفع گه، و خوشی ره تو قلبوم. دوبارته با تعجب امگو: خدایا، اونان بی مُ حمله شنکی و بی مُ شهر بیرون شنکه. پ بی چه؟ اُ بی مُ نشون اژدا که رهبری و خيله اشخاص کلیسا پیغومش که برشون اژبو ردشکیبو.

مُ تقاضامکه: خدایا برشون وخت بیشتری آده. اگه بی اونان پنجاسال د فرصت آدوم، اونان تغیر نیکن. دلشون تو ای وضع ثابت گشتستن.

مدونست که ای رهبر انتخاب اشکین که جای اطاعت خدا، بی آرامش آ طریق

سازش حفظ اکن. حقه اُ روغن تازه پر نبو. اُ ظرف بی محتوایی اژیو. ایطو اگم که اُ ظاهر پر اُ روح اژیو ولی بدون قدرت و حضور خدابو. مُ بعد مشنو که اُ خزمت شبونی کنار ره و اُ کلیساش اعضای کمی نفر موندبو.

عیسا توسط دگرون کنترل نیگه. اُ حقیقت شگو حتا اگه بی قیمت رویارویی و نهایتن لغزش اگه. اگه شما بی تایید دگرون علاقه توهن، مسح خدا نیتون برتون قرار ایگی. شما بادای هدف تو دلتون توباشه که کلوم خدا اگویین و اراده خدا انجوم ادین حتا بی قیمت لغزش خوردن دگرون.

عیسا بی همشهری خود لغزش اژدا

عیسا بی خزمت بی زادگاه خوش اومه بو، ولی اشنیتونست آزادی و شفای که بی خيله کسون اشیابو، برشون آده. بی اُنچه اونان شوگون، نگاه اکنیم:

«مگه اُ پس نجار نن؟ مگه نوم ننش مریم نن؟ و کوکانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهودا نن؟ مگه همی ددانش بینون زندگی نیکنن؟ پ ای چیزون اُ کجا کسب اشکین؟ پ خوششون نومه. ولی عیسا برشون اژگو: نبی بی حرمت نبو جز تو شهر و خونه خوش».

— متا ۱۳: ۵۵-۵۷

تو دل ای جمله ابو صدای مردون و زنون ناصره اشنویی که اکن: «اُ فکر اکن کین که با اقتدار بی ما تعلیم اده؟ ما ادونیم اُ کین. اُ ایجا گت گن. ما گُ تونشیم. اُ پس نجارن. اُ هیچ تعلیم رسمی اشنبون! بازم عیسا اُ حقیقت رد نگه تا مانع لغزش خوردنشون ابو. مردم شهر ایقه عصبانی بودستن که سعی شکه اُ صخره پرت شکنن پایین و شکشن» لوقا ۲۸: ۴-۳۰. اُ حتا وختی زندگیش تو خطر بو، بی گفتن حیقت ادامه اژدا. ایروزون ما چقه بی ایطو زنو مردونی نیاز موهن.

عیسا بی اعضای خنواده خوش لغزش اژدا

حتا اعضای خنواده خوش توسط خوش لغزش شخا. اونان اُ فشاری که محض کارون عیسا برشون بو، ناراضی بودستن. برشون سخت بو که بی شیوه رفتار ایمون ایارن. بیی نگاهی اکنیم:

«چون قومون عیسا بی ای گپ ششنو، رفتستن تا اژواگیرن و شبرن، چون شاگو: آ خوش بیخود گن ... او موقع ننه و کوکان عیسا اومستن . اوانان لرد ویستابون، بی کسی شفرستا تا صدداش اکن. جماعتی که دور عیسا نش بودن برش شگو: ننت با کوکانت لرد ویستاستن پی تو اگردن. عیسا جواب اژدا: ننم و کوانوم کیین؟ اوموقع که بی اوانانی که دورش نشبودن، نگاشکه و اژگو: اینانن ننه کوکانوم! هرکه اراده خدا بجا یاره، کوکا و ددا و ننه ی مون.»

— مرقس ۲۱:۳ و ۳۱-۳۵

خونواده ی خوش فک شوکه آ آ خوش بیخود گن. توجه اکنین کهکتاب مقدس اگو که خونواده عیسا اومدن لرد تا شبرن. مرقس بی ای قوم و خویشون ننه کوکای عیسا شناسایی اکن که بعدو بی آ تو خونه کس دگه ای در حالموعظه ایابن. حتا انجیل یوحنا اگو: «چون حتا کوکانشم برش ایمون شنیوبو.» (یوحنا ۷:۵)

خیله کسون درک شنکه که عیسا توسط نزیکونش ترک گه بو. اونچه آ پیش بو، مورد قبول خونوادش نبو، ولی آ تحت کنترل میل اوانان نبو. او نشقی باش انجوم شدا؛ چه تایید شاکه یا شنیکه.

مُ بی خيله افرادون، خصوصن زوجون امدین که بی عیسا محض ترس آ لغزش همسر یا اعضای خونوادشون اطاعت شنکین. نتیجت، عقبگرد شکین و یا هرگز بی پتانسیل دعوت و خواندگی خوشون نرسیستن.

وختی دوبارته متولد گشتوم، آ اوجایی که همی خونوادم آ کلیسای کاتالیک روم بودستن، آ ایکه ششنوی مُ ایمونومیان هیجون زده نگشتن. ننم یطو خاص، آ ایکه بی کلیسای ترک مکهکه بی مُ توش تربیت و گت اشکیبو، خيله ناراحت بو. بی شک کاتالیکونی ارزشمندی هستن که بی خدا دوس شوهه، ولی مُ مدونست که خدا بی مُ اشخاستن تا آ اوجا بیامن لرد. ناراحتی بعدی وختی شروع گه که برشون اعلاممکه که موا وارد خزمت ایم. تازه مدرک مهندسی مکانیکم آ دانزگاه امگیبو و والیدونم امیدون زیادی برم شبو. مدونست که خدا آ مُ چه شوا و ای هم مدونست که ای مسئله، باعث لغزش نزدیکونوم ابو. چن سال، ای مسئله باعث ناراحتی و سوتفاهمون زیادی بو. ولی مُ تصمیموم امگیبو تا بی توجه بی نگرونی و عصبانیتشون، آ عیسا پیروی اکنم.

اول سعی امکه با انجیل زیر سوال شو بروم. تاکید امکه که فقط با شرکت تو مراسم عشای ربانی، نجات نیابن. بعد تا اوجایی که اگه، بی اونان تحت فشار امنا. همرو ادونیم که اُزمون، با حکت رفتار امنکه. بعد خدا تعلیم اژدا که تو حضورشون زندگی مسیحی امباشه و اجازه دوم اونان کارون خوب مُ ابینن. ولی همچون بی رضایت و خوشحالیشون کوتا نیومدوم.

الان ننه بوام بی مُ خيله حمايت اکنن و بوييم که بيشتريين دعوا با مُ اژبو، يطو شگفت انگيز تو سن ۸۹ سالگی ينی ۲ سال قبل فوتش نجات پيداشکه.

شاد ننه و کوان عيسا هم فک شاکه اُ عقلش اُ دس اژدان. ولی بی اطاعت عيسا نربت به پدر، نهايتن همیگيشون تو روز پنتيکاست تو بالاخونه نجات پيدا شکه. کوکای اندريش، يعقوب، رسول و رهبر کلیسای اورشليم گه.

اگه ما در مورد چیزی که خدا برمون اگو محض رضایت اعضای خونوادمون سازش اکنیم، روغن تازه تو زندگيمون اُ دس اديم و مانع آزاديشون ابیم.

عيسا بی کارکنو خوش لغزش اژدا

تو فصل قبلندی، جزئیات دیدگاه شاگردون وختی عيسا باعث لغزششون گه بو، بررسی مکه. الانه بين دوبارته مرور شکنیم و ا نقطه نظر عيسا بی ماجرا نگاه اکنیم.

«خيله شاگردونش با شنیدن ای گپون شوگو: ای تعلیم سختن، کی ششا اپذیره؟ عيسا ا ای که شاگردونش تو ای نمورد هممه اکنن، برشون اژکو: آیا باعث لغزش شما ابو؟ ... ا ای زمون، خيله شاگردونش بر ششوگشت، دگه همراهیش شنکه.»

یوحنا ۶: ۶۰ - ۶۶

اوضاع ا قبل، بی قد کافی مشگل بو. رهبرون مذهبی، توطئه مرگش شاپی. همشهریونش ولش شکه؛ خونوادش فک شکه که اُ ا خوش بیخود گن. علاوه بر ای فشارون، خيله کارکنون خوش لغزش شخا، ولش شکه. ولی عيسا بازم سازش اشنکه. ا فقط بی کسونی که ولش شکیبو، اژگو اگه شاوا اشن، آزادن. تنها چی که

بی عیسا مهم بو، انجوم و تحقق نشقی پدر بو. اگه اُتو اُرو تنها اموند، تو دلش کوچگترین تغییری ایجاد نیگه. اُتصمیم اژگیو اُباش اطاعت اکن.

عیسا بی بعضی آنزیکترین دوستونش لغزش اژدا

«مردی ایلعادر نومی مریض بو. اُاُ مردمون بیت عنیا، دهکده مریم و دداش مارتا بو. مریم هموزنی بو که بی خدا با عطر تدهین اشکه و با مودوش بی پای اوانان خشک اشکه. الان کوکاش ایلعازر مریض گه بو. پ ددان ایلعازر بی عیسا پیغوم شفرستا و شوگو: سرورمون، دوست عزیزت مریضن.»

یوحنا ۱۱: ۳-۱

عیسا مرتا، بی مریم و ایلعادر دوست اژیو. اوانان ارتباط نزدیکی بهمدگه شبو. اُبا اوانان وقت شگذروند. ولی بی واکنش عیسا توجه اکنین: «پ چون ششنو که ایلعادر مریضن، دو رو دِ تو جای که بو موند»

یوحنا ۱۱: ۶

عیسا اریق مکاشه شدونست که مریضی ایلعازر منجر به مرگ ابو. ای موضوع خيله جدی بو. ولی اُتو جای که بو، دو رو اضافتر موند. وختی نهایتن بی بیت عنیا رسی، ایلعازر مرد بو. مریم و مرتا برش شگو: «سروروم، اگه ایجا بویی، کوکام نیمرد.»

(یوحنا ۱۱: ۲۱ و ۳۲) بی گفته دگه: «بی چه زود نومدی؟ تو تتونست نجات

شادی!»

بی احتمال زیاد، هردوتا شون یکمی لغزش شخابو. اوانان بی کسی شفرستابو تا ای پیغوم بی عیسا ارسونی و اُدورو تاخیر اشکیبو. عیسا اوطو که اوانان انتظار شبو، واکنشی نشون اشندا. اُبی همی چی ول اشنکه، جای آ هدایت روح القدس پیروی اشکه. ای کار بی همه بختر بو، گرچه اُزمون بنظر اومه عیسا بی تفاوتن و هیچ توجه ای بی ای موضوع اشنی.

خیله وختون، خادمون توسط اعضاشون کنترل ابن. اونان فک اکونن که باد هرکاری که مردم اسشون شاوا، انجوم آدن.

یکی آ اعضای هیئت مدیره توی کلیسای پر روح که شبونش آ دس اژدابو، روزی برم اژگو: «ما شبانوی ماوا که بی نیازونمون رفع اکن. کسی که دقیقا تون ساعت ۸ صبح جای مُ ایا و قهوه اده.»

با خوم فکرامکه: « شما ی مرد اجتماعی تاوا که اتونین کنترل شکونین نه بی کسی که تحت کنترل روح القدس!»

بعدنو متوجه گشستم که ای کلیسا تو عرض یکسال نیم، چار شبون عوض اشکین.

وختی شبان جوونون بودوم، مرد جوونی بعد شیش ماه آ شبانی مُ امه ادوم و اشپرسی: «آیا رفیقم ابی؟ شبان گروه جونون قبلندی، رفیق مُ بو.»

شبان جوونون قبل مُ با جونون خیله خوشبرخورد و معاشرتی بو. اونان تمرکزشون رو فعالیتون بو. اونچه که آ انتظار اژیو، مفهمی. در اصل همو چیزی بو که عضو هیئت مدیره آ شبانش اشخاستبو.

مُ متا ۱۰:۴۱ برش امگو؛ جای که عیسا اژگو: «هر که بی پیومبری محض پیومبری اپذیره، پاداش پیومبر دریافت اکن، و هرکه بی پارسایی بی ایکه پارسان اپذیره، پاداش پارسایی اگی.» اسش امپرسی: «تو رفیقون زیادی اتن، درستن؟» ا جواب اژدا: «بله»

«ولی تو فقط ی شبان جوون اتن، ایطونن؟» جواب اژدا: «بله»

«شبان جونون توا یا پاداش ی رفیق؟ چون نحوه پذیرشت، بی اونچه آ خدا دریافت اکنی، مشخص اکن.» ا مغز کلوموم اشفهمی: «مُ پاداش شبان جونون مو!!»

خیله آ خادمون اترسن که اگه بی انتظارون اعضاشون جا نیارن، ابی احساساتشون جریحه دار اکن و بی حمایتشون آ دس آدن. اونان محض ترس آ لغزش دگرون، تو تله افتن. اونان با اعضای خوشون کنترل ابن نه خدا. نتیجتن کمی آ ارزش جاودونه ای تو کلیسان یا جماعتونشون انجوم ارسی.

عیسا بی یحیای تعمید دهنده لغزش اژدا

حتا یحیای تعمید دهنده هم باد با وسوسه ای لغزش خوردن آ عیسا روبرو اگه.

«شاگردون یحیا برش آ همی ای وقایعون آگاه شوکه. پ بی دو نفر آ
اونان اشخاست و با ای پیغوم اِ عیسا اشفرستا :ایا تو همونی که باد
بیاتن، یا باد منتظر دگری امونیم.»

لوقا ۷: ۱۸-۲۰

ی لحظه ویستین، بی چه یحیا آ عیسا اشپرسی که ایا اُ همو کسین که قرارن ایا
، یعنی ماشیح ؟ یحیا کسی بو که بی راش اماده اشکه و موقعی رسی اعلام اشکه:
«این بره خدا که بی گناه آجهون اوای» (یوحنا ۱: ۲۹) آکسی بو که اژگو: «اُ همونن
که با روح القدس تعمید اده.» (ایه ۳۳) اُ حتی اژگو:

«اُ باد ارتقا پیدا اکن و مو باد کوچیک ابوم» (یوحنا ۳: ۳۰) یحیا تنها کسی بو که
تو اوزمان شدونست که عیسا واقعا کین.

هنو ای کار ، بی شمعون پطرس معین نگه بو.

بی چه اشپرسی : «ایا عیسا ماشیحن ، یا ایا دمبال کس دگه ای ابیم ؟» بی
خوتون جای یحیا بلین . تو اونچه خدا انجون اده ، پیشگتم بودستین. بی خيله
مردم خزمت توکین. بیشتین خزمت موعظه بین مردم انجوم تودان. زندگی تون
با انکار نفس بون. حتا ازدواج تو نکین تا اُ روی بالاقوه دعوت خوتون ، بیشتین
استفاده تو باشه. تو بیابون زندگی توکن ، با خوردن ملخ و غسل وحشی و معمولا
روزه توگن. با فریسیون مقابله توکن و متهم گشتستین که دیو تو هن.

سرتاسر زندگیتون صرف ای گن که راه بی اومدن ماشیح مهیا اکنین.

الانه توزندونین. بی مدتی بازداشتین. اشخاصون خيله کمی ایان ملاقاتتون ؛
چون توجه مردمی که اماده توکین ، الان سمت عیسا ناصری برگشتن. حتا شاگردون
خوتون هم بی ای مرد ملحق کشتن. فقط تعداد کمی موندن تا برتون خزمت اکونن.
وختی اونان بی دیدن تون ایان ، داستانونی اگون که چیطوای مرد و شاگردوش نزبت
بی شما زندگی خيله تفاوتی شوهن. اونان با باجگیرون و گناه کارون اخارن و انوشن.
اونان بی روز سبت اشکنن حتا روزه هم نیگیرن. شما بی خوتون اگوین : « مو بی روح

اومدی که مئه کفتر برش قراراژگه. ولی آیا رفتار ماشیح این؟ «وسوسه لغزش خوردن ، هرچه بیشتر توزندون امونین ، قویتر ابو: « ای مردی که موزندگیم صرفش اومکه تا راهش اماده اکونوم ، حتی نومه تا بی مُ تو زندون ملاقات اکن ! چیطو اتون مسیح ابو؟ اگه ا ماشیحن ، بی چه بی مو آ زندون بیرون نیاره ؟ مُ که اشتبایی امنکین ! »

پ، دوتا آ شاگردون وفادارتون افرستین تا آ عیسا ابرسه: « آیا تو همو کسی که ایاتن یا ما منتظر کس دگه ای اییم؟ » یی جواب عیسا بی یحیا ابینیم:

«تو همو ساعت، عیسا بی خيله کسون آ بیمار یون و درد رنجون پلید شفا اژدا و بی خيله کورون بینایی اشبخشی. پ بی فرستادهوون جواب اژدا: اشین و هرچی که تودین و تشنو بی یحیا اگوپین، که کورون بینا ابن، لنگون راه اشن، جذامیون پاک ابن، کرون شنوا ابن، مرده وو زنده ابن و بی فقیرون بشارت داده ابو.»

لوقا ۷: ۲۱- ۲۳

جواب عیسا نبوتین. اُ اشعیا نقل قول اکن که کتاب خيله آشنایی بی یحیا بو. آیه هون اشعیا ۱۸: ۲۹ ، ۵۳ : ۴- ۶ : و ۱: ۶۱ درباری همی چه که شاگردون یحیا شدیبو، در حالی که منتظر بودستن که آ عیسا سوال اکن، صدق اکن. اوانان در موردش بی عنوان ماشیح شهادت شدا، ولی عیسا همیجا جریان تمون اشنکه. او اضافه اکن: « خوشا بی حال کسی که در مُ ملغزی.»

اُ داره ایطو شگو: «یحیا مُ ادونوم که تو همی چی که درارت اتفاق افتی و خيله روشن مُ درک نیکنی؛ ولی در مورد مُ، محض ایکه او طو که تو انتظار اتبو، عمل نیکنم، لغزش مخا!» اُ بی یحیا تشویق شکه تا با درک خوش آ راهون خدا قبلندو و توزندگی و خزمتمش قضاوت نکن. یحیا همی تصویر و نشقه ی خدا اشنیدونست، درست همو طو که ما همرو همی تصویر نیدونیم. عیسا برش با گپ تشویق شکه: «اُنچه که برت امر گه، انجوم اددان. اجرت گتن. فقط در مورد مُ لغزش مخا.»

لغزش خوردن بی توجیه

حتا اگه شما مئه یحیا تو خيله روشن خدا تربیت گشتستین، هنو احتمال اشن که فرصتی بی لغزش در مورد عیسا توباشه. اگه حقیقتن برش دوست توهه و برش

ایمون توهه، در مقابل لغزش مقاومت اکنین و درک اکنین که همیشه روشونش بالاتر آشمان.

همیطو اگه قصدتونن که آ روح خدا اطاعت اکنین، مردم توسط شما لغزش اخارن. عیسا تو یوحنا ۸:۳ اژگو: «باد هر گجا که اخاتن ایا؛ صداس اشنووی، ولی نیدونی آکا ایا و بی کاشو. ایطورین هر که آ روح زایده ابو».

وختی با روح القدس قدم اواگیرین، خيله کسون شنیشا بی شما درک اکن؛ اجازه مدی واکنش واکنش ناخوشایندشون بی شما آ آنچه تو دلتون ادونین که درستن، منصرف اکن. بی حرکت روح محض تمایلون اناسون عقیم مهلین. پطرس ای موضوع بخيله خُب خلاصه اکن:

«پ چون مسیح در عرصه جسم رنج اشکشی، شمام بی همی عزم مسلح ایین، چونکه کسی که تو عرصه جسم رنج اشکشین، دگه باگناه کاری اشنی. در نتیجه باقی عمرش تو جسم، نه در خزمت امیال پلید آدمی، بلکه توراه انجوم اراده خدا اگذرونی».

اول پطرس ۱:۴-۲

وختی بی اراده خدا زندگی اکنین، تمایلون انسونی به عمل نیارین. د نتیجه، تو جسم زحمت اکشین. عیسا آگت ترین مخالفتون رهبرون مذهبی رنج شکشی. مذهبیون باور شبو که خدا فقط داخل محدوده معیارون اونان کار اکن. اونان ایمون شبو تنها کسونین که با خدا «تو یک مسند قدرت» قرار شگن. اگه استاد، دوهزار سال قبل وختی با روح هدایت اگه، بی افرادون مذهبی لغزش شدا، پ کسونی که اسش پیروی اکن، مطمئنن باعث لغزش ایطو افرادی ابن.

آزارون پولس نمونی خویین؛ بعضی افراد غلاطیه اشبابی ششنو که پولس آ انجیل صلیب منحرف گن؛ محض ایکه طرف رهبرون مذهبی اژگن که شگن ختنه بی نجات، کار ضرورین. ولی پولس بی اونان سرچاشون اشکه و اژگو: «بی م نگاه اکنین. م هر طره مورد آزار رهبرون مذهبی قرار امگن. اگه م بی ختنه موعظه امکه، آیا اونان ای کار با م شکاه؟ ای حقیقت که صلیب تنها راه نجاتن، باعث لغزش مردم ابو. ولی حقیقت همینن و م ازلا، قصد امنی چیز دگه ای موعظه اکنم!» (غلاطیان ۱۱:۵)

اڳه ڪسى بي حقيقت انجيل بي چالش اڪشه، زمونين ڪه بي توجيه لغزش اشخان.
ما باد تو درون خومون بي اي باور ارسيم ڪه ماوا آ روح خدا بي توجه به بهاش
اطاعت اڪنيم. پ بي همي، مجبور نيبيم زير فشار انتخاب اڪنيم؛ چونڪه اي
انتخاب صورت ڪته ڪن.

عیسا با اطاعت آ باش بی بعضی مردم لغزش اژدا، ولی ازلا محض پافشاری بی حقوق خوش، باعث لغزش نگه.

مُ تازه کتاب «تلی شیطون» امخوندن فقط ما توگوم ای کتاب تو ی مورد
آ زندگیم که فک مکه ازلا آیش آزاد نیبم، آزاد ایشاختن. مخاست آستون
بی نگارش ای کتاب تشکر اکنم؛ چون بی زندگیم تغییر اژدان.

— سی. آر. (تنسی)

نکنه باعث لغزش ابیم

«پ پی آی بر بعد بی همدگه محکوم مکنیم. جاش،
تصمیم ایگیریم که هیچ سنگ لغزش یا مانعی تو راه
کوکای خوتون مهلین».

– رومیان ۱۴: ۱۳

ما الان بحث درباره ایکه چیطو عیسا موفی سفر و خزمت، باعث لغزش خيله
ون اگه، تمون مکه. ای کار نشون اده که تقریبا عیسا بی هرجای که شره، مردم
لغزش شاخا. تو ای فصل ماوا بی اُ رو سکه نگایی اندازیم. عیسا و شاگردش تازه
بی کفر ناحوم بر شگشت بو. اونان اطرافون کفر ناحوم خزمت شکیبو بو و بی
استراحت کوتاهی که شدیدا نیاز شبو، بی اُجا اومه بودن.

اگه ی شهر بو که شتونست اساس خزمتش در نظر گته ابو، همی شهر بو.

تو همو حال مامور جم آوری مالیات هیکل بی شمعون پطرس نزیك گه: «آیا استادتون مالیات معبد پرداخت نیکن؟» (متا ۱۷: ۲۴) پطرس جواب اژدا: «البته که پرداخت اکن» و برگشت تا دربارش با عیسا صحبت اکن. عیسا آ درخواست مامور مالیات سبقت اژگه و آ شمعون پطرس اشپرسی: «ای شمعون، پادشاهون جهون آکی باج و خراج اگیرن؟ آ بچان خوشون یا آ غریبه ون؟ چه اگوی؟» پطرس جواب اژدا: «آ غریبه ون». عیسا برش اژگو: «پ بچان معافن!» (متا ۱۷: ۲۴)

عیسا بی پطرس تاکید اشکه که بچان معافن؛ اونان کسی نن که مالیات آدن، بلکه آ عایدات مالیات سود ابرن؛ اونان تو قصر زندگی اکنن که با مالیات اداره ابو. پسون سر میز پادشا غذا اхарن و جومه ی سالطنتی اپوشن که همش با مالیات تامین ابو. اونان ازادونه زندگی اکنن و همی چی برشون مفتی تهیه ابو. ای مامور مالیات معبد شگه، ولی کی پادشاه یا صاحب معبد بو؟ بی احترام کی آ معبد ساخته گه بو؟ جواب: خدای پدر. پطرس واقعا مکاشفه ای آ طری خدا اژگیبو که عیسا مسیح، پُس خدای زندن.

بی همی، عیسا آ پطرس اشپرسی: «اگه مُم پُس کسیونم که صاحب معبدن، آیا آ پرداخت مالیات معبد معاف نم؟» البته که معاف بو. آ کلا، حق اژیو که مالیات نپردازی. ولی ابینیم که عیسا بی شمعون پطرس چه اگو؟ «ولی بی ایکه بی ایشون مرنجونیم، اشو کنار دریا و قلاب اندا. اولین ماهی که اتگه، دهنش وا اکن. سکه ای چار درهمی پیدا اکنی. باهاش، سهم مُم و خوت بی ایشون اپرداز». (متا ۱۷: ۲۷)

آ آزادی خوش نشون اژدابو، ولی بی ایکه باعث لغزش نبو، بی پطرس اژگو: «بیا مالیات آدیم!» ولی اُمدرک دگه ای بی آزادیش بو؛ وختی بی پطرس دستور اژدا که بی ماهیگیری اشوتنو اواین ماهی که بالا اومه، ایگی و آ دهنش پول درایاری. خدای پدر، حتا پول مالیاتم فراهم اشکیبو.

عیسا خدای زمینن، او پس خدان، زمین و هرچی که توشن، توسط او آفریده گن و زیر پادشاهی و حاکمیتشن. بی همی، اُشدونست که پول تو دهن ماهین. اُنباد بی پول کار شکه؛ چون پس بو. ولی بازم تصمیم اژگه تا مالیات اپردازی و باعث لغزش کسی نبو. یعنی ای همو عیسایین که ما تو فصل آخر مُدی که باعث لغزش مردم اگه و محضشم هیچ معذرت خابی اشنیکه؟ اُثابت اشکه که آ مالیات هیکل معافن؛ ولی اژگو: «مبادا برشون لغزش آدیم، اشیم و پول اپردازیم!» مٹی که ایجا تضادی بو.

آیا ایطوون؟! جواب ما تو آیه بعدی پیدا ابو. «اوموقی که شاگردون نزدیک اومستن و شپرسی: «کی تو پادشاهی آسمون گت ترن؟» عیسا بی بچه ای اژگو بیا و اشهشت و سسطشون و اژگو: «آمین، بی شما اگم، تا دگرگون نبین و مئه کودکون نبین، هرگز بی پادشایی آسمون راه پیدا نیکنین. پ هر که بی خوش مئه ای بچه فروتن اکن، تو پادشایی آسمون گت تر ابو» (متا ۱۸ : ۱-۴).

عبارت کلیدی ایجا «هر که بی خوش فروتن اکن». عیسا کمی بعد با ای گیون، بی موضوع تفصیلی برشون شرح اژدا:

«ولی بینتون ایطو نبو. هر که شا بینتون گت ابو، باد خادمتون ابو ... طوری که پس انسون هم نومه تا خزمتش اکن، بلکه اومه تا خزمت اکن و بی جونش مئه بهای رهایی تو راه خیلون بهله.» (متا ۲۰:۲۶-۲۸)

چه جمله وون تعجب آوری! اُ نومه بو تا برش خزمت اکن، بلکه خزمت اکن! اُ پس بو؛ مدیون هیچ چی و هیچکه نبو. اُ زیر سلطه کسی نبو، ولی انتخاب اشکه تا آ آزادیش بی خزمت کردن بهره ابره.

آزادی بی خزمت

تو عهد جدید آ ما شخاستن تا بی عنوان بچان خدا آ کوکای گت ترمون سرمشق ایگیریم و همو نگرشی مباحثه که تو عیسا ابینیم.

«ای کوکان، شما بی آزادی فراخونده گشتین، ولی آ آزادیتون فرصتی بی رضایت نفستون مسازین، بلکه با محبت بی همدگه خزمت اکنین».

— غلاطیان ۵:۱۳

واژه دِ بی آزادی، «امتیازن». ما نباد آ آزادی یا امتیازون خومون محض بچان خدای زنده، استفاده اکنیم تا بی خومون خزمت اکنیم. آزادی باد بی خزمت بی دگرون به کار گته ابو. آزادی در خزمتن؛ ولی اسیری، تو بردگین. برده، کسین که باد خزمت اکن؛ در حالی که خادم کسین که زندگی اکن تا خزمت اکن. یی بی بعضی تفاوتون میون نگرش ی برده و ی خادم نگایی اندازیم:

— ی برده، باد کاری انجوم آده — ی خادم، شا ا کار انجوم آده.

- ی برده، کمترین نیازون انجوم اده - ی خادم، حداکثر توانایش بکار اگی.
- ی برده، ی مایل راه اشو - ی خادم، ی مایل اضاف تر اشو.
- ی برده، سعی اکن ادزی - ی خادم، اده.
- ی برده، اسیرن - ی خادم، آزادن.
- ی برده، بی حقوقش اجنگه - ی خادم، آ حقوقش اگذری.

مُ بی خيله آ مسیحیون امدین که با دلخوری خزمت اکئن. اونان با اکراه پول ادن و وختی مالیاتشون اپردازن، شکایت اکئن. اونان هنو بعنوان برده، بی شریعتی زندگی اکئن که اسش آزاد گشتن. اونان تو دل خوشون برده باقی امونن. مطلب هشداردهنده این که ای شریعت آ عهد جدید ساخته ابو. اونان بی «روح» که در اوامر عیسا بو، شنی. اونان درک شنکه که بی خزمت آزاد گشتستن. بی همی، جای نبرد بی منافع دگرون، بی نبرد بی منافع خوشون ادامه ادن. پولس نمونه آشکاری آ مواجهه با ای نگرش تو نامه هانش بی رومیان و قرنتیان ارایه اده. آزادی بی ای ایموندارون توسط غذا بی چالش اشکشیبو. پولس اسشون اشخواست: « کسی که ایمون ضعیفن، اپذیرین، بدون ایکه درمورد مائلون مورد تردید، حکم صادر اکنین. ایمون یکی برش اجازه اده هر غذایی اخاتن، ولی دگری که ایمونش ضعیفن، فقط سبزی شخا.» (رومیان ۱: ۱۴-۲)

عیسا ازگوبو چیزی که داخل دهن ابو بی ادم آلوده نیکن، بلکه چیزی که آ دهن خارج ابو. با گفتن ای جمله نشون اژدا که همی غذاهون بی کسی که ایموندارن پاکن. (مرقس ۷: ۱۸ - ۱۹)

پولس ازگو که بعضی ایموندارونن که تو ایمون خوشون ضعیفن و هنو نیتونن گوشت اخارن، بی ایکه اترسن غذایی اخرن که قربونی بُتون ابو. گرچه عیسا درباری ای موضوع صحبت اشکیبو، ولی ای ادمون هنو شنیتونست بی گوشت با وجدان راحت اخارن.

«پ درباری خوراک تقدیمی بی بتون؛ ادونیم که تو ای دنیا «بُت چیزی نن» و «جزی خدا، خدایی دگه نن.» ... ولی ما فقط ی خدا موهن، یی پدر، که همی چی آ اوون و ما بی اویم؛ فقط ی خدان، یی عیسی مسیح، که همی چی محض آ درس گن و ما محض آ وویم. ولی همه

ای معرفت شنی. چون بعضی تا الان طوری بی بوتون عادت شکین که
هنو هم اگه ایطو خوراکیونی اхарن، فکر اکئن اُ «خوراکی واقعا تقدیم
بتونشون گن؛ و آ اوجای که وجدانشون ضعیفن مُلَوْت ابو»

— اول قرننیا ن ۸: ۴-۷

تو ای کلیسان مسیحیونی که ایمون قویتری شبو، گوشتون مشکوک در مقابل
ایموندارون ضعیف تر شاخا. ای کار باعث مشکل گه بو، گر چه عیسا بی ای
غذاوون پاک اعلام اشکیبو. ایموندارون ضعیف شنیتونست تصویر گوشت رو
مذبح ی بت تگون ادن. ایموندارون قویتر شادونست که بت هیچن و وختی
قربونیش شاخا هیچ عذاب وجدانی شنبو. ولی بنظر ایا که اونان بیشتر نگران
حقوقشون بی عنوان ایموندارون عهد جدید بودستن تا لغزش خوردن کوکانشون.
بی درک ای موضوع اونان مانعی بی راه کوکانشون شهشتبو. ایطو نگرشی تو دل ی
خادم وجود اشنی. ایبنین پولس چیطو برشون خطاب اکن:

«پ بی همی یبی بی همدگه محکوم مکنی، جاش تصمیم اگیرین که
هیچ سنگ لغزش یا مانعی سر راه کوکانتون مهلین... چونکه پادشاهی
خدا اחרین و انوشین نن ، بلکه پارسایی، آرامش و شادی در روح
القدس».

— رومیان ۱۴: ۱۳-۱۷

اُ شگو: «یپی یاد اکنین که ملکوت واقعا در مورد چن؛ عدالت، سلامتی و خوشی
در روح القدس». همی ای فایده ان تو نو ایمانون ایجاد نگرونی اشکیبو. ایماندارون
قویتر آ آزادیشون بی خزمت استفاده شنیکه، بلکه بی عنوان خط مشی ای تو
راستای «حقوقشون!» اونان آ آزادیشون تو عهد جدید شناخت شبو، ولی علم
بدون محبت هلاک اکن.

اونان تو ای مورد مهم قلب عیسا شنبو. عیسا حقوق خوش در راه با مالیات
معبد بی پطرس و سایر شاگردون ثابت اشکھتا اهمیت زیر پا هشتن زندگیمون بی
خزمت نشون اده. اُ هرگز اشنیخواست آزادی، مجوزی بی مطالبه حقوقمون ابو و
باعث لغزش دگری ابو.

پولس ای هشدار بی کسونی اژدا که آ حقوق خوشون تو مسیح شناخت
شبو، بدون ایکه دلش بی خزمت شُباشه. «ایطو، معرفت تو باعث
هلاکت اُکوکای ضعیف ابو که مسیح محض همی فوت اشکه. وختی
ایطو بی کوکانتون نگاه اکنین و بی وجدون ضعیفشون صدمه ازنین، پ
بی همی بی مسیح گناه اکنین».

– اول قرنیتیان ۸: ۱۱-۱۲

ما اتونیم آ آزادیمون بی گناه استفاده اکنیم. چیطو؟ با موعذب کردن وجدون
اشخاص ضعیفتر، باعث ابیم یکی آ افراد کوچک مسیح لغزش اخانن و افی.

حقوقمون بلیم زیر پا

بعد ایکه عیسا تو اشاره هیکل آزادی خوش بی ثبت اشرسوند، با
هوشیاری شخاست اهمیت فروتنی بی شاگردوش گوشزد اکن. «ولی
هر که بعث ابو یکی آ ای کوچیکون که بی مُ ایمون اشن لغزش اخانن،
برش بهتر بو که سنگ آسیاب گُتی بی گردونش ابندی، ته دریا غرق ابو!
وای بی ای جهون که سبب لغزشون! چونکه هر چه لغزشون اجتناب
ناپذیرن، ولی وای بی ایکه باعث اونان ابو! پ اگه دستت یا پات بی تو
الغزونی، قطع شکن و دور شندا، چونکه بهترتن که لنگ بی زندگیت
ادامه ادی تا ایکه با دو دست و دو پا تندازن تو آتیش ابدی. و اگه
چیشیت بی تو الغزونی، در شکون و شندا دور، چونکه بهترتن که با ی
چیش زندگی اکنی تا ایکه با دو چیش تو آتیش دوزخ تندازن».

– متا ۱۸: ۶-۱۰

سرتاسر ای باب آ متا دریاری لغزشن. عیسا آشکارا اگو که آ هر اونچه که باعث
گناه ابو – حتا اگه یکی آ امتیازونتون تو عهد جدید ابو – فرار اکنین. اگه اُ باعث
ابو که کوکای ضعیفتون گناه اکن، در حضورش قطع شکنین. شاد تعجب تکین
و اپرسین: پ بی چه هموطو که تو فصل قبلی کتاب مُدی، عیسا بی خيله کسون
لغزش اژدا؟ جواب، سادن. عیسا بی بعضی آ مردم صرفا با اطاعت آ پدر و خزمت
بی دگرون لغزش اژدا. لغزشش بی مطالبی حقوقش نبو.

فریسیون وختی اُ تو روز سبت شفا اژدا، لغزش شخا. شاگردوش محض ای حقیقت که نوم باش تو موعظه اژبو، لغزش شخا. مریمو مرتا، وختی اُ بی شفای ایلعازر برشگشت، لغزش شخا. ولی شما جایی پیدا نیکنین که عیسا بی دیگران محض خدمت بی خوش لغزش آده. پولس تو رساله خوش بی قرننتیان ای هشدار اژدابو:

«ولی مواظب ابین اختیارتون باعث لغزش ضعیفون نبو».

— اول قرننتیان ۸: ۹

آزادیمون برمون داده ابو تا خدمت اکنیم و زندگیمون بلیم زیر پا. ما باد اسازیم و بنا اکنیم، ن ای که ویرون اکنیم و ای آزادی برمون داده نغن تا بی هر چیزی بی خومون تلانبار اکنیم؛ چون آ آزادیمون ایطو استفاده مکین. ایروزون خیلیون توسط شیوه زندگی مسیحیون لغزش شخان.

دوبارته بی هشدار که تو اول قرننتیان ۹:۸ برمون داده گن، گوش ادیم: «ولی مواظب ابین اختیارتون باعث لغزش ضعیفون نبو». نمومنی آشکستن ای فرمون باتون درمیون الوم. تو سفر دومی بشارتیم بی اندونزی، لیزا، بچان و ی پرستار بچه با خوم امبو. ما بی دنپاسار، بالی و ی جزیری تفریحی مرسی.

یکی آ شیخون کلیسا که ملاقاتش امکه، صاحب هتل متوسطی تو منطقی شلوغی بو. راه خيله دوری سفر مکیبو و کمبود خوو مبو. ته بودستیم. اُ شوو چندین دفه با صدای بلند و پارس سگون بیدار گشتیم. فقط شوو اوجا موندیم، ولی استراحتی که لازم مبو تجربه منکه. روز بعد، بی جاوا رفتیم و تا دو هفته بعد طبق ی جدول زمونی خيله فشرده اوجا خدمت مکه. تو اُ دو هفته، فقط ی روز آزاد مبو و اُ، روز سفر بو. ما تو ی دوره بیست و چهار ساعته تو ی کلیسا با سه هزار نفر عضو، پنج بار خدمت مکه. آخر سفر، یطور برنامه مُرخت که اُ طریق بالی براگردیم. شبان برمون خبر اژدا که دوبارته تو هتل شیخ کلیسا امونیم. ما بی ای که بعد دو هفته خدمت سخت دوبارته تو ایطو شرایطی ابیم، هیجان زده نگشتیم.

بعد صوبونه اُ صبح، باید بی جاوا ترک ماکه و ماره بالی. خانم مهربونی بی ما تعارف اشکه که بی موندن تو یکی آ بختترین هتلون تفریحی تو بالی هزینه انمون قبول اکن. مُ خيله هیجان زده گشتیم؛ چون تو ی جای زیبا اموندیم و استراحت ماکه.

وختی بی رستوران ترک مکه تا وسایلو نمون جمع اکنیم، لیزا بی مُ اژگو درباری پیشنهاد زنکه احساس خوبی اشنی. مُ و مترجم برش دلیل مویو که پیشنهاد خویین. دوبارته تو هواپیما آجاو بی مالی، لیزا بی مُ اژگو که فک نیکن که کار درستی مکین.

مُ حماقت امکه بی حرفش گوش امنکه. برش امگه که هیچ خرجی بی کلیسا اشنی و کار خویین. وختی بی بالی رسیستیم، اُ موقی تحویل ااثون، دوبارته اُ مُ اشخواست، ولی مُ توجهی امنکه. وختی شبان ملاقات مکه، برش امگو محض پیشنهاد زنکه، دگه نیازی نن تو هتل اُ شیخ کلیسا امونیم. اُ با گپی که مُ امزه بو نا آروم بنظر اومه. بی همی، اسش امپرسی اشتباهی پیش اُمن؟!

خوشبختونه اُ با مُ رک و روراست بو و اژگو: «جان، ای کار، بی مردکه و خونوادش لغزش اده. اونان قبلا اتاق بی تو نگه شکین، وگرنه شادا بی کس دگه بی شوو». ظاهرا مُ باعث لغزش شبان هم گه بودوم؛ چون اُ چیزی که برمون تدارک شدیبو، تشکر امنکیبو. اخرش، برش امگو که ما تو هتل شیخ امونیم و پیشنهاد زنکه رد اکنیم.

خدا با مُ درمورد نگرشوم برخورد اشکه. مدونست که شبان رنجیده گن. امفهمی که گتن حقوق، باعث لغزش ای کوکام گن، وای گناه مُ بو. مُ اسش طلب بخشش امکه. اُ بی مُ اشبخشی. امیدواروم دگه لازم نبو که ای درس یاد اگیرم.

امتحان پاک کردن

پولس رسول تو نامه اش بی رومیان، بی نگرش خدا ایطو اگو: «پ بیی آنچه که باعث برقراری صلح و صفا و بنای همدگه ابو، دمبال اکنیم».

– رومیان ۱۴: ۱۹

ما باد ای هدف خومون اسازیم که محض آزادی شخصیمون باعث لغزش دگری نبیم. شاد ما حتا طبق کتاب مقدس اجازه انجوم اُ کار مباحشه، ولی آخوتون اُ پرسین: آیا ای کار باعث تهذیب دگری یا خوم ابو؟

«همی چی جایزن، ولی همی چی مفید نن. «همه چی روان»، ولی همی چیزون سازنده نن. هیچ که پی نفع خوش نبو، بلکه نفع دگرون جويا

ابو ... پ هر کاری اکنین، تی اخاری، تی انوشی، تی هر کار دِ اکنی،
همی کارون بی جلال خدا اکنین. بی هیچکه آزرده خاطر مسازی، چه
یهودیون، چه یونانیون و چه کلیسای خدا، هموطو که مُ تلاش اکنم تا
بی همه هرطو گن خشنود اکنم. چون بی نفعیت خوم نیستوم، بلکه
نفع خیلیون موا، تا نجات پیدا اکنن».

— اول قرننیاں ۱۰: ۲۳-۲۴ و ۳۱-۳۳

بی شما تشویق اکنم تا بی روح القدس اجازه ادین آ طریق ای بخش کتاب
مقدس، بر همی موردون زندگیتون متمرکز ابو. برش اجازه ادین تا برتون هر انگیزه
پنهونی یا ساختاری که بی نفعتون یا بی نفع دگرون نن، نشون اده. بدون توجه بی
ایکه کدوم مورد آ زندگیتون تاشا اپذیرین، چالشش بی زندگی بی عنوان خادم همی
آدمون قبول اکنین.

آ آزادی خوتون در مسیح استفاده اکنین تا بی دگرون آزاد اکنین نه ای که آ حقوق
خوتون دفاع اکنین. ای یکی آ خط مسیئون خزمت پولس بو که اشنوشت: «ما تو
هیچ چی باعث لغزش کسی نیبیم، تا خزمتمون ملامت نکنن.» (دوم قرننیاں ۶: ۳)

شخصی که نیتون ابخشه، بخشیده گن؛ چه بدهی گتی خدا برشون اشبخشین.

ی سالی کتاب تلی شیطون تو کتابخونم امبو و بلاخره شروع امکه بی خوندنش. بلافاصله امتونست اُ روحی که تو زندگیم ساکن بو، شبینم. مدونست فراتر آ سایه وون شک و تردید، توسط روح القدس هدایت ابمکه ای کتاب اخونم. هر چه بیشتر مخوند، بیشتر ملزم اگشتم. تو کلیسا، شبان خواهش اشکه کسونی که نیاز شوهه بی گسی ابخشن، ایان جیلو. مُ بی هیچ تردیدی رفتم طری ممبر تا بی همی کسونی که احساس مکه بی مُ لغزش شدابو، مخصوصا بام ابخشم. بعد، آ بامم امخاست بی مُ ابخشی. تشکر انکم که اُ هم ای کار اشکه و الان دِ مُ آزادم!

بی ای کتاب تشکر انکم!

— آر. پی. (ویرجینیا)

نیدی - نی یابی

«پ برتون اگم، هر چه تو دعا اخاین، ایمون توباشه که
 پیدا اکنین، و بی شمان. پ هر موقع بی دعا او یسین، اگه
 نذبت بی کسی چیزی بی دل توهن، شبخشین تا پدرتونم که
 تو آسمونن، خطاهونتون ابخشه . {ولی اگه شما نبخشی،
 پدرتونم که تو آسمونن، خطاهونتون نبخشه}.»

— مرقس ۱۱:۲۴-۲۶

در ادامه ای کتاب موا توجمون بی عواقب دست نواگفتن آ لغزش خوردن، و
 چگونگی آزادی اسش معطوف اکنیم. عیسا خوش، نومی آ چیزی بو که شگو: «ولی
 اگه شما نبخشی، پدرتونم که تو آسمونن، خطاهونتون نبخشه .» ما توفرهنگی
 زندگی اکنیم که چیزی اگویم، همیشه نیستیم. بی همی، باور منی که دگرونم چیزی

که برمون اګن، ابن. بی عبارتی، ګپون افراد جدی ګته نیبو.

ای موضوع آ بچه ای شروع ابو. والدین بی بچه هان اګن: «اګه دوبارته ای کار انجوم آدی، کتک اخاری.» بچی ما، نه فقط ا کار دوبارته انجوم اده، بلکه چن بار دګه هم تکرار اکن. با تکرار هر اتفاق، بچه همو هشدار آ طری والدینش اګی. ولی معمولاً ادب نیبن. اګه اصلاحی هم انجوم ایګی، یا خفیفتر آ چیزین که شوګون یا شدیدتر؛ زیرا نه بوا موندن که چه اکن. هر دوتا واکنش، ی پیغوم بی بچانمون افرسته که ما بی چیزی که موګونؤ ارزش نیلیم، یا چیزی که اګویمن، حیقت اشنی. بچمون یاد اګی که فکر اکن ګپون آ رو قدرت تو هرچیزی حیقت اشنی. بی همی، ګیچ ابو که کی باد بی ای اعمال قدرت جدی ایګی. ایطو نګرشی، بی بقیه موردون زندګیشم سرایت اکن. آ بی همی مبنا بی معلمون، دوستوش، رهبرون، و مدیرون نګاه اکن و وختی بالغ ابو، بی ای موضوع بصورت ی مسئله عادی اپذیره. ا وخت، ګفته انش شامل قول و جمله انی ابو که باشه که زیونش ایا لرد، ولی آ بی ای ګپون خوش اهمیتی نیده.

اجازه ادین با ی مثال فرضی، ایطو ګپ و ګفتی شرح ادم. بی «جیم»، «تام» ایبیننکه بی اشناسه، ولی اشنیاو تو ا لحظه باش ګپ د. ا عجله اشه و با خوش اګو: «آه، باورم نیبو که داره اشم طری تام. م وخت امنی باش ګپ دُم.» دو مرد بی همدګه ایبنن.

جیم اګو: «خدای شکرت کوکا. خوشحالم تبینم». اونان ی کمی ګپ ازنن. محض ایکه جیم عجله اژیو، ګپ و ګفت با ای جمله تمون اکن: «ما باد ی رو بی ناهار با هم وخت بلیم». اول، جیم آ دیدن تام هیجون زده نګه، چون عجله اژیو. دوم، ا تو فکر خدا و استقبال آ تام با جمله «خدای شکرت» نبو. سوم، ا هیچ علاقه ای بی پیگیری دعوت ناهار اشنبو. ای جمله ان تنها ابزاری بودستن که زودی فرار اکن و تو ای جریان، بی وجدونش تسکین اده. بی همی، منظور جیم واقعا چیزی نبو که تو ګپ و ګفت بی زیون شیوو. موقیتونی مته ای واقیت، هر رو تو زندګیمون اتفاق افته. همروزه مردم بی ی چارم چیزی که اګن، اهمیت نیدن. پ بی همی، آیا تعجبین که ما تو شناخت افراد مشګل موهن، بی چه که نیتونیم بی اونان اګفته انشون اشناسیم؟

ولی وختی عیسا ګپ ازن، ا ما شوا که ګفته انش جدی ایګیریم. ما منیشا بی چیزی

که اُ داره اگو، هموطو نگاه اکنیم که بی دگه صاحبون اقتدار یا دگه روابطونمون تو زندگی نگاه اکنیم. وختی اُ مسئله ای اگو، برش اهمیت اده. اُ وگادارن، حتا زمونی که ما عهد خومون اشکنیم. اُ تو سطحی آ حیقت و اصالت حرکت اکن که فراتر آ فرهنگ یا اجتماع مان. پ بی همی، وختی عیسا اگو:

«ولی اگه شما مبخشین، پدرتونم که تو آسمون، بی خطاهانتون نیبخشه،» گفته ش معنا و اعتبار اشن. ی قدم جیلوتر اشیم. عیسا ای گپون فقط ی بار تو انجیل اشنگو، بلکه بارون زیدای ای هشدار اژگو و تاکید اشکه. یی بی موقیتون متفاوتی که بی ای عبارتون بکار اژیو، نگایی اکنیم. «چون اگه خطاهون مردم ابخشین، پدر آسمونیتونم بی شما ابخشه. ولی اگه خطاهان مردم مبخشین، پدرتونم خطاهانتون نیبخشه.»

- متا ۱۴:۶-۱۵

و دوبارته: لوقا ۳۷:۶ ی بار دِ تو دعای ربانی اخونیم: «و قرضونمون ابخش یطو که مام قرض دارون خومون ابخشیم». «ابخشین تا بخشوده ابین متا ۱۲:۶ تعجب اکنم که چیطو خيله مسیحیون شاوا خدا بی اونان هموطو ابخشه که اونان بی کسونی که باعث لغزششون گه بودن، شابخشی. بله، اونان دیقا بی همی روش بخشیده ابن. نبخشیدن تو کلیسان ما خيله شایعن. ما منیوا ای گپون عیسا جدی ایگیریم. چه نبخشیدن شایع ابو چه نه، حیقت تغیر نیکن. هموطو که ما شخص دگه ای ابخشیم، آزاد اکنیم و احیا اکنیم، درسن هموطو بخشیده ابیم.

شهادتی غیر معمول درباری خادمی تو فیلیپین مشنوو. دوستونوم که برش آ خزمتون قبلندش شاشناخت، بی مُ مقالیه ای نشون شدا که دربارہ تجربه انش شگو. اُ مرد درباری دعوت خدا تو زندگیش محض شغل موفقی که اژیو، چن سال مقاومت اشکیبو. اُ صاحب خيله ثروت بو. نا اطاعتیش بلاخره گریونش اژگیبو و بی سکتہ قلبی، با عجلہ بی بیمارستون شرسوندبو.

اُ رو تخت اتاق عمل، فوت اشکه بی خوش بیرون آدروازه ملکوت اژدی. عیسا اوجا ویستا بو و دربارہی نا اطاعتیش باش برخورد اشکه. مردکه آ خدا اشخاست که اگه عمرش طولانی اکن، برش خزمت اکن. خدا موافقت اشکه. قبل ایکه برش

خدا براگردونه بی جسمش، رویایی آ جهندم برش نشون اژدا. اُ بی ننی زنش اژدی که تو شعله ان جهنم داره اسوزه.

أ تعجب اشکیبو؛ چون ننی زنش «دعای توبه» اشخوند بو و اعتراف اشکیبو که مسیحین و تو جلسه ان کلیسا شرکت شکه. آ خدا اشپرسی: «بی چه أ تو جهندمن؟» خدا بش اژگو که بی یکی آ قومونش اشنبخشین و بی همی، نیگه بخشیده ابو.

بخشش و قد کردن روحانی

مُ و لیزا نمونه ان زیادی آ تلی عدم بخشش تو خزمتمون مدین. وختی بی بار اول تو اندونزی خزمت مکه، تو خونه ی تاجر ثروتمند بودستیم. با شه که اونانم تو جلسه ان کلیسا شرکت شاکه که مُ اوجا خزمت مکه، ولی نجات شنبو.

تو طول أ هفته ای که اوجا بودستم، همسرش نجات پیداشکه، بعدم خوش و سه تا بچانش. اوجا جوی آ رهای و آزادی بو وکل فضای خونه تغییر اشکیبو. خوشی گُتی بی خونه انشون پر اشکیبو. وختی اونان خبردار گشتن که مُ و ضیفم بی اندونزی براگردیم، آسمون دعوت شکی که تا داشون امونیم و پیشنهاده شکی که بلیط هواپیمای سه تا بچه انمون و پرستار بچه ادن.

ما رسیستیمو ده جلسه تو کلیسای اونان خزمت مکه. مُ راجع به توبه و حضور خدا موعظه امکه. ما بی حضور خدا تو جلسه انمون احساس ماکه، اشکون جاری اگه و گریه ان ناشی آ آزادی و رهایی، کل جلسه پر اشکیبو.

بازم همی خانواده خزمت شاکه. ننی شو که تو همو نزدیکی زندگی شکه، تو هر جلسه عبادی شرکت شکه. أ همیطو هم خپله پول بی بلیط هواپیمای بچان هدیه اشکیبو. نزدیک اخر هفته ، ننی مرکه مستقیم تو چیئونوم نگاشکه و اشپرسی: «جان، بی چه مُ هرگز بی حضور خدا احساس امنکین؟» تقریباً صبحونه تموم مکیبو و بقیه قبلن میز ترک شکیبو.

أ ادامه اژدا: «مُ تو هر جلسه عبادتی حاضر بوم و آ نزدیک بی هر چه شما تُگن، گوش امنکین. بی توبه جیلو اومستوم، ولی ی بارم حضور خدا احساس امنکین. نه تنها ای، بلکه حضور خدا هم هیچ وخت دگی احساس امنکین!»

م باش بی مدتی گپ امزه و بعد برش امگو: «بیا برت دعا اکنیم تا با روح خدا پر

ای.» دستم برش قرار امدا و برش دعا امکه تا روح القدس ایایی، ولی به هیچ وجه احساسی آ وجود خدا اشنبو.

بعدِ خدا با روح مُم گپ اشزه: «أ نزبت به شوش کینه تو دلشن و برش نیبخشه. بش آگو بی شوش ابخشه».

دستوم آ روش امواگه. مدونست که شوش مردن! ولی نگاشمکه و امگو: «خدا بی مُم نشون اده که تو بی شوت اتنبخشین».

اژگو: «بله، همیطورن. ولی مُم خيله تلاشم امکه تا شبخشم». بعدِ دربارته آ کارون وحشتناکی که شوش جیلوش انجوم اژدابو، اژگو. متونست افهمم که بی چه بی بخشش شوش ایهمه تقلا اکن. برش امگو: «بری ای که حضور خدا ایایی، باد ابخشی» و آنچه عیسا درباری بخشش تعلیم اژدابو، برش توضیح امد. «تو اتنیشا برش بی قوت خوت ابخشی. باد قدرتش تو حضور خدا ایگیری و اول آ خدا خواهی که تبخشه. بعدِ تشا شوت ابخشی». اسش امپرسی: «تا بی شوت رها اکنی؟» جواب اژدا: «بله.»

مُم بای دعای ساده همراهیش امکه: «ای پدر آسمونی، تو نوم عیسا بخششت موا بی ای که بی شوم امنبخشین. خدایا ادونوم که امنیشا بی أ با قوت خوم ابخشم. مُم قبلند شکست امخان، ولی الان در حضور تو بی نفرتم نزبت بی شوم، أ دلم بیرون اکنم و شبخشم!»

هنو گپونش تمون نگه بو که اشک آ چیشونش جاری گه. مُم تشویقش امکه: «دستونت ابه بالا و بی زیونون گپ د».

بی اولین بار أ بای زیون آسمونی گپ اشزه. ما چون احساس قوی آ حضور خدا پشت میز صبحونه مبو که گیج و مات گه بودیم. أ حدود پنج دقه گریخ اشکه. ما یکم باهمد گپ مزه، بعدِ تشویقش امکه که آ حضور خدا لذت ابه. أ بی پرستش خدا ادامه اژدا و مُم تنهانش امهشت.

وختی ای خبر بی پُس و عروسش رسی، برشون تکوندهنده بو. پُیش اژگو که هرگز اشندیبو که نش گریخ اکن. أ خوش آخرین باری که گریخ اشکیبو، یاد اشنیکه: «حتا وختی شوم مُرد، مُم گریخ امنکه».

تو جلسه او شوو تعمید اوو اژگه. تا سه روی درخشندگی و لبخند شیرینی رو صورتش بو. یاد انیکه که قبلش برش خندون امدیو. أ اشنیبخشی و بی همی ،

زندونی نبخشیدن بو. ولی وختی بی شوش آزاد اشکه و اشبخشی، قدرت خدا تو زندگیش پیداشکه و آ حضورش آگاه گه.

خادمی که نبخشین

عیسا در متا ۱۸، بی نور بی اسیری نبخشیدن و لغزش اشتابوند. اُ بی شاگردوش تعلیم اژدا که چیطو با کوکابی که بی اونان لغزش اژدان، آشتی اکن. ما دریاری آشتی تو فصل بعد گپ از نیم. پطرس اشپرسی: «سرور من تا چن بار اگه کوکام بی مُ گناه اشورزی، باد شبخشم؟ آیا تا هف بار؟» (متا ۲۱: ۱۸) اُ فکر شکه که خيله بخشندن. پطرس دوست اژبو حد اخر مسائل در نظر ایگی. اُ کسی بو که بی کوه تبدیل هیات اژگو: «اگه توا، سه سایبون ایجا اسازیم، یکی بی تو و یکی بی موسا و دگه هم بی الیاس.» (متا ۱۷: ۴ ابینین) اُ فکر شکه خيله بزرگوارن: «استاد مُ یاداوری اکنم که با رغبت هف دوفه ابخشم!» ولی اُ جواب تگون دهنده ای اژگه. عیسا هرچی که در نگاه پطرس، بزرگوارونه بو، شنداخت دور: «بهت اگم نه هف دوفه، بلکه هفتاد دوفه.» (متا ۲۲-۲۱: ۱۸) بی عبارت دگه، ابخشی اوطو که خدا ابخشی، بی محدودیت. بعدِ عیسا حکایتی بی تاکید نکته اش، تعریف اشکه:

«بی همی، ابو پادشاهی آسمون بی شاهي مثال دیم که تصمیم اژگه با خادمونش تسویه اکن. پ شروشکه بی حسابرسی، بی شخصی شویو پهلوش که ده هزار قنطار بش بدهکار بو.»

— متا ۱۸: ۲۳-۲۴

بی درک عظمت آنچه عیسا اژگو، باد ادونیم که قنطار چن. قنطاری واحد اندازه گیری بو و بی اندازه گیری طلا (دوم سمویل ۱۲: ۳۰)، نقره (اول پادشاهان ۲۰: ۳۹) و سایر فلزون و اشیا به کار اره. تو ای حکایت بی ی بدهی اشاره ابو. پ بی همی، خیالمون اتونه بی اعتبار ای که اُ بی واحد تبدیل، مته طلا یا نقره اشاره شکه، راحت ابو. یی راجع بی طلا گپ دیم.

قنطار عمومی تقریباً معادل هفتاد و پنج پوند بو؛ ای وزن طبیعی بو که ی مرد ششاستی حمل اکن (دوم پادشاهان ۲۳: ۵ را ابینی) ده هزار قنطار تقریباً ۷۵۰۰۰۰ پوند یا ۳۷۵ تن ابو. پ بی همی، ای خادم ۳۷۵ تن طلا بی پادشاه بدهکار بو.

در حال حاضر، قیمت طلا تقریباً هری اونس، ۳۷۵ دلارن. تو بازار همروزی قنطار طلا ارزش ۴۵۰۰۰ دلارن. پ بی همی ده هزار قنطار، ۵.۴ میلیارد دلار ارزش اشن. ای خادم بی پادشاش ۵.۴ میلیارد دلار بدهکار بو! عیسا ایجا تاکید اکن که ای خادم بدهی اژیو که اشنیشاستی اپردازی. اخونیم:

«چون او اشنیشاستی قرض خوش اپردازی، اربابش دستور اژدا بی خوش و زن بچانش و همی دارابیش افروشن و طلبشون وصول اکنن. خادم پای ارباب زانو اشزه و التاس کنون اژگو: بی مُ مهلت اده تا همی قرض خوم اپردازوم. پ دل ارباب به حالش سوخت و قرضش اشبخشی و آزادش اشکه».

متی ۱۸: ۲۵-۲۷

حالا بیی ابینیم که ای حکایت چیطو بی لغزش خوردن مربوط ابو. وختی لغزش اتفاق افته که ی بدهی ابو. شما تشنو که شگن: «أ همش پرداخت اکن.» پ بی همی، بخشش مته باطل کردن ی بدهین. شاه نمایونگر خدای پدرن که بدهی ای غلام که پرداختش برش غیرممکن بو، ابخشه. در کولسیان ۲: ۱۳-۱۴ اخونیم: «أ موقع که تو گناهان و حالت ختنه نشده نفس خوتون مُرد بودین، خدا بی شما با مسیح زنده اشکه. أ همه گناهونمون آمرزی و أ سند قرضون که محض قوانین ضد ما نوشته گه بو و علیه ما قد علمش اشکیبو، باطل اشکه و بی صلیب میخکوبش اشکه، آمیون اژواگه.» بدهیمون که بخشیده گن، غیرقابل پرداخت بو. هیچ راهی نبو که ما اتونیم بدهی که بی خدا مبون، پرداخت اکنیم. لغزشمون، بی ما أ پا درایاره. بی همی، خدا بی نجات بی عنوان ی هدیه برمون اشبخشی. عیسا سندی که ضدمون بو، پرداخت اشکه. ما ماشا تشابهی بین ارتباط ای خادم با پادشاش و ارتباط خومون با خدا ابینیم.

«ولی وختی که خادم داره اره لرد، بی یکی آ همکارون خوش اژدی که صد دینار بپش بدهکار بو، پ بی طرف اژگه و گلوش فشار اژدا و اژگو: قرضت آده».

متا ۱۸: ۲۸

ی دینار تقریباً معادل مزد روزونه ی کارگر بو. پ برابر مزد همروزی، صد دینار ارزشش برابر چهار هزار دلار اگه. حال ادامش اخونین: «همکارش جیلو پاش زانو اشزه و التماس کنون اژگو: بی مُ مهلت اده تا همی قرض خوم اپردازم. ولی اُ قبول اشکنه بلکه ره و زندونش اشکه تا قرضش اپردازی». متا ۱۸: ۲۸

یکی آ همکاروش خيله پول يني ی سوم مزد سالونه بدهکار بو. شما دوست توبو ی سوم حقوقتون آدس آدین؟ ولی يادتون ابو که ی بدهی ۴.۵ میلیارد دلاری ای مرد بخشیده گه بو. ای مبلغ بیشتر آ پولی بو که شتونست توکل زندگیش بدست بیاری! لغزشونی که مقابل همدگه موهه در مقابل لغزشونمون نذبت بی خدا مئه ۴ هزار دلار در مقایسه با ۴.۵ میلیارد دلارن. شاد شخصی بامون بد رفتاری اشکن، ولی قابل مقایسه با خطاهونمون در مقابل خدا نن.

شاد احساس اکنین که با هیسکی قد شما بد رفتاری نغن، ولی توجه نیکنین که با عیسا چقه بد رفتار گه. اُ بره بیگناه و بی عیبي بو که کشته گه.

شخصی که نیتون ابخشه، بدهی گتی اژیو که بخشیده گن. وقتی ادونین که عیسا بی شما آ مرگ و عذاب جاودونی آزاد اشکین، بی دگرون بی قید و شرط ابخشین و آزاد اکنین. (ما تو فصل سیزده درباری چیطوری ای کار گپ ازنینم.)

چیزی بدتر ای نن که بی ابديت تو دریای پر تش اگدرونیم؛ جای که دگه رهایی نی. کرمش نیمیری و تشش خاموش نیبو. سرنوشتمون ای بو که خدا آ طریق مرگ بی پُشش عیسای مسیح بی ما ابخشه. هلولواه! اگه بخشیدن برتون مشگلن، بی واقیت جهندم فکر اکنین و بی محبت خدا که برتون نجات اژدان.

درسونی بی ایموندارون

یبي بی حکایت ادامه آدیم:

«وختی که بقیه خادمون ای اتفاق شدی، خيله آزرده گشتن و اِ اربابشون رفتن و همی ماجرا شگو. پ ارباب، بی خادم اشخاست و اژگو: ای خادم شرور مگه مُ محض خواهشت تمون قرضونت امنبخشی؟ توهم نباد بی همکارت رحم تکه، هموطو که مُ رحمت امکه؟»

— متا ۱۸: ۳۱-۳۳

عیسا تو ای حکایت بی بی ایمونون اشاره اشنیکه. اُ درباری خادمون پادشاه گپ شزه. ای مرد قبلند بدهی گتی اثریو که بخشیده گه بو (نجات) و اسش بی «غلوم پادشاه» نوم شُبون. کسی که اشنبخشی، «غلوم همتاش» بو. بی همی، ماشا نتیجه گیریم که ای عاقبت ایموندارین که بخشش، نیکن. «پ ارباب خشمگین گه، زندونیش اشکه تا شکنجه ابو و همی قرضونش آده. همیطو پدر آسمونی مُ هم با هر کدومتون رفتار اکن، اگه شمام بی کوکای خوتون آ ته دل نبخشین». متا ۱۸: ۳۴-۳۵ ای آیه ون سه نکته مهم شوهه غلومی که نبخشه، بی همو شکنجه بر اگرد. اُ باد بدهی اصلی اپردازی: ۳۷۵ تن طلا. خدای پدر همی کار مقابل هر ایمونداري انجوم اده که بی لغزش کوکاش نبخشه.

۱. غلومی که نببخشی، بی همو شکنجه بر اگردی.

لغت نومه، بی واژه «شکنجه» ایطو تعریف اکن: «عذاب جسم یا فکر» یا «اعمال درد شدید بی تنبیه، سرکوب یا لذت توام با آزارگری.»

تحریک کنندهنون ای عذاب، ارواح شریرن. خدا بی «شکنجه گرون» اجازه اده تا بهی میل خوشون، درد و عذاب جسم و فکر تحمیل اکن، حتا اگه ما ایموندار اییم. ما معمولا تو جلسان عبادتی بی اشخاصی دعا مکین که شنیشاستی شفا، آرامش یا رهایی اگیرن؛ چون بی دگرون رها شنیکه و آ ته دل شنبخشی بو. دکترون و دانشمندون، تلخی و عدم بخشش با بیماریون خاصی مئه آرتروز و سرطون مرتبط ادونن. خيله موردون آ بیماری مغزی به عدم بخشش توام با تلخی ارتباط اشن.

بخشش معمولا مربوط بی افراد دگه ای ابو، ولی گاهی تو ارتباط با خود شخص هم هن. عیسا اژگو: «اگه با کسی مشکلی اتن، ابخش ...» (متا ۵: ۲۴ را ببینید) ای «کس» شامل خوتونم ابو. اگه خدا بی شما اشبخشین، شما کین که بی کسی که اُ اشبخشین، حتا اگه خوتون ابین، مبخشین؟

۲. غلومی که نببخشه، باد بی بدهی اصلی غیرقابل پرداخت اپردازی.

لازم گه تا کار غیرممکنی انجوم اده. مئه ایکه لازم ابو مام بدهیونی که عیسا تو جلبتا اشپرداخت، اپردازیم. در این صورت ما نجات خومون آ دس ادیم.

شما اگوین: «ی لحظه صبر اکنین. مُ فک مکه وختی ی نفر دعای توبه اخونی و زندگیش اژدا بی عیسا، دگه هرگز بی آ دس نیده.» اگه ایطو اعتقادی توهه، پ

توضیح ادین بی چه پطرس عبارتون زیر اشنوشت:

«چونکه اگه اونان که با شناخت خدا و نجات دهندمون عیسای مسیح، آفساد دنیا شپړین، دوبارته گرفتارش ابن، سرانجومشون بدتر آ اول ابو. بختراي بو که آ همو اول، راه پارسای شنیشناختن، تا ایکه بعدش، آ حکم مقدسی که برشون سپرده گه بو، رو برگردونن».

– دوم پطرس ۲: ۲۰-۲۱

پطرس درباره اشخاصی گپ ازن که از گناه توسط نجات در عیسای مسیح رسته ابن (آلایش دنیوی). اگه اونان دوبارته توسط گناه گرفتار ابن (که اتون توسط عدم بخشش ابو) و توسطش مغلوب ابن – مغلوب گشتن یعنی بازگشت نکردن اد خدا و توبه نکردن آ گناه ارادی خوتون- پطرس اگو که بازگشتشون آ عدالت و راستی، بدتر آ این که هرگز شنیشناخت. بی عبارت دگه، خدا اگو که بهترن کسی هرگز نجات پیدا نکن تا هدیه بی حیات جاودون دریافت اکن و بعد بی همیشه اسش براگرده.

یهودام بی ایطو افرادی تو کلیسا «دوباره مرده» توصیف اکن (یهودا ۱۲-۱۳). دوبارته مردن، یعنی ی بار بدون مسیح مرده ابي و بعد با یافتنش زنده ابي و بعد با منحرف گشتن آ راهونش، بی همیشه دوبارته امیری.

ما ادونیم که خيله کسون ایان اد عیسا و بی خوشون با ای عبارتون توجیه اکن: «خدایا، خدایا، آیا بی نومت نبوت منکه و بی اسمت بی دیوون اخراج منکه و بی نومت معجزه هون بسیار ظاهر منکه؟ اوموقع برش صریحا اگم که هرگز بی شما امنشناخت! ای بدکارون آُم دور ابین!» (متا: ۲۲۷-۲۳) اونان برش شاشناخت و بش شاگو خدا و با نومش معجزه انجوم شادا، ولی اُ بی اینان اشنیشناخت.

عیسا بی چه کسونی اشناسی؟ پولس رسول اشنوشت: «ولی هر کی بی خدا دوست اشن، اد خدا شناخته گن.» (اول قرنیتان ۸: ۳) خدا بی کسونی اشناسی که دوستش شوهه.

شاد اگوین: «مُ بی خدا دوست امن. فقط بی ای کوکا دوست امنی که بی مُ آسیب اشنن!»، اُ موقع گول تخان و بی خدا دوست تنی؛ چون نوشته گن: «اگه کسی ادعا اکن که بی خدا محبت اکن، ولی آ کوکای خوش نفرت اژیاشه،

دروغگون. چون کسی که بی کوکای خوش که شبینه، محبت نیکن، اشنیشا بی خدایی که اشدین محبت اکن.» (اول یوحنا ۴: ۲۰) گول مسئله وحشتناکین، بی ای که شخص فریب خورده با تمون دلش اعتقاد اشن که حق باشن. ایمون اشن که توره درست قرار اشن؛ در حالی که واقعا تو مسیر دگن. کسی که اطاعت کلوم سر باز ازن، بی دل خوش فریب اده.

آیا جالب نن که «بسیاری» انتظار شوهره وارد ملکوت ابن، ولی رد ابن. عیسا هم اژگو: بسیاری تو روزون آخر لغزش اخارن (متا ۲۴: ۱۰) آیا ای دو گروه اتونن شامل همی دسته اشخاص ابن؟

بعضی ایموندارون ایقه آ عدم بخشش تو رنج و عذابن که امیدوارن مرگ برشون آسوده اکن. ولی ای درست نن. ما یا باد الان با عدم بخشش برخورد اکنیم و یا اپذیریم که قیمت غیرقابل پرداخت باد اپردازیم.

۳. خدای پدر همی کار مقابل هر ایمونداری انجوم اده که بی لغزش کوکانش - بدون توجه بی ای که آسیب یا لغزش چقه گبن- نیبخشه. عیسا خيله دقیق بو تا اطمینون اژباشه ما ای حکایت درست درک مکن. ا تقریبا تو هر حکایتی، تفسیرش ارائه نیکه؛ مگه ایکه شاگردونش دربارش شاپرسی. بی همی، تو ای مورد شخاست هیچ شکی درباری شدت داوری بی کسونی که آ بخشش سر باز شازه، باقی نهلی.

عیسا خيله بارون تاکید اشکه که اگه مبخشیمن، بخشیده نیبیم. یادتون ابو ا مته خومون نن؛ ا بی چیزی که اگو، اهمیت اده.

معمولا ای مسئله تو کلیسا دیده نیبو، جاش، بهونه هونی بی پناه بردن بی نابخشودگی ارائه ابو. نبخشیدن، تو قالب گناهون کمتر آ همجنسبازی، زنا، دزدی، مشروب خوری و غیره در نظر گته ابو. ولی کسونی که دچار ای گناه ابن، کنار کسونی که بی گناهون دگه ای آلوده ابن، وارث ملکوت خدا نیبن.

عده ای شاد فکر اکنن ای پیغوم سختین، ولی مُ برش، مته پیغوم رحمت و هشدار ابینم، نه داوری سخت. آیا شما ترجیح ادین الان بوسیله روح القدس ملزم شده و توبه حقیق و بخشش تجربه اکنن یا آ بخشش سر باز ازنن و اشنووی که ارباب اگو: «دور به»، زمونی که دگه تنیشا توبه اکنن؟!

قرارن ما ایقه آ انتقم فاصله مباحشه که امکان خطر گول خاردنش تومون، وجود اشنباشه.

مُ بی اطاعتتون تو نوشتن کتاب «تلی شیطون» سپاسگزارم. ای کتاب قدی دارای مسحن که روح خدا تو همی مدتی که مخوندش، بام مواجهه اگه؛ طوریکه خوندنش، فقط چن رو طول اشکشی. ای کتاب بی زندگیم کاملاً تغییر اژدا. آ زنجیرون لغزش آزاد گشتم و بی تفتیش دل، فکر و عواطفوم ادامه ادم تا همچنون تو آزادی باقی اِمنوم.

– ال.ام. (کارولینای جنوبی)

تلی انتقوم

«بی هیشکه بی سزای بدی، بدی مکنین. دقت اکنین که
 آنچه تو نظر همه پسندیده ان، انجوم ادین».

– رومیان ۱۲: ۱۷

هموطو که تو فصل قبلندی آشکارا مدین، حفظ لغزش و عدم بخشش، مته طلبکاری روبروکسین. وختی کسی توسط کس دگه ای مورد ظلم قراراگی، بی ای عقیده پیدا اکن که بی طرف مدیون و بدهکارن و انتظار پرداخت چیزی خاه مال یا غیره اشن. نظامون حقوقی هستن تا انتقوم اشخاص شلم دیده، یا آسیب دیده اگیرن. نتیجی دادخواهیون آمردم، سعی اشن بدهیون ادا اکن وختی شخصی توسط دگری آزار ابینه، عدالت انسونی اگو: «اونان تو محکمه بی آنچه که انجوم شدان، اویسن و اگه مقصر شناخته ابن، بهاش پرداخت اکن.» غلومی که اشنبخشی، انتظارثبو

غلو می مئه خوش بدهیش اپردازه، بی همی، تو دادگاه قانون، پی خسارت خوش بو. ای طریق عدالت نن.

«ای عزیزون خوتون انتقوم مگیری، بلکه بی غضب خدا واگذار اکنین، چون نوشته گن که خدا اگو: انتقوم مال مَن، مُم که سزا آدوم».

– رومیان ۱۹:۱۲

بی ما بی عنوان بچان خدا، ناعادلون که خومون انتقوم ایگیریم. ولی وختی آ بخشش امتناع اکنیم، دقیقا دمبالشیم. بی عبارتی، خواهون انتقوم و پی برنامه ریزی بی انجمشیم. تا وختی که بدهی کامل پرداخت نبو، نیبخشیم و فقط خومون اتونیم غرامت قابل قبول تعیین اکنیم. وختی دمبال اصلاح اشتباهی که در حقمون صورت گته گن، بی خومون تو مقام داور و قاضی قرار ادیم، ولی ادونیم که:

«فقط ی قانونگذار و داور هن، همو که ششا آزاد اکن و یا هلاک اکن. پ تو کی که بی همسایه خوت محکوم اکنی! کوکائون آ همدگه شکات مکنی تا بی شمام داوری نبو، چونکه داور بر در ویستاستن».

– یعقوب ۴: ۱۲، ۵: ۹

خدا داور عادلن. اُ بی عدالت قضاوت اکن. ولی طبق عدالت بازپرداخت اکن. اگه کسی اشتباهی انجوم اژدا و صادقونه توبه اکن، عمل عیسا در جلجتا بدهیش پاک اکن. شاد اگوین: «ولی ای اشتباه، نذبت بی مُ صورت گته گن نه نذبت بی عیسا». بله، ولی شما متوجه اشتباهی که نذبت برش تکیں، نیستین. اکه ی قریونی بی گناه بو، مرتکب هیچ تقصیر و گناهی نگه؛ در حالی که هر انسون دگه ای گناه اشکین و محکوم بی مرگن. هممون قوانین خدا که بالاتر آ قانونون زمینین زیر پا مهشتن. اگه قرار بو با هر کدوممون طبق عدالت برخورد اگه، هممون باد توسط بالاترین دادگاه عالم، محکوم بی مرگ اگشتیم. شاد شما کاری تنکین که دگرون نذبت بی شما تحریک ابن و مورد جفا قرار ایگیرن. ولی اگه چیزی که نذبت بی شما انجوم گن با بخششی که برتون گن، باهم مقایسه اکنین، ابینین که بهم نیخونی و قابل مقایسه باهم نن. اگه احساس اکنین برتون خیانت شکین و گواتون شوزن، مفهوم رحمتی که برتون ارایه گن، آ دس تودان.

هیچ نقطه ای بی کینه توزی وجود اشنی

تحت پیمون عهد عتیق، اگه شما تخلفی نزیب بی مُ انجوم تادا، حق قانونیم بو که بی همو برتون براگردونوم. اجازه داده اگه تا بی بدهیون متمرکز و در عوض بدی، بدی تو ادم. (لاویان ۱۹:۲۴، خروج ۲۱:۲۳ - ۲۵ را ببینید) شریعت برتر بو. عیسا هنو نمرد بو تا برشون آزاد اکن. ابینی که اُچیطوبی ایماندارون عهد جدید مورد خطاب قرار اده.

«همیطو هم تشنوو که گفته گن چیش در مقابل چیش و دندون به عوض دندون. ولی مُ برتون اگم، در مقابل شخص شرور مویستی. اگه کسی توکوشی ارژه تو گوش راستتون، اوطری روتونم شادین تا ازن. و هر گاه کسی اخاتن که برتون اکشونه دادگاه، قبات ایگیره، عبات هم شاده. اگه کسی مجبورت اکن ی مایل باش اشی، دو میل همراهش اشو. اگه کسی آیت چیزی اشخاست، شاده و آکسی که است قرض شوا، رو بر مگردون».

— متا ۵: ۳۸ - ۴۲

عیسا هر مورد مبهمی محض کینه ورزی برطرف اکن. در واقع اگو نگرشمون باد قدی آ انتقوم فاصله اژباشه که امکان اغفالمون مشتاقونه نبو. وختی پی اصلاح اشتباهون انجوم گته نزیب بی خومونیم، بی خومون داور اکنیم. غلومی که تو متا ۱۸ اشنبخشی، بی همکارش زندونیشکه و مقابل، خوش به شکنجه گر سپرده که و خونوادش فروخته گن تا همی بدهیونش اپدازه.

ما باد مجال آدیم و قضاوت را بی داور عادل اسپوریم. اُ بی عدالت پاداش اده. فقط اون که تو عدالت انتقوم اگی. مُ در ارتباط با موضوع لغزش، تو کلیسای تامپای فلوریدا خزمت مکهکه زنی اومه پهلوم و اژگو کهپی شو قبلندیش بی همی کارونی که انجوم اژدابو، اشبخشین. ولی وختی موعظه مُ ششونوی که در مورد رها کردن لغزشون گپ مکه، اشفهمی که هنو آرامش درونی اشنی و همچنون ناآرومن. آروم بش امگو: «تو هنو شتنبخشین».

اژگو: «چرا امبخشین. اشکون بخشش امرختن».

«شاد گریخ اتکین، ولی هنو ره‌اش اتنکن.»

او اصرار اژیو که مُ اشتباه اکنم و بی همسر سابقش اشبخشین.

«مُ چیزی اسش امنیوا. ره‌اش امکن.»

امپرسی: «آنچه که با تو اشکین، بی مُ اگو.»

مُ و شوم شبانی کلیسای عهدمون بو. اُ بی مُ ستا پُسم ترک اشکه و با ی زنکه سرشناس تو کلیسا فرار اشکه. اشک تو چیشونش اومه و ادامه اژدا: «شوم شگو بی خدا محض ازدواج با مُ آ دس اژدان؛ چون اراده کاملش ای بو که با زنکه ای که فرار اشکیبو، ازدواج اکن. شوم شگو که اُ زنکه بی خزمتش ی موهبتن؛ چون تکیه گاه خوپی برش. اُ بی ای باور بو که مُ مانع خزمتشوم زنی عیب جوم، و همی تقصیرون فروپاشی ازدواجمون شنداخت گردون مُ. هرگز بر اشنگشت و قبول اشنکه که تقصیرکار خوش بون.» ای مردکه معلوم بو گول اشخابو و ظلم گُتی بی زن و خونوادش اشکیبو. اُ خيله آکارون شوش رنج اشکشیبو و منتظر بو تا اُ بدهیش براگردونی. ای بدهی، خرجی بچان نبو، بی چه که شو جدیدیش همی چی برش فراهم شکه. بدهیونی که شخواست شو قبلندیش اپردازی، ای بو که اعتراف اکن اشتباهش کن حق با زنش بون. مُ یاداورش گشتم، تو اشنیبخشی تا ای که بیاتن و اگو که مُ تقصیر کاروم و اشتباه امکن و بعد طلب بخشش اکن. ای بدهی نپرداختن که بی تو بسته نگه اشکین.

اگه عیسا منتظر اگه تا بییمن و اسش عذرخواهی اکنیم و اگویم: «ما اشتباه مکن، حق با تو بو. بی ما ابخش»، بی ما رو صلیب اشنیبخشی. وختی رو صلیب دارش شزه، فریاد اشزه: «ای پدر، بی اینان ابخش، چون نیدونن داره چه اکن.» (لوقا ۲۳:۳۴) اُ بی ما قبل ایکه بییم ایش و بی لغزش خومون اعتراف اکنیم، اشبخشی. پولس بی رسولمون ایطو نصیحت اکن: «وختی خدا بی شما اشبخشی، شمام بی همدگه ابخشین.» (کولسیان ۳:۱۳) و «با همدگه مهربون و دلسوز ابین و هموطو که خدا بی شما در مسیح اشبخشین، شمام بی همدگه ابخشین.» (افسیسیان ۴:۳۲)

وختی بی اُ زنکه امگو: «تو اشنیبخشیش تا نگو: مُ اشتباه امکن، حق با تو بو»، اشک آ روش سرازیر گه. چیزی که زنکه شخاست، در مقایسه با دردی که شو سابقش بی خوش و بچانش وارد اشکیبو، بنظر کوچیک اومه. ولی اُ زنکه تو اسارت عدالت انسونی بو. اُ بی خوش داور قرار اژدابو حقو بدهی شوش ادعا شکه و منتظر

پرداخت بو. ای لغزش مانع ارتباطش با جدیدی گه بو. ای مسئله هم در ارتباط با همی مسئولون مردینه تاثیر اشهشت بو، چون شو سابقشم شبان بو.

عیسا معمولا بی قلبمون بی خاک مثال شزه. ما نصیحت گشتیم که تو محبت خدا ریشه ادوونیم و رشد اکنیم. بعد دونه ی کلوم خدا تو دلونمون ریشه و رشد اکن و عاقبت پارسایي ثمر اده. ای ثمره شامل محبت، سلامتی، صبروری، مهربونی، نیکویی، وفاداری، ملایمن و پرهیزکارین (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ ابینین) ولی زمین فقط اونچه توش کاشته ابو، رشد و تولید ابو. اگه ما دونه ان بدهکاری، عدم بخشش و لغزش اکاریم، رشه دگه جز محبت خدا درایا که ریشه تلخی نومیده ابو.

«فرانسیس فرانگی پین» تعریفی عالی آ تلخی ارائه اکن: «تلخی، انتقوم گته نغن.» تلخی زمونی ایجاد ابو که انتقوم تا درجه ای که ما ماواتن، ارضا نغن. نویسنده کتاب عبرانیان، یطو مستقیم دریاری ای مورد گپ اشن: «سخت تلاش اکنین که با همی مردم تو صلح و صفا ابین و مقدس ابین، چون بدون قدوسیت هیشکه بی خدا نیبینه. مواظب ابین کسی آ فیض خدا محروم نبو، و هیچ ریشه تلخی نمو نغن، مبادا باعث ناآرامی ابو و بی خيله کسون آلوده اکن.»

– عبرانیان ۱۲: ۱۴-۱۵

بی کلمان «بسیاری را آلوده کند»، توجه اکنین. آیا ممکن ای دوبارته بی همو «بسیاری» ای اشاره اژباشه که عیسا اژگو در ایام آخر لغزش اخورن؟ (متا ۲۴: ۱۰ را ببینید)

تلخی ی ریشه ان. اگه آ ریشه ان مراقبت، محافظت، تغذیه و برشون اوو داده ابو، ریشه ان عمیق تر و قوی تر ابن. اگه زود باشون مقابله نبو کندنشون سخت ابو. در نتیجه، لغزش با قدرت بی رشد خوش ادامه اده. بی همی، آسمون شخاستن تا نهلیم خورشید بی غیظمون غروب (افسسیان ۴: ۲۶ ابینین) حالا جای ایکه ثمره پارسایي تولید ابو، شاهد حصاد عصبانیت، انزجار، حسادت، تنفر، دعوا و اختلاف ابیم. عیسا بی ای چیزون ثمرون بد شنومی. (متی ۷: ۱۹-۲۰ ابینی)

کتاب مقدس اگو کسی که با رهایی آ لغزش، بی صلح نن، آخرش آلوده ابو. چیزی که خيله بارزشن، با زشتی عدم بخشش، بی فساد کشیده ابو.

یه پادشاه مستعد، گند گه

تو فصلون قبلندی کتاب مدی که چیطو داوود بی شائول پادشاه وفادار موند؛ حتا وختی که شائول بی داوود وفادار نبو. داوود بی انتقوم شخصی نبو؛ حتا زمونی که دو دوفه غرصب ای کار اژیو. داوود، مردی بی دل خدا بو. اُ بی خدا اجازه اژدا بین خوش و شائول قضاوت اکن. وختی داوری خدا بی ضرر شائول قرار اژگه، داوود خوشحال نگه، بلکه ناراحت گه؛ چون تو دلش هیچ تلخی نزیب برش اشنبو.

بعد مرگ شائول، داوود نشت بی تخت. اُ بی ملت قدرت اژدا. اُ موقیتون مالی و ارتش لذت اژیو و تاج تخت محکم حفظشکه. اُ با خيله زنون ازدواج اشگه که برش بچه شویو؛ کسی مئه: امنون، گت ترین پُشش بو و ابشالوم پُس سومیش.

پس داوود، امنون کار زشتی با ددای ناتنیش تامار که ددای ابشالوم بو، انجوم اژدabo. اُ بی خوش بی مریضی ازن تا بی تامار افرسته برش غذا اده. وختی تامار رن، اُ بی خزمتکارون دستور اده که اشن لرد و بی تامار تجاوز اکن. بعد اسش متنفر گه برش اُ جیلو چیشش دور اشکه. امنون بی ی شاهزادی سلطنتی باکره بدنوم اشکیبو، و زندگیش با بی آبرویی تباهشکیبو (دوم سموئیل ۱۳ ایبنین)

ابشالوم بدون ایکه ی کلمه بی کوکای ناتنیش اگو، دداس اژیو خونه خوش و اسش مراقبت اشکه. ولی محض بی آبرویی تامار، اُ امنون متنفر بو. ابشالوم انتظار اژیو باش، بی کوکای اندریش تنبیه اکن. داوود پادشاه وختی شروری امنون ششنبوی، خشمگین گه، ولی هیچ کار اشکنه. ابشالوم ا فقدان عدالت باش تباه گه.

تامار ی رو ردهون سلطنتی که مخصوص دختون باکره پادشاه بو، اشپوشی بو، حالا لباس شرمساری بی تنش بو. اُ دخت زیبایی بو و احتمالا احترام بالایی اِدِ مردم اژیو. حالا اُ تو تنهایی زندگی شکه و اشنیتونست ازدواج اکن، چون دگه باکره نبو. ای کار منصفانه ای نبو. تامار با دستور پادشاه اِدِ امنون ره بو و برش تجاوز اشکیبو. زنگی ای دخت اُ دس ره بو؛ در حالی که مردکه ای که ای وحشی گری انجوم اژدabo طوری زندگی شکه که ازلا اتفاقی نفتان. تامار متحمل ای همه بار گه بو و زندگیش داغمون گه بو. روزون رد گه و ابشالوم بی ددای غصه دارش شدی. زندگی کامل ی شاهزاده تبدیل گه بو بی کابوس. ابشالوم ی سال منتظر گه تا باش کاری انجوم اده، ولی داوود هیچ کاریشکنه. ابشالوم نزیب بی باش لغزش اشخا و اُ امنون ظالم، متنفر گه.

بعدِ دو سال تنفر نریت به امنون، نقشه قتلش اشکشی. احتمالا ابشالوم ایطو فک شکه: «انتقوم ددام اگیرم؛ چون پادشاه تصمیم اژگن هیچ کاری نکن.»

او جشنی بی همی پُسن پادشاه ترتیب اژدا و زمونی که امنون فکرش اشنیکه، ابشالوم ششکشت. بعدِ بی جشور گروخت و انتقومش آ امنون محقق گه. ولی لغزش ابشالوم نریت بی باش همچنون قویتر اگه؛ به خصوص زمونی که آ قصر دور بو.

فکرون ابشالوم توسط تلخی، زندونی گه بو. آ بی منتقدی ماهر در رابطه با ضعفون داوود نبدیل گه. ابشالوم امیدوار بو که باش دمبالش افرستی، ولی داوود ای کار اشنکه و ای حرکت، بی انزجارش بیشتر دومن اشزه. شاد ابشالوم ایطو فک شکه: «بام اِ مردم، مردی نومدار و گتن. ولی اونان نریت بی ذات حقیقیش کورن. اُ فقط ی مرد خودخواهن که آ خدا بی لاپوشونی خوش استفاده اکن. بی چه! اُ بدترن آ شائول پادشان. شائول تخت پادشاهیش آ دس اژدا؛ بی ایکه پادشاه عمالقیان اشنکشت و ی تعدادی آ گاوونش برشون اشبخشی جاش. بای مُ با زن یکی آ وفادارترین سربازونش زنا اشکه. بعدِ بی گناهش با کشتن مردکه لاپوشونی اشکه. اُ قاتل و زناکارن و بی همی هم بی امنون تنبیه اشنکه و همی ای کارون با مثلا پرستش دروغکای به پیهوه لاپوشونی اشکه».

ابشالوم سه سال تو جاشور موند. داوود آ مرگ پُسن امنون آروم گه بو و بی یوآب پادشاه قانع اشکه که بی ابشالوم بر اگردونی. ولی داوود هنو آ ایکه رو در رو باش روبرو ابو، امتناع شکه. دو سال دگه هم رد گه و داوود سرانجوم بی ابشالوم لطف اشکه دوبارته امتیازون کامل برش اژدا. ولی لغزش تو دل ابشالوم همچنون قوی موند.

ابشالوم ماهرونه بی ظاهرش حفظ شکه. پیش آکشتن «... بی کوکاش امنون، نیک یا بد اشنگو؛ چون اسش متنفر بو» (دوم سمویل ۱۳:۲۲) خيله افرادون شاشا بی لغزشنشون مخفی اکتن و مئه ابشالوم تو دل خوشون تنفر شوباشه.

آخارج آ ای نگاه انتقادی توهین آمیز، شروع اشکه بی جذب افرادونی که ناراضی بودستونی خوش در دسترس همی اسرائیلون شهشت و وخت شنا تا شکایتونشون اشنوبی. آ متاسف بو که خوش پادشا نی تا اتون شرایط مناسبی فراهم اکن. اُ بی مسائل مردم داوری شکه؛ چون بنظر اومه پادشاه وختی بی ای کارون اشنی. شاد

ابشالوم بی ای دلیل بی مسائلون مردم رسیدگی شکه که، چون احساس شکه داوود در مورد خوش عادلونه قضاوت اشکن.

به نظر اومه که نگران مردمن. کتاب مقدس اگو که ابشالوم بی دل قوم اسرائیل آ باش داوود، اشدزین. ولی ایا خالصونه نگران مردم بو یا پی ای بو که بی داوود پادشا آ پا در بیاری، کسی که برش لغزش اشدابو؟

ماهرونه تو مسیر اشتباه

ابشالوم، توجه اسرائیل بی خوش جلب اشکه و جیلو داوود قیام اشکه. داوود پادشا بی حفظ زندگیش باد آ اورشلیم فرار شکه. بنظر اومه که ابشالوم شخاست پادشاهی خوش مستقر اکن. ولی جای ای کار، وختی تعقیب داوود بو، کشته گه. گرچه که داوود فرمون اژدابو که زنده نگه شکن.

در واقع ابشالوم توسط تلخی و لغزش خوش کشته گه. مردی با ایطو توانی وارث تاج و تخت بو، ولی اول جوونیش جون مرگ گه، چون آ بدهی که فک شکه باش نزیت برش اشن، دسش اشنواگه. اخرشم، آلوده گه. دستیارون رهبرون تو کلیسا، اغلب توسط کسونی که داره برش خزمت اکن لغزش اخارن. اونان زودی عیبجو و انتقادگر ابنو تو همی مسائل مربوط بی رهبرونشون یا افرادونی که اونان منصوب اکن، خرده اگیرن. بی همی اونان لغزش اخارنو دیدشون بی انحراف کشیده ابو. اونان یطو د نزیت بی نگاه خدا به اوضاع نگاه اکن.

اونان ایطو باور شوهه که خزمتشون تو زندگی این که بی اطرافیونشون آ رهبری بی انصاف نجات ادن. اونان بی دل افرادون ناراضی و غافل بدست ایارن و قبل ایکه ادونن، درست مئه ابشالوم بی تخریب و تجزیه کلیسا یا مینستری دامن ازنن. ی وختونی مشاهدانشون درستن. شاد داوود باد کاری در مقابل امنون انجوم شدا. شاد ی رهبر اشکالونی اشن. قاضی کین، شمایا خدا؟ یادتون ابو که اگه بی نزاع اکارین، همو درو اکین.

آنچه بی ابشالوم اتفاق افتا و آنچه در خدمتون همروزی اتفاق افته، فرآیندین که زمان ابره. ما معمولا نزیت بی لغزشی که وارد قلبمون گن، نادونیم. ریشه تلخی، وختی داره رشد اکن، سخت ابو شیبینی. ولی همچنون که تغذیه ابو، رشد اکن و قویتر ابو. هموطو که نویسنده عبرانیان درخواست اکن: «مواظب ایین کسی آ

فیض خدا محروم نبو، و هیچ ریشه تلخی رشد نکن، مبدا باعث ناآرومی ابو و بی خیلیون آلوده اکن.» (عبرانیان ۱۲: ۱۵)

ما باد بی دلونمون انتحون اکنیم و بی خومون نزبت بی اصلاح خدا باز اکنیم؛ چون فقط کلوم آشبا بی افکارون و نیتون دلونمون تمیز اده. وختی روح القدس آ طریق وجدان فرد گپ ازن، بی ما ملزم اکن. ما نباد نزبت بی الزامش بی توجه ابیم و برش اطا اکنیم. اگه کسی ایطو کاری اشکن، در حضور خدا توبه اکن و دلش نزبت بی اصلاح واز اکن.

ی رو خادمی دریاری کاری که انجوم اژدابو، آ مُ اشپرسی که مئه ابشالوم عمل اشکن یا داوود؟! اُ تو نقش معاون، بی شبانی خزمت شکه و شبان اخراجش اشکه. به نظر ایطو اومه که شبان ارشد، نزبت برش حسادت اژیون و آ ای مرد جوون شترسی؛ چون دست خدا برش بو. ی سال بعد خادمی که اخراج گه بو، معتقد بو که خدا اسش اشخاستن که ی کلیسای اوطری شهر بنا اکن. بی همی، دس بکار گه و بعضی کسون آ کلیسای که ترک اشکیبو، اومستن بیرون و برش ملحق گشتن. اُ مشکل پیداشکه؛ چون اشنیخاست مئه ابشالوم عمل اکن، ولی ظاهرا هیچ لغزشی نزبت بی شبان قبلندیش اشنبو. اُ با هدایت خدا - نه با واکنش نزبت بی رفتارونی که باش گه بو-، شروع بی تاسیس کلیسای جدید اشکه.

مُ تفاوت بین داوود و ابشالوم یادش امیوو؛ چون نزبت بی رهبرش لغزش اشخابو. داوود، بی بقیه تشویق شکه تا نزبت بی شائول وفادار امون؛ گرچه که شائول بی اُ حمله اشکیبو. ابشالوم بی افراد دور خوش جمع شکه. داوود، تنهای بی اوجا ترک اشکه.

اسش امپرسی: «آیا تو به تنهایی بی کلیسات ترک اتکن؟ آیا کاری اتنکه که بی مردم تشویق اکنی تا بات ایان یا است حمایت اکن؟»

اژگو: «مُ تنهایی اُجا ترک امکه و کاری امنکه تا مردم اِد خوم جمع اکنم».

«بسیار خوب! تو مئه داوود عمل اتکن. اطمینون حاصل اکن که اشخاصی که اِدت ایان، نزبت بی شبان قبلندیشون لغزش شنخان و اگه ایطوون، بی اونان بطری آزادی و شفا هدایت اکن!»

کلیسای ای مرد، الان برکت پیداشکن. اُنچه دربارش امفهمی، ای بو که آ امتحون کردن دلش هراسی اشنی. نه فقط ای، بلکه بی خوش تسلیم مشورت

الاهی هم اشکیبو. برش اهمیت بالایی اژیو که بی خوش تسلیم راهون خدا اکن، تا
ایکه اخاتن بی «راه درست» نشون اده.

مترسی آ ایکه اجازه ادین روح القدس بی هر عدم بخشش یا تلخی آشکار اکن.
هرچه بیشتر مخفی اکنین، قویتر ابو وریشه اش تو دلتون سخت تر ابو. خوش قلب
امونین. چیطو؟

«هر طو تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی
آ خوتون دور اکنین. با همدگه مهربون و دلسوز ابین و هموطو که خدا
بی شما در مسیح اشبخشین، شمام بی همدگه ابخشین».

– افسسیان ۴: ۳۱-۳۲

ما معمولاً تو مبارزه با لغزشونی رشد اکنیم که در رابطه با اونان تربیت نگشتیم.

کتاب «تلی شیطون» امخوندن؛ چه کتاب پریکتین! بی ای کتاب بی
خیلیون پیشنهاد امدان. خدا حقیقتاً آهمی طریق تو زندگیم عمل اشکن. آ
نویسندش، خيله ممنونم!

– اس. تی. (جورجیا)

تلی فرار

«بی همی، سخت اکوشم تا نذبت بی خدا و مردم با
وجدونی پاک زندگی اکنم».
— اعمال رسولان ۲۴: ۱۶

آزادی آ لغزش، تلاش و کوشش سختی اطلبه. بولس بی ایکار بی ریاضت و
تمرین مثال ازن. اگه بنمون تو معرض تمرینون قرار ادیم، کمتر برمون اسیب و
صدمه وارد ابو. ی رو تو هاوایی آ دیواری داره بالا ارفتم تا عکس اگیرم. در حین
ایکار، ی دسته عضله ان زانوم کشیده گه و تا چار رو امنیشستی راه اشم.
فیزیوتاراپ بی مُ اژگو: «اگه مئه همیشه ورزش و تمرین تکه، ای اتفاق نیفتا.
چون عضلانت شکل اشنگن، مستعد صدمه ان!»
وختی امتونست راه اشم، شخص کارآزموده دگه ای بی مُ آموزش اژدا: «تو باد

ای تمرینون انجوم ادی تا عضلان زانوت بی شکل و وضعیت مناسب براگرده.»
چن ماه طول اشکشی تا زانوم بی حالت طبیعی براشگشت. واژه یونانی در اعمال ۱۶:۲۴ بی ریاضتن askeo یکی آواژه نامه ون، بی ریاضت و تمرین ایطو تعریف اکن:
«تحمل درد، تلاش، ورزش با تمرین یا انضباط».

بعضی اوقاتن دگرون بی ما لغزش ادن و بخشش دشوار نن. ما دلونمون تمرین مدان تا اونان تو موقعیتی قرار اگیرن تا بی لغزش کنترل اکنن. بی همی، هیچ آسیب یا زیان دائمی عاید نیبو.

خیله افرادون شاتونست آدیوار توهاوایی اشن یالا و اسیم نبینن، چون ورزیده و اماده بودن. همیطو عده ای بی خوشون تربیت شکن تا با تمرینون درونی، آ خدا اطاعت اکنن. درجه بلوغمون معلوم اکن چقه خوب ماشا لغزشون بی اسیب، کنترل اکنیم. بعضی لغزشون باد بیشتر مبارزه اکنی تا اونانی که برشون تربیت گشتستیم. ای کشش اضافی شاد باعث زخم و یا جراحت ابو تا بعدش بی ازادی و شفا دوبارته، تمرین روحانی موباشه. ولی نتیجه، و ورزش ای تلاش اشن.

هدف ای فصل، این که بی ای لغزشون سخت اپردازیم که بی رفعشون نیاز بی تلاش بیشتر اشن. وختی، اتفاقی تو زندگیم افتا که خادمی توش دخیل بو. ای لغزش شدیدی که تجربه امکه، بی مُ بی انزوا اشکشوند، ولی یکی آ چن تا مشکلی بو که با ای شخص امبو و تو ی سال نیم شدید گه. دوربری یونوم که جریان شافهمی شپرسی: «آزرده نیستی؟ قصد اتن چه اکنی؟ فقط تا مقاومت اکنی و کارت انجوم ادی؟»

مُ امگو: «مُ خوُبم. ای کار تأثیری بی مُ اشنبو. موا با دعوت و خواندگی ای که تو زندگی امن، جیلو اشم.»

ولی جواب مُ چیزی بیش آ غرور نبو. مُ بی نهایت آزرده بودم، ولی انکار مکه، حتا اِ خوم. ساعتها صرف مکه تا افهمم ای مسائل چیطو ششاستی برم اتفاق افته. مُ تو شوک، بهت و حیرت بوم. وختی وارد ای واقعیت ابوم که ضعیف و خیله زخم خوردم، ای افکار سرکوب مکه و به نظر مردی قوی بی خوم مگه.

ماهون رد گه. همه چی به نظر کسالت بار اومه. خزمتم تحلیل ره بو. امنیتونست دعا اکئم و عذاب مکشی. هر رو با روحون شرور مجنگی. فک مکه ای همه مقاومت، محض دعوتین که تو زندگیم امن، ولی در حقیقت آ عذاب، محض

عدم بخشش بو. هر وخ دور و بر ای مرد بودستوم احساس مکه آنظر روحانی ضعیف و بهم ریخته اوم. بعد صبحی اومه که ازلا فراموشش نیکنم. رو پله حیاط خلوتمون نش بودوم ودعا مکه و امپرسی: «خدایا آیا مُ آزرده وم؟» هنو ای کلمان آ دهئُم نومه بو لرد که فریاد درونی روحوم مشنو: «بله!» خدا شخواست مطمئنم اکن که ادونم آزرده وم.

درخواست امکه: «خدایا، لطفا کمکم اکن تا آ ای آزردگی و لغزش بیامن لرد. ای مشکل ایقه برم گتن برایم که نیتونم کنترل شکونم» ای دقیقا جایی بو که خدا آسُم شخواست، یی آ قوت خوم ناامید ایم. خيله وختون سعی اکنیم بی قوه خومون کارونی انجوم ادیم. ای باعث نیبو که ما آنظر روحانی رشد اکنیم، بلکه جاش، نزبت بی سقوط با استعداد تر ایم.

اولین قدم بی شفا و آزادی این که تشخیص ادین آزرده این. غرور معمولا اشنیوا قبول اکنیم که آزرده و لغزش خورده ایمن. وختی مُ وضعیت حقیقی خوم قبول امکه، دمبال خدا گشتُم و نزبت به اصلاحونش روشن گشتم. احساس مکه خدا آسُم شوا بی چن رو روزه اگیرم. روزه بی مُ تو موقیتی قرار اده که نزبت بی صدای روحش حساس ایم و فایده هون دگه ای هم اشن.

«مگه روزونی که مُ افسندُم ای نن که بندون شروری وا اکنین و گره

هان یوغ وا اکنین و بی مظلومون آزاد اکنین و بی هر یوغی خرد اکنین؟»

– اشعیا ۵۸: ۶

مُ اماده بودوم تا بندون شروری خورد ابو و آ ظلم آزاد ایم. چن رو بعد تو ی مراسم ختم شرکت امکه. مردی که بی مُ لغزش اژدابو هم اوجا بو. آ پشت سر شمیدی تو کلیسا و امزه زیر گریخ. «خدایا، مُ شبخشم و هر کاری اشکین، بی خیال ایم.» بلافاصله احساس امکه که بار سنگینی آ رو شونم بلند گه. مُ شمبخشی بو. تو آلحظه، احساس رهایی قشنگی مکه.

ولی ای فقط شروع بهبودیم بو. تو دلم شمبخشیبو، ولی آ عمق زخمونوم خبر امنبو. هنو حساس بودُم و اسیب پذیر بودُم. ای قضیه دیقا مته بهبودی ی جراحت جسمی بو. تمرین نیاز امبو تا دلم، فکر و احساسونم قوی اکنم تا آ زخمون اینده امونم باشه.

با برگشت و پیشرفت آزرده ای، په باد اکن؟

چن ماه رد گه. گاپي باد با بعضی فکرونی که امبو و قبلند امبخشی بود، مجنگی: «شاد اُ مردی که بی مُ آزار شدا، ابینم یا اسمش اشنوم ... شاد بی کسی ابینم که مته مُ اسش آسیب اژدین و اِد مُ اسش شکات اکن». ای فکرون تا توجهم جلب شاکه، آخوم دور مکه و برشون نهیب مدا. (دوم قرتیان ۵:۱۰ ابینین.) ای تمرین یا تقلای مُ بو تا آزاد امونم.

نهایتن، آخدا امخاست یطو نهله که فکرونم اشو طری عدم بخشش. مدونست که اُ درجه بالاتری آزادی برم اشن و امنیخاست باقی عمرم توقدرت بازوون لغزش زندگی اکنم. خدا تعلیم اژدا تا بی مردی که بی مُ آزرده اشکیبو، دعا اکنم و کلومش یاد اکنم:

«ولی مُ برتون اگم بی دشمنون خوتون محبت اکنین و بی اونانی که آزارتون ادن، دعای خیر اکنین».

— متا ۵:۴۴

پ بی همی، دعا امکه. اول صدام بیروح و ینواخت بو، بدون اثری آ اشتیاق؛ طبق وظیفه بی دعام اضاف مکه: «خدایا، برکت شاده. روزی خوبی شاده. توهمی کارونی که انجوم اده، کماک شکن. با نوم عیسا، آمین». چن هفته همیطو رد گه. بنظر اومه به هیچه جا نیرسیم. بعد ی رو صبح خدا بی مزمو ۳۵ یادوم اشیا. مُ هیچ ذهنیتی درباری مزمو امنبو، بی همی، رفتم امخوند. وختی بی وسطون بابش امرسی، موقیت خوم امدی:

«شاهدون ستمکیش اپا ابن، و دربارته آچیزونی که خبرم نی، بازخواستم اکن. بی سزای نیکوی، بدیم مکنن و روزگارم سیاه اکن».

— مزمو ۳۵:۱۱-۱۲

متونست بی خوم با داوود یکسون ابیئم. بنظروم، هم اُ مرد و هم بعضی معاونوش با مُ، عوض خوبی، بدی شکیبو و جونوم تواندوه بو.

خدا آ ای مزبور استفاده شکه تا جنگ مُ طی ای چن سال معین یاد
ایاری. تو ادامه ایه ون، ی بخشی امخوند که ی دوفه آ جام پاگشتم:
«ولی اوموقع که ایشون بیمار بو، مُ پلاس در بر مکه، و جون خوم با
روژه داری رنجور مکه. چون دعام بی جواب بر شگشت، مویه کنان
مره، اوموقع که بی دوست یا کوکام ماتم اکنم. مته کسی که بی ننش
زاری اکن، آ اندوه زیاد سُرُم خم مکه».

— مزبور ۳۵: ۱۳-۱۴

داوود اعتراف اکن ای مردکان سعی شبو نابود شکنن. اونان با بدی برش حمله
شُکه؛ اُ هم وختی که اُ هیچ کاری که سزاوار بدی ابو، انجوم اشندابو. بعدِ جوابم
اومه: «ولی موقعی که»...

واکنش داوود با اعمال دگرون نبو. تصمیم اژگیبو چی که درستن انجوم اده.
برشون دعا شکه؛ مٹی که کوکان نزیکش بودن یا مته کسی که بی فوت ننش
داغدارن. خدا نشونم اژدا که چیطو بی ای مرد دعا اکنم: «تو در مورد همو چیزونی
برش دعا اکن که توا مُ برت انجوم اڈم». پ بی همی، دعاھون مُ کاملن تغییر اشکه.
دگه ایطو نبو: «خدایا برکت شاده و روز خوپی برش تدارک ایبن».

بلکه حیات تو اُ دعاھون دمیده گه. مُ دعا مکه: «خدایا یطوگت تر بی خوت
برش آشکار اکن. با حضورت مبارک شُکن. اجازه شاده تا بی تو صمیمونه تر
اشناسه. باشه که اُ بی تو خشنود اکن و بی نومت احترام اژباشه.» مُ هر چی که دعا
امکه که مخواست خدا تو زندگی خوم انجوم اده.

با ی ماه دعا همراه با اشتیاق برش با صدای بلند گریخ امکه: «مُ برکت تڈم!
مُ بی تو با نوم عیسا دوست امن!» اُگریخون اُ عمق روْحم بو. مُ اُ دعا برش محض
خوم بیرون اُستم و بی خوش و محض خوش برش دعا مکه و ایمون امبو که شفا
کامل گن.

شفا با روبرو گشتن

چن هفته رد گه دوباره شمدی. یکم احساس ناآرومی تو قلبوم بو. هنو با
احساس میل بی عیبجویی، تو جنگ بوستم. همسرم ایطو تشویقم اشکه: «جان،

تو باد اشی اِدش! «مُ مطعنشم امکه: «نه ای کار نیکنم. مُ دگه شفا پیدامکین.» احساس امکه که روح القدس درونم شهادت نیده که با چیزی که امگن، موافقن. بی همی، آ خدا امپرسی که آیا باد اشم اِدش؟! اژگو: هُ. با اُ مرد قرار امهشت و برش هدیه ای امبو. بی خوم فروتن امکه و به نگرش اشتباهونم اعتراف امکه و طلب بخشش امکه. آشتی مکه و بخشش و شفا تو قلبم جاری گه. ا دفتر کارم با شفا و قوت ادمم لرد. دگه لازم نبو که با درد اجنگم و نزت برش حالت انتقادی امباشه. ارتباطمون آ او موقع قویتر گه و ما دگه هیچ مشکلی منبو. در حیقت، ما خيله حامی همدگه ایم. به لیزا امگو: «وختی اولین بار به ای مرد امدی، آ دید مُ اشنیتونست اشباه اکن. و هیچ تقصیری توش امنیدی. دوستش امبو، چون فک مکه فرد کاملین. ولی وختی اسش امرنجی، سخت بو دوستش امباشه. ای عمل، هر ذره ایمونی که امبو، اُسُم شگه. حال که ای روو احیا رفتم و شفا امگن، با همو شدتی دوستش امن که دوفی اول شمدي؛ با وجود همی عیبون، و ای ی محبت بالغن.» ای آیه کتاب مقدس اومه تو ذهنم:

«مهم تر آ همه بی همدگه شدید محبت اکنین، چون محبت بی خيله گناهون اپوشونه.»

— اول پطرس ۴: ۸

آسونن بی کسونی محبت اکنیم که ما فک اکنیم اشتباه نیکنن. ای مئه عشون دوره ماه عسلن. دوست داشتن بی کسونی که ماشا تقصیرونشون ابینیم، ی چی دگن، بخصوص زمانونی که قریونیشون بودستیم. محبت خدا بی مُ رشد شدا و بی دلم قوت شدا.

آ ا موقع تا همرو، موردون مشابهی تجربه امکن، ولی کلن باد اگم خيله وخت اشنکه تا آ لغزش ازاد ايم. شاد بی ای بو که دلم تمرین اشکیبو تا آ لغزش آزاد امونه. چن ماه آ موقی که خدا تو حیاط خلوت با مُ گپ اشزه تا روزی که ا دفتر مردکه شفا اگیرم و ایام لرد، رد گن. ای اتفاق، ی دوره پرورش و تربیت بو که بی مُ تمرین ازدا و تقویت اشکه. تو ای ماهون وختون زیادی بو که فک مکه بی هیچه جا نیرسم. درواقع آ خوم مپرسی داره اشم طری بدی!

ولی الان رو جادی امن بهبودی بودستم؛ روح خدا بی مُ تو مسیری سبو که مشاستی بی امور کنترل اکنم. ای بخشی آ راه روش بلوغ مُ بو. ا تجربه با هیچ چی تاق نیزنم و بی رشدی که تو زندگیم اشیوو، سپاسگذاروم.

بلوغ آ رای سختی

ما تو وختون تنگی و دشواری رشد اکنیم؛ نه تو وختون اسایش و راحتی. جاهان سخت، همیشه سر رای سفرمون با خدا قرار اگیرن. منیشا اسشون فرار اکنیم، بلکه باد باشون روبرو ابیم؛ بی چه گه قسمتی آ راه روشین که ما توش کامل ابیم. اگه بی فرار اسشون انتخاب اکنیم، جدی جدی جیلو رشد خومون اگیریم.

وختی بی مانعان مختلف غلبه اکنین، قویتر و دلسوزتر ابین. همیطو هم بیشتر عاشق عیسا ابین. اگه آ سختیون بیان در و ایطو احساسی تونباشه، احتمالاً آ لغزش بهبود پیدا تنکین. بهبودی با انتخاب خوتونن. بعضی مردم اسیب ابینن و هیچ موقع خب نیبن. اونان خوشون بی خوشون ای رنج شاوا.

عیسا بی اطاعت با چیزونی که برش رنجش شدا، یادارگه. پطرس بی اطاعت با چیزونی که رنجشش شدا، یاد ارگه. پولسم همیطو. در مورد شما چیطورن؟ ایا شمام یا توگن؟ یا ایکه سنگدل، سرد، تلخ و منزجرین؟ اگه ایطوون، پ شما اطاعت یا تونگن. بله، درستن که بعضی لغزشونم هه که مته «اووی که آ پشت اردک اریزه» آ بین نیشو. شما باد بین اونان تلاش اکنین و تقلا اکنین تا آزاد ابین. تو ای فرآیندن که رشد اکنین و بالغ ابین.

بلوغ، اسون دست نیا. اگه ایطو بو، همه شبو. عده کمی محض مقاومتی که باش روبرو ابن، بی ای سطح آ زندگی ارسن. البته محض ایکه روند جامعه مون روحانی نن بلکه خودخاهونن، مقاومت وجود اشن. دنیا زیر تسلط «رئیس قدرت هوان» (افسیسان ۲:۲) در نتیجه بی ورود بی بلوغ مسیح سختیونی هن که آ ایستادگی مقابل جریان خودخواهی حاصل ابو.

پولس بی سه تا شهری که توشون کلیسا راشنداخت و، برگشت. هدفش تقویت درونی شاگردوش بو. بی همی، جالبن که ابینیم چیطو برشون قدرت اده.

او بی اونان ایطو تشویق شکه:

«تو اُ شهرون بی شاگردو تقویت شکه، برشون بی پایداری ایمونشون
تشویق شکه و پند شدا که با تحمل خيله سختیون بی پادشاهی خدا
راه پیدا اکنیم».

— اعمال ۱۴: ۲۲

اُ قول زندگی اسون برشون اشندا. وعده اشندا که اونان با سبک زندگی دنیایی
موفق ابن. اُ برشون نشون اژدا که اگه شاوا دور خوشون با خوشی تمون اکنن، باد
با مقاومت بالایی که اسمش اشناو مصیبت، روبرو ابن.

اگه تو روخونه ای خلاف جهت اوو اشین، باد دائوم پارو دین تا اتونین مقابل
جریان اوو جیلو اشین. اگه پارو مزین و استراحت اکنین، عاقبت جریان اوو تابره.
همیطوهم، حتی تصمیم اگیریم تو راه خدا پا بلیم، با مصیبتون زیادی روبرو ابیم.
همی آزمایشون بی ی جواب اصلی نشون اده: آیا شما مئه دنیا بیشتر فکر خوتونین
و مواظب خوتونین یا پی زندگی توام با انکار نفسین؟

یادتون ابو وختی ما زندگیمون محض عیسا آ دست ادیم، بی اُ پیدا اکنیم. باشه
که یاد اگیریم بی نتیجه اخر تمرکز اکنیم نه بی تقلاهور. پطرس بی ای نکته خوب
بیون اکن:

«ای عزیزون، آ تثنی که بی امتحون الهی بیتون شنداخن، تعجب
مکنین، هنگاری چیز عجیب غریبی برتون اگذره. بلکه شاد ابین آایکه تو
رنجون مسیح داره سهیم ابین، تا موقی ظهور جلالش خيله شادمون».

— اول پطرس ۴: ۱۲-۱۳

توجه اکنین که اُ وسعت رنج با وسعت شادی مقایسه اکن. چیطو تاشا بی ای
وسعت شادی اکنین؟ وختی جلالش آشکار ابو، شمام باش جلال ایابین. ای جلال
در حدین که اجازه ادین تا شخصیتش تو شما کامل اسازه. پ به لغزش نگاه مکنی،
بلکه بی جلالی که تو راهن نگاه اکنین. هلولیاه!

مهم این بی کوکای لغزش خورده کمک اکنین، جای ایکه حقانیت خوتون ثابت اکنین.

مُ هیژده سالمن و آ خونوادی تکوالت ایامن که ی خواهر دوقلوم و تو ی
خانوادای عالی زندگی اکنم. آ اوجایی که ازلاپی بای جسمانییم امندین، توطول
همی زندگیم شمنبخشین. بووایم حیقتن مرد با خدایین. اُ کتاب تلی شیطان
بی مطالعه اژدا بی مُ . بعد خوندنش، امتونست بی بام کامل ابخشم.
- ان. ام. (نیومکزیکو)

هدف: صلح و آشتی

« تشنوتن که بی پیشینیون شگن، قتل مکن، هر که قتل
 اکن، سزاوار محاکمن. ولی مُ برتون اگم، هر که بی کوکاش
 خشم ایگی، سزاوار محاکمن؛ و هر که بی کوکاش
 خوش «راقا» اگو، سزاوار محاکمه در حضور شوران؛
 و هر که بی کوکاش احمق اگو، سزاوار آتش جهنم ابو. پ اگه
 موقی تقدیم هدیه بر مذبح، یادت اومه که کوکات چیزی آ تو
 تو دلشن، هدیه ات بی مذبح ول اکن و اشو با کوکات آشتی
 ابه و بعد بر اگرد ایا و هدیه ات تقدیم اکن».

— متا ۵: ۲۱-۲۴

ای نقل قولی آ موعظه سرکوهن. عیسا با ای جمله شروشکه: « تشنوتن که بی
 پیشینیون شگن...» و بعد ازگو: «ولی مُ برتون اگم»... عیسا بی ای مقایسه ساسر

ای بخش آ پیغومش ادامه اده. اول آ شریعت نقل قول اکن که کارون ظاهریمون تنظیم اکن. بعد محقق شدن شریعت توسط ورودش بی دل نشون اده. بی همی، تو نگه خدا ی قاتل محدود بی کسی نیبو که قتل اشکن بلکه شامل کسی آ کوکاشم متنفرن هم ابو. شما واقعا هموین که تو درونتونین نه آ که تظاهر اکین!

عیسا آشکارا بی عواقب لغزش تو ای بخش موعظش مشخص اکن. آ بی سختی نگه کردن عصبانیت یا تلخی لغزش آشکارونه اگو. اگه کسی بی علت نزبت بی کوکاش عصبانین، تو خطر داورین. آ تو خطر قصاصن اگه آ عصبانیت نتیجه اده و بی کوکاش «راقا» خطاب اکن. واژه «راقا» ینی احمق یا «کسی که مغزش پوکن». ای واژه اصطلاحی ملامت آمیز بو که تو زمون مسیح بین یهودیون کاربرد اژبو. اگه عصبانیت به نقطه ای ارسه که فردی بی کوکاش احمق خطاب اکن، تو خطر جهنم قرار اشن. واژه احمق معنیش ابو «بی خدایی». احمق تو دلش اگو که خدایی نی. (مزمور ۱۴:۱ را ببینید).

تو آ دوره ان، بی کوکا احمق شاگو، ی اتهام کاملند جدی بو. هیشکه ایطو چیزی اشنیگو مگه ایکه عصبانیتش تبدیل بی تنفر اگه. امروزه مته این که بی کوکامون اگوییم: «برو بی جهنم» و یطو جدی اگوییم.

عیسا بی اوانان نشون اژدا اگه با خشم و عصبانیت مقابله نکنن، اتون منجر به تنفر ابو و تنفیری که باش مقابله نبو، بی شخص تو خطر جهنم قرار اده. بی همی، عیسا خط نشون اشکشی که یادتون ایا که لغزشی بین خوشون و کوانشون هن، اولویت این که پیدا شکنن و پی آشتی ابن. بی چه ما باد ایطو فوری آشتی اکنیم، محض خومون یا کوکامون؟ ما باد محض آ اشیم که اتونیم نقش ی صافی موباشه تا کماک اکنیم تا آ لغزش بیاتن لرد. حتی اگه ما نزبت برش لغزش مونخان، محبت خدا اجازه نیده که بدون اشتی و احیای رابطه باش، اجازه ادیم عصبانیت باقی امونی. شاد ما کار اشتباهی منکین. درست یا غلط مهم نن. مهمتر اثبات حقانیت خومون، کماک بی آ کوکای لغزش خوردن.

سناریوهون نامحدودی بی لغزش هن. شاد شخصی که ما لغزشش مدان، با خوش فکر اکن که ما تو برخوردمون باش نادرست و ناعادلونه برخورد مکین، در حالی که در اقع ما برش ازلا آزاری موندان. آ شاد اطلاعات نادرستی اشن که باعث نتیجه گیری نادرستی گن.

آطری د، اُشاد اطلاعاتی درستی اشن که باعث نتیجه گیری نادرستش گن. شاد چیزی که ما مگن، در حالی که اُراهون ارتباطی زیادی اگذری، در اثر سوتفاهم منحرف کن. هر چه که ممکن نیتمون آزار نبون، ولی گپون و اعمالمون چیزی دیگه نشون اژدان.

ما معمولاً بی خومون با نیتنمون و بی دگرون با اعمالشون قضاوت اکنیم. گایی ممکن منظورمون چیز دگه ابو، در حالی که چیز کاملن متفاوتی انتقال مدان. بعضی وقتون انگیزه ان حقیقیمون یطو زیرکونه حتا اُخومونم مخفی ابو. دلمون شوا باور اکنیم که انگیزانمون خالصن، ولی وختی بی اونان اُطریق کلوم خدا صافی اکنیم، بی اونان کاملاً متفاوت ابینیم. بالاخره ممکن ی گناهی بی شخصی انجوم مدان؛ عصبانی یا زیر فشار بودستیم و سر اُشخص خالی مکن. یا شاد ای شخص مدام و آگاهونه بی ما لقد اشپروندن و ما ایطو واکنش نشون مدان. دلیلش مهم نن، ای لغزش درک اُشخص تیره و تار اشکن و اُبا فرضیه وون، شایعه ان و ظواهر قضاوت اکن و بی خوش گول اده، آگه چه بی ای باورن که بی انگیزه ان حقیقیمون تشخیص اژدان. چیطو ماشا بدون اطلاعات درست، قضاوت درستی مباحسه؟ ما باد نزیت بی ای حقیقت حساس ابیم که با همی دل اعتقاد پیدا اکن که اشتباه اکن. بی هر دلیل، آگه اُایطو احساسی اشن، ما باد مشتاقونه بی خومون فروتن اکنیم و عذرخواهی اکنیم. عیسا بی ما توصیه اکن اشتی اکنیم؛ حتا آگه تو ای لغزش مقصر نبیم. فروتن گشتن بی صلح و اشتی نیازمند بلوغن. ولی قدم واگتنی کسی که آسیب اژدین، معمولاً مشکلن. بی همی عیسا بی اُشخصی که باعث لغزش بو اژگو: «اشو»...

طلب بخشش آکسی که لغزش اشخان

پولس رسول اژگو:

«پ پی اونچه موجب صلح و صفا بنای همدگه ابو، دمبال اکنیم».

— رومیان ۱۴: ۱۹

ای آیه بی ما نشون اده چیطو بی کسی که موجب لغزشش گشتستیم، نزدیک ابیم. آگه با نگی توام با نارضایتی اشیم، باعث صلح نیبو. ما فقط بی کسیکه آسیب دیدن، مشکل ایجاد اکنیم. ما باد نگرش توام با پیروزی اُصلح اُطریق فروتنی و بی

بهای اشکستن غرور خومون حفظ اکنیم. فقط آ ای راه بی مصالحه حیقی ابینیم. تو موقعان خاصی مُم بی کسونی که اسیب امرسوندن یا کسونی که نزت بی مُم عصبانی گشتستن، نژیک گشتم و اونان بی مُم لقد شوپروندن. بی مُم شگن خودخواه، بی ملاحظه، مغرور، خام، خشن و غیره بوم. واکنش طبعیم حکم شکه که اگم: «نه، مُم منظورم ای نبو. تو درست بی مُم درک نیکنی!» ولی زمونی که آ خوم دفاع اکنم، فقط تش لغزششون شعله ور اکنم؛ ای عمل پیروی آ صلح نن. ایستادگی بی خوت و «حقوق خوت» هرگز صلح حیقی دمبال خوش نیاره.

در عوض یاد امگن که اشنووم و دهنم بسته نگه اکنم تا اونان هر چه لازم، اگن. اگه باشون موافق نیستم، اجازه ادم که ادونن بی چیزی که شگن احترام قائلوم و اونان هم بی هدف و رفتار مُم جویا ابن. بعد برشون اگم که ابخشی که برتون ازار امد. مواقع دگه ای که اونان درک درستی آ رفتارم شوهه و حق باشون، اعتراف اکنم: «حق با شمان. مُم آ شما طلب بخشش اکنم».

ی بار دگه، ای بی سادگی بی معنای فروتنی بی ترویج و گسترش صلح و آشتین. شاد بی ای دلیل عیسا تو آیه ان بعدی ارگو:

«با شاکي خوت که بی تو محکمه ابره، تا هنو باش تو راهی صلح اکن، مبادا بی قاضی تاده و قاضی تحویل نگهبانت اده و زندون افتی. آمین، برت اگم تا قرون آخر نپردازی، آ زندون لرد نی.»

— متا ۵: ۲۵-۲۶

غرور دفاع اکن، فروتنی پذیره و اگو: «حق با تون. مُم ای طو عمل امکن. لطفا بی مُم ابخش.»

«ولی اُ حکمت که آ بالان، نخست پاکن، بعد صلح آمیز و ملایم و نصیحت پذیر، و سرشار آرحمت و ثمرات نیکو، و بری از تبعیض وریا».

— یعقوب ۳: ۱۷

حکمت الاهی نصیحت پذیرن. وختی اختلافون شخصی آ راه ارسی، حکمت الاهی، لجوج و نافرمان نن. شخصی که مطیع حکمت الاهی گه، مادامی که بی حق

زیر پا نهلی، آ ای که تسلیم ابو یا به نقطه نظرون شخص دگه احترام بهلی، نیتسه.

نزیکی بی کسی که بی شما لغزش اژدان

ما کاری که باد تو زمونی که باعث لغزش کوکانون گشتیم انجوم آدیم، با هم بررسی مکه، الان یی ابینیم زمونی که کوکامون بی ما لغزش اده، چه واکنشی باد مباحه.

«اگه کوکات بی تو گناه ورزی، اشو ادش و تو خلوتی خطاش برش گوشزد اکن. اگه گپت گوش اشندا، بی کوکات پیداتکن».

– متا ۱۸:۱۵

خیله آ مردم بی ای آیه کتاب مقدس رو متفاوتی آ آنچه مسیح مدنظرش بو، به کار ابرن. وختی ضریه اخارن، اشن و باکینه و عصبانیت با شخصی که لغزش اژدان رو به رو ابن. اونان بی ای آیه توجیهی بی محکومی کسی که برشون آزرده اشکن، اهلن. ولی اونان دلیل اصلی که عیسا برمون یاد اژدا تا ادهمده اشیم، نادید اگیرن. ای کار بی محکوم کردن نن، بلکه بی مصالحن. اُ اسمون اشنیوا که بی کوانمون اگوییم چقه برمون بد و مخرب بون. ما باد اشیم تا بی شکافی که مانع شفای ارتباطمون ابو، واگیریم.

ای مسئله مشابه همو روینی که خدا بی رابطمون با خوش شفا اژدا. ما جیلو خدا گناه مکن، ولی اُ «محببتش برمون ایطو ثابت اشکه که وختی ما هنو گناهکار بودیم، مسیح تو راهمون مُرد.» (رومیان ۸:۵)

آیا ما دوست موهه حفاظت آ خومون نادیده اگیریم و غرور خومون بلیم زیر پا تا دوبارته رابطهمون با کسی که باعث لغزشمون گن، درست اکنیم؟ قبل ایکه آ خدا طلب بخشش اکنیم، خدا دستش طرمون دراز اشکن. عیسا تصمیم اژگه بی ما بابخشه، پیش ایکه ما حتا لغزش و گناه خومون اشناسیم. گرچه دستش طرمون دراز اشکه، ولی ما منیشاستی با پدر صلح اکنیم تا ایکه کوم مصالحه اش دریافت مکه.

«اینان همه مال خدان که بی واسطه مسیح بی ما و خوش صلح اژدان و خزمت آشتی برمون شدا. بی گپ دگه، خدا در مسیح بی جهون با خوش آشتی شدا و گناهون مردم به حسابشون نیهشت، و پیوم آشتی

برمون شدا. پ سفیرون مسیحیم، طوریکه که خدا آزونمون بی شما
بی آشتی اخونه. ما آطری مسیح استون ماوا که با خدا آشتی اکنین».
- دوم قرنیتان ۵: ۱۸-۲۰

واژه آشتی یا مصالحه، آای چی مشترک شروع ابو که هممون جیلو خدا گنا مکن.
ما بی اشتی یا نجات میلی نشون نیدیم، مگه ایکه ادونیم جدایی هم هن. در عهد نو
شاگردون موعظه شاکه که انسونون بر ضد خدا گناه شکن. ولی چرا بی مردم شاگو
که گناه شکن؟ آیا به محض ای نبو که بی اونان محکوم اکن؟ خدا محکوم نیکن:
«چون خدا بی پُس بی جهون اشفرستا تا بی جهانینون محکوم اکن، بلکه اشفرستا تا
باش نجات پیدا اکن.» (یوحنا ۳: ۱۷) آیا بیشتربی ای نن که بی اونان ایاری جایی تا بی
موقعیت خوش پی ابره، آگناهونشون توبه اکن و طلب بخشش اکن؟
چی بی انسانو بی طری توبه ابره؟ جواب تو رومیان ۴: ۲ پیدا ابو:
«یا ایکه مهربونی، شکیبایی و تحمل عظیم بی آ خوار اکنی و غافلی که مهربونی
خدا بی این که بی تو طری توبه راهنما ابو؟»

نیکویی خدا بی ما بی توبه اکشونه. محبتش محکوم بی جهندمون نیکن.
محبتش برمون بی عیسا که اشفرستا ثابت اشکه؛ پس یگونش که محض ما رو
صلیب فوت اشکه. اول خدا دستش دراز اکن، گرچه ما بر ضدش گناه مکن. آ
دستش دراز نیکن تا محکوم اکن، بلکه تا رابطه برقرار اکن و نجات ابخشه.
آ آجایی که ما باد آ خدا الگو اگیریم (افسیسیان ۵: ۱ ابینین) باد صلح و آشتی
نزبت بی کوکایی که ضدمون گناه اکن، توسعه ادیم. عیسا بی ای الگو خوش قرار
اژدا: ادش اشو و گناش نشونش اده. محکومش مکن، بلکه هر چه که بین شما دو
نفر هن، رفع اکن و بی همی رو، مصالحه و احیا برقرار ابو. نیکویی خدا تو ما، بی
کوکامون بی توبه و احیای رابطه اکشونی.

«پ مُ که محض خدا تو بندم، استون تمنا امن بی شایستگی دعوتی
که استون شکن، رفتار اکنین. در کمال فروتنی و ملایمت؛ و با بردباری
و محبت بی همدگه تحمل اکنین. به سعی تمام اکوشین تا آ یگانگی که آ
روحن، بی یاری رشته صلح حفظ اکنین».

- افسیسیان ۴: ۱-۳

ما بی ای رشته صلح و سلامتی با حفظ دید فروتنانه، ملایمت و صبر و با تحمل ضعفون همدگه با محبت حفظ اکنیم. پیوندون محبتونه، ایطو تقویت ابو.

مُ جیلو کسونی که با محکومیت با مُ مقابله شکن، خطا امکن. در نتیجه، همی میلوم بی آشتی آ دس امدان و در واقع، فک مکه اونان قصد اشتی شنی و فقط شاوا مُ بی اونان بی عنوان دیوونه اشناسم. کسونی که مُ در مقابلشون اشتباه امکن، با ملایمت اومدستن اد مُ. بعد مُ سریع دیگاهم عوض امکه و طلب بخشش امکه، بعضی وختون هم قبل ایکه گپشون تمون ابو.

آیا تابحال کسی ادتون اومن تا اگو: «مُ فقط مخواست ادونی که تبخشم که دوست خوبی برم نبودی و ای کار یا اُکار برم انجوم اتندا؟» بعدِ وختی اونان ضایت اکنن، ای نقطه نظر برتون اگن که: «تو بی مُ ی عذرخواهی بدهکاری!» تو ایطو موقعیتی، متحیر ایین و با گیچی و رنجش خشکتون ازن. اونان نومدستن تا باتون آشتی اکنن، بلکه تا تهدید و کنترل تکنن.

ما نباد ادِ کوکاپی که لغزمون اژدان اشیم؛ تا زمونی که اَصمیم دل تصمیم منگن شبخشیسم، - مهم نن که او چیطو بی ما واکنش نشون اده، ما باد پیش آ ایکه نزدیکش اییم هر احساس دشمنی باش آ خومون دور اکنیم.

اگه ایطو نکنیم، احتمالا محض ای احساسون منفی، واکنش نشون اده و برش اسیب ارسونیم؛ نه ایکه باعث شفا و احیا اییم. الان ایینیم اگه ما نگرش درستی موباشه و سعی اکنیم با کسی که نزبت بی ما خطا اشکن، اشتی اکنیم، ولی اُ طرف توجه نکن، چه اتفاقی افته؟

«ولی اگه قبول اشکنه، یکی دونفر دگه با خوت ابه تا هرگپت با گواهی دو سه تا شاهد ثابت ابو. اگه اشنیخاست بی اونانم گوش اده، بی کلیسا اگو، و اگه بی کلیسا هم قبول اشکنه، اوموقع اجنبی یا خراجگیر تلقی شیکن».

- متا ۱۸: ۱۹- ۱۷

هر کدوم آ ای راهون، ی هدف شوهن: صلح و اشتی. عیسا تو اصل اگو: «به تلاش خوتون ادامه ادین!» توجه اکنین که چیطو کسی که باعث لغزش گن، توهر مرحله درگیرن. چقه نزبت بی کسی که برمون خطا اشکن، دچار لغزش اییم، قبل ایکه اشیم سروختش و هموطو هم که عیسا برمون اژگون، عمل اکنیم! ما دچار ای

وضع ابیم، چون با دلمون مواجه نگشتیم. وختی بی ماجرا بی دگرون آدید خومون تعریف اکنیم، احسا محق بودن اکنیم. وختی دگرونم بامون احساس همدردی اکنن که چقه بامون بدرفتاری گن، خیالمون اسوده ابو و دلیلمون موجه تر ابو. تو ای نوع رفتار، فقط خودخواهی وجود اشن.

کلوم آخر

اگه محبت خدا تو انگیزه هامون حفظ اکنیم، شکست نیخاریم. محبت هرگز شکست نیخاتن. وختی ما بی دگرون محبت اکنیم، طوریکه که عیسا بی ما محبت اکن، آزادیم، حتا اگه شخص دگه انتخاب اکن که بامون آشتی نکن. با دقت بی آیه زیر نگاه اکنن، حکمت خدا بری تمون موقعیتون تو دسترسن. «اگه امکان اشن، تا جای که بی شما مربوط ابو، با همه تو صلح و صفا زندگی اکنن».

– رومیان ۱۸:۱۲

آ اگو: «اگه امکان اشن» چون زمونی وجود اشن که دگرون امتناع اکنن بامون تو صلح ابن. یا شاد اشخاصی وجود شوهه که شرایطشون بی مصالحه، ارتباطمون با خدا به خطر اندازی. تو هر کدوم آ ای موردون، غیرممکن ای رابطه شفا ایابه. توجه اکنن که خدا اگو: «تا جای که بی شما مربوطن...» ما باد هر کاری که اتونیم بی صلح و آشتی با دگرون انجوم ادیم.

ما معمولا خيله زود تو رابطمون ناامید ابیم. مُ ازلا او موقع فراموش نیکنم که یکی آ دوستونم بی مُ مشورت اژدا تا آ ی موقیت خيله ناامید کننده کنار نکشوم: «جان، ادونم که تو تشا دلیلون کتاب مقدسی بی کنار کشیدن پیدا اکتی. ولی پیش آ ای کار، اول مطمئن به که با دعا باش اتجنگین و هر کاری که تشاستی تا صلح و ارامش خدا تو اُ موقیت وارد اکتی، انجوم اتدان!»

دگه اضافه اشکه: «افسوس اخاری اگه یه روز بی عقب براگردی و بی خوت اگویی: اگه همی چی که مشاستی، انجوم امدان، ای رابطه نجات پیدا شکه. بخرن مطمئن ابی که راه دگی نی و ایکه تا حدی که ممکن بون، بدون ایکه حقیقی بی خطر افته، عمل اتکن!» مُ آ مشورتش خيله خرسند گشتم و بی عنوان حکمت خدا

امگن. گپون عیسا یاد اکنین:

«خوشا به حال صلح کنندھون. چون اینان پُسن خدا خونده ابن».

– متا ۹:۵

اُشنگو: «خوشا بی حال حافظون صلح.» ی حافظ صلح، آ رویارویی با هر قیمتی دوری اکن تا صلح حفظ اکن، حتا اگه حقیقتی با تهدید روبه رو ابو. ولی صلحی که اُ حفظ اکن، صلح حقیقی نن، بلکه صلحی سطحین که دوومی اشنی. فرد صلح کننده، در حالی که حقیقت همراهشن، تو محبت اشوتن و با شرایط سخت روبرو ابو؛ طوریکه اُ صلحی که بدست شویون، دووم اشن. اُ ی ارتباط ساختگی و سطحی برقرار نیکن. اُ میل بی باز بودن، حقیقت و محبت اشن. اُ بی ایکه بی لغزش با ی لبخند سیاست دار مخفی اکن، ایکار نیکن. اُ با محبت صلحی روو اکن که کسی اشنیشا ششکنی.

خدا با ادم با ای روو عمل اکن. اُ اشنیوا همی چی نابود ابو. همیطوهم اشنیوا محض رابطه، حقیقت و راستی تو خطر افته. اُ پی اشتی با متعهد حیقین نه شرایط سطحی و ظاهری. ای باعث ایجاد پیوند محبتی ابو که هیچ بدی اشنیشا قطع شکن. اُ جونش محض ما فداشکه. ما فقط ماشا ایطو عمل اکنیم. یادتون ابو که گپ اخر، محبت خدان؛ محبت هرکز شکست نیخا، محو نیبو و هرگز پایون اشنی. ای محبت بی منافع خوش نن و اسون لغزش نیخاتن. (اول قرنئیان ۱۳:۵) پولس رسول اشنوشت که محبت بی همی نوع گناه غالبن:

«دعاهونم این که محبتتون هرچه بیشتر زیادتر ابو و با شناخت و بصیرت کامل همراه ابو، تا اتونین چیزون بختر تشخیص ادین و توروز مسیح پاک و بی عیب و آکنده آثمرون پارسای این که با واسطه ی عیسای مسیح به بار ایا و به تجلیل و سپاس خدا انجوم اگی».

– فیلیپیان ۱:۹-۱۱

محبت خدا کلید آزادی آ تله ای با طعمه لغزشن. ای محبت باد فراوون ابو محبتی که مداوم رشد اکن و تو دلونمون تقویت ابو.

بی همی، خيله کسون تو جامعه همروزمون، گول محبتی سطحی و ظاهری
شخان؛ محبتی که گپ ازن، ولی عمل نیکن. محبتی که جیلو لغزش خوردنمون اگی،
فداکارونه زندگیش زیر پا اهله، حتا بی خیریت دشمن. وختی ما تو ای نوع محبت
رفتار اکنیم، دگه نیتونیم گمراه ابیم و طعمه شیطان واگیریم.

عمل اُکنین

شاد در حالی که ای کتاب تخوندن، روح خدا روابطی آ گذشته تا الان یادتون
اشیان که چیزی علیه دگرون تو خوتون قایوم تکین. در نتیجه، حس اکنم که
دستور خدا این که بی رهایی آ ایطو مشگلی با همدگه ساده دعا اُکنیم.

ولی قبل دعا آ روح اقدس اخای تا دریاری گذشته باتون گپ ازن و بی هر که و
چی که اسش به دل توگن، یاد اکنین. در حضورش آروم امونین تا بی اونان نشونت
اده. نباد دمبال چیزی ابین که وجود اشخی. آ آشکارا بی اونان یادت شیوو تا برش
شک مکنین. وختی ای کار اکن، شاد دردی که تجربه تکن، یاد اکنین. مترسی! آ
درست هموجان و برتون ارامش ابخشه.

در حالی که بی هر کدوم آ ای افراد آ تقصیر کاری که نذبت بی شما انجوم شدان، رها
اکنین، هر کدوم دونه دونه تصور اکنین و بی هر کدوم شخصا ابخشین. بدهی ای که بی

شما شوهن، باطل اکنین. بعد ایطو دعا اکنین، ولی بی ای واژگهون محدود نبین.
آ ای دعا بی عنوان طرح کلی استفاده اکنین و آ روح خدا هدایت ایین.

«پدر، در نام عیسا، انهمی که مقابل تو گناه امکن؛ محض ای که کسونی که بی مُ لغزش شدان، امنبخشین. مُ توبه و طلب بخشش اکنم. همیطو هم درک امکن که بدون تو امنیشا بی اونان ابخشم. بی همی آ ته دل تصمیم اگیرم که ابخشم {نومون اضافه اکنین و هریکشون جداگونه ابخشین و رها اکنین} مُ تمون کسونی که نذبت بی مُ خطای مرتکب گشتن، زیر خون عیسا ایآرم. اونان دگه هیچ بدهی ای بی مُ شنی. مُ گناهونشون نذبت بی خوم امنبخشین.

ای پدر آسمونی، هموطو که خدای عیسا است اشخاست تا کسونی که نذبت بی آ گناه شکیبو ابخشی، مُ هم دعا اکنم تا کسونی که نذبت بی مُ گناه شکین، ابخشی. است موا بی اونان برکت ادی و بی ارتباط نزدیکتر با خوت هدایت اکنی. آمین.»

الان نوم کسونی که تبخشین و رها تکین، یادداشت اکنین و تاریخ تصمیمتون در مورد بخششون انوسین.

شاد لازم ابو تمرین اکنین تا آ لغزش ازاد امونین. (اگه ای عبارت متوجه نییین، دوبارته فصل سیزده اخونین.) تعهد اکنین که هر وخت بی خوتون دعا اکنین، بی اونانم دعا اکنین. ای یادداشت کماک اکن یادتون امونه. اگه فکرون، داره ذهنتون مرتب بمبارون اکن، بی اونان با کماک کلوم خدا و تصریح تصمیم بخشش خوتون، اخراج اکنین. شما آ خدا تخاستن تا بی قدرت بخشش برتون فیض عطا اکن، پ ادونین عدم بخشش بی قدرتمندی فیضش نن. جسور ایین و بی جنگ نیکوی ایمون اجنگین.

وختی تفهمی که دلتون قوی و استوارن، ادشون اشین. یادتون ابو که با هدف صلح و دوستی و به نفع اونان داره اشین نه بی نفع خوتون. با انجوم ای کار، بی پیروزی مهر ازین و هوای کوکای خوتون توهن. (متا ۱۸: ۱۵ ابینین) ای کار آ نظر خدا خيله رضایت بخشن.

«بی اُ که ششا بی شما آ لغزش محفوظ نگه اکن و در حضور پر جلال
خوش بی عیب و آکنده آ شادی گت حاضر اکن، بی اُ خدای یکتا و
نجات دهنده مون، بی واسطه عیسای مسیح، خدامون، آزل، حال،
و تا ابد، جلال و شکوه و توانایی و قدرت بادا! آمین».

– یهودا ۲۴ - ۲۵

ای خدا پ کای؟!

پیدا کردن مهارت و هدف، تو دوره ان بیابون



آیا تو دوره ان مشکل زندگی احساس اکنین گم گشتستین و آخوتون اِپرسین: «ای خدا پ کای؟!» شاد خدا قبلندو باتون گپ اِشزن، ولی الان ساکت بنظر ایا شاد تو ایمون جیلو افتاستین، ولی حالا بودنش احساس نیکنین. پ باد اِگم بی بیابون خوش اومدین؛ جایی که بین دریافت وعده و عملی شدنش فاصلن.

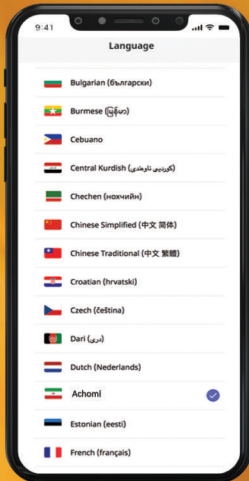
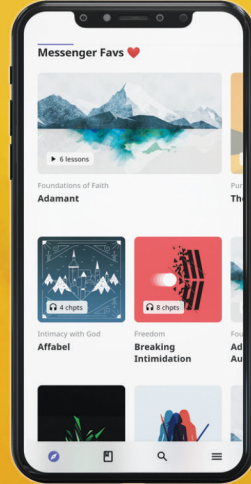
ولی خبر خوش این که بیابون یه ناکجا آباد بی هدفی نن. خدا آ بیابون استفاده اِکن تا بی سرنوشتتون آماده و روراست اِکن. اِی اتفاق بشرطی افته که شما مسیر خوتون دُرس پیدا اِکنین. برعکس چیزی که دگرون فکر اکنن، رد گشتن آ اِی دوره فقع به معنی منتظر خدا نشتن نن. شما تو پیدا کردن راه دُرس نقش مهمی تو هن. اِگه تنیوا با چرخ زدن دور خوتون، وختتون هدر عادین، باد دلیل دوره ان خشک بیابونی درک اِکنین.

جان بیور تو ای کتاب با فهم و روشنی، بی شما با نگاه کتاب مقدسی و روایتی تجهیز اکن که برتون کوماک اِکن که اِتونین تو دل بیابون یا دوره ان سخت، داخل راهی اِیین که خدا برتون در نظر اِژگن

X MessengerX

سفر شاگردی پی همه، تو همی جاهون

- مفتی پی ۱۳۰ زبون مختلف
- قابل گتن آ طریق اپلی کیشن و آنلاين
- منابعی پی رشدتون
- دمهال کردن سابقه هون و رای شاگردون



شامل کتابخونه و منبعونی که شاگرد بار آتاره
پیغوم رسون به شکل کتابون دیجیتالی، کتابون صوتی،
فیلمون کوتاه، یاد دادن آ طریق ویدیو، کتاب مقدس و
منبعون دگه. شما تاشا اپی منبعون رو تو همی
دستگاهون اپنین، اخونین یا بی اونان گوش اکنین.

MessengerX.com



قابل دانلود تو آپ استور و گوگل پلی توسرتاسر جهون

فرار آتلی کشنده ی دشمن

کتاب «تلی شیطان» یکی از گول زنک ترین تله آنین که شیطان بکار ابره بری ای که نهله ایموندارون اراده خدا تو زندگیشون حقیقت پیدا اکن، لو اده و ای تله چیز ی نن جز رنجش. بیشتر افرادونی که تو ای تله گیر افتاستن حتا ای قضیه خبرم شونی. گول مخورین! خواه ناخواه با رنجش روبرو ابین، ولی ای بی شما بستگیش که تو رابطمتون با خدا چه اثری اهل. جوابنتون معین اکون بی آیندومتون. اگه بی رنجش درست مدیریت اکنین، به جای که تلختر ابین، قویتر ابین. جان بیور تو سال دهی که بی ای کتاب پر فروش نشر اژدان برتون نشون اده که چطو آ رنجش آزاد امونین و تبدیل بی قریونی ذهنی نبین. ای کتاب که بالای شیش میلیون دونه آ نمونش تو سراسر جهون فروخته گن، توش قسمونه افرادین که وختی متن کتاب شاخوند، قسمت اندیشه هون روحانی، سوالون بحثی و دعائون کتاب، زندگیشون متحول گن.

شمام جواب ایطوسوالون سختی تو کتاب پیدا اکنین:

- بی چه یکسر وسوسه ائم که بی قضیان، او طو که خوم موا تعریف اکنم؟
- چطو مشا با فکرون شک و نااعتمادی اجنگم؟
- چطو مشا مرور زخمون پیش ترون، نگه اکنم؟
- چطو مشا بی کسی که بی موسخت رنج اژدان، دومرتبه اعتماد اکنم؟

ای کتاب همیقه که کماکتون اکون تا آ تلی رنجشی که دشمن برتون پهن اشکن، فرار اکنین، برتون قوت ابخشه که آ رنجش آزاد امونین و قادر ابین بی مانع با خدا رابطه ثبایش.

جان و ضیفش لیزا بیور، آ بانینون سازمون جهونی مسنجرن. جان محض نویسندگی و خدمت گذاری همیشه با نترسی و با شوق، بی سازش پی حقیقت اعلام اکون. خواستش، حمایت آ کلیسان محله ای و تجهیز رهبرون با منابع مختلفن بی توجه به جا مکانونشون، وضعیتون مالیشون یا زبونون آوانان. بی اینان، کتابون و منابع تعلیمیشون بالای ۱۳۰ زبون ترجمه شکن و میلیون ها دون آ آوانان چاپ شکن و یطو هدفدار بین رهبرون و کلیسان محله ای پخش شکن.



MessengerX.com
ای کتاب و دگه منابعون تو سایت زیر دانلود اکونین:

ای کتاب سوغاتن آ طری
نویسنده و بی فروش نن.



تو جوتیات پیشتر اسکن اکنین

